

کلیات :

بیان مسئله :

سید محمد حسینی بهشتی در ۲ آبان سال ۱۳۰۷ در محله لبنان (لومبان) اصفهان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد و بعد از طی کردن دوران دبستان و دبیرستان در سال ۱۳۲۱ در سن ۱۴ سالگی دبیرستان را رها کرد و وارد حوزه علمیه اصفهان شد. وی تا سال ۱۳۲۵ در اصفهان بود و پس از آن برای ادامه ی تحصیلات حوزوی وارد شهر قم گردید. در کنار طلبگی با گرفتن دیپلم ادبی به صورت متفرقه و ورود به دانشکده معقول و منقول دوره ی لیسانس را در سالهای ۲۷ تا ۳۰ گذراند. در سال ۱۳۴۲ با هیئت های مولفه رابطه فعال و سازمان یافته داشته و در شورای فقهی این جمعیت فعالیت داشت. در اسفند سال ۱۳۴۳ به پیشنهاد آیت الله میلانی و خوانساری به هامبورگ رفت و در سال ۴۹ بر حسب ضرورت سفری به ایران داشت که در آن سفر توسط ساواک ممنوع الخروج شد و اقامت شش ساله او در هامبورگ سپری گردید. پس از رفتن امام خمینی به پاریس به آنجا رفته و مجوز تأسیس هسته ی شورای انقلاب را از امام گرفت. وی به عنوان دبیر شورای انقلاب انتخاب شد. در اول اسفند سال ۵۷ حزب جمهوری را تأسیس کرد و در ۱۴ اسفند ۵۸ طی حکمی از سوی امام ریاست قوه قضائیه را به عهده گرفت. پس از برکناری بنی صدر به همراه رجایی و رفسنجانی در شورای موقت ریاست جمهوری عضویت داشت و سرانجام در ۷ تیر سال ۶۰ به همراه ۷۲ تن از رجال و شخصیت های سیاسی و انقلابی توسط مجاهدین خلق ترور شد.

نگارنده در این پایان نامه تلاش می کند در حد توان خود شرح کاملی از شخصیت فرهنگی، سیاسی و علمی آیت الله بهشتی به دست دهد تا بدین وسیله دانش پژوهان با شخصیت و اندیشه ایشان که بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی است آشنا گردند.

## سوال اصلی تحقیق :

۱- آیت الله بهشتی در تحولات انقلاب اسلامی ایران در سالهای ۶۰-۵۶ چه تأثیری داشت ؟

## فرضیه اصلی تحقیق :

۱- آیت الله بهشتی با حضور موثر در نهضت اسلامی و شورای انقلاب، در جایگاه اشاعه اندیشه های انقلاب، تأسیس حزب جمهوری و مدیریت مجلس خبرگان و تنظیم قانون اساسی نقش موثری در سالهای ۵۶ تا ۶۰ ایفا کرد

## سوالات فرعی:

۱- اساس اندیشه سیاسی آیت الله بهشتی به ویژه در ارتباط با حکومت مطلوب چه بود؟

۲- در میان خدمات انقلابی آیت الله بهشتی کدام یک از ارزش واهمیت ویژه ای برخوردار بود؟

## فرضیه های فرعی :

۱- حکومت مطلوب ایشان حکومت امت و امامت است یعنی در عین اینکه نبض حکومت در دست ولی فقیه می باشد همکاری و تعامل او و مردم قطع نشود .

۲- ارزشمندترین خدمت آیت الله بهشتی به انقلاب اسلامی تلاش در تدوین قانون اساسی بود.

## سوابق پژوهشی موضوع:

در رابطه با شخصیت آیت الله بهشتی و اندیشه هایش پایان نامه هایی با عناوین اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید بهشتی نوشته صدیقه قاسمی در دانشگاه آزاد واحد کرج در سال ۱۳۸۰، جوان از دیدگاه شهید بهشتی نوشته رقیه بیک زاده در حوزه علمیه قم سال ۸۳، آزادیهای اجتماعی در نگاه شهید بهشتی نوشته رحمت الله موسوی مقدم عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام گروه معارف در سال ۸۳، بررسی و تبیین مفهوم آزادی در اندیشه ی شهید بهشتی نوشته رحمت مهدوی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۰، بررسی آراء و اندیشه های سیاسی و اجتماعی آیت الله بهشتی نوشته محمدرضا آهنگریان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس در سال ۱۳۸۹، نسبت آزادی و مشروعیت در حکومت اسلامی از نگاه شهید بهشتی نوشته محمد اسماعیل شیخانی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۹، نوشته شده اما در خصوص پایان نامه حاضر که اندیشه و عملکرد آیت الله بهشتی در استقرار نظام جمهوری اسلامی می باشد تحقیق جامعی صورت نگرفته است. همچنین کتابهایی که تاکنون نوشته شده است از این قرار می باشد زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی نوشته علی کردی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی نوشته امامعلی شعبانی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، بهشتی و انقلاب نوشته مسیح مهاجری انتشارات اوج، ۱۳۳۶۱ و..... در واقع می توان گفت تفاوت این کار پایان نامه با پایان نامه های مرتبط با آیت الله بهشتی در این است که در کنار بررسی اندیشه های وی عملکردهای او را هم در دهه های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ مورد بررسی قرار می دهیم علاوه براین در این پایان نامه به مباحثی پرداخته شده که در پایان نامه های قبلی وجود ندارد

## بیان روش و مراحل تحقیق :

روش تحقیق در این پایان نامه روش تاریخی و به شیوه توصیفی - تحلیلی است به این معنا که

ابتدا با توجه به طرح اولیه پژوهش و با استفاده از شیوه ی کتابخانه ای اقدام به شناسایی منابع و جمع آوری اطلاعات کرده سپس به توصیف اندیشه و عملکرد آیت الله بهشتی مبادرت و به تحلیل پرداخته همچنین در این پایان نامه از روش میدانی (مصاحبه) و اسنادی نیز استفاده شده است.

## نتایج علمی قابل پیش بینی از تحقیق :

هدف از این پژوهش بررسی اندیشه های سیاسی ، اقتصادی و دینی آیت الله بهشتی و همچنین عملکردش به صورت جداگانه می باشد . نتایجی که از این تحقیق می توان متصور بود ۱- میزان نقش شخصیتها در تحولات تاریخی به دست خواهد آمد ۲- بخشی از تاریخ معاصر ایران روشن خواهد شد ۳- خواننده با بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی آشنا خواهد شد . امید است از نتایج این پایان نامه دستگاههای فرهنگی و سیاسی کشور همچون وزارت علوم ، وزارت ارشاد ، وزارت امور خارجه ، سازمان تبلیغات و نهادهای حوزوی و دانشگاهی استفاده ببرند.

## سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در چند بخش تنظیم شده و هر بخش نیز به فصولی تقسیم شده است در بخش نخست نگارنده نگاه اجمالی به زندگینامه آیت الله بهشتی دارد که شامل تولد و پیشینه ی خانوادگی ، تحصیلات و اساتید ، زمانه و فضای سیاسی ایران از شهریور ۱۳۲۰- ۱۵ خرداد ۴۲ می باشد .

بخش دوم این پایان نامه عملکرد و فعالیت های آیت الله بهشتی می باشد در واقع پاسخ به سوال اصلی این پایان نامه در این بخش گنجانده شده است . که فصول این بخش شامل فعالیتهای دهه ی ۳۰ که خود این فصل نیز زیر مجموعه هایی چون تأسیس مدرسه ی دین و دانش ، مدرسه حقانی ، کانون دانش آموزان و فعالیت مطبوعاتی رادر بردارد.

فصل دوم این بخش فعالیت دهه ی ۴۰ با تکیه برانتقال آیت الله بهشتی از قم به تهران ، عضویت او در شورای فقهی هیأت مؤتلفه و عزیمت وی به آلمان می باشد .

فصل سوم این بخش به بازگشت آیت الله بهشتی از هامبورگ ، فعالیت او در تدوین کتب دینی ، جامعه ی روحانیت مبارز ، راهپیمایی عید فطر ، راهپیمایی شانزده شهریور ، راهپیمایی تاسوعا وعاشورا ، تحصن در دانشگاه تهران و تشکیل کمیته استقبال اشاره دارد که این فعالیت ها مربوط به قبل از انقلاب است .

همچنین در این فصل به فعالیت و عملکرد پس از انقلاب او نیز پرداخته شده که شورای انقلاب، حزب جمهوری، ماجرای کردستان، مجلس خبرگان، شورای عالی قضایی، تسخیر لانه ی جاسوسی، اصلاحات ارضی و جریان بنی صدر را در بر دارد.

در بخش سوم این پایان نامه به اندیشه های آیت الله بهشتی در بخشهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی پرداخته شده است.

از دیگر مباحثی که در این پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است می توان به بهشتی از نگاه دیگران، آیت الله بهشتی و امام خمینی، بهشتی و روش گروههای مسلح در رابطه با فدائیان اسلام، هیأت مؤتلفه و مجاهدین خلق، شایعات و شبهات و حادثه ی ۷ تیر اشاره کرد.

## معرفی و ارزیابی منابع:

۱- **سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله شهید محمد حسینی بهشتی:** این کتاب که مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در سال ۸۶ چاپ کرده است تدوین آن را محمدرضا سرابندی برعهده داشته است و در سه جلد تنظیم شده، جلد اول آن شامل دو بخش است، بخش اول به پنج فصل تقسیم شده و شامل زندگی نامه، فعالیت های سیاسی، عملکرد و اندیشه های شهید بهشتی می باشد که در قسمت زندگی نامه اصل مطالب برگرفته از زندگی نامه دکتر بهشتی به زبان خودش که در مجله شاهد به چاپ رسیده می باشد البته برای تکمیل مباحث این بخش از اسناد و منابع دیگر و همچنین خاطرات افرادی که با وی همکاری داشته اند نیز استفاده شده است، بخش دوم این کتاب سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله بهشتی است، سخنرانی هایی که در سالهای ۵۹-۴۰ انجام شده است ج دوم این مجموعه سخنرانیها و مصاحبه های سال ۵۹ یعنی از خرداد تا اسفند این سال و جلد سوم این مجموعه از اسفند سال ۵۹ تا شهادتش را در بردارد در واقع مرکز اسناد انقلاب اسلامی سخنرانیها و مصاحبه های شهید بهشتی را در یک مجموعه سه جلدی جمع آوری کرده است این مجموعه شامل تمامی سخنرانی ها و مصاحبه های دکتر بهشتی است و ضمن اینکه به عنوان یک منبع مهم تاریخ انقلاب اسلامی به ویژه در سال ۶۰-۵۸ به حساب می آید بازگوکننده ی میزان فعالیت و عمق اندیشه ی او است. آیت الله بهشتی در سخنرانی ها و مصاحبه های خود نظراتش را در باره ی مسایل گوناگون عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیان کرده است لذا این مجموعه تمامی سخنرانیها و مصاحبه های وی را بعد از انقلاب جمع آوری کرده است. این سخنرانیها و مصاحبه ها بر اساس ترتیب زمانی مرتب شده است و ۳۰۰ مورد را شامل می شود. منابعی که این سخنرانیها و مصاحبه ها از آن استخراج شده است در درجه اول روزنامه ها به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی طی سالهای ۵۷ تا ۶۰ می باشد البته از روزنامه ها و مجلات دیگر و نیز آرشیو مرکز اسناد

برای تکمیل این مجموعه استفاده شده است. نگارنده از این مجموعه سه جلدی در بیشتر بخشهای پایان نامه بهره برده است.

**۲- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله شهید دکتر بهشتی:** این کتاب را امامعلی شعبانی عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک تدوین کرده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در زمستان ۸۷ چاپ کرده است، شعبانی با استفاده از منابع شفاهی به بازگو کردن خاطرات نزدیکان و دوستان آیت الله بهشتی پرداخته است ابتدا سعی کرده در درجه اول شهید بهشتی را آن چنان که بوده و زندگی کرده معرفی کند و بعد به نقش و جایگاه او در تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران بپردازد. اساس منابع تحقیق را در خصوص زندگی و مبارزات شهید بهشتی را مصاحبه ها، گفتگوها و دست نوشته های خانواده آیت الله بهشتی به ویژه محمدرضا، علیرضا بهشتی و دکتر جواد اثره ای (داماد بهشتی) تشکیل داده است. این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است که فصل اول آن به تولد وزادگاه آیت الله بهشتی، ویژگی علمی و شخصیتی خاندان وی و ماجرای ازدواج او پرداخته است.

فصل دوم مهاجرت و اقامت آیت الله بهشتی به قم، تحصیلات، اساتید، و هم دوره های او و تحصیلات جدید آیت الله بهشتی تا مقطع دکتری را شامل می شود.

فصل سوم فعالیت آیت الله بهشتی را در دهه ۱۳۳۰ در قم بحث می کند که این فعالیت ها آموزشی، علمی و اجتماعی بوده همچنین انتقال او به تهران در این فصل بحث شده است.

فصل چهارم: به دوره ی دوساله اقامت او در تهران اختصاص دارد او در این سالها به فعالیت های فرهنگی و آموزشی پرداخته و در مدارس چون کمال و رفاه تدریس داشته، در تدوین کتب درسی همکاری داشته و همچنین در هیأت مؤتلفه فعالیت میکرده است.

فصل پنجم به شرح علل هجرت ایشان به آلمان و فعالیت های مختلف او در آنجا می پردازد.

فصل ششم به بازگشت آیت الله بهشتی از آلمان، رابطه اش با علی شریعتی، مجاهدین خلق، و وقایع سال ۵۷ اشاره دارد.

فصل هفتم سال های بحران (۶۰-۵۸) را در بردارد و در مورد شورای انقلاب، مجلس خبرگان، شورای عالی قضایی، اصلاحات ارضی، حزب جمهوری، تسخیر سفارت آمریکا، جریان بنی صدر و شهادت آیت الله بهشتی بحث کرده است.

فصل هشتم در مورد ویژگی شخصیتی آیت الله بهشتی مطالبی را عنوان کرده است. شعبانی برای نوشتن این کتاب از مصاحبه های زیادی که در آرشیو بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، از سخنرانی هایی که در آرشیو معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین از روزنامه هایی چون آزاد، اطلاعات، قدس، جمهوری اسلامی، کیهان و غیره استفاده کرده است. نگارنده در بیشتر مباحث پایان نامه از این کتاب استفاده کرده است.

**۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک:** جایگاه و اهمیت اسناد در پژوهش های تاریخی پوشیده نیست به ویژه اسناد اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که برای اهداف خاصی تهیه می شد این اسناد اغلب به نام شخصیت ها، احزاب، گروهها و..... بایگانی شدند و استفاده از این اسناد در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی همواره مورد توجه بوده است. جلد سوم این کتاب اختصاص به شخصیت و فعالیت های آیت الله بهشتی دارد این کتاب ارائه کننده ی اسنادی است که توسط یک منبع رسمی حکومت پهلوی یعنی ساواک جمع آوری شده و آنچه آنها مکتوب کرده اند بیانگر واقیتهای آن روزگار است. خصلت مبارزاتی شخصیت های انقلاب اسلامی موجب شده که اینان پرونده های قطوری نزد ساواک داشته باشند این گزارش های پر حجم در وهله ی اول ویژگی های مبارزاتی این رجال را نمایان می کند چون مأموران امنیتی رژیم شاه نخستین توجه شان در کسب خبر و ارائه ی گزارش خصلت ضدشاهی بود. اسناد این کتاب به ترتیب زمان و تاریخ چیده شده و از سال ۴۰ ساواک اسنادی را در رابطه با فعالیت آیت الله بهشتی جمع آوری کرده است در این کتاب با توجه به موضوع گزارش شده و چون حالت گزارش دارد دقیق ترین و جزیی ترین مسایل را هم عنوان کرده اند، در حاشیه اسناد در مورد حوادث و شخصیت های آن توضیحاتی داده شده این اسناد تا سال ۱۱ دی ۵۷ می باشد و از سال ۵۴ به بعد تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی تبدیل شده یعنی گزارش سالهای ۵۵ و ۵۶ به تاریخ شاهنشاهی ۳۵ و ۳۶ می باشد بخشی از این کتاب مجموعه نامه هایی است که توسط آیت الله بهشتی و دوستانش مبادله گردیده و توسط سانسور پستی ساواک ضبط گردیده بیشتر گزارش های این اسناد مربوط به حضور بهشتی در هامبورگ می باشد از این کتاب در قسمت اساتید، فعالیت و عملکرد آیت الله بهشتی در دهه ی ۳۰ و ۴۰ استفاده شده است.

#### ۴- ارزشها در نگاه شهید بهشتی:

روزنامه جمهوری اسلامی با توجه به آفت های گوناگونی که بر سر راه انقلاب و نیروهای انقلابی وجود دارد یادآوری مبانی ارزشی را از زبان چهره های اصیل دینی و پیشگامان انقلاب اسلامی یک ضرورت می داند بر همین اساس هر روز یک جمله از فرمایشات امام خمینی زینت بخش صفحه اول این روزنامه می باشد و در مقاطع مختلف به تناسب، جملاتی از بزرگانی چون شهید بهشتی به چاپ می رسد انتشار

مطالبی تحت عنوان ارزشها از نگاه شهید بهشتی در تابستان ۱۳۷۳ به مناسبت فاجعه ۷ تیر بنا به تقاضای مردمی و استقبال زیاد به صورت کتاب جداگانه ای چاپ و انتشار یافت. مطالب این کتاب از آثار خود آیت الله بهشتی گرفته شده آثاری چون محیط پیدایش اسلام، ربادر اسلام، در هدایت و عدالت، نقش انبیاء و پیامبران، حج در قرآن، خدا از دیدگاه قرآن، اقتصاد اسلامی، بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم از این کتاب در قسمت اندیشه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی استفاده شده است.

در نوشتن این رساله از خاطرات زیادی استفاده شده از جمله خاطرات سید محسن موسوی فرد، خاطرات محمد حسن خاکساران، خاطرات محمد جواد کشمیری، خاطرات علی دوانی، خاطرات ابوالفضل توکلی بینا، شهید محلاتی، عبدالمجید معادی خواه، محسن دعاگو، رضا استادی، لطف الله میثمی، و غیره خاطرات از نظر اینکه توسط افرادی نوشته شده که در مصدر امورات بوده و در اتفاق رخ داده دخیل بوده اند حائز اهمیت می باشد اما در کنار این محاسن نباید از معایب آن غافل شد، از آنجایی که این خاطرات پس از گذشت سالها از وقوع حادثه نوشته می شود می تواند معایب متعددی به دنبال داشته باشد از جمله این معایب می توان به ۱- آفت فراموشی به دلیل گذر زمان که مانع از بیان جزئیات حادثه می شود ۲- تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه در بیان راوی برای بازگو کردن خاطرات ۳- منفعت طلبی ۴- تبرئه کردن خود ۵- شخصیت زدگی اشاره کرد در نتیجه باید در استفاده از مطالب خاطرات احتیاط کرد و برای اطمینان با مطالب منابع دیگر تطبیق داد.

در بخش اندیشه های آیت الله بهشتی در زمینه ی سیاسی، اقتصادی، دینی و اجتماعی از کتابهای وی استفاده شده است از جمله کتاب بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام انتشارات بقعه ۱۳۸۶، اقتصاد اسلامی انتشارات فرهنگ اسلامی ۱۳۷۴، ربا در اسلام انتشارات فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹، ولایت، رهبری و روحانیت انتشارات بقعه ۱۳۸۳، حزب جمهوری مواضع تفصیلی بقعه ۱۳۸۸، شناخت اسلام ۱۳۵۹، نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت که ستاد برگزاری مراسم هفت تیر در ۱۳۶۲ چاپ کرده است

## زندگینامه آیت الله بهشتی:

### ۱ - تولد و پیشینه خانوادگی:

سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان سال ۱۳۰۷ در محله ی لومبان شهر اصفهان متولد شد. پدرش فضل الله نام داشت و از روحانیون و مدرسان برجسته حوزه علمیه اصفهان و همچنین امام جماعت مسجد لبنان (لومبان) بود که در سال ۱۳۴۱ فوت کرد و مادرش معصومه بیگم. این خانواده به غیر از فرزند پسر که محمد بود صاحب دو دختر نیز به نام‌های بتول وزینت‌السادات بودند، سلسله نسب این خانواده به امام سجاد (ع) می‌رسید.<sup>۱</sup> بهشتی از طرف خانواده مادری از یکی از خاندان‌های معروف اصفهان یعنی خاتون آبادی محسوب می‌شد، پدر بزرگ وی سید محمد صادق مدرس خاتون آبادی از مراجع و مجتهدین برجسته عصر خود بود که با شخصیت‌هایی چون آیت الله نائینی، شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله اصفهانی و آقاضیاء عراقی هم عصر بوده و از محضر اساتیدی چون آخوند خراسانی و محمد کاظم طباطبایی بهره برده و به خاطر رابطه و علاقه ای که بین او و استادش یعنی آخوند خراسانی وجود داشت به وی در نوشتن کتاب کفایه الاصول کمک کرد. همچنین از شرکت کنندگان در تحصن علما در اعتراض به اعمال ضد دینی رضاشاه که توسط حاج آقا نور الله اصفهانی رهبری می‌شد و در سال ۱۳۴۶ ق اتفاق افتاد بوده و بسیاری از علما از محضرش استفاده کرده اند از جمله امام خمینی و سرانجام آیت الله خاتون آبادی در سال ۱۳۰۸ ش در حالیکه محمد بهشتی یک سال بیشتر نداشت دار فانی را وداع گفت.<sup>۲</sup>

### ۲ - تحصیلات و استادان:

بهشتی در سال ۱۳۱۱ در سن چهار سالگی خواندن و نوشتن در مکتب خانه را آغاز کرد و دوره ی دبستان را در مدرسه ی دولتی ثروت که بعدها ۱۵ بهمن نام گرفت گذراند در ابتدای ورود به مقطع دبستان از وی آزمون ورودی گرفتند و نتیجه اش این شد که به کلاس ششم برود اما به دلیل سن کمش قبول نکردند و به کلاس چهارم رفت پس از پایان یافتن دوره ی دبستانش به دبیرستان سعدی رفت و در اوایل سال دوم دبیرستانش بود که حوادث شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - کردی، علی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۱

<sup>۲</sup> - شعبانی، امامعلی، تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۴-۲۲

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، محمد، سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۳ (اسفند ۱۳۵۹ تا شهادت)، تدوین: محمدرضا سرابندی، تهران،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳



پس از شهریور ۲۰ به دلیل مشغول بودن دستگاه رژیم پهلوی با مسائل سیاسی مختلف تاحدی از فشاری که از جانب حکومت بر روحانیون حاکم بود کاسته شد و فرصتی مناسب برای یادگیری علوم اسلامی به وجود آمد و علمای آن دوران سعی کردند از فرصت به وجود آمده نهایت استفاده را داشته باشند و خسارت و لطمه هایی که از جانب حکومت رضاشاه بر حوزه های علمیه آمده بود را جبران کنند لذا سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۱ سالهای اوج اشتیاق مردم برای یادگیری علوم اسلامی بود.<sup>۱</sup>

عوامل مختلفی در تمایل و علاقه ی بهشتی برای کسب تحصیلات حوزوی نقش داشته اند از جمله اینکه دبیرستانی که اودر آن درس می خواند در میدان شاه سابق (میدان امام کنونی) واقع بود جایی که مدارس حوزوی از جمله مدرسه ی صدر، مدرسه ی جده و دیگر مدارس طلاب در آنجا قرار داشت و بین مدرسه ی وی تا منزلشان چهار پنج کیلومتر فاصله بود و از آنجایی که او این مسیر را پیاده رفت و آمد می کرد در بین راه با کسانی که دروس حوزوی می خواندند آشنا می شد. علاوه بر اینکه او در خانواده ای رشد کرده بود که پدرش روحانی بود هم از طرف پدری و هم از طرف مادری در فراگیری تحصیلات حوزوی سابقه ی دیرینه داشته اند، او در سال دوم دبیرستان همکلاسی ای داشت که در سرکلاس به جای توجه به درس معلم کتابهای عربی می خواند و همه ی این عوامل دست به دست هم دادند و باعث شدند در وجود بهشتی شوقی به وجود بیاید که دوره ی دبیرستان را به اتمام نرساند و به سوی طلبه شدن برود.<sup>۲</sup>

وی در سال ۱۳۲۱ ش به مدرسه ی صدر اصفهان رفت و تا سال ۱۳۲۵ در این مدرسه درسهای ادبیات عرب، منطق، کلام و سطوح فقه و اصول را یاد گرفت. علاقه و استعداد ذاتی بهشتی برای یادگیری علوم اسلامی باعث شد تا او دوره ی سطح (از مقدمات تا کفایه) را در مدت چهار سال به اتمام برساند که این مورد در نوع خود بی نظیر بود چون دوره ی سطح اتمامش هشت سال طول می کشید در حالیکه بهشتی آن را در عرض چهار سال به پایان رساند.<sup>۳</sup> وی در سال ۱۳۲۴ تصمیم گرفت در حجره ی مدرسه بماند زیرا فاصله ی منزل تا مدرسه چهار پنج کیلومتر بود و این رفت و آمد وقت زیادی از او می گرفت، از طرفی از آنجایی که مادر بزرگ و عموهایش در همان خانه پدری زندگی می کردند خانه پر جمعیت و شلوغ بود و فضای مناسبی برای مطالعه نبود در نتیجه تصمیم می گیرد سالهای ۲۴ و ۲۵ را در حجره اش بماند. این حجره همان حجره ای بود که در آن مدرس و میرزای شیرازی روزگاری را در آن سپری کرده بودند.<sup>۴</sup>

۱ - شعبانی، پیشین، ص ۲۸

۲ - حسینی بهشتی، پیشین، ص ۱۶۳

۳ - شعبانی، پیشین، ص ۳۰ و پاورقی

۴ - همان، ص ۳۰

بهشتی در سال ۱۳۲۵ش در اواخر دوره سطح بود که تصمیم گرفت برای ادامه ی تحصیلات حوزوی خود به قم برود و در ابتدای ورودش به قم به مدرسه ی حجّیه که آیت الله حجت کوه کمره ای تأسیس کرده بود رفت او در آن موقع هیجده سال بیشتر نداشت. وی ابتدا در حدود شش ماه بقیه ی سطح، مکاسب و کفایه را مطالعه و تکمیل کرد و از ابتدای سال ۱۳۲۶ یادگیری درس خارج را آغاز کرد و درس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله محقق داماد می رفت، از دیگر اساتیدش امام خمینی بود که تقریباً از سن بیست و سه سالگی پای درس امام رفت و نخستین درسی که بهشتی از درس امام در آن شرکت کرد درس صرف بود او همچنین مدتی از درس آیت الله محمدتقی خوانساری و حجت کوه کمره ای بهره برده و در آن زمان که بقیه ی سطح را می خواند مقداری از کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی تلمذ نمود.<sup>۱</sup> از جمله دیگر درسهایی که بهشتی به طور مداوم و فعالانه در آن شرکت می کرد درس آیت الله بروجردی بود که شیوه بیان مطالب و تدریس ایشان همیشه برای وی جذابیت داشت به گونه ای که او دقت نظر خود را در برخورد با مباحث مختلف و اهمیت دادن به افزایش معلومات علمی را مدیون این عالم بزرگ می دانست.<sup>۲</sup> از اولین دوستان دوران طلبگی بهشتی و کسانی که با وی هم بحث بودند می توان به افرادی چون سید موسی شبیری زنجانی، سید مهدی روحانی، آذری قمی، مکارم شیرازی و امام موسی صدر اشاره کرد.<sup>۳</sup>

بهشتی در سال ۱۳۲۷ تصمیم گرفت کنار تحصیلات حوزوی تحصیلات جدید را نیز ادامه دهد بنابراین با گرفتن دیپلم ادبی به صورت متفرقه و آمدن به دانشکده معقول و منقول آن موقع (الهیات) دوره لیسانس را در رشته ی فلسفه در فاصله ی سال های ۳۰-۲۷ گذراند او در سال های ۳۰-۲۹ به تهران آمد تا هم از تحصیلات علوم جدید بهره ببرد و هم زبان انگلیسی خود را تقویت و کاملتر کند و برای تأمین هزینه ی زندگی اش تدریس می کرد. او در سال ۳۰ لیسانس خود را گرفت و برای ادامه ی تحصیل به قم برگشت و به عنوان دبیر زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی مشغول به تدریس شد.<sup>۴</sup>

بهشتی در سن ۲۴ سالگی و در چهار اردیبهشت ۱۳۳۱ با نوه خاله و به نسبتی دیگر نوه عموی خود که چهارده سال بیشتر نداشت ازدواج کرد.<sup>۵</sup> آنها سه ماه نخست را در اصفهان گذراندند و بعد از آن به قم آمدند و به مدت ۱۲ سال در قم ماندند.<sup>۶</sup> او پس از گرفتن مدرک لیسانس خود در سال ۳۰ در رشته ی فلسفه به دلیل علاقه ای که برای فراگیری علوم عقلی داشت و همچنین رفع ابهام سوالات فلسفی اش

<sup>۱</sup> - همان، صص ۴۱-۳۹

<sup>۲</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج سوم (شهید بهشتی) تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج اول، ۱۳۷۷، ص ص ۱۷۳

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، پیشین، ص ۱۷۳

<sup>۴</sup> - همان، ص ۱۶۵

<sup>۵</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، جلسه دوم، ۹۱/۸/۳

<sup>۶</sup> - ابراهیم زاده، حسن، بهشتی در زمین، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷، ص ۳۵

تصمیم گرفت به خارج از کشور سفر کند و در آزمون بورس تحصیلی خارج از کشور قبول شد و قصد سفر داشت که به پیشنهاد دوست خود یعنی آیت الله مطهری در کلاس درس علامه طباطبایی حاضر می شود و چنان مجذوب شخصیت و بردباری ایشان می شود که از سفر خود منصرف و به مدت پنج سال یعنی از سال ۳۰ تا ۳۵ از محضر وی بهره برد. علامه اسفار ملاصدرا و شفای ابن سینا را درس می داد. و سرانجام اینکه بهشتی در آزمون دکتری فلسفه اسلامی قبول شد و از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ دوره ی دکتری خود را در رشته ی فلسفه دانشکده معقول و منقول (الهیات) گذراند و موضوع رساله ی ایشان در این مقطع مسائل ماوراء الطبیعه در قرآن بود و در جلسه ی دفاعیه ی وی اساتیدی چون محمود شهابی، امیرحسین آریان پور و آیت الله مطهری به عنوان استاد راهنمای این رساله حضور داشتند.<sup>۱</sup> علاوه بر بهشتی محمد جواد باهنر نیز رساله ی مقطع دکتری خود را با راهنمایی استاد مطهری نوشته بود.<sup>۲</sup>

### ۳- زمانه و فضای سیاسی ایران (۱۳۴۲-۱۳۲۰)

#### ۱- از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۳۲:

در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ کشور های انگلیس و شوروی توسط سفیران خود هر کدام یادداشت های جداگانه ای را به اطلاع ایران رساندند که متن این یادداشت ها چنین بود: «چون دولت ایران در انجام درخواست های فوری و مهم دو کشور همسایه که در یادداشت های مورخه ی ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۰ به صورت مبسوط و واضح به آنها اشاره شده بود سهل انگاری کرد و سیاست مبهمی در این موقع باریک و خطرناک پیش گرفت و اظهارات و تذکرات دوستانه ی ما را نخواست و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچ گونه اقدامی نکرد به این سبب دولت های انگلیس و شوروی خود را ناگزیر دیدند به نیروهای مسلح خود دستور دهند که از مرزهای ایران عبور کنند و اینک با کمال تاسف به آقای نخست وزیر اطلاع می دهیم که واحدهای شوروی و انگلیس طبق دستور ستادهای مربوطه وارد خاک ایران شده و مشغول پیشروی هستند.»

به دنبال یادداشت های آنها رضا شاه قبل از اینکه متفقین نیروهای خود را وارد تهران کنند در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ بنا به پیشنهاد انگلیس از سلطنت کنار رفت و حکمرانی را به ولیعهد خود یعنی محمدرضا پهلوی سپرد و استعفا نامه اش توسط محمد علی فروغی قرائت شد و در همان روزی که استعفای خود را

<sup>۱</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۴۹

<sup>۲</sup> - جوانمرد، احسان، رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۴۵

نوشت ولیعهد او در مجلس حضور پیدا کرد و پس از سوگند یاد کردن در حضور نمایندگان مردم، جانشین پدرش شد.<sup>۱</sup>

در واقع دولت انگلیس همانطور که روزی رضاشاه را به دنبال کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ روی کار آورد پس از گذشت چندین سال سرانجام او را از سلطنت برکنار کرد.

به دنبال حمله‌ی متفقین و استعفای رضا شاه در شهریور سال ۱۳۲۰ فضای در ایران به وجود آمد که در طی شانزده سال سلطنت رضا شاه به دلیل ایجاد جو خفقان و دیکتاتوری توسط او چنین شرایطی به وجود نیامده بود از جمله اینکه افسران ارتش و سربازان پادگان‌ها را رها کردند، روسای ایلات و عشایر که تحت نظارت پلیس تهران بودند خود را از این نظارت نجات دادند. با توجه به شرایط مناسب به وجود آمده، بسیاری از سیاستمداران کهنه کار بار دیگر به صحنه‌ی قدرت روی آوردند. روحانیون نیز که تحت فشار اعمال ضد مذهبی رضاشاه بودند وعظ و سخنرانی را از سر گرفتند و همچنین روشنفکران از طریق تشکیل حزب و منتشر کردن روزنامه وارد میدان سیاست شدند.<sup>۲</sup>

اگر بخواهیم اوضاع عمومی ایران را پس از سقوط سلطنت رضا شاه بیان کنیم می‌توان گفت به دلیل اشغال کشور توسط متفقین و ناامنی بوجود آمده، در واردات و صادرات کالاها رکود به وجود آمده بود، تقاضا برای مواد مصرفی در بازار ایران افزایش پیدا کرده بود به خصوص با توجه به نیاز نیروهای متفقین این افزایش تقاضا برای مواد مصرفی چند برابر شده بود. عده‌ای به دنبال سود دست به احتکار می‌زدند، شیوع انواع بیماری‌ها مردم را هلاک کرده بود و تمام این موارد بحران شدیدی را در زندگی عموم مردم به وجود آورده بود.<sup>۳</sup>

در واقع اگر بخواهیم پیامد حمله‌ی متفقین را به ایران در نظر بگیریم این عواقب و پیامدها در زمینه‌های مختلفی چون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت. در زمینه‌ی پیامد سیاسی حمله‌ی متفقین به ایران در شهریور سال ۱۳۲۰ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد از جمله اینکه این حمله باعث برکناری و تبعید رضاشاه و همچنین باعث سلطنت و جانشینی ولیعهد (محمدرضا پهلوی) شد. در واقع این اولین پیامد و نتیجه‌ی حمله‌ی بیگانگان به ایران بود و از آنجایی که رضا شاه در سال‌های سلطنت شانزده ساله‌ی خود با ایجاد سرکوبی و خفقان و دیکتاتوری بر مردم حکومت می‌کرد، سقوطش باعث خوشحالی مردم شد به طوری که حتی مردم ایران برای ادامه‌ی سلطنت او اقدامی نکردند. دومین مورد پیامد سیاسی را می‌توان منصوب شدن محمد علی فروغی (ذکاء الملک) به نخست‌وزیری دانست. قبل از فروغی علی منصور نخست‌وزیر ایران بود که دو روز بعد از اشغال کشور استعفا داد. بحرانی که پس از

۱ - گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش‌گروهی جامی، تهران، نیلوفر، چ دوم، ۱۳۶۲، صص ۹۹-۸۹

۲ - آبراهامیان، پرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۸-۲۰۲

۳ - گذشته چراغ راه آینده، پیشین، صص ۱۶۳-۱۶۲

شهریور ۱۳۲۰ به وجود آمده بود کشور را به قدری آشفته کرد که کابینه های به وجود آمده و دولت هایی که تشکیل می شد، دوام و ثبات زیادی نداشتند، به طوری که تا به قدرت رسیدن مصدق در اوایل سال ۳۰ شانزده دولت تشکیل شد و این دولت ها عبارت بودند از دولت فروغی، سهیلی، قوام السلطنه، صدراالاشراف، ساعد، بیات، حکیمی، هژیر، رزم آرا و علاء<sup>۱</sup>.

از دیگر دستاوردهای سیاسی خروج رضا شاه را می توان در تشکیل احزاب سیاسی و انتشار مطبوعات دید. در طول سلطنت رضاشاه هیچ یک از احزاب و گروه های سیاسی حتی مجامع صنفی امکان فعالیت نداشتند. اما با سقوط رضا شاه شرایط برای فعالیت آن ها فراهم شد، در نتیجه ده ها حزب و اتحادیه شکل گرفت نظیر حزب توده، اراده ی ملی، عدالت، استقلال، وطن، مردم، میهن پرستان و غیره وضعیت مطبوعات نیز چنین بود، یعنی در دوره ی رضا شاه مطبوعات آزادی نداشتند و اکثر مطبوعات درباری و دولتی بودند و این مطبوعات به دنبال پیروی از سیاست های فرهنگی فروغی شیعه ستیزی و اسلام زدایی و بزرگ نمایی دوره ی باستان را در رأس برنامه های خود قرار داده بودند اما پس از شهریور ۲۰ مطبوعات در بیان آزادی پیدا کردند و هرکسی بدون هیچ محدودیتی هرچه را می خواست، می نوشت. روزنامه ها و نشریه های زیادی منتشر شد. با این آزادی بوجود آمده مطبوعات به افشاگری پرداختند، بحث های جنجالی را پیش می کشیدند، در کنار این آزادی که برای فعالیت مطبوعات و احزاب فراهم شد برای زندانیان سیاسی که به خاطر فعالیت سیاسی علیه رژیم گرفتار زندان شده بودند فرصتی نیز به وجود آمد. حکومت محمدرضا برای آنکه تا حدی از خشم و نفرت مردم بکاهد تعدادی از شکنجه گران رضا شاه را به محاکمه کشید از جمله این افراد می توان به رکن الدین مختاری رئیس کل شهربانی، پزشک احمدی، سرهنگ نیرومند رئیس زندان شهربانی و مصطفی راسخ قائم مقام رئیس زندان اشاره کرد که از میان آنها فقط پزشک احمدی اعدام شد.<sup>۲</sup>

حمله ی متفقین و سقوط رضاخان فقط در زمینه سیاسی پیامد و دستاورد نداشت بلکه در زمینه های دیگر از جمله در زمینه ی اقتصادی نیز تغییراتی به وجود آورد و شرایط نا مساعدی برای مردم فراهم شد از جمله اینکه در زمینه اقتصادی هرج و مرج به وجود آمد، بیکاری و تورم افزایش پیدا کرد، مردم با قحطی مواجه شدند، دولت ایران مجبور به چاپ بی رویه اسکناس شد کالاهای صنعتی و مصرفی خارجی به قیمت بالایی فروخته می شد، برای تهیه مواد غذایی جبهه های جنگ متفقین، این مواد به قیمت ارزان حتی به اجبار از روستاییان خریده می شد اوضاع اقتصادی به قدری نا مساعد و بحرانی بود که حتی دولت قوام که با شعار حل مشکل نان مردم در اواسط ۱۳۲۱ به نخست وزیری رسیده بود با بلوای ساختگی نان در ۱۷ و ۱۸ آذر روبه رشد وقتی نتوانست این مشکل را حل کند در بهمن همان سال استعفا داد و مورد

<sup>۱</sup> - مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، روزنه، ۱۳۸۰، صص ۲۹-۲۶  
<sup>۲</sup> - همان، صص ۳۱-۳۰

آخر اینکه سقوط رضا شاه پیامدهایی نیز در زمینه فرهنگی به وجود آورد رضا شاه که در دوره سلطنت خود سیاست فرهنگی خاصی را دنبال می کرد و به دنبال ترویج باستان گرایی و نفی مظاهر اسلامی بود و از طریق تغییر نظام آموزشی کشور و نظام قضایی، با کاهش دادن تعداد نمایندگان روحانی در مجلس و محدود کردن استفاده از منابر، مساجد، موقوفات و برگزاری مراسمات مذهبی به دنبال کاهش قدرت روحانیت بود پس از استعفایش از سلطنت، رهبران مذهبی بار دیگر فعالیتها ی خود را از سر گرفتند و سعی کردند از طریق منابر و مساجد پیام اسلام را به مردم برسانند و نفوذ دینی خود را در میان مردم به دست آوردند.<sup>۱</sup>

سیاست فرهنگی دنبال شده توسط رضا شاه برای تضعیف نهاد دین در جامعه، فضایی را فراهم کرد که باعث شد جریان های فکری ضد دینی به وجود آید و از آنجایی که این جریانات همسو با سیاست فرهنگی او بودند مورد حمایت وی قرار گرفت و گسترش وسیعی یافت و همین آزادی عمل باعث شد این جریانات بسیاری از اعتقادات مذهبی را نفی و انکار کنند. از جمله این افراد می توان به کسروی، حکمی زاده و شریعت سنگلجی اشاره کرد آنها بدون مخالفت شهربانی در مجامع عمومی فعالیت می کردند به طوری که کتاب اسلام و رجعت شریعت سنگلجی در سطح وسیعی چاپ شد همچنین حکمی زاده کتاب اسرار هزار ساله را نوشت. اما در این جریان فکری ضد دینی کسی که از همه بیشتر در زمینه ی ضدیت با اسلام و شیعه جدیت به خرج داد به طوری که حتی جانش را در این زمینه از دست داد احمد کسروی بود و تأثیرش بر جریانات سیاسی و اجتماعی جامعه پس از شهریور سال ۲۰ بیشتر از آن دونفر بود.<sup>۲</sup>

در آن شرایط بحرانی پس از حادثه شهریور ۱۳۲۰ مردم به جای بازگشت به فرهنگ و شخصیت خود شاهد تدوین کتابهای انحرافی کسروی و جشنی که او در یکم دی به عنوان جشن کتابسوزی برگزار می کرد بودند او در این جشن کتابهایی از مولانا، حافظ، سعدی، را به آتش می کشید. کسروی عامل عقب ماندگی جامعه را در مذهب و دین می دانست نه استعمار و استبداد او در نوشته هایش به خصوص در کتاب ورجاوند بنیاد و شیعه گری شدید ترین لحن را در توهین به مذهب شیعه و اعتقادات آنان به کار برد و مصیبت های حضرت زهرا را دروغ و وجود و ظهور امام زمان را انکار می کرد او در توهین به مقدسات و اعتقادات شیعه به قدری زیاده روی کرده بود که علما خطر انحرافات فکری او را بیشتر از احزاب و جریانات دیگر می دانستند. دلیل این همه احساس خطر علما به خاطر عواقب ناخوشایندی بود که برای مردم به دنبال داشت از جمله ۱- نیروهای اشغالگر را از گزند مردم دور نگه میداشت و آنان را

۱ - همان، صص ۳۵-۳۲

۲ - امینی، داود، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۳۸-۳۷

به درگیریهای داخلی می کشاند<sup>۲</sup> - روشنفکران که قبل از شهریور ۱۳۲۰ روحانیت را سبیل مبارزه با ظلم می دانستند به مذهب با دید خرافی نگاه می کردند.<sup>۱</sup>

تا سال ۱۳۲۴ که آلمان ها شکست قطعی خوردند و متفقین برای تقسیم غنایم خود و تعیین حدود و مرزهای نفوذی خود کنفرانس تهران را با حضور استالین، چرچیل و روزولت تشکیل دادند اوضاع ایران همچنان آشفته بود و این آشفتگی تا سرکوب شدن شورش پیشه وری همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۶ تا حدی ایران روی آرامش را به خود دید.<sup>۲</sup>

از دهه ی ۱۳۲۰ تا دهه ی ۳۰ حوادث مهم دیگری در کشورمان رخ داد که تأثیر آنها تا سالیان سال در حوادث بعدی ایران احساس می شد از جمله ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲. ملی شدن صنعت نفت در ۲۴ اسفند در مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ در مجلس سنا تصویب و تأیید شد و کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آرا اصل ملی شدن صنعت نفت را اعلام کرد. در حمایت از ملی شدن این صنعت تظاهرات پی در پی زیادی توسط مردم صورت گرفت حتی ترور رزم آرا هم به دلیل مخالفت با این قضیه صورت گرفت یعنی به موضوع نفت مربوط می شد و یا حسین علاء که پس از رزم آرا روی کار آمده بود وقتی تظاهرات مردم را برای تأکید و اصرار بر ملی شدن نفت را مشاهده کرد پس از ۴۶ روز نخست وزیری تن به استعفا داد. زمانیکه مردم و نمایندگان مجلس به نخست وزیری مصدق رأی تمایل نشان دادند او برای قبول این سمت شرط تصویب طرح ۹ ماده ای را مطرح کرد این طرح شرایط ملی شدن نفت را فراهم می کرد زمانیکه مجلس ۷ اردیبهشت و سنا دوروز بعدش این طرح ۹ ماده ای را تصویب کرد و به تأیید شاه رسید به همراه آن فرمان نخست وزیری مصدق نیز صادر شد او وقتی روی کار آمد به دنبال تعقیب دو هدف اصلی بود یکی اجرای ملی شدن نفت و بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشور از طریق در آمد نفت و دیگری اصلاح قانون انتخابات بود.<sup>۳</sup>

او پس از اینکه از شاه پست وزارت جنگ را در خواست کرد تا اختیارات بیشتری داشته باشد و با مخالفت شاه روبه روشد استعفای خود را اعلام کرد و مجلس پس از چند روز در ۲۶ تیر سال ۳۱ به احمد قوام برای نخست وزیری رأی تمایل داد در نتیجه شاه او را به نخست وزیری انتخاب کرد. زمانیکه قوام جایگزین مصدق شد آیت الله کاشانی به حمایت از مصدق قیام ۳۰ تیر را رهبری کرد تا اینکه قوام مجبور به استعفا شد و مصدق بار دیگر با حمایت آیت الله کاشانی و مردم برای بار دوم به نخست وزیری رسید.<sup>۴</sup>

۱ - همان، صص ۵۸-۵۷

۲ - جعفریان، رسول، جریان ها و جنبش های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰-۵۷)، تهران، پژوهشگاه اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱، ص

۱۳

۳ - مقصدی، پیشین، ص ۱۱۶

۴ - همان، صص ۱۲۴-۱۱۷

## ۲- از سال ۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲:

دولت انگلیس پس از اینکه با ملی شدن صنعت نفت ایران دستش از غارت نفت ایران کوتاه شد و شکایتش به سازمان ملل از دولت ایران به جایی نرسید تمام تلاش خود را برای سرنگونی مصدق که عامل این زیان برای آنها بود به کار برد در نتیجه به دنبال کودتایی برای براندازی دولت مصدق شده و برای این کار دولت آمریکا را با خود همراه کرد و وقتی جمهوری خواهان با رهبری آیزنهاور در سال ۱۳۳۱ روی کار آمدند دولت انگلیس خطر نفوذ کمونیسم و گسترش آن را در ایران به آمریکا قبولاند که مانع اصلی شخص مصدق است پس طرح براندازی مصدق را با عنوان عملیات چکمه در نظر گرفتند و دولت آمریکا را در جریان این طرح قرار دادند و دولت آمریکا پس از بررسی های لازم نام رمزی که برای این طرح انتخاب کرد عملیات آژاکس بود و سرانجام با همکاری عوامل داخلی و بیگانگان دولت مصدق در کودتای ۲۸ مرداد سقوط کرد.<sup>۱</sup>

این کودتا باعث شد محمدرضا پهلوی بار دیگر به اریکه ی قدرت باز گردد و دولت کودتا به رهبری ارتشبد فضل الله زاهدی روی کار آمد. دولت زاهدی پس از روی کار آمدن خود برای تثبیت موقعیتش شروع به دستگیری نیروهای ضد کودتا کرد و بسیاری از طرفداران نهضت ملی روانه زندان شدند. مصدق پس از اینکه خود را معرفی کرد دستگیر و به سه سال زندان محکوم شد و پس از سه سال به احمد آباد تبعید شد و تا آخر عمر، زندگانی خود را در آنجا گذراند، همچنین حزب توده و سازمان هایی که وابسته به این حزب بودند توسط دولت کودتا و عوامل آن دستگیر شدند. دولت آمریکا به منظور حمایت از دولت کودتا و تثبیت پایه های آن چندین میلیارد دلار به آن کمک مالی کرد و برای اینکه امنیت برای رژیم فراهم شود و مخالفین رژیم سرکوب شوند به کمک کارشناسان موساد و سیا اقدام به تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نمود و رابطه دولت ایران با انگلیس که در دوره ی مصدق قطع شده بود در روز ۱۴ آذر سال ۳۲ بار دیگر برقرار شد دولت های آمریکا و انگلیس برای اینکه از ذخایر نفتی ایران نهایت استفاده را ببرند کنسرسیومی مرکب از آمریکا، فرانسه، هلند و شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل دادند و از آنجایی که جهان سیاست بین دو بلوک غرب به رهبری آمریکا و شرق به رهبری شوروی تقسیم شده بود ایران نیز به تابعیت از آمریکا در مقابل دولت شوروی به پیمان نظامی بغداد پیوست.<sup>۲</sup>

۱ - همان، صص ۱۴۴-۱۴۳

۲ - گذشته چراغ راه آینده، پیشین، صص ۷۱۱-۶۹۷



آمریکا با توجه به کمک مالی چندین میلیاردی و همچنین متحد بودن ایران در پیمان بغداد نفوذ خود را در ایران روز به روز بیشتر می کرد از طرفی اگرچه به دلیل قرار داد کنسرسیوم در آمد نفتی ایران افزایش پیدا کرده بود اما به دلیل هزینه های هنگفتی که در زمینه ی نظامی ریخت و پاش می شد و همچنین برای برنامه ی بلند مدت هفت ساله ای که دولت برای تأمین هزینه اش پول زیادی خرج کرده بود دولت با کسری بودجه مواجهه شد و برای جبران این کسری و بهبود اوضاع اقتصادی اقدام به گرفتن وام از کشورهای خارجی به خصوص آمریکا کرد تمام این موارد ایران را از لحاظ اقتصادی به دیگر کشورها وابسته می کرد.<sup>۱</sup>

اما در سالهای دهه ی ۴۰ نیز حوادث مهم دیگری رخ داد حوادثی که با اصلاحات شروع شد و اوج این حوادث که به روند انقلاب و نهضت امام سرعت داد ۱۵ خرداد سال ۴۲ بود شاه در دهه ی ۴۰ به منظور دگرگون کردن ساختار اقتصادی و اجتماعی دست به اجرای اصلاحات زد که از این اصلاحات خود به انقلاب سفید تعبیر می کرد و نقطه شروع این اصلاحات لایحه انجمن ایالتی و ولایتی بود این لایحه در دوره ی علم به تصویب رسید که به دلیل مخالفت روحانیون این لایحه لغو شد و اما زمینه ها و حوادثی که به ۱۵ خرداد سال ۴۲ منجر شد این بود که بنا به پیشنهاد امام قرار شد نوروز سال ۴۲ عزای عمومی اعلام شود وقتی چنین تصمیمی گرفته شد در عید نوروز مجالس عزادار مساجد و حسینیه ها بر پا شد رژیم وقتی چنین حرکتی را از علما و مردم دید در یک حرکت قهرآمیز همزمان با شهادت امام صادق در دوم فروردین سال ۴۲ مدرسه فیضیه را محاصره کرد و در این حادثه بین افرادی که در مدرسه فیضیه برای عزاداری جمع شده بودند و عوامل رژیم درگیری پیش آمد که تعدادی کشته و مجروح شدند در محکومیت این حادثه علما اعلامیه و تلگراف های فراوانی منتشر کردند.<sup>۲</sup>

رژیم برای محدود کردن علما و تحقیر آنها از هیچ کاری کوتاهی نمی کرد به طوری که در اول اردیبهشت سال ۴۲ فرمان اعزام طلاب به سربازی را صادر کرد تا این زمان علما به دلیل تحصیل علوم دینی از خدمت سربازی معاف بودند. جرعه اصلی که منجر به ۱۵ خرداد شد این بود که با آمدن ماه محرم ساواک در طی اطلاعیه ای وعاظ را در مورد سه موضوع منع کرده بود و آن موضوعات این بود که در مورد شاه، اسرائیل و اینکه اینقدر بر نابودی اسلام تأکید نشود اما امام همزمان با روز عاشورا در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد و در این سخنرانی خود با توجه به فضای عاشورا و محرم حکومت پهلوی را با دودمان بنی امیه و یزید مقایسه کرد به دنبال این سخنرانی مأمورین رژیم شبانه به منزل امام حمله و او را بازداشت کردند و سپس به پادگان عشرت آباد تهران منتقل کردند این اقدام باز تاب وسیعی داشت و مردم را به اعتراض و راهپیمایی واداشت همزمان با اعتراض مردم قم نسبت به دستگیری امام در تهران نیز

۱ - مقصودی، پیشین، ص ۱۶۴

۲ - همان، صص ۳۶۶-۳۵۳

به نشانه اعتراض به اقدام رژیم بازاریان مغازه های خود را تعطیل کردند، دانشجویان کلاس خود را ترک کردند.<sup>۱</sup>

رژیم وقتی با این اعتراضات و راهپیمایی مردم مواجه شد دستور حکومت نظامی را داد روحانیون حوزه های علمیه با فرستادن تلگراف خواستار آزادی امام شدند و با صادر کردن اعلامیه اقدام رژیم را محکوم کرد سرانجام رژیم مجبور به آزاد کردن امام شد اما او را به مدت دوماه به داودیه تهران منتقل کرد و تحت کنترل خود قرار داد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان، صص ۳۶۹-۳۶۷

<sup>۲</sup> - همان ، صص ۳۷۴-۳۷۰

## فعالیت بهشتی در دهه‌ی ۳۰:

### ۱- دبیرستان دین و دانش:

بهشتی که در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ هم‌زمان با گسترش مبارزات نهضت ملی نفت به رهبری آیت الله کاشانی و مصدق دوره‌ی لیسانس خود را در تهران می‌گذرانید با اشتیاق به همراه دیگر مردمان حمایت‌کننده‌ی نهضت در تظاهرات و اجتماعات شرکت کرد و حتی در جریان واقعه‌ی ۳۰ تیر که در آن موقع در اصفهان بود در ساختمان تلگراف‌خانه برای حضار به عنوان یکی از سخنرانان به گفته‌ی خودش «کار ملت ایران را در رابطه با نفت و استعمار انگلیس با کار ملت مصر و جمال عبدالناصر و مسئله‌ی کانال سوئز و انگلیس و فرانسه» مقایسه کرده بود. بعد از سقوط دولت مصدق در کودتای ۲۸ مرداد به این نتیجه رسیده بود که اگر نهضت در رسیدن به اهدافش شکست خورده به دو دلیل کمبود کادر و ایدئولوژی سیاسی بوده و در پی آن تصمیم می‌گیرد یک واحد فرهنگی به وجود آورد تا آن طور که فکر می‌کند و به صلاح است کادر هار اتر بیت کند و در نتیجه در سال ۱۳۳۳ در شهر قم دبیرستان دین و دانش را تأسیس می‌کند.<sup>۱</sup>

در مورد علت نام‌گذاری مدرسه‌ی دین و دانش بهشتی گفته بود «این اسم را بدان جهت برای این دبیرستان انتخاب کردم که وقتی دانش آموز این همراهی دین و دانش را روی تابلوی دبیرستان یا بر روی سر برگ‌های اداری و امتحانی مدرسه می‌بیند یا از او می‌پرسند کجا درس می‌خوانی از همان اول با دین در کنار دانش آشنا بشود و احساس کند دین و دانش با هم قابل جمع هستند.»<sup>۲</sup>

تأسیس این دبیرستان در آن دوران از ابتکارات بهشتی بود مخصوصاً که علاوه بر مدیریت آن مدرسه، در آن زبان خارجی هم تدریس می‌کرد و این کار در شهر مذهبی قم و در سطح حوزه تعجب برانگیز بود و یکی از اهدافی که وی از تأسیس دبیرستان دین و دانش داشت این بود که با توجه به تبلیغاتی که رژیم برای جدا سازی و دور کردن دو قشر روحانیت و دانشجو داشت و این دو قشر دو راه کاملاً مستقل از هم را در پیش گرفته بودند جوانانی را تربیت کند که به دلیل اینکه در دوره‌ی دبیرستان زیر نظر مدیریت یک روحانی بوده اند بدون هیچ مشکلی وقتی وارد دانشگاه می‌شوند با طبقه‌ی روحانی همکاری کنند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، پیشین، صص ۴۴۰-۱۶۶

<sup>۲</sup> - رجایی، غلامعلی، سیره آیت الله بهشتی، به سفارش اداره کل تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد شهید انقلاب

اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۸۱، صص ۴۳۲-۴۳۱

<sup>۳</sup> - همان، صص ۴۲۹

این مدرسه از طرف فرزندان روحانیون خیلی خوب استقبال شد به دلیل اینکه برنامه‌ی درسی مدرسه با دروس دینی آمیخته شده بود و دانش آموزان زیر نظر یک روحانی تربیت دینی می‌شدند.<sup>۱</sup>

این مدرسه علاوه بر بهشتی با همکاری شخصیت‌های دیگری چون شیخ عبدالمجید رشید پور، حاج میرزا اصغر فقیهی و محمد مفتاح تأسیس شد و با وجود اینکه بهشتی مدیریت آن را بر عهده داشت صاحب امتیاز آن حاج مرتضی حائری یزدی فرزند مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود زمانی که وی از طرف مراجع به عنوان مبلغ در سال ۴۴ به آلمان سفر کرد مدیریت این مدرسه را به عبدالمجید رشید پور سپرد. در سال ۱۳۵۰ از سوی آموزش و پرورش فردی به نام سید علی غروی به عنوان مدیر مدرسه انتخاب شد تا دبیرستان را طبق اهداف فرهنگی دولت اداره کند تا این سال هیچ شهریه‌ای از سوی دانش آموزان پرداخت نمی‌شد اما پس از این، از دانش آموزان شهریه گرفته شد و در همین زمان آن یک دستگی سابق دبیرستان به هم ریخت و افرادی که پست و سمتی داشتند با آوردن فرزندان خود به این دبیرستان باعث ایجاد شکاف و چالش فرهنگی شدند.<sup>۲</sup>

صادق طباطبایی که خود از تحصیل کردگان این دبیرستان بود در مورد وجه تمایز این مدرسه بامدارس دیگر و برنامه‌ی درسی متفاوتی که داشته‌اند می‌گوید که درسهایی به نام جغرافیای اسلام و تاریخ اسلام داشته‌اند که درس جغرافیای اسلام را محمد مفتاح علاوه بر بخشی از منطق تدریس می‌کرد. و تاریخ اسلام را مکارم شیرازی. و درس انشاء نیز داشته‌اند که معلم مخصوص خودش را داشت و ورزش در این مدرسه جزء برنامه‌ی درسی نبود خارج از آن بود. او همچنین در مورد خصوصیات آیت الله بهشتی می‌گوید که او با روش خاص خودش مدرسه را اداره می‌کرد و به دنبال کشف و شناسایی استعداد دانش آموزان بود.<sup>۳</sup> آیت الله بهشتی به غیر از خودش که زبان انگلیسی تدریس می‌کرد از بهترین دبیران قم برای تدریس در این مدرسه دعوت به همکاری کرد از جمله به عبدالباسط رشید پور به عنوان دبیر ادبیات، نیری به عنوان یک روحانی مطرح در امر تعلیم و تربیت، ناظمی مربی مدرسه، قدوسی برادر آیت الله قدوسی، کیوان به عنوان معاون مدرسه و آیت الله مفتاح می‌توان اشاره کرد.

حمید روحانی چنین می‌نویسد: «عده‌ای از جوانان غیور دبیرستان دین و دانش قم وقتی باخبر شدند افراد رژیم به مدرسه‌ی فیضیه حمله کرده‌اند به کمک روحانیون شتافته و در اتاقی که مشرف بر شبستان شرقی مدرسه بود کمین کرده و در حد توان و امکانات خود با افراد رژیم درگیر شده بودند و ساواک قم که

<sup>۱</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید بهشتی)، پیشین، ص ۱۵

<sup>۲</sup> - کردی، پیشین، صص ۶۱-۶۰

<sup>۳</sup> - طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی صادق طباطبایی، ج اول، تهران، چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴؛ رنجبران، بهاره، بهشتی در قاب، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷، ص ۶۹

متوجه شده بود افرادی از بیرون مدرسه به کمک روحانیون آمده اند به دنبال شناسایی هویت آنها بود اما چیزی عایدشان نشده بود.<sup>۱</sup>

علی دوانی در خاطرات خود می گوید: «آیت الله بهشتی بیش از دیگران در فکر ایجاد تحول در حوزه بود نه تنها در وضع روحانیت و ساختار حوزه بلکه سعی داشت به داد جوانان قم برسد و آنها را با دین و روحانیت پیوند دهد به همین جهت آیت الله حائری یزدی را بر آن داشت که امتیاز دبیرستان دین و دانش را بگیرد. او هم امتیاز را گرفت. و بهترین دانش آموزان قم در دبیرستان دین و دانش بودند، این دبیرستان نقطه‌ی عطفی در کارهای نو روحانیت بود و سهم به سزایی در بار آوردن صحیح نسل جوان قم داشت»<sup>۲</sup> تأسیس دبیرستان دین و دانش جزء اولین اقدامات فرهنگی آیت الله بهشتی بود و فعالیت او در همین مدرسه بود که بهانه‌ی لازم را برای ساواک جهت تبعید او فراهم کرد.<sup>۳</sup>

## ۲- مدرسه حقانی:

**تاریخچه مدرسه:** زمین مدرسه نزدیک حرم حضرت معصومه بود به مساحتی در حدود ۱۰۰۰۰ متر که در واقع زمین کشاورزی بود و هیچ ساختمانی اطراف آن نبود تا اینکه حاج علی حقانی تمام این ده هزار متر را در سال ۱۳۳۹ ش از مالک زمین خریداری کرده و حدود ۵۰۰۰ متر آن را برای ساختمان مدرسه اختصاص می دهد و از آنجایی که بودجه مالی وسیعی نبود ساختمان مدرسه، حجره و مسجد آن به تدریج تکمیل شد، سرانجام پس از دوسه سال ساختمان ساخته و آماده پذیرش از طلاب شد.

حسین حقانی فرزند حاج علی حقانی می گوید: «من با آمادگی مدرسه برای پذیرش طلاب به فکر این افتادم که پذیرش طلاب و تربیت آنان و تنظیم برنامه های مذهبی و اسلامی باید راه بیفتد از این روسعی کردم که پذیرش و برنامه های علمی حوزوی بر اساس برنامه های دقیق علمی باشد و اینگونه نباشد که هر نوع طلبه ای را بدون بررسی و امتحان و مصاحبه کتبی و حضوری بپذیریم..... از این رو تحقیق کردم که چه کسی در برنامه ریزی حوزوی تخصص دارد و کار کرده است گفتند فردی به نام دکتر بهشتی برنامه حوزوی ۱۸ ساله تا صاحب نظری و اجتهاد را تدوین کرده است و می خواست آن را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی اجرا نماید ولیکن هنوز انجام نشده.»<sup>۴</sup> حسین حقانی در طی ملاقاتی، با آیت الله بهشتی که در آن زمان مدیر مدرسه دین و دانش بود در مورد تصمیم خود (پذیرش طلاب و تنظیم برنامه مذهبی) با وی در میان گذاشته بود و او از این تصمیم استقبال کرده بود آیت الله بهشتی یک برنامه

۱- روحانی، حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران، دارالفکر، ۱۳۵۶، پاورقی ص ۳۴۲

۲- دوانی، علی، نقد عمر: زندگانی و خاطرات علی دوانی، تهران، رهنمون، ۱۳۸۱، ص ۲۸۰

۳- حسینیان، روح الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۴۳-۵۶)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۷۰۱

۴- حقانی زنجانی، حسین، تاریخچه مدرسه علمیه منتظریه (حقانی)، متن تایپ شده نزد نویسنده موجود است، صص ۸-۱

۱۶ ساله عمومی و ۲ سال تخصصی که مجموعاً ۱۸ سال بود برای رسیدن به اجتهاد در مدارس حوزه تدوین کرده بود که این برنامه در سه بخش تنظیم شده بود ۱- سه سال مقدماتی، صرف و نحو، منطق، بیان تا لمعه ۲- پنج سال مرتبه سطح مربوط به لمعه، مکاسب و کفایه ۳- شش سال تا هشت سال دوره ی درس خارج تا سطح عالی تا ۱۶ سال، بعد از این دوره هریک از طلاب باید با انتخاب موضوعی که در حوزه مورد بررسی قرار گرفته پایان نامه ای را تدوین کنند که پس از دفاع از پایان نامه ی خود اجازه اجتهاد را از حوزه در یافت می کردند و بعد از اجتهاد دوسال نیز دوره ی تخصصی را در مورد علوم مختلف حوزوی از جمله فقهت، فلسفه و منطق و.... را بگذرانند.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی که برنامه های درس حوزه را ناقص می دانست در سال ۱۳۳۹ به همراه دیگر مدرسین حوزه به فکر تهیه برنامه ای برای طلاب حوزه ها افتاد و همین حرکت قدمی شد برای برنامه دار کردن حوزه ها. او علاوه بر دروسی که در حوزه ها تدریس می شد از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول معتقد بود در کنار این دروس، درسهایی چون تفسیر و ادیان، فلسفه، اقتصاد، جامعه شناسی و زبان هم به برنامه های حوزه ها اضافه شود. ایشان به این نکته واقف بود که یک روحانی باید جامع باشد و بتواند آموخته های خود را به مردم دنیا انتقال دهد و لازمه این کار دانستن زبان خارجی است.<sup>۲</sup> هر چند آیت الله گلپایگانی مخالف تعلیم زبان انگلیسی برای طلاب بود و آیت الله بهشتی بر سر این موضوع با ایشان هم عقیده نبود و معتقد بود برای انتشار علم به سایر نقاط جهان باید زبان انگلیسی یاد بگیرند.<sup>۳</sup>

آنها برنامه ساماندهی حوزه را که آماده کرده بودند را نزد آیت الله بروجردی بردند اما بعد از مدتی رحلت آیت الله بروجردی عملی کردن برنامه آنها را به تعویق انداخت. سرانجام در شهریور سال ۱۳۴۰ آیت الله گلپایگانی به وی اجازه داد تا به صورت آزمایشی برنامه اش را اجرا کند. موفقیت او در طرحش باعث شد تا در سال ۱۳۴۲ مدرسه دیگری به نام منتظریه الشمس در اختیارش قرار دهند تا بتواند برنامه اش را به صورت کاملتر به اجرا درآورد.<sup>۴</sup>

در واقع وضعیت نا مشخص حوزه چه از لحاظ کتب درسی و چه از لحاظ شیوه ی تدریس باعث شد آیت الله بهشتی به همراه دیگر دوستانش از جمله: سعیدی، ربانی شیرازی، مشکینی و جنتی در طی جلساتی یک برنامه هیجده ساله برای تربیت طلاب تنظیم کنند.<sup>۵</sup>

۱- همان، صص ۸-۱

۲- رجایی، پیشین، ص ۵۹۸

۳- موسوی فرد، محسن، **خاطرات سید محسن موسوی فرد (کاشانی)** تدوین مهدی قیصری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷،

ص ۳۷

۴- ملکی، هدی، **تصویر ماندگار**، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷، ص ۱۶

۵- ابراهیم زاده، پیشین، ص ۴۵

قبلاً طلابی که وارد حوزه ی علمیه قم می شدند بدون هیچ برنامه درسی خاصی درس خواندن را شروع می کردند و به عنوان خوابگاه از این مدارس استفاده می کردند و دو تا مدرسه بود که برنامه درسی داشت و بر اساس آن اداره می شد. یکی مدرسه آیت الله گلپایگانی بود که تا حدی با برنامه بود و دیگری مدرسه حقانی که به وسیله بهشتی و قدوسی با برنامه ای منظم اداره می شد. آیت الله بهشتی به دلیل اینکه در دانشگاه تحصیل کرده بود و با فضای دانشگاه آشنایی داشت می خواست برنامه ای مانند دانشگاه در حوزه اجرا شود. برای همین برای طلاب برنامه ریزی درسی کرد.<sup>۱</sup>

از آنجایی که در قبول شدن طلاب در مصاحبه های مدرسه حقانی سخت گیری می کردند ساواک نتوانست در این مدرسه نفوذ کند. مسئولین این مدرسه برای تدریس از بهترین اساتید دعوت به همکاری می کردند.

متون قدیمی حوزه که مبهم و سخت بود و جزء منابع درسی حوزه محسوب می شد با راهنمایی آیت الله بهشتی به صورت روان و قابل فهم تدوین شد و در کنار دروس قدیمی درسهای چون: اقتصاد، جامعه شناسی و روانشناسی برای تدریس جزء منابع درسی قرار گرفت و خود آیت الله بهشتی در این مدرسه فلسفه ی هگل را به زبان اصلی تدریس می کرد، آیت الله میلانی توجه خاصی به این مدرسه داشت و قسمتی از بودجه ی مدرسه را تقبل می کرد.<sup>۲</sup>

یکی از ابتکاراتی که آیت الله بهشتی در اجرای سبک جدیدش در حوزه به کار برده بود این بود که از اساتید دانشگاه ها برای تدریس در این مدرسه دعوت به همکاری کرده بود که دروس جدید را برای طلاب تدریس کنند این روش قبلاً در حوزه اجرا نمی شد.<sup>۳</sup>

عملاً مدرسه حقانی کار خود را از سال ۱۳۴۱ آغاز کرد و آیت الله بهشتی مدیریت داخلی آن را به محمد مجتهد شبستری سپرد و او دو سال آن را اداره کرد.

در سال ۱۳۴۳ مدیر داخلی مدرسه ، شیخ زاده بود و از سال ۱۳۴۷ به بعد تا موقع انقلاب مدیریتش بر عهده ی قدوسی بود.

مسائل مدرسه در جلساتی با حضور هیأت مدیره یعنی آقایان حسین حقانی، مشکینی، حائری تهرانی و بهشتی حل و فصل می شد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - کشمیری ، محمد جواد ، **خاطرات حجت الاسلام محمد جواد کشمیری** ، تدوین مصطفی سید صادقی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۵۷

<sup>۲</sup> - کردی ، **پیشین** ، ص ۵۹

<sup>۳</sup> - رجایی ، **پیشین** ، ص ۶۰۰

<sup>۴</sup> - جعفریان ، **پیشین** ، ص ۱۶۵

آیت الله بهشتی پس از بازگشت از آلمان در سال ۱۳۴۹ همکاری خود را با مدرسه ی حقانی ادامه داد و در این مدت ۱۱ سال از آن برنامه ۱۸ ساله که برای این مدرسه ریخته شده بود به مرحله ی عمل و اجرا رسیده بود. ایشان به منظور همکاری مداوم با این واحد هفته ای یکبار به قم می رفت و از سال ۱۳۵۵ درسی را به نام فلسفه هگل برای طلاب آغاز کرد.<sup>۱</sup>

اگرچه در زمان حیات آیت الله بروجردی در حوزه علمیه برای سروسامان دادن به حوزه اقداماتی صورت گرفت اما بعد از رحلت ایشان این هدف ساماندهی را کسانی چون: قدوسی، مکارم شیرازی، مطهری و بهشتی به صورت جدی تر ادامه دادند. قدوسی و بهشتی ضمن آشنا کردن طلاب با علوم جدید نقش به سزایی در ایجاد نظم در حوزه و در جمع طلاب داشتند.<sup>۲</sup> در کنار این اصلاحاتی که در حوزه صورت گرفت و طلاب به علوم جدید گرایش پیدا کردند آنها سعی کردند از جریان های فکری و سیاسی زمانه خود نیز آگاه باشند و در جریان آن قرار بگیرند و تمام این برنامه ها در نتیجه ی تلاش فکری روشن اندیشانه ی افرادی چون طالقانی، منتظری، مطهری، هاشمی رفسنجانی، مشکینی و بهشتی بود چون این افراد به دنبال این بودند که دین را با فعالیت سیاسی در آمیزند.<sup>۳</sup>

مدرسه حقانی بعد از شهادت بهشتی و قدوسی به مدرسه ی شهیدین تغییر نام پیدا کرد.<sup>۴</sup> مدرسه حقانی ( منتظریه ) که با هدف تحول اساسی در نظام آموزشی حوزه تأسیس شده بود اولین مدرسه ای بود که در آن حوزویان با تشکیلات منظم آشنا شدند و طلاب علاوه بر حضور و غیاب برای دروس خود آزمون و نمره امتحانی داشتند.<sup>۵</sup>

### ۳- فعالیت مطبوعاتی:

مجلات مکتب اسلام و مکتب تشیع که هدفشان انتشار اندیشه های اسلامی و شیعی بود. توسط هیئت تحریریه که شامل افرادی چون هاشمی رفسنجانی، علی دوانی، باهنر، مجدالدین محلاتی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و ... بود در سال ۱۳۳۶ چاپ و انتشار یافت. مؤسسين این دو مجله که اکثراً از تحصیل کرده گان حوزه بودند با تمام مراقبتهایی که آنها داشتند و خیلی محتاطانه مقالات خود را قلم می زدند با

<sup>۱</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص ع و غ

<sup>۲</sup> - خاکساران، محمدحسین، خاطرات محمدحسین خاکساران، تدوین: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۶

<sup>۳</sup> - انقلاب اسلامی به روایت خاطره ( از دوران زعامت آیت الله بروجردی تا قیام ۱۵ خرداد) تدوین: خاطرات و تاریخ شفاهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۴۹

<sup>۴</sup> - کردی، پیشین، پاورقی ص ۵۹

<sup>۵</sup> - هفت هزار روز، ج اول، پدید آورنده: بخش خاطرات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، زیر نظر غلامرضا کرباسچی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۱



این وجود باز هم رژیم نسبت به آنها حساس می شد و بارها این مجلات را تعطیل و یا آنها را زندانی و ممنوع القلم می کرد.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که مکتب تشیع به دو شکل جداگانه ی فصلنامه و سالنامه چاپ می شد و چاپ فصلنامه آن خیلی طول نکشید و بعد از مدت کوتاهی یعنی بعد از آنکه ۴ شماره از آن در مهر سال ۳۸ تا تابستان ۳۹ منتشر شد متوقف شد. اما سالنامه آن ادامه پیدا کرد. در فصلنامه مباحثی که مطرح می شد علمی، اجتماعی، فقهی، حقوق زنان و مکاتب جدید بود و هدف آن این بود که نشان دهد اسلام در دنیای کنونی نسبت به مسائل جدیدش توانایی پاسخگویی به نیاز آن را دارد. انتشار مکتب تشیع و دیگر مقالات و مجله ها در سال ۳۶ که نیاز آن دوره بود از اقداماتی بود که نوعی کار جمعی در نگارش و تحقیق را به دنبال داشت. از جمله نویسندگان مکتب تشیع می توان به بهشتی، علامه طباطبایی، طالقانی، مطهری، بازرگان، فلسفی، احمد آرام، حسینعلی راشد، نجف آبادی، احمد آذری قمی، و ... اشاره کرد.<sup>۲</sup> آخرین شماره مکتب تشیع در اردیبهشت و خرداد سال ۴۴ در ۱۷۶ صفحه منتشر گردید.<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی با وجود اینکه جزء اعضای هیئت تحریریه این مجلات نبود اما مقاله های زیادی به چاپ رساند و اولین مقاله ی او مقاله حکومت در اسلام بود که در فصلنامه مکتب تشیع به چاپ رسید و این نشان می دهد که ایجاد حکومت در اسلام برای وی موضوع بسیار مهم و دغدغه ی ایشان بود. از دیگر مقاله های آیت الله بهشتی که در این مجلات به چاپ رسید می توان به بانکداری اسلامی، مالیات در اسلام و نظام اقتصاد اسلامی اشاره کرد که بعد از انقلاب در جهت اداره ی امور کشور مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۴</sup>

#### ۴- کانون اسلامی دانش آموزان:

آیت الله بهشتی که شاهد شکست نهضت ملی بود آن را ناشی از اختلاف بین روحانیون و طرفداران مصدق می دانست و به این نتیجه رسید که باید بین دو قشر طلاب و دانشجو پیوند و رابطه برقرار کند تا آنها در کنار هم بر پایه ی اسلام اصیل به صورت هماهنگ حرکت کنند. به همین منظور کانون دانش آموزان را در قم تأسیس کرد و مسئولیت اداره آن را به آیت الله مفتاح واگذار کرد.

جلسات این کانون که هفته ای یکبار در روزهای جمعه تشکیل می شد در آن روحانیونی از قم و تهران سخنرانی می کردند و دانشجویان، روحانیون، دانش آموزان و فرهنگیان با هم بحث های اسلامی انجام

<sup>۱</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۶۵-۶۴

<sup>۲</sup> - عماد الدین، باقی، تولد یک انقلاب، تهران، سرایی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱

<sup>۳</sup> - رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب، تهران، همشهری، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶

<sup>۴</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۶۶

می دادند و حاصل این مباحث و جلسات جرعه ای شد برای نظریه ی آیت الله مفتاح مبنی بر وحدت حوزه و دانشگاه.<sup>۱</sup>

این کانون که در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده بود در کنار بهشتی، افراد دیگری چون مفتاح، نوری همدانی و دیگر روحانیون سیاسی قم آن را همراهی می کردند و اولین بار در قم واقع در خیابان بهروز (باجک فعلی) شکل گرفت و رژیم پهلوی بارها سعی کرد آن را نابود کند. علت اینکه دستگاه رژیم نسبت به آن حساسیت نشان می داد این بود که آنها می دانستند با وجود اینکه این کانون عنوان دانش آموز را دارد ولی عملاً مرکزی برای وحدت دو قشر آگاه جامعه یعنی روحانی و دانشجو می باشد.<sup>۲</sup> آیت الله بهشتی از آنجایی که معتقد به تشکیلات و کادر سازی بود و انقلاب بدون تشکیلات و نیرو را بی سرانجام می دانست به پرورش نیرو پرداخت و تأسیس دبیرستان دین و دانش، کانون دانش آموزان و فرهنگیان قم، مدرسه ی حقانی در راستای این اعتقادش بودند.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، پیشین، ج اول، صص ۳۳-۳۱

<sup>۲</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۶۹

<sup>۳</sup> - حسینیان، پیشین، ص ۷۰۲

## فعالیت دهه ی ۴۰:

**۱- انتقال به تهران:** آیت الله بهشتی به خاطر فعالیتها و اقداماتی که در قم انجام می داد و مطابق میل دستگاه رژیم نبود و به بیانی دیگر این فعالیتها بر علیه رژیم بود ساواک را نسبت به خود حساس کرد و به دنبال آن از طریق آموزش و پرورش از قم به تهران انتقال داده شد.<sup>۱</sup>

ساواک برای انتقال دادن آیت الله بهشتی از قم به تهران دنبال بهانه ای می گشت تا اینکه بهانه دستشان افتاد و آن بهانه این بود که وقتی دانش آموزان مدرسه دیگری برای مسابقات ورزشی به مدرسه دین و دانش آمده بودند تا با هم رقابت ورزشی داشته باشند بعد از پایان مسابقه دانش آموزان برنده شعار جاوید شاه را سر داده بودند و این باعث اعتراض و مخالفت آیت الله بهشتی شده بود و گفته بود باید مسائل سیاسی را از مسائل فرهنگی و ورزشی جدا کرد. این برخورد او باعث شد سرپرست تیم ورزشی مدرسه مهمان به رفتار او اعتراض کند وقتی ساواک قم از این ماجرا با خبر شده بود بهانه ای شد که وی را به تهران انتقال دهد.<sup>۲</sup>

در واقع می توان گفت انتقال ایشان از قم به تهران به دلایل مختلفی چون:

- ۱- با توجه به اینکه با دانشجویان انقلابی در ارتباط بود و برای آنها با سخنرانی های خود راهنمایی هایی جهت فعالیت های فکری و سیاسی انجام می داد قطعاً رژیم نسبت به او حساس می شد.
- ۲- در سالهای ۴۱ و ۴۲ انجمن های اسلامی زیادی در قم تشکیل شد که در رأس هر کدام یک روحانی حضور داشت و هدفشان این بود که تعالیم دینی را ترویج کنند و شبهاتی را که در مورد اسلام و تشیع به وجود می آید را پاسخ دهند. ساواک با نفوذ خود در این انجمن ها بسیاری از آنها را از بین برد و فقط تعدادی از آنها توانستند به صورت سیار کار خود را ادامه دهند. آیت الله بهشتی نیز انجمن اسلامی رضویه را در خیابان باجک تأسیس کرد. در این انجمن وی سخنرانی های تندی علیه رژیم انجام می داد.
۳. یکی دیگر از دلایل انتقال وی را می توان در تأسیس کانون دانش آموزان قم دانست که مرکزی برای ارتباط و همکاری بین دو قشر آگاه جامعه شده بود.<sup>۳</sup>
۴. او نیز مانند بسیاری از روحانیون مبارز و انقلابی در تظاهرات ۱۵ خرداد با تعطیل کردن مدرسه دین و دانش به همراه دانش آموزان خود شرکت داشت و در خصوص تبعید امام نیز سخنرانی های زیادی انجام داده بود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>- شعبانی، پیشین، صص ۷۶-۷۷

<sup>۲</sup>- همان، صص ۸۳-۸۴

<sup>۳</sup>- همان، صص ۸۴-۸۶

۵. وقتی نهضت آزادی جلسات روحانیت و مرجعیت را در منزل یدالله سبحانی در سال ۴۰ تشکیل داد آیت الله بهشتی نیز از قم هر هفته به تهران برای شرکت در این جلسات می آمد این جلسات در حدود ۷ یا ۸ ماه طول کشید در این جلسات در خصوص روحانیت و مرجعیت مطالبی گفته می شد.

۶- با توجه به شیوه ی تربیتی و آموزشی بهشتی و برنامه آموزشی که در مدرسه دین و دانش داشت رژیم از تربیت دانش آموزان انقلابی وحشت داشت.<sup>۲</sup>

این انتقال در تاریخ ۴۲/۹/۱۶ صورت گرفت و وی بعد از آمدن به تهران در خیابان شاهپور مختاری ساکن شد. آیت الله بهشتی بابت این ماجرا (انتقال از قم به تهران) خوشحال بود چون معتقد بود در تهران فضا و شرایط بهتری برای فعالیت سیاسی فراهم است. وقتی وی قصد آمدن از قم به تهران را داشت از آنجایی که از سال ۳۳ تا موقع انتقالشان به عنوان مدیر مدرسه دین و دانش و دبیر زبان انگلیسی زحمات زیادی برای این مدرسه متحمل شده بود دانش آموزان و معلمان این مدرسه بابت این انتقال خیلی ناراحت بودند.<sup>۳</sup>

اداره آموزش و پرورش تهران آیت الله بهشتی را بعد از آمدن او به تهران به دبیرستان دخترانه ای برای تدریس زبان انگلیسی فرستاد. از آنجایی که وضع پوشش دختران مناسب نبود و وی روحانی بود تصور آنها این بود که او در آنجا اذیت می شود. اما آیت الله بهشتی وقتی کارش را در این دبیرستان شروع می کند بچه های دبیرستان بعد از مدتی مجذوب شخصیتش می شوند و با اعتراض و هشدار خانواده بچه های دبیرستان او را از آن دبیرستان به دبیرستان دخترانه ای که اکثریت آنان مسیحی بودند می فرستند که در این دبیرستان نیز ماجرای قبلی تکرار می شود تا اینکه بالاخره وی در مراکز علمی و فرهنگی آموزش و پرورش ممنوع التدریس شد و دیگر آموزش و پرورش محسوب نمی شد و جنبه ی حق التدریسی داشت<sup>۴</sup>.

## ۲- هیأت های موتلفه:

همزمان با تصویب طرح انجمن های ایالتی و ولایتی در سال ۴۱ سه گروه مذهبی در تهران فعالیتهای مستقل از هم داشتند. پس از اینکه این طرح با اعتراض روحانیون و مراجع لغو شد امام خمینی با دعوت کردن از این سه گروه خواستار وحدت و همکاری آنها شد. سرانجام با انتخاب ۴ نفر از هر گروه در مجموع با ۱۲ نفر شورای مرکزی تشکیل دادند. وقتی شورای مرکزی شکل گرفت اعضای هیأت موتلفه تصمیم گرفتند برای اینکه بابت هر کاری وقت امام را نگیرند و از طرفی امام در قم بود و به دلیل دوری

۱ - آرشیو اسناد انقلاب اسلامی با شماره بازیابی ۰۰۴۱۰۰۴۷ و ۰۰۴۱۰۰۱۱

۲ - شعبانی، پیشین، صص ۸۸-۸۷

۳ - همان، ص ۷۷

۴ - همان، ۷۹-۷۸

مسافت و مستحکم کردن شورای مرکزی شورای فقهی داشته باشند. پس از مشورت کردن، اعضا افراد واجد شرایطی را که هماهنگ با اهداف آنها بودند را انتخاب کردند تا در مبارزات خود با مشکلی مواجه نباشند. افراد انتخاب شده عبارت از محمد بهشتی، مطهری، انواری و مولایی بودند.

وقتی این انتخاب شورای فقهی به اطلاع امام رسید و هدف خود را از این شکل گیری شورای فقهی مزاحم وقت امام نشدن اعلام کردند امام گفته بود همه آقایان مورد قبول هستند.<sup>۱</sup>

هیأت های متلفه که اعلام موجودیت آن به سال ۴۱ بر می گردد سه هیأت بود به نام های گروه اصفهانی ها، گروه مسجد شیخ علی و گروه مسجد امین الدوله، به دلیل اینکه برخی از اعضای فدائیان اسلام در این هیأت ها حضور داشتند به مرور فعالیت های مذهبی آنها رنگ سیاسی گرفت.

تشکیلات متلفه برای جلوگیری از عوامل نفوذی در جمع خود، اعضایش را به گروه های ده نفره تقسیم کرده بودند، هر گروه به وسیله یک رابط با اعضا و تشکیلات بالاتر ارتباط برقرار می کرد، این تقسیم بندی باعث شد که هر گروه فقط از وجود خود با خبر شود و راهی برای کسب اطلاعات وجود نداشت.<sup>۲</sup>

هدف اعضای متلفه از تشکیل شورای فقهی این بود که افراد این تشکیلات افرادی مذهبی و طرفدار نهضت امام بودند و برای اینکه حرکت و فعالیتشان با اسلام و قرآن هماهنگ باشد و بر خلاف اسلام و قرآن عمل نشود این شورای فقهی را تشکیل دادند.<sup>۳</sup>

همچنین این شورای فقهی در مواردی که اجازه حاکم شرع لازم بود وارد عمل می شد و با تهیه ی جزوه و ارائه درس ها و بحث ها برای تشکیلات و اعضای آن خوراک فکری تأمین می کرد.<sup>۴</sup>

مؤسسان این تشکیلات اکثراً جزء کسبه و اصناف بازار بودند. عده ای از آنها سابقه ی عضویت در گروه های سیاسی را داشتند. در بین اعضای هیأت متلفه که بیش از ۴۰ تن بودند عده ای نسبت به بقیه مطرح تر و شناخته شده بودند از جمله: حاج صادق امانی، محمد صادق اسلامی، مهدی عراقی، حبیب الله عسگر اولادی، اسدالله لاجوردی، حبیب الله شفیق، ابوالفضل توکلی بینا و علاء الدین میر محمد صادقی، این تشکیلات در مدت کوتاهی توانست علاوه بر گسترده کردن تشکیلات خود در تهران در شهرستانها نیز هسته هایی ایجاد کند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - توکلی بینا، ابوالفضل، دیدار در نوفل لوشاتو (خاطرات سیاسی - اجتماعی ابوالفضل توکلی بینا) تدوین فرامرز شعاع حسینی تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، صص ۴۱-۳۸

<sup>۲</sup> - کردی، پیشین، صص ۸۳-۸۴؛ محلاتی، فضل الله، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهیه و تنظیم: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با حمید روحانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۷۶، ص ۶۵

<sup>۳</sup> - نعمتی زرگران، مرتضی، شهید دکتر باهنر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۶

<sup>۴</sup> - پاشا زاده، غلامعلی، زندگی و مبارزات شهید اسدالله لاجوردی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۷

<sup>۵</sup> - سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۸۴-۱۳۴۴) به کوشش جمعی از پژوهشگران، ج اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۸۵-۱۳۸۴، ص ۲۲۳

این تشکیلات برای خود بعد از ترکیب هیأت‌ها و تشکیل شورای فقهی تصمیم گرفت اساسنامه‌ای تنظیم کند که این اساسنامه پس از تصحیح محمدجواد باهنر و بهشتی و مشورت با هیئت‌های سه‌گانه به تصویب رسید. پس از تنظیم این اساسنامه کارها در ۴ گروه انجام می‌گرفت، گروه اجرائیات، گروه روحانیت، گروه اقتصادی و گروه بررسی مسائل سیاسی.<sup>۱</sup>

جمعیت هیأت‌های مولفه اسلامی علاوه بر پخش اعلامیه‌ها و برگزاری تظاهرات و راهپیمایی‌ها به خانواده مبارزینی که در زندان بودند کمک مالی می‌کردند.<sup>۲</sup>

### ۳- عزیمت به آلمان:

به دنبال ترور حسنعلی منصور توسط شاخه نظامی هیئت‌های مولفه، رژیم اقدام به دستگیری عاملین ترور کرد که بیشتر اعضای مولفه دستگیر شدند و در این دستگیری و بازجویی، شاخه شورای فقهی نیز در معرض اتهام بودند که در پی آن آیت‌الله محی‌الدین انواری دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد، همچنین آیت‌الله بهشتی نیز مورد تعقیب ساواک بود که در همین موقع جریان امام جماعت برای مسجد هامبورگ پیش آمد و آیت‌الله بهشتی از آنجایی که گزینه انتخابی مراجع (آیت‌الله میلانی و خوانساری) برای اعزام به هامبورگ بود توانست از دست عوامل ساواک نجات پیدا کند.<sup>۳</sup>

آیت‌الله بهشتی قبل از رفتن به هامبورگ، سفری به مشهد داشت که در این سفر با آیت‌الله میلانی ملاقاتی کرده بود و در همین سفر و ملاقات بود که آیت‌الله میلانی او را گزینه مناسبی برای اعزام به هامبورگ در نظر گرفته بود و به آیت‌الله بهشتی گفته بود خودش را برای سفر به آلمان آماده کند.<sup>۴</sup>

پس از اینکه مرحوم محمد محقق به ایران بازگشت مراجع آیت‌الله بهشتی را برای امامت مسجد هامبورگ که به دست آیت‌الله بروجرودی تأسیس شده بود و بنا بر درخواست مسلمانان هامبورگ، پیشنهاد کردند هر چند او به دلیل مشغول بودن به کارهای علمی و تحقیقی و آموزشی مایل به رفتن نبود اما دوستانش به دلیل پرونده ترور حسنعلی منصور و امکان دستگیری او اصرار کردند که او رفتن به آلمان را قبول کند و سرانجام او راضی به رفتن شد و مشکل گرفتن گذرنامه‌اش از طریق آیت‌الله خوانساری حل شد و سرانجام از طریق راه زمینی عراق، اردن و سوریه در اسفند ۴۳ عازم هامبورگ شد و در فروردین سال ۴۴ به آنجا رسید.<sup>۵</sup> و خانواده‌اش شش ماه بعد یعنی در شهریور سال ۴۴ به آنجا رسیدند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۲۴

<sup>۲</sup> - محلاتی، پیشین، ص ۶۵

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۱۱۲

<sup>۴</sup> - رجایی، پیشین، ص ۴۸۹

<sup>۵</sup> - حسینی بهشتی، پیشین، ج اول، ص ۴۱

یکی از کارهای اولیه او بعد از رسیدن به آلمان یاد گرفتن زبان آلمانی بود چون می دانست زبان کلید ارتباط با مردم و وسیله ای برای تبلیغ در بین غیر مسلمانان است پس در نزد، یکی از آلمانی های مسلمان خیلی زود خواندن و نوشتن آلمانی را فرا گرفت ، او به غیر از زبان آلمانی قبلاً در دوره دبیرستان کمی زبان فرانسه و همچنین در نزد یکی از خویشاوندان خود زبان انگلیسی را یاد گرفته بود که بعدها در تهران آن را کامل کرد و حتی به عنوان دبیر انگلیسی در مدارس تدریس می کرد. همین یادگیری زبان آلمانی عامل موفقیت آیت الله بهشتی در تبلیغ اسلام در اروپا بود.<sup>۲</sup>

یکی از مهمترین اقدامات آیت الله بهشتی در آلمان این بود که عنوان جمعیت اسلامی ایرانیان را که اختصاص به ایرانیان پیدا می کرد را تبدیل به مرکز اسلامی هامبورگ کرد چون معتقد بود اسلام محدود به ملیت نیست و جهانی می باشد و این عنوان ایرانی باعث شده بود با دیگر مسلمانان عرب، آلمانی و افغانی ارتباطی نداشته باشند این اقدام او باعث شد تا دیگر مسلمانان نیز به این مسجد روی آورند و دفتر کار این مرکز در خانه آیت الله بهشتی بود.<sup>۳</sup>

در هنگام ورود او به آلمان ساختمان مسجد هامبورگ نیمه تمام بود و مردم و شهرداری هامبورگ به خاطر اینکه این بنا نیمه تمام بود و به زیبایی فضای شهر لطمه می زد معترض مسلمانان ایرانی شدند و خواستار کامل کردن این بنا بودند، پس آیت الله بهشتی و دیگر دوستانش تمام تلاش خود را برای تمام کردن این بنا به کار بردند این مسجد بنا به تقاضای مسلمانان مقیم آلمان توسط آیت الله بروجردی تأسیس شد و او به نمایندگی از خود محمد محقق را مأمور این کار کرد و هیئت امنایی برای ساخت مسجد تشکیل شد و زمین این مسجد در کنار دریاچه ی آلستر آلمان انتخاب شد اما پس از مدت کوتاهی به خاطر حمایت نکردن ایرانیان مقیم هامبورگ که تعدادشان کم بود و همچنین بیماری محقق کار مسجد نیمه تمام ماند. از آنجایی که عده ای تاجر و دانشجوی مذهبی در آنجا زندگی می کردند عنوان آن را مسجد ایرانیان گذاشته بودند و این عنوان مسلمانان را به ملیت ایران محدود می کرد بعد از مدتی محقق به دلیل بیماری به ایران بازگشت و ایرانیان مقیم آلمان از مراجع تقاضای مبلغ و امام جماعت و ادامه کار ساختمان مسجد به آلمان داشتند و مراجع از جمله آیت الله میلانی و خوانساری بهشتی را برای این کار به آلمان فرستادند.<sup>۴</sup>

در خصوص کمک مالی برای تکمیل بنای مسجد می توان گفت از چند طریق این کمک مالی فراهم شد از جمله اینکه وام هایی گرفته شد تا به طریقی وام های گرفته شده قبلی هم پرداخته و تسویه شود، بخش

۱- مصاحبه با علیرضا بهشتی، ۹۱/۴/۲۰

۲- شعبانی، پیشین، ص ۱۲۳

۳- حسینی بهشتی، پیشین، ج اول، صص ۱۴۲-۱۴۱

۴- شعبانی، پیشین، صص ۱۳۵-۱۳۴

بیشتر آن از طریق ایرانیان مقیم آلمان بود و همچنین آیت الله میلانی و خیرینی که در ایران بودند به ساخت مسجد کمک کرده بودند.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی با تهیه کمک مالی در حدود ۳ میلیون تومان توانست ساختمان مسجد را در سال ۱۳۴۵ تکمیل و به پایان برساند.<sup>۲</sup>

هیئت امنای این مسجد شامل افرادی چون: بهشتی، ولادی، کریم نعمت زاده، محمد خسرو شاهی، و معماری بودند که رئیس این هیئت بهشتی بود.<sup>۳</sup>

در این مسجد فعالیت دینی و مذهبی انجام می شد از جمله: قرائت قرآن، تفسیر، نماز جمعه و بیان خطابه به زبان آلمانی و نشست دانشجویی و غیره.<sup>۴</sup>

طبق گزارشات ساواک به آیت الله بهشتی در طی سالهایی که در هامبورگ بود هیچ گونه کمک مالی از طرف اداره اوقاف یا وزارت امور خارجه و یا وزارت آموزش و پرورش نمی شد و اکثر کمکها از سوی تجار و مراجع بود همچنین ماهانه سه هزار مارک آلمانی از طرف شخصی به نام همدانی که آهن فروش بود برای مسجد کمک مالی دریافت می کرد.<sup>۵</sup>

در خصوص تکمیل مسجد هامبورگ شریف امامی در کتاب خاطرات خود مطالبی را عنوان می کند به گفته او زمانی که او سفری به هامبورگ داشته ساختمان مسجد ایرانیان نیمه تمام بوده و شهردار هامبورگ معترض این قضیه بوده چون به چهره و زیبایی آن شهر بنای نیمه تمام لطمه می زد و از شریف امامی می خواهد که یا موافق خراب کردن ساختمان نیمه تمام باشد تا از زمین آن استفاده دیگری شود یا آن را تکمیل کنند شریف امامی در طی گفتگو و صحبت هایی که با ایرانیان مقیم آنجا داشته متوجه می شود که هزینه ساختمان مسجد و هیئت امنای آن توسط آیت الله بروجردی تأمین و تعیین شده بود و با فوت آیت الله بروجردی و کمبود پول برای ادامه تکمیل ساختمان بنای آن نا تمام مانده است. شریف امامی پس از بازگشت به تهران و در میان گذاشتن تکمیل ساختمان مسجد هامبورگ با شاه، شاه به مبلغ ۵۰ هزار تومان برای این کار پرداخت کرده بود و به شریف امامی پیشنهاد کرده بود به عنوان رئیس اتاق صنایع و معادن ایران (رئیس اتاق بازرگانی) می تواند از صاحبان صنایع ۷۰۰ الی ۸۰۰ تومان جمع آوری کند و او بعد از تهیه پول کافی معمار مسجد هامبورگ را مأمور تکمیل مسجد کرده بود و پس از تکمیل ساختمان از آنجایی که هیئت امنای مسجد تقاضای تعیین امام برای مسجد را کرده بودند او با توجه به

<sup>۱</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، پیشین

<sup>۲</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۱۳۵

<sup>۳</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۷۷

<sup>۴</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۵

<sup>۵</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص ۸۳-۵۲



آشنایی که با آیت الله خوانساری داشت و این آشنایی از زمان زلزله بوئین زهرا صورت گرفته بود از طریق داماد آیت الله خوانساری از ایشان می خواهد که شخص مناسبی را برای این کار به او معرفی کند و آیت الله خوانساری نیز آیت الله بهشتی را پیشنهاد کرده بود به گفته شریف امامی او شخصاً به شهربانی کل کشور نامه نوشته و از آنها خواسته بود برای آقای بهشتی گذرنامه صادر کنند.<sup>۱</sup>

در خصوص گفته های شریف امامی علیرضا بهشتی می گوید: «که در آن موقع شریف امامی علاوه بر ریاست مجلس سنا رئیس بازرگانی نیز بوده و از آنجایی که تجار ایرانی مقیم در هامبورگ به اتاق بازرگانی بدهی داشته اند به شریف امامی پیشنهاد می کنند که به جای پرداخت بدهی به اتاق بازرگانی این پول را برای کمک به تکمیل مسجد هامبورگ صرف کنند و او موافقت می کند.»<sup>۲</sup>

در گفته های شریف امامی ابهاماتی دیده می شود از جمله اینکه بنا به گفته ی او پس از تکمیل ساختمان مسجد هیئت امنای مسجد از او خواستار تعیین امام برای مسجد بودند و او از آیت الله خوانساری می خواهد شخص مناسبی را پیشنهاد کند و او آیت الله بهشتی را پیشنهاد می کند در حالی که آیت الله بهشتی وقتی به درخواست آیت الله میلانی و خوانساری به آلمان رفت مسجد هامبورگ ساختمانش نیمه تمام بود و او با کمک مالی توانست تا سال ۴۵ آنرا تکمیل کند و از طرفی شریف امامی ادعا می کند او از شهربانی کل کشور خواسته بود برای آیت الله بهشتی گذرنامه صادر کنند در حالی که او با مشکل گذرنامه روبه رو بود و از آنجایی که رژیم او را با فامیلی حسینی می شناخت آیت الله بهشتی از طریق آیت الله خوانساری مشکل گذرنامه اش را حل کرده بود.

آیت الله بهشتی قبل از اینکه عازم آلمان شود مسجد هامبورگ به خاطر عنوانی که داشت (مسجد ایرانیان) آن هم اهل تشیع این عنوان باعث می شد اهل تسنن به مسجد رفت و آمد چندانی نداشته باشند اما پس از رفتن وی به آلمان و تغییر دادن عنوان مسجد که تبدیل به مسجد مسلمانان هامبورگ شد برنامه ها و مراسم مسجد مورد استقبال اهل تسنن نیز قرار گرفت آنهاحتی در تکمیل ساختمان مسجد همکاری های زیادی کردند و این استقبال و رفت و آمد به مسجد باعث ایجاد وحدت بین اهل تشیع و تسنن می شد. آیت الله بهشتی مباحث و مسائلی را که به وحدت شیعه و سنی لطمه می زد و منجر به اختلاف دینی و مذهبی آنها می شد را سعی می کرد در مراسمات مسجد کمتر عنوان کند از جمله اینکه در موقع اذان گفتن جمله ی «اشهد ان علیاً ولی الله را که طبق فتوای علمای شیعه جزء اذان واقامه نیست را حذف کرد.»<sup>۳</sup>

او همچنین در این سالهایی که در هامبورگ بود به تبلیغ دین اسلام پرداخت و با دادن آگهی و تبلیغات در روزنامه های آلمان مردم را تشویق به شرکت در برنامه و سخنرانی های مسجد هامبورگ می کرد.

<sup>۱</sup> - شریف امامی، جعفر، **خاطرات جعفر شریف امامی**، با ویراستاری حبیب لاجوردی، تهران، سخن، ۱۳۸۰، صص ۲۸۵-۲۸۴

<sup>۲</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، پیشین

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۲۵-۱۲۴

در این مدت تعداد زیادی از مردم آلمان به اسلام گرایش پیدا کردند. او برای تبلیغات اسلام سفرهای متعددی به اروپا و آمریکا کرد و با سخنرانی های خود نقش مهمی در شناساندن اسلام برای غربیان ایفا نمود<sup>۱</sup>. آیت الله بهشتی در سالهای اولیه حضور در هامبورگ یک دوره تفسیر قرآن را شروع کرده بود از سوره بقره تا سوره نساء و همچنین بعضی سوره های دیگر قرآن را به صورت جداگانه تفسیر کرده بود از جمله سوره توبه که قسمتی از این تفاسیر بعدها در روزنامه جمهوری به چاپ رسید<sup>۲</sup>.

یکی از مشکلاتی که مسلمانان آلمان با آن مواجه بودند دسترسی نداشتن آنها به گوشت ذبح شرعی بود آیت الله بهشتی با هماهنگی شهرداری هامبورگ محلی را مخصوص ذبح و فروش گوشت شرعی برای مسلمانان در نظر گرفت تا مسلمانان به راحتی به گوشت حلال و ذبح شرعی دسترسی داشته باشند و به این منظور هفته ای چند بار قصاب مسلمانی به قصاب خانه هامبورگ می رفت و ذبح می کرد و گوشت مورد نیاز مسلمانان را به قصابی می داد<sup>۳</sup>. از دیگر کارهای آیت الله بهشتی در سالهای حضور در هامبورگ این بود که برای اولین بار نماز عید قربان را به امامت خودش در هامبورگ برگزار کرد<sup>۴</sup>.

آیت الله بهشتی برای نزدیک شدن بیشتر ادیان و مذاهب به یکدیگر گفتگوهای متقابلی با رهبران ادیان و سران کلیسا داشت که این گفتگوها در سطح مجامع دینی اروپا مؤثر بود همچنین بحث و گفتگویی مهم با اسقف اعظم اتریش کاردینال در جمع دانشجویان دانشگاه وین داشت که با استقبال زیاد مسلمانان و به ویژه دانشجویان ایرانی روبه روشد<sup>۵</sup>.

از آنجایی که ایران در آلمان سفارت داشت و ساواک کنترل شدید بر فعالیت ها می کرد آیت الله بهشتی بیشتر به فعالیت های دینی و اجتماعی می پرداخت تا بهانه ای دست عوامل رژیم ندهد اما با این وجود او همیشه در مراکزی که سخنرانی می کرد تاکید اصلی اش بر امام و عمل به گفته های امام بود و سعی می کرد چهره واقعی رژیم شاه را به ایرانیان خارج از کشور و مردم آزادی خواه اروپا و آمریکا نشان دهد<sup>۶</sup>.

مسیح مهاجری خاطره ای را از آیت الله بهشتی تعریف می کند که نشان از مخالفت علنی او با رژیم شاه می باشد، یکبار که شاه به آلمان سفری داشته به هامبورگ می رود و قصد دیدار از مسجد هامبورگ را می کند عوامل رژیم وقتی امتناع شدید آیت الله بهشتی را دیدند به وعده های مالی و کمک شاه به مسجد اشاره کردند تا شاید او با شنیدن این وعده ها راضی به این دیدار شود اما وقتی دیدند این وعده ها در

<sup>۱</sup> - همان، صص ۱۲۸-۱۲۶

<sup>۲</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ظ؛؛ ابراهیم زاده، پیشین، ص ۵۶

<sup>۳</sup> - رجایی، پیشین، ص ۵۰۴

<sup>۴</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۱۴۹

<sup>۵</sup> - رجایی، پیشین، ص ۴۹۶

<sup>۶</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۳۰-۱۲۹

رضایت او تأثیری ندارد و وی را در تصمیم خود راسختر می کند او را تهدید کردند به اینکه شاه به دیدن مسجد می آید و اگر استقبالی از طرف او صورت نگیرد باید در انتظار عواقب این کارش باشد آیت الله بهشتی از آنجایی که می دانست شاه برای تحکیم موقعیت خود به این دیدار نیاز دارد از پذیرش این پیشنهاد خودداری کرده بود و در جواب آنها گفته بود «شاه ممکن است به کمک پلیس آلمان به اینجا بیاید ولی در آن صورت مرا در اینجا نخواهد دید» سرانجام شاه به کمک پلیس آلمان به دیدن مسجد آمده بود ولی آیت الله بهشتی قبل از اینکه شاه بیاید به شهر دیگری مسافرت کرده بود تا شاه نتواند از این دیدار بهره برداری بکند.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی در طی سالهایی که در آلمان بود (۴۹-۴۳) سفرهایی به ترکیه، عراق، سوریه، لبنان و عربستان داشته اودر لبنان با امام موسی صدر رفیق دیرینه ی خود دیداری تازه می کند و همچنین یکی از انگیزه های سفرش به این کشورها بازدید از فعالیت های اسلامی و درک نقش و اهمیت این فعالیتها بود.<sup>۲</sup> و این سفر دو هفته طول کشید او نیز سفری در سال ۴۸ به عراق کرد هنگامی که امام در عراق در تبعید به سر می برد و در مورد اقدامات و فعالیتش در هامبورگ برای امام گزارشی داده بود و این سفر در حدود ۱۵ الی ۲۰ روز طول کشید.<sup>۳</sup>

وعلاوه بر دیدار با امام با بزرگانی چون آیت الله محمد باقر صدر و حکیم ملاقاتی انجام داد.<sup>۴</sup> در همین سفر عراق جلسه ی دیدار و گفتگویی نیز در مدرسه ی آیت الله بروجردی صورت گرفت محل این جلسه و گفتگودر طبقه ی سوم ایوان بود که با انداختن فرش طلاب و علما دور هم جمع شدند مخصوصاً اصفهانی ها در این جلسه آیت الله علامه فانی اصفهانی نیز حضور داشت و بین آیت الله بهشتی و آیت الله فانی اصفهانی که از مراجع بود بحث فقهی مطرح شد و با وجود اینکه آیت الله بهشتی از حوزه ی علمیه سال ها دور بود تسلط آیت الله بهشتی در مباحث فقهی طلاب را شکفت زده کرده بود.<sup>۵</sup> آیت الله بهشتی در ۲۰ اسفند سال ۴۵ به همراه همسرش برای سفر حج عازم عربستان شد این در حالی بود که در همان روز از طرف سازمانی ناشناس در هامبورگ برای مصدق مجلس ختمی ترتیب داده بودند که با اجازه ی آیت الله بهشتی به عنوان نماینده مرجع تقلید در هامبورگ و رئیس هیئت امنای ساختمان مسجد اسلامی هامبورگ در این مسجد صورت گرفت.<sup>۶</sup> و در این سفر حج آیت الله بهشتی با آیت الله مرتضی مطهری

<sup>۱</sup> - مهاجری، مسیح، بهشتی و انقلاب، تهران، اوج، ۱۳۶۱، صص ۲۰-۱۹

<sup>۲</sup> - ابراهیم زاده، پیشین، ص ۵۸

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۱۳۲

<sup>۴</sup> - ملکی، پیشین، ص ۱۷

<sup>۵</sup> - رحیمیان، محمد حسن، حدیث رویش: خاطرات حجت الاسلام رحیمیان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲،

ص ۲۷۹

<sup>۶</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۸۱

که به همراه دوستانش که در حسینیه ی ارشاد فعالیت می کردند وبه زیارت خانه خدا آمده بودند دیدار کرد<sup>۱</sup>. اگرچه آیت الله بهشتی در هامبورگ اقامت داشت ولی حوزه ی فعالیت وی کل آلمان، به خصوص اتریش و مقدار کمی هم سوئیس و انگلستان بود و همچنین ارتباط کتبی با سوئد، بلژیک، آمریکا، فرانسه، ایتالیا و هلند داشته است<sup>۲</sup>. یکی از پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ این بود که سازمان اطلاعات و امنیت کشور برای سرکوبی فعالیت مخالفین رژیم تأسیس شد و فضای خفقانی در کشور حاکم بود مخصوصاً در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و از آنجایی که جنبش های مردمی به ویژه جنبش های دانشجویی سرکوب می شد فعالیتهای سیاسی علیه دستگاه حاکم به خارج از کشور انتقال داده شد در دهه ی ۵۰ دانشجویان زیادی برای ادامه ی تحصیل به اروپا و آمریکا اعزام شدند و این دانشجویان از آنجایی که شاهد سرکوبی فعالیت های سیاسی علیه رژیم بودند فضا را برای فعالیت مناسب دیدند در نتیجه اقدام به ایجاد انجمن وتشکل هایی کردند، در این میان دانشجویان مقیم اروپا فعالیتشان بیشتر بود بعد از مدتی انجمن ها ترکیب شدند و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور را تشکیل دادند در ابتدای امر هدف این کنفدراسیون حل کردن مشکلات سیاسی - صنفی دانشجویان بود اما پس از مدتی دست به فعالیت سیاسی علیه رژیم زد و تبدیل به یک جنبش سیاسی شد<sup>۳</sup>. سالهایی که آیت الله بهشتی در هامبورگ به عنوان مبلغ فعالیت می کرد (۴۹-۴۴) اوج گسترش کنفدراسیون در آلمان بود<sup>۴</sup>. بعد از مدتی از آنجایی که اندیشه های مارکسیستی - کمونیستی در کنفدراسیون توسط دانشجویان طرفدار حزب توده تبلیغ می شد نارضایتی شدید دانشجویان مسلمان را به دنبال داشت و در پی آن دانشجویان مسلمان از کنفدراسیون جدا شدند و اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان خارج از کشور را تشکیل دادند<sup>۵</sup>. صادق طباطبایی در خاطرات خود در مورد فعالیت اتحادیه وتشکیل کنگره ها می گوید: «کنگره اول، دوم و سوم در سالهای ۱۹۶۶-۱۹۶۵م برگزار شده بود، کنگره چهارم همزمان بود با ورود وحضور دکتر بهشتی در هامبورگ، ایشان هم از لحاظ عقیدتی و هم از جنبه ی سیاسی پشتوانه خوبی برای دانشجویان مسلمان بودند در مقابل اندیشه مارکسیستی، لنینیستی و وابستگان ایرانی که غرق در چارچوب بافته های حزبی وتشکیلاتی بودند، پیش از این دانشجویان مسلمان ایرانی احساس ضعف می کردند و اعتماد به نفس نداشتند اما با آمدن مرحوم بهشتی و برقراری ارتباط با ایران و نیز ارتباط دانشجویان با فعالیت های فرهنگی در داخل کشور به ویژه اندیشه های شریعتی رفته رفته آن حالت ضعف

<sup>۱</sup> - ابراهیم زاده، پیشین، ص ۵۹

<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی، ج ۳، پیشین، ص ۱۷۲

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۳۸-۱۳۷

<sup>۴</sup> - زیباکلام، صادق، مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران، روزنه، ۱۳۷۵، ص ۳۰۲

<sup>۵</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۳۹-۱۳۸

بر طرف شد و دانشجویان به سلاح ایدئولوژیکی اسلامی مجهز شدند..... در باروری فکری انجمن های اسلامی عواملی موثر بودند از جمله نقش دکتر بهشتی در مرکز اسلامی هامبورگ که هم به لحاظ عقیدتی و هم ارشادهای خاصی که به اتحادیه می داد موجب تقویت انجمن های اسلامی شد.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی توصیه هایی برای دانشجویان عضو اتحادیه داشت از جمله اینکه وظیفه اصلی آنها درس خواندن است و تاکید زیادی در مورد این مسئله داشت و توصیه ی دیگرش این بود که نباید کاملاً سیاسی باشند و اینکه از لحاظ اقتصادی استقلال داشته باشند وی حتی بعد از بازگشت به ایران ارتباط خود را با اتحادیه حفظ کرد و از طریق مکاتبه و یا دیدار باشورای مرکزی اتحادیه راهنمایی های خود را برای آنها داشت.<sup>۲</sup>

محمد کیارشی که جزء تحصیل کردگان آلمان در سالهای ۴۳-۴۴ بود در مورد انجمن اسلامی می گوید : «کسی که بیشتر از همه به این انجمن سر می زد و پایه های این انجمن را تقویت می کرد مرحوم بهشتی بود او به ما سر می زد و به سوالات بچه ها جواب می داد و مشکلات آنها را از نظر سیاسی و به خصوص از نظر اسلامی حل می کرد.» آیت الله بهشتی وقتی در سال ۴۹ (۱۹۷۰) به ایران برگشت ۸ سال بعد از بازگشت خود به ایران و یک سال قبل از انقلاب دوباره به آلمان رفت و در آخن با هیئت مدیره اتحادیه انجمن اسلامی دیدار کرد و به گفته ی خودش برای بعد از انقلاب به دنبال نیروی انسانی آمده بود و از آخن به دیگر کشورهای اروپایی و غرب رفت تا با بچه های انجمن های جاهای دیگر از نزدیک آشنا شود و بعد از اینکه انجمن های آمریکا و کانادا را ارزیابی و دیدن کرده بود دوباره به ایران برگشته بود.<sup>۳</sup>

یکی از پیشنهادهایی که آیت الله بهشتی به اعضای اتحادیه انجمن های اسلامی اروپا در آلمان داد و خیلی موثر بود این بود که نشریه ای منتشر کنند که قبل از آمدن آیت الله بهشتی چنین برنامه ای نبود. او معتقد بود : «شما باید تمام آنچه را انجام می دهید منعکس کنید و در تمام سطح اروپا منتشر کنید.» این نشریه مکتب مبارز نام گرفت و به دلیل اینکه در اکثر شماره های آن از امام پیام هایی در صفحه اول آن چاپ می شد اگر نسخه ای از آن از کسی به دست ساواک می افتاد مطمئناً چند سال زندان در انتظارش بود. در این نشریه خود آیت الله بهشتی نیز مقالاتی می نوشت و از ایران نیز مقالاتی برای چاپ در این نشریه فرستاده می شد از جمله از محمد تقی جعفری در واقع این نشریه توانست بین شخصیت های فرهنگی کشور

<sup>۱</sup> - طباطبایی ، ج اول ، پیشین ، ص ۷۶

<sup>۲</sup> - شعبانی ، پیشین ، صص ۱۴۳-۱۳۹

<sup>۳</sup> - فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر (فصلنامه ۱۵ خرداد ) ، دوره ی سوم ، سال هفتم ، شماره ۲۳۳ ، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۳۶-۳۳۴

و دانشجویان خارج از کشور پیوندی برقرار کند.<sup>۱</sup> فعالیت های آیت الله بهشتی در هامبورگ او را در مقابل کمونیستها قرار داد و به همین دلیل بود که مورد نفرت شورویها و کمونیستهای آلمان شرقی بود.<sup>۲</sup> یکی از کتابهای حاصل سالهای اقامت آیت الله بهشتی در هامبورگ کتاب نماز چیست؟ می باشد که او برای آشنا کردن مسلمانان اروپا بانماز آن را نوشته بود.<sup>۳</sup>

در کل می توان حاصل این چند سال اقامت در هامبورگ را از زبان خود آیت الله بهشتی که ساواک در گزارشات و بازجوییهای خود بعد از بازگشت وی در پرونده اش یادداشت کرده بود مشاهده کرد. او قسمت عمده کارهای خود را در این سالها چنین بیان می کند «۱- کوشش برای تکمیل ساختمان مسجد هامبورگ که مدتی بود معوق مانده و مایه سروصداهایی در محل شده بود که به حیثیت اسلام و ایران لطمه میزد ۲- کوشش در تقویت مبانی عقیدتی و اخلاقی و عملی اسلامی مسلمانان مقیم آلمان به خصوص برادران و خواهران مسلمان ایرانی مقیم آنجا.

۳- رسیدگی به امور دینی آنها و انجام مراسمی که معمولاً بر عهده یک عالم دینی است از قبیل ازدواج و نظایر آن.

۴- حل و فصل برخی از اختلافات شغلی و خانوادگی.

۵- کوشش برای آشنا ساختن مردم آلمان به حقایق اسلامی از راه نشریات ، سخنرانی و تدریس در مدارس آلمانی ، دانشگاه ها و کلیساها و مجامع دیگر.

۶- عقده گشایی های روحی از کسانی که از آنجا دچار غربت زدگی و مسائل ناشی از آن می شدند و مشاوره های مشابه به خصوص برای جوانان.

۷- مازاد وقت صرف ادامه مطالعات و تحقیقات دینی و انسانی و دین شناسی می شد. <sup>۴</sup> سرانجام آیت الله بهشتی در تاریخ ۴۹/۳/۸ به ایران بازگشت .<sup>۵</sup>

بعد از اینکه او به ایران بازگشت عده ای از مذهبی های سنتی و روحانیون تبلیغاتی علیه او و اقداماتش در آلمان انجام دادند به طوری که آیت الله میلانی کمک های خود را به مسجد هامبورگ قطع کرد <sup>۶</sup> دلیل این اقدام آیت الله میلانی این بود که گروهی به نام ولایتیون که خود را اهل ولایت می دانستند بهشتی ، هاشمی و خامنه ای را وهابی می دانستند و اینکه اینها اهل بیت را قبول ندارند از افراد شاخصی که در

<sup>۱</sup> - رجایی ، پیشین ، صص ۴۹۷-۴۹۶

<sup>۲</sup> - سولیان ، ویلیام ، سر آنتونی پارسونز ، *خاطرات دوسفیر* ، مترجم وگردآورنده محمود طلوعی ، تهران ، نشر علم ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۸۴

<sup>۳</sup> - رجایی ، پیشین ، ص ۴۹۹

<sup>۴</sup> - یاران امام به روایت اسناد ساواک ، پیشین ، ص ۲۸۰

<sup>۵</sup> - همان ، ص ۱۴۴

<sup>۶</sup> - رجایی ، پیشین ، ص ۵۱۸

مورد آیت الله بهشتی پس از بازگشتش دید مثبتی نداشت مرتضی جزایری بود، دلیل عمده ی شایعات این بود که آیت الله بهشتی به حسینیه ی ارشاد گرایش داشت.<sup>۱</sup>

درمورد بازگشت او به ایران شایعاتی درست کرده بودند از جمله اینکه تفاوت دیدگاه فقهی آیت الله بهشتی با امام در تصمیم بازگشت او به ایران تأثیر داشته است.<sup>۲</sup> از آنجایی که آیت الله بهشتی در توسعه مسجد هامبورگ خیلی نقش داشته هیئت امنای مسجد از وی می خواهد که فردی را به عنوان جایگزین خود در هامبورگ معرفی کند و وی محمد مجتهد شبستری را که قبلاً هم در مدرسه ی حقانی با هم همکاری داشتند معرفی می کند و پس از مجتهد، محمد خاتمی به مدت یک سال و نیم یا دو سال در هامبورگ فعالیت داشته و بعد از خاتمی محمد مقدم که از طلبه های مدرسه ی حقانی بود جایگزین وی می شود، مرکز اسلامی هامبورگ تا پایان دوره ی مقدم به صورت هیئت امنایی اداره می شد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، جلسه دوم، ۹۱/۸/۳

<sup>۲</sup> - معادی خواه، عبدالمجید، **جام شکسته : خاطرات حجه الاسلام عبدالمجید معادی خواه**، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۸۲-۱۳۸۴، ص ۲۵۰

<sup>۳</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، جلسه دوم، پیشین

## فعالیت دهه ی ۵۰ .:

### ۱- تدوین کتب دینی:

آیت الله بهشتی پس از اینکه از قم به تهران انتقال داده شد در سالهای (۴۳-۴۲) به همراه دوستانش تصمیم گرفتند تعلیمات دینی مدارس را بدون نقش و دخالت دستگاه رژیم تغییر بدهند و برای این کار جلساتی تشکیل دادند و پایه ی تغییر کتب دینی را به همراه آقایان باهنر، غفوری، برقی، رضی شیرازی رابه وجود آوردند.<sup>۱</sup>

اما از آنجایی که ماجرای مسجد هامبورگ و رفتن آیت الله بهشتی به آلمان پیش آمد ادامه ی این همکاری موکول شد به سالهای پس از بازگشت او از هامبورگ، آیت الله بهشتی پس از بازگشت برای فعالیت از سوی دوستانش پیشنهاد هایی داشت از جمله تدریس در دانشگاه تهران که این پیشنهاد از طرف مفتوح و مطهری بود. و یا به قم برگردد و فعالیت خود را در حوزه ادامه دهد اما او پیشنهاد فعالیت در قسمت برنامه ریزی و تهیه ی کتاب تعلیمات دینی آموزش و پرورش را قبول کرد و به گفته خودش «اسلام و جهاد را به مدارس می بریم»<sup>۲</sup>

بعد از قبول پیشنهاد فعالیت در بخش کتب دینی، گروه تدوین یعنی باهنر و غفوری و دیگر دوستان تصمیم گرفتند این کار از دایره آنها خارج نشود. یعنی هر کدام از آنها مسئول بخشی از کار شود و برنامه ریزی، تألیف و نظارت بر کتاب توسط خود آنها صورت بگیرد. و برای این کار روشی را به کار بردند و آن هم این بود، کتابها برای اینکه به مرحله نهایی که همان شورای عالی آموزش و پرورش بود نرسد، کتاب ها را زمانی برای چاپ می دادند که دیگر فرصتی برای اظهار نظر وجود نداشت رژیم تاملتاهم توجه نبود تا اینکه آخرین کتاب برای چاپ تحویل داده شد، پس از اطلاع اداره ای به نام اداره ی ملی ومیهنی که شاخه ساواک در آموزش و پرورش بود به وجود آوردند و کارشناسان زیر قسمت اعظم کتابها خط می کشیدند و مطالب و محتوای آنها را ضد ملی میدانستند و به دنبال حذفش بودند، این اقدام آنها از آنجایی که مقارن شد با روزهای نزدیک به انقلاب و از طرفی گروه تدوین مقاومت کرده بودند رژیم دیگر دست از اینکار برداشت.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، ج ۳، پیشین، صص ۱۶۹-۱۶۸  
<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی، ج اول، پیشین، ص ۴۹  
<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ج ۳، پیشین، صص ۴۴۲-۴۴۱



آیت الله بهشتی نیز نقش مستقیم و مؤثری در تألیف و برنامه ریزی کتابهای دینی داشته و از آنجایی که این کتاب ها با عکس شاه چاپ می شد او مخالف بود که اسمش در پشت کتابها باشد ولی بعد از انقلاب وقتی کتاب شناخت دین چاپ شد اسم او هم بود.<sup>۱</sup>

محمد جواد باهنر در جواب این سوال که چطور در آن موقع این کتابهای دینی را نوشته اند، آیا اینکار همکاری محسوب نمی شده؟ میگوید: «اگر در سراسر این کتابها یک جمله پیدا کنند که حتی غیرمستقیم بتواند دستگاه رژیم سابق را تأیید کند جایزه میدهیم بالعکس صدها مورد پیدا خواهند کرد که اینها به صورت مستقیم و فشرده نفی استکبار و استعمار را میکرد و در این کتابها بحث کردیم.»<sup>۲</sup>

اعضای گروه تدوین کتب دینی با وجود اینکه مخالف با رژیم بودند اما به خاطر تقویت و شکل گیری درست اعتقادات مردم اقدام به این کار کردند این افراد کسانی بودند که در آموزش و پرورش کار می کردند و در زمان رژیم این تصور بود که هر کس در آموزش و پرورش باشد کمتر مورد انتقاد قرار می گیرد با توجه به این که ایران کشور شیعه مذهبی بود و کتب دینی باید براساس این مذهب نوشته شود آموزش و پرورش از مطهری، بهشتی، باهنر برای تألیف کتاب های دینی دعوت کرد و این بیشتر به خاطر تسلط و توان علمی آنها بود. دستگاه رژیم تصورش این بود که کتب دینی از آنجایی که به مباحث توحیدی و اثبات خداوند می پردازد پس در نتیجه به حاکمیت موجود کاری ندارد و آن را نقد نمی کند.<sup>۳</sup> زمانیکه آیت الله بهشتی و دوستانش اقدام به تدوین کتب دینی کردند این اصلاح از دوره ابتدایی تا دبیرستان بود کتابهای دینی هیچ جذابیتی برای دانش آموزان نداشت و برای آنها درس زایدی به حساب می آمد اما آیت الله بهشتی به همراه دیگر دوستانش با تغییراتی که در محتوای کتابهای دینی انجام دادند توانستند یک تحول اساسی ایجاد کنند و رژیم زمانی متوجه این امر شد که کار از کار گذشته بود.<sup>۴</sup>

حاج شیخ رضا استادی در کتاب خاطرات خود به این اشاره دارد که کاری که شهید بهشتی و باهنر در آموزش انجام دادند یک کار زیربنایی بود و در واقع پرورش دادن نیروهای بالقوه برای انقلاب و آینده کشور بود.<sup>۵</sup>

همینطور لطف الله میثمی در خاطرات خود نوشته است زمانیکه آیت الله بهشتی از آلمان بازگشت با وی ملاقاتی داشته و او در سازمان تدوین کتب درسی مشغول بود و زمانیکه کار تدوین شده خود را به وزیر آموزش و پرورش ارائه و اسلام را به صورت یک مکتب معرفی کرده بودند وزیر در جواب او گفته

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۷۲

<sup>۲</sup> - شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی های اسناد تاریخی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۰

<sup>۳</sup> - دعاگو، محسن، خاطرات حجه الاسلام محسن دعاگو، تدوین: زهره کلاچیان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷

<sup>۴</sup> - رجایی، پیشین، ص ۴۳۸

<sup>۵</sup> - استادی، رضا، خاطرات حاج شیخ رضا استادی، تدوین: عبدالرحیم ابادری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱

بود که کارتان خوب نیست و آیت الله بهشتی در جواب وزیر گفته بود که اسلام مکتبی است همه جانبه و با اصرار او و دوستانش طرح پیشنهادیشان برای کتب دینی تصویب شده بود.

میثمی همچنین میگوید: «کتابهای آقای بهشتی و باهنر که به نام تعلیمات دینی تألیف کرده بودند بسیار مطالب خوبی داشت و به قلم خوب و با کیفیت بالایی تدوین شده بود نوع استدلال های کتاب هم در زمان خودش خیلی جالب بود بعدها که ضربه خورده بودیم (سال ۵۴ تغییر ایدئولوژی) یک دیدگاه می گفت که این ها کارشان موفق تر و خیلی خوب است در سطح میلیون ها دانش آموز کتاب چاپ می کنند و تأثیر و برد این کار هم بسیار مفید و زیاد است در آن شرایط کار آنها حسابی گل کرده بود.»<sup>۱</sup> افرادی چون بهشتی ، مفتاح ، باهنر ، مطهری از جمله افرادی بودند که برای آنکه طرز فکر و دیدگاه دانشگاهیان را نسبت به مذهب و اسلام تصحیح کنند وارد فضای دانشگاه شدند و توانستند با تحصیل و تدریس در دانشگاه مروج اسلام باشند ، آنها حتی برای تأثیر بیشتر و پایه ای مخصوصاً بر روی جوانان به استخدام وزارت فرهنگ و وزارت آموزش عالی در آمدند .<sup>۲</sup>

عزت الله سبحانی در کتاب خاطرات خود در مورد فعالیت آیت الله بهشتی در سازمان تدوین کتب دینی و تأثیر اقدام آنها نوشته «مرحوم بهشتی بعدها به همراه مرحوم باهنر و گلزاده غفوری از طریق سید رضا برقی در زمینه برنامه ریزی تحصیلی در وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار شدند و به تدوین کتابهای دینی مدارس پرداختند، در سالهای (۴۶-۴۲) که ما در زندان بودیم ایشان جزوه هایی را که برای معلمین و محصلین آماده می کرد را برای ما به زندان می آورد و از ما می خواست با توجه به ایام فراغت در زندان آنها را مطالعه و نظرات خودمان را منعکس کنیم این کار مرحوم بهشتی و باهنر و برقی کار ارزنده ای بود و آن کتاب های دینی در ایجاد اندیشه های اسلامی در میان بچه های مدارس مؤثر بود.»<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی در سال ۵۰ روزهای شنبه جلسات تفسیر قرآنی به نام مکتب قرآن دایر کرده بود و در این جلسات در حدود ۴۰۰الی ۵۰۰ نفر شرکت می کردند این جلسات قرآنی به مدت ۴ سال ادامه داشت تا آنکه ساواک آیت الله بهشتی را دستگیر و این جلسات را تعطیل کرد بیشترین موردی که باعث حساسیت ساواک نسبت به این جلسات شده بود ۱۵ جلسه ای بود که آیت الله بهشتی در مورد امر به معروف و نهی از منکر تفسیر داشت در طی این مدت از ابتدای قرآن تا اواسط سوره ی آل عمران تفسیر شد. او همچنین در سال ۵۵ در روزهای دوشنبه جلسات تخصصی اقتصاد را داشت که در این جلسات تحصیل کردگان رشته اقتصاد در آن شرکت داشتند و با هم کتاب کاپیتال مارکس را بررسی می کردند ، در این جلسات

<sup>۱</sup> - میثمی ، لطف الله ، خاطرات لطف الله میثمی ، ج ۲، تهران ، نشر صمدیه ، ۱۳۸۱، ص ۳۰۱

<sup>۲</sup> - نیکبخت ، رحیم، زندگی و مبارزات آیت الله مفتاح ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴، ص ۳۰۴

<sup>۳</sup> - سبحانی ، عزت الله ، نیم قرن خاطره و تجربه ، تهران ، فرهنگ صبا ، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰

تخصصی که یک سال و نیم طول کشید یعنی تا پیروزی انقلاب ادامه داشت در حدود ۹۰ صفحه از این کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفت.<sup>۱</sup>

## ۲- جامعه روحانیت مبارز:

در سالهای ۵۶ و ۵۷ زمانی که از فضای خفقان حاکم بر ایران از سوی رژیم کاسته شد و به دنبال درگذشت سید مصطفی فرزندان امام خمینی، روحانیون که قبل از این هم جلساتی مخفی برای هماهنگی خود در پیشبرد نهضت تشکیل می دادند، تصمیم گرفتند با علنی شدن مبارزات مردم علیه رژیم به فعالیت خود شکل تازه ای بدهند و تشکیلاتی در جنوب تهران ایجاد کردند و آن را به صورت منسجم در آوردند تا بتوانند راحت تر برای آگاهی دادن مردم از اقدامات رژیم فعالیت کنند.

این تشکیلات، تنها تشکل سیاسی علماء و روحانیون بود و وابسته به حزب و گروه خاصی نبود و همین عدم وابستگی باعث شد مردم آن را همراهی کنند، این تشکل تهران را به ۸ منطقه تقسیم کرد و هر منطقه برای خود نماینده ای داشت که هفته ای یک روز این نمایندگان در شورای مرکزی برای مشورت و تبادل اخبار و اطلاعات دور هم جمع می شدند.

جامعه روحانیت مبارز به جنگ چریکی و مسلحانه علیه رژیم اعتقادی نداشت و شیوه و روش خاص خود را برای نارضایتی از طریق تعطیلی حوزه ها و بازارها و اعتصاب و تعطیلی نماز جماعت اعلام می کرد. اولین اعلامیه جامعه روحانیت مبارز با امضاء اعضای اولیه منتشر شد و گسترش فعالیت روحانیون تهران باعث شد که علماء و روحانیون شهرستانها به پیروی از روحانیون تهران تشکیلاتی به وجود آورند و با مرکز ارتباط برقرار کنند.<sup>۲</sup>

اعضای اولیه جامعه روحانیت افرادی از جمله: مطهری، مهدوی کنی، باهنر، بهشتی، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، مهدی شاه آبادی، فضل الله محلاتی، مصطفی ملکی، عبدالمجید ابروانی، مهدی امام جمارانی، موسوی خویینی، مهدی کروی، حسن روحانی، عمید زنجانی، عبدالمجید معادیخواه، موحدی کرمانی، علی اصغر مروارید و... بودند.<sup>۳</sup>

مرکزیت تشکل جامعه روحانیت مبارز ابتدا در شمیران بود و به تدریج تمام تهران را در بر گرفت و به صورت رسمی در اوایل انقلاب بود که تبلیغات خود را آغاز کرد.<sup>۴</sup>

۱ - ابراهیم زاده، پیشین، صص ۷۰-۶۸؛ کردی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، پیشین، صص ۶۴

۲ - نجف پور، مجید، تاریخ شفاهی جامعه روحانیت مبارز تهران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۹۸-۸۹

۳ - ناطق نوری، علی اکبر، خاطرات حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، تدوین: مرتضی میردادر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۱۱۲-۱۱۱

۴ - دارابی، علی، سیاستمداران اهل فیضیه، تهران، سیاست، ۱۳۷۹، صص ۱۴۵-۱۴۴

این تشکیلات بعد از پیروزی انقلاب اساسنامه ای برای خود تهیه کرد و مسئول تنظیم این اساسنامه آیت الله مفتاح به عنوان سخن گو و اولین دبیر کل این تشکیلات بود.<sup>۱</sup>

این اساسنامه تنظیم شده به نزد امام فرستاده شد و ایشان هم آن را مورد تایید قرار داد، همچنین این اساسنامه در آن زمان که هاشمی رفسنجانی و حسینعلی منتظری در زندان به سر می بردند به اطلاعشان رسانده شد.<sup>۲</sup>

جامعه روحانیت مبارز نقش مهمی در گسترش انقلاب به رهبری روحانیت داشت و به طور مداوم با امام برای مشورت در ارتباط بود و در واقع بازوی اجرایی امام در انقلاب بود.<sup>۳</sup>

از جمله فعالیت هایی که جامعه روحانیت مبارز مسئولیت انجام آن را بر عهده داشت. برگزاری مجالس یادبود و گرامی داشت برای شهدا، اعلام تعطیلی عمومی و عزای ملی، برنامه ریزی برای برپایی تظاهرات علیه رژیم، دعوت مردم برای راهپیمایی کردن، همچنین کمیته استقبال از امام زیر نظر این تشکیلات صورت گرفت.<sup>۴</sup>

و اما جایگاه آیت الله بهشتی در تداوم و ایجاد جامعه روحانیت مبارز این بود که وقتی این تشکل در سال ۵۷ حالت رسمی پیدا کرد و نظمی در آن صورت گرفت از جمله کسانی که بر نظم و انسجام این تشکیلات اصرار داشتند مطهری، بهشتی، مفتاح و هاشمی و مهدوی کنی و عمید زنجانی بودند، همچنین وقتی قرار شد اساسنامه ای برای جامعه روحانیت مبارز تهران نوشته شود از جمله کسانی که قضیه تدوین اساسنامه را خیلی دنبال می کرد آیت الله بهشتی بود.<sup>۵</sup>

جامعه روحانیت مبارز برای شورای مرکزی خود افرادی را انتخاب کردند که این افراد مطهری، بهشتی، با هنر و مفتاح بودند.<sup>۶</sup>

### ۳- راهپیمایی عید فطر:

در ۱۳ شهریور سال ۵۷ که مصادف با عید فطر بود در اولین ساعات روز عید فطر هزاران نفر برای اقامه نماز عید در بیابان کنار پل قیطریه جمع شدند. این نماز به امامت آیت الله مفتاح بود و پس از آن محمدجواد باهنر در مورد اوضاع کشور سخنرانی کرد، سپس اولین و بزرگترین راهپیمایی تاریخ ایران علیه رژیم صورت گرفت، در دست افراد شرکت کننده در راهپیمایی پلاکاردهایی بود که نوشته های

<sup>۱</sup> - نیکبخت، پیشین، ص ۲۰۵

<sup>۲</sup> - نیمه پنهان، جلد بیست و هشتم: رهایی از توهم، خاطرات عضو سابق سازمان مجاهدین خلق، تهران، کیهان، ۱۳۸۷، صص ۲۱۷-۲۱۶

<sup>۳</sup> - رضوی، پیشین، ص ۱۳۶

<sup>۴</sup> - نعمتی زرگران، پیشین، ص ۱۲۰

<sup>۵</sup> - قاسمی، صدیقه، شناخت اندیشه های اجتماعی آیت الله بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۴، ص ۱۴

<sup>۶</sup> - رضوی، پیشین، ص ۱۳۶

آنها حاکی از اعتراض آنها به زندانی بودن طالبانی و منتظری بود و این تظاهرات بدون خونریزی پایان گرفت.<sup>۱</sup>

ترتیب و نظم بخشی راهپیمایی این روز بر عهده آیت الله بهشتی بود. او شور انقلابی تظاهرکنندگان را که می توانست با حوادث غیر منتظره ای از کنترل خود رهبران نیز خارج شود به سوی تظاهرات آرام و منطقی سوق داد که بسیار موثر بود و این نشان از مدیریت آیت الله بهشتی در کنترل و هدایت راهپیمایی بود.<sup>۲</sup>

#### ۴- راهپیمایی ۱۶ شهریور:

در راهپیمایی ۱۳ شهریور ۵۷ (عید فطر) عده ای شعار می دادند که در پنج شنبه ۱۶ شهریور در پل رومی تجمع پیداکنند تا تظاهراتی علیه رژیم انجام شود، دولت شریف امامی در پانزدهم شهریور از طریق رادیو به اطلاع مردم رساند که فردا کسی حق راهپیمایی ندارد و در صورت برپایی تظاهرات برخورد خواهد شد. از طرفی شب پانزدهم شهریور یکی از رجال سیاسی با تلفن زدن به آیت الله بهشتی به او خبر داد که از راهپیمایی روز پنج شنبه خود داری کنند چون رژیم نیروهای خود را برای سرکوبی تظاهرات بسیج کرده است، آیت الله بهشتی که احتمال خطر برای مردم را می داد اطلاعیه ای آماده ساخت و در آن اطلاعیه با توجه به استفاده حکومت از تیراندازی و خشونت علیه مردم از آنها خواست که فردا راهپیمایی ای در کار نیست و برنامه را لغو شده اعلام کرد و آن گاه اطلاعیه تکثیر شد تا از طریق روحانیون مساجد به اطلاع مردم برسد.<sup>۳</sup>

در روز پنج شنبه ۱۶ شهریور عده ای به محل وعده داده شده تجمع یعنی پل رومی آمدند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. آیت الله مفتوح نیز به پل رومی آمده بود و مکرر اعلام می کرد که ما هیچ برنامه ای نداریم و از طرفی نیروهای پلیس با امکانات نظامی خود منتظر بودند تا در صورت برگزاری تظاهرات آن را سرکوب کنند، با افزایش جمعیت نیروهای نظامی برای پراکنده کردن جمعیت شروع به زدن گاز اشک آور کردند اما این اقدام باعث شد جمعیت به سمت جنوب پل رومی سوق داده شود سرانجام این تجمع راهپیمایی ایی را علیه رژیم انجام دادند و در نزدیکی خیابان دولت نیروهای رژیم از کنترل راهپیمایی دست برداشتند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - علی بابایی، داود، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت، ج ۱، تهران، امید فردا، ۱۳۸۱، ص ۴۶

<sup>۲</sup> - شیخ فرشی، فرهاد، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۱۸۷-۱۸۹

<sup>۴</sup> - همان، صص ۱۸۷-۱۸۹

آیت الله مفتوح که در زد و خوردهای مختصر نیروهای رژیم با تظاهرکنندگان زخمی شده بود بعد از رسیدن به منزل نجیمی از طریق تلفن زخمی شدن و قادر نبودن خود را از ادامه راهپیمایی به اطلاع آیت الله بهشتی رساند. وی که احتمال راهپیمایی را نمی داد بعد از با خبر شدن به تظاهرکنندگان ملحق و کنترل راهپیمایی را بر عهده گرفت.<sup>۱</sup>

به گفته عزت شاهی حضور افرادی چون مطهری، مفتوح، مهدوی کنی و بهشتی در پیشاپیش صف راهپیمایی های نزدیک به پیروزی انقلاب برای راهپیمایی حجت شرعی بود.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی از یکی از دوستان خود به نام حسن اجاره دار خواست که مردم را به سمت خیابان شریعتی راهنمایی کند، مردم با ادامه راهپیمایی نزدیک اذان ظهر به شمیران رسیدند و به پیشنهاد آیت الله بهشتی نماز ظهر در همان جا بر پا شد و بعد از نماز راهپیمایی به سمت میدان آزادی ادامه پیدا کرد.<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی مقصد راهپیمایی را میدان آزادی در نظر گرفت و با وجود اعتراض عده ای از مردم به خاطر خسته شدن و مسافت طولانی آنها غروب به میدان آزادی رسیدند و آن موقع اسم میدان آزادی میدان شهید بود که تظاهرکنندگان با خلایق خود به جای میدان شهید می گفتند.

وقتی جمعیت تظاهرکنندگان به نزدیکی دانشگاه تهران رسیدند عده ای خبر آوردند که نیروهای رژیم قصد حمله به مردم را دارد و این باعث ترس و هراس در دل عده ای شد و خطاب به آیت الله بهشتی می گفتند: مردم را چرا به قتلگاه می برید؟ و ایشان در جواب آنها می گفت: «آنها را نمی بریم با هم می رویم اگر قتلگاهی است با هم می رویم» جمعیت غروب به میدان آزادی (شهید سابق) رسید و آیت الله بهشتی برای مردم سخنرانی کرد و در پایان سخنرانش گفت فردا یعنی ۱۷ شهریور برنامه ای ندارند.<sup>۴</sup> و بعد از سخنرانی وی قطعنامه ای توسط علی اکبر ناطق نوری خوانده شد.<sup>۵</sup> آیت الله بهشتی در حادثه ۱۷ شهریور سال ۵۷ معروف به جمعه سیاه حضور نداشت به خاطر اینکه مادرش بیمار بود و برای دیدن مادرش به اصفهان رفته بود و در اصفهان بودند که شنیدند در تهران حکومت نظامی اعلام شده است.<sup>۶</sup>

به علت مدیریتی که آیت الله بهشتی در راهپیمایی ها داشت به ویژه در راهپیمایی ۱۶ شهریور و سخنرانی وی در این روز ساواک به منظور جلوگیری از راهپیمایی های احتمالی در روزهای بعد به خصوص در

<sup>۱</sup> - نیکبخت، پیشین، ص ۲۵۱

<sup>۲</sup> - کاظمی، محسن، **خاطرات عزت شاهی**، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۵، ص ۴۶۸

<sup>۳</sup> - ناطق نوری، **پیشین**، ص ۱۳۱

<sup>۴</sup> - شعبانی، **پیشین**، صص ۱۹۰-۱۸۹

<sup>۵</sup> - نیکبخت، **پیشین**، ص ۲۵۱

<sup>۶</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی، جلسه دوم، پیشین

عاشورای ۵۷ وی را در ۱۴ آذر ۵۷ دستگیر کردند و به مدت سه روز او را در زندان کمیته شهربانی بازداشت کردند.<sup>۱</sup>

## ۵- راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا:

در اولین شب محرم سال ۵۷ تعدادی از مردم توسط نیروهای رژیم کشته شدند که این حادثه باعث خشم مردم و شعله ور شدن آتش انقلاب شد.<sup>۲</sup>

وقتی امام خمینی دستور تظاهرات در تاسوعا و عاشورا را که مصادف با ۱۹ و ۲۰ آذر سال ۵۷ بود صادر کرد مردم به پیروی از فرمان امام به خیابانها ریختند، از طرفی این روز یعنی تاسوعا مصادف با روز جهانی حقوق بشر بود و مردم تقریباً اطمینان داشتند که در چنین روزی نیروهای رژیم به آنها حمله نمی کند. آیت الله طالقانی که در زندان به سر می برد و تازه از زندان آزاد شده بود اعلامیه ای منتشر کرد از طرفی جامعه روحانیت مبارز نیز اعلامیه ای صادر کرد.<sup>۳</sup>

جمعی از روحانیون تهران در تاریخ ۵۷/۹/۱۶ برای فراخواندن مردم برای شرکت در راهپیمایی روزهای تاسوعا و عاشورا متن اعلامیه ای تهیه کردند و متن اعلامیه چنین بود: «..... جلادان حاکم با این کشتار فجیع آمادگی خود را برای ایفای نقش یزیدی در مقابل رهروان راه حسینی اعلام داشتند..... روحانیت تهران به منظور بزرگداشت حماسه عظیم کربلا و ماه محرم و شکستن خفقان حاکم و جبران ممنوعیت حرکت دسته جات و نشان دادن یکپارچگی و مقاومت شکست ناپذیری مردم در مقابل فشارهای بی رحمانه رژیم تصمیم گرفته است همگام با صفوف منظم مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا از هشت نقطه شهر به شرح زیر به طرف میدان بزرگ (منتهی الیه آیزنهاور) به راهپیمایی آرام و مسالمت آمیز پردازد ۱- میدان کندی (توحید) ۲- میدان گمرگ (رازی) ۳- میدان ارک ۴- میدان شاه ۵- میدان فوزیه ۶- پیچ شمیران ۷- میدان ونک ۸- چهارراه سیدخندان.....»

در میان این افرادی که اعلامیه را تهیه کرده بودند نام آیت الله بهشتی نیز به چشم می خورد.<sup>۴</sup> رژیم با سران انقلاب وارد مذاکره شد و تهدید کرد که اگر راهپیمایی برگزار شود مانع آن می شود و مردم را به رگبار می بندد، سران این تهدید را به اطلاع امام رساندند و امام فرموده بود که رژیم جسارت چنین کاری را ندارد و تأکید بر برگزاری راهپیمایی داشتند.

<sup>۱</sup>- شعبانی، پیشین، ص ۱۹۱

<sup>۲</sup>- منصور، جواد، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳۳۰

<sup>۳</sup>- انصاریان، حسین، خاطرات حجت الاسلام حاج شیخ حسین انصاریان، تدوین: رحیم نیکبخت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

۱۳۸۲، ص ۱۵۹؛ استمپل، جان، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، پاورقی ص ۲۰۳

<sup>۴</sup>- اسناد انقلاب اسلامی، ج سوم، تهیه و تنظیم مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۴۶۹-۴۷۰

رژیم در مذاکراتی که داشت نماینده اش تیمسار مقدم بود که در جلسه ای قبل از این که آیت الله مطهری سفری به پاریس داشته باشد با رهبران مخالف رژیم به گفتگو نشست و وقتی اصرار و سماجت امام و سران را دید به برگزاری راهپیمایی رضایت داد.

اما شرایطی برای آن در نظر گرفت از جمله اینکه در تظاهرات به شاه توهین نشود و مسیر راهپیمایی از حسینیه ارشاد به بالا باشد، هر دو شرط نیز مورد نقض قرار گرفت و مردم شعار مرگ بر شاه را که حاکی از نفرت مردم بود را سر می دادند و مسیر راه از میدان امام حسین تا میدان آزادی بود.<sup>۱</sup>

در این راهپیمایی هواداران حزب توده و مجاهدین خلق نیز با آرم خود شرکت داشتند.<sup>۲</sup> وقتی مردم به میدان آزادی رسیدند علاوه بر سخنرانی توسط روحانیون قطعنامه ای ۱۷ ماده ای که توسط آنها صادر شده بود قرائت شد، به گفته اسدالله بادامچیان، متن اولیه این قطعنامه توسط باهنر نوشته شده بود و در طی جلسه ای مفاد آن بررسی شد و بعد از آنکه توسط بهشتی تصحیح شد در میان مردم تهران و شهرستانها توزیع شد.<sup>۳</sup>

در راهپیمایی روز تاسوعا به گفته آیت الله بهشتی در حدود ۵۰۰ روحانی شرکت داشته اند و این قطعنامه ۱۷ ماده ای در میدان های مختلف توسط روحانیون قرائت شده بود از جمله آیت الله مفتاح که در میدان ۲۴ اسفند (انقلاب کنونی) و همچنین آیت الله بهشتی که آن را در جلوی مسجد امام زمان در خیابان آیزنهاور (آزادی کنونی) خوانده بود.<sup>۴</sup>

خواندن این قطعنامه در آن روز که شاه هنوز در کشور حضور داشت و دولت نظامیش بر سر کار بود کار بسیار جسورانه ای بود.<sup>۵</sup>

به دنبال راهپیمایی تاسوعا و عاشورا دولت آمریکا نماینده خود یعنی هایزر را به ایران فرستاد تا شاه را قانع کند که یک چهره ملی به عنوان نخست وزیر روی کار بیاورد و خودش مدتی کشور را ترک کند، همچنین دستگاه های تصمیم گیرنده را که دچار سر درگمی شده بودند را هماهنگ کند.<sup>۶</sup> این قطعنامه ۱۷ ماده ای به این صورت بود.

قطعنامه راهپیمایی عاشورا: « در این روز بزرگ تاریخی روز عاشورا روز شهادت امام حسین (ع) ملت ایران با راهپیمایی بزرگ و کم نظیر خود که به دست نمایندگان اکثریت قاطع مردم ایران ترتیب داده

<sup>۱</sup> - هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، **کارنامه و خاطرات سالهای ۵۷ و ۵۸**: انقلاب و پیروزی زیر نظر محسن هاشمی به اهتمام عباس شیرینی،

تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹

<sup>۲</sup> - نیکبخت، پیشین، ص ۱۶۱

<sup>۳</sup> - خلیلی، اکبر، **گام به گام با انقلاب**، ج اول، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۵، پاورقی ص ۱۴۰

<sup>۴</sup> - رهایی از توهم، پیشین، ص ۲۲۰

<sup>۵</sup> - دوانی، علی، **نهضت روحانیون ایران**، ج ۹ و ۱۰، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۴۹

<sup>۶</sup> - منصوری، پیشین، ص ۳۳۰



شده قبل از هر چیز پیوند و پیمان خود را با قیام تاریخی کربلا و اهداف مقدس بار دیگر تجدید می کند و موارد زیر را به عنوان قطعنامه این گردهمایی پرشکوه اعلام می دارند:

۱- حضرت امام خمینی رهبر امت و خواسته های ایشان خواست عموم ملت است و این پیاده روی رأی اعتمادی است که از دل و جان برای چندمین بار به ایشان داده می شود و قدردانی صمیمانه ای است که ملت ایران از رهبری ارزشمند مراجع می نماید.

۲. سقوط و برچیده شدن بساط شاه و رژیم سلطنتی استبداد و پایان یافتن آثار استعمار خارجی که با استبداد داخلی پیوند بنیادی دارد و استقلال واقعی قدرت به مردم.

۳. برقراری حکومت عدل اسلامی بر اساس آرای مردم و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و تامین آزادی های فردی و اجتماعی با معیارها و ضوابط اسلامی.

۴. تقارن این ایام مذهبی را با روز اعلامیه جهانی حقوق بشر غنیمت دانسته و اعلام می داریم که نه تنها تامین حقوق فطری و طبیعی بشر از اساسی ترین هدفهای جنبش ماست بلکه اسلام خود مبتکر حقوق بشر است.

۵. استثمار و استعمار بیگانه و وابستگی به امپریالیسم شرق و غرب باید ریشه کن شود و به روابط حسنه متقابل با رعایت حقوق و مصالح طرفین با کشورهایی که در موضع خیانت و تجاوز به سرزمین ایران نیستند مبدل گردد.

۶. حقوق اجتماعی و سیاسی کلیه افراد جامعه و اقلیتهای مذهبی و اتباع دیگر کشورها که با رعایت مصالح ملی در ایران اقامت دارند با رعایت همه جنبه های انسانی و اسلامی به طور کامل محفوظ باشد.

۷. آزادی واقعی، شرف و کرامت انسانی زنانی که اسلام به آنها داده و حقوق اجتماعی و امکان رشد و شکوفایی همه استعداد های بانوان به صورت کامل تامین شود.

۸. اجرای عدالت اجتماعی و تامین حقوق کارگران و دهقانان و امکان بهره وری کامل آنان از محصول کار خویش فراهم گردد.

۹. هر گونه تبعیض حقوقی و اجتماعی و استثمار انسان به وسیله انسان و سودجویی ظالمانه و سلطه گری اقتصادی که منجر به جمع ثروت های کلان از یک طرف و محرومیت از طرف دیگر باشد ریشه کن شود.

۱۰. استقلال شرافتمندانه اقتصادی و احیای کشاورزی صنعتی مستقل تا حد خود کفایی و نجات از اسارت و وابستگی بیگانه فراهم شود.

۱۱. اعتصابات شکوهمند کارکنان مؤسسات دولتی و بخش خصوصی که ضربه مهلکی بر پیکر رژیم وارد آورد، و در عین حال در حد امکان نیازهای اولیه زندگی توده مردم را دچار تنگنا نکرده مورد تأیید ماست.

۱۲. به مردم فداکار توصیه می کنیم که با تحمل کردن مختصر کمبودی که از این رهگذر به وجود می آید همکاریهای برادرانه لازم را در تامین نیازهای ضروری دیگران به عمل آورده و از احتکار کردن کالاها شدیداً خودداری نمایند.

۱۳. ما کشاندن ارتش را به خیابانها و قرار دادن آن را رو در روی ملت خیانتی به ارتش و ملت می دانیم و ارتش ایران باید بداند که وظیفه اسلامی و انسانی و ملی او موضع گیری با دشمنان خارجی مردم است نه خود مردم.

۱۴. تبلیغات رژیم در خصوص نفوذ کمونیسم بین الملل در جنبش اسلامی و ملی ایران و توسل نظام حاکمه به تخریب به منظور آلوده و بدنام کردن مبارزات نخواهد توانست ملت ما را که قرآن و اسلام محرک آنهاست در مبارزه خود سست نماید.

۱۵. ما به روان پاک شهدای جنبش اسلامی ایران و به خصوص شهدای مبارزات ۱۵ ساله اخیر که سهم شایانی در پیشبرد اهداف مبارز دارند درود می فرستیم و یاد آنها را گرامی می داریم.

۱۶. کلیه زندانیهای سیاسی و تبعیدین که به جرم دفاع از حریم حق از آزادی محروم شده اند باید به خانه های خود باز گردند.

۱۷. به منظور رسیدن به هدفهای فوق مبارزه آگاهانه ملت تا سرحد پیروزی به صورتهای گوناگون ادامه خواهد یافت و هر گونه دسیسه و دروغ پردازی ملت ما را از جنبش رهایی بخش باز نخواهد داشت»<sup>۱</sup>.

## ۶- تحسن در دانشگاه تهران:

در تاریخ ۵۷/۱۱/۲ دفتر امام خمینی در پاریس، اعلام کرد که امام روز پنجشنبه ۵ بهمن از پاریس به تهران حرکت خواهد کرد دولت بختیار وقتی از این خبر اطلاع پیدا کرد در روز چهارم بهمن دستور داد فرودگاه مهر آباد اشغال نظامی شود و خبر بسته شدن فرودگاه در همین روز از سوی خبرگزاری ها اعلام شد، بختیار نامه ای خطاب به امام نوشت واز ایشان خواست که تاملت سه هفته پروازش را به تعویق اندازد امام از پذیرفتن نامه و فرستاده ی بختیار امتناع ورزیده بود.<sup>۲</sup> دولت بختیار به تصور اینکه می تواند برای مدتی از ورود امام جلوگیری کند سعی کرد از این فرصت به وجود آمده استفاده کند و با مشاوران آمریکایی که در سفارت آمریکا بودند ارتباط برقرار کرد و از طرفی با فرستادن پیام های مختلف به دنبال ارتباط و گفتگو با رهبران نهضت بود.<sup>۳</sup> وقتی مردم از بسته شدن فرودگاه مطلع شدند به سمت بهشت زهرا

<sup>۱</sup> - همان، صص ۳۳۲-۳۳۱؛ خلیلی، پیشین، صص ۱۴۲-۱۴۱

<sup>۲</sup> - کردی، علی، جامعه ی روحانیت مبارز تهران از شکل گیری تا انشعاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ صص ۱۰۷-۱۰۸

<sup>۳</sup> - نجف پور، پیشین، صص ۱۳۵

حرکت کردند و تظاهرات گسترده ای علیه بختیار و رژیم انجام دادند و آیت الله بهشتی برای جمع حاضر در بهشت زهرا سخنرانی کرد و پس از سخنرانی وی توسط آیت الله خامنه ای قطعنامه ای خوانده شد.<sup>۱</sup>

در ۸ بهمن سال ۵۷ یعنی روز یکشنبه پیام محرمانه ای از سوی جامعه روحانیت مبارز به روحانیون اطلاع داد که خود را به دانشگاه تهران برسانند و با تحصن کردن در آنجا اعتراض خود را به مانع شدن از آمدن امام اعلام کنند و با احتیاط تمام با فاصله از هم وارد دانشگاه شوند تا رژیم حساس نشود، با ورود اکثر روحانیون تحصن آغاز شد و حدود سه شبانه روز طول کشید، عده ای از مردم مؤمن با توجه به سرمای شدید و کمبود امکانات، جامعه روحانیت مبارز از آنها میخواست که به خانه هایشان بروند و روز بیایند آنها حاضر به رفتن نبودند و در اطراف مسجد می ماندند.<sup>۲</sup> آیت الله خلخالی در خاطرات خود به اولین روحانیونی که برای تحصن در دانشگاه تهران از در غربی وارد آن شدند اشاره کرده از جمله آقایان: منتظری، ربانی شیرازی، مطهری، بهشتی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، باهنر، ربانی املشی، آذری قمی، باقرکنی، انواری، کروی و جلالی خمینی و به تدریج بر تعداد آنها افزوده شد.<sup>۳</sup>

برنامه اصلی تحصن کنندگان صبح بود به این صورت که بعد از نماز روحانیون و مردم حاضر در دانشگاه شعارهای کوبنده و انقلابی سر می دادند و سخنرانی هایی توسط افرادی چون خامنه ای، مطهری، طالقانی و بهشتی انجام می گرفت و این برنامه ها برای بالا بردن سطح اطلاعات دینی و پیش انقلابی و برطرف کردن شبهاتی بود که از سوی دشمنان اسلام و انقلاب القاء شده بود.<sup>۴</sup>

روحانیون با انتشار بیانیه ای به دولت بختیار اعلام کردند که تا بازگشت امام به وطن در مسجد دانشگاه متحصن می شوند و صدای خود را از دانشگاه به گوش جهانیان خواهند رساند، آنها جلسات خود را برای اداره برنامه تحصن در اتاق کنار مسجد دانشگاه برگزار می کردند.

این تحصن مورد حمایت مردم، علماء و مراجع تقلید قرار گرفت حتی عده ای از مردم که برای حمایت از علمای تحصن کرده در دانشگاه به سمت دانشگاه در حال حرکت بودند در میدان ۲۴ اسفند (انقلاب) با نیروهای نظامی درگیر شده بودند و عده ای مجروح و شهید شدند دولت بختیار وقتی فشارهای مردمی را دید مجبور به باز کردن فرودگاه شد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - دستغیب، علی اصغر، *خاطرات حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب*، تهیه و تنظیم: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۷۷

<sup>۲</sup> - همان، ص ۷۷

<sup>۳</sup> - خلخالی، صادق، *خاطرات آیت الله صادق خلخالی*، تهران، سایه، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲

<sup>۴</sup> - دستغیب، پیشین، ص ۷۷

<sup>۵</sup> - هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سالهای ۵۷ و ۵۸، پیشین، صص ۱۶۲-۱۶۰

به گفته ناطق نوری تحصن روحانیون در دانشگاه توسط کمیته استقبال از امام شکل گرفته بود و تحصن آنها در رسانه های داخلی و خارجی منعکس شده بود و به دولت دولت بختیار ضربه مهمی وارد آورد.<sup>۱</sup>

## ۷- کمیته استقبال از امام:

بعد از اینکه دولت بختیار در اجرای نقشه خود که بستن فرودگاه مهرآباد بود به خاطر فشار مردمی و تحصن روحانیون شکست خورد و فرودگاه را باز کرد قضیه آمدن امام و چگونگی استقبال از ایشان مطرح شد. برای این کار کمیته استقبال تشکیل شد، این کمیته یکی دیگر از کارهای جامعه روحانیت مبارز بود، محل ستاد استقبال در ابتدا حسینیه ارشاد بود ولی به علت کمبود جا به مدرسه رفاه انتقال داده شد.

یکی از دلایلی که کمیته استقبال زیر نظر جامعه روحانیت تشکیل شد این بود که گروه خاصی با نظر خود کمیته استقبال تشکیل ندهد، کمیته استقبال یک شورای مرکزی داشت متشکل از افرادی چون اسدالله بادامچیان، هاشم صباغیان، کاظم سامی، شاه حسینی، تهرانچی، مطهری، مفتاح و فضل الله محلاتی بودند. جلسه تقسیم وظایف و مسئولیت ها در رابطه با استقبال از امام بین اعضا در منزل آیت الله بهشتی که در قلعهک واقع بود انجام شد.<sup>۲</sup>

علاوه بر روحانیت تعدادی از بازاریان متدین و انقلابی، همچنین اعضای نهضت آزادی نیز در کمیته استقبال فعالیت داشتند.<sup>۳</sup>

برای استقبال از آمدن امام به ایران عاقلانه ترین کار این بود که یک تیم این کار را عهده دار شود، در نوفل لوشاتو اطرافیان امام پیشنهاد کردند که این کار بر عهده مجاهدین خلق گذاشته شود چون سابقه تشکیلات و فعالیت مسلحانه داشتند و در ضمن آنها با کارهای حفاظتی آشنایی داشتند اما مشکل اینجا بود که آنها در سال ۵۴ تغییر ایدئولوژی داده بودند و مارکسیست شده بودند و از آنجایی که افرادی چون هاشمی رفسنجانی در زندان با آنها هم بند بودند و شاهد پایبند نبودن آنها به دین بودند این باعث نگرانی و مخالفت اعضای کمیته استقبال شد. با وجود این نگرانیها پیشنهاد حفاظت از جان امام به سازمان مجاهدین خلق سپرده شد اما آنها برای قبول کردن مسئولیت حفاظت از امام شرط داشتند و آن این بود که عکس و آرم شهدای سازمان در جایگاهی که قرار بود امام سخنرانی کند نصب شود.<sup>۴</sup>

و مادر رضایی و پدر ناصرصادق و حنیف نژاد که شهدای سازمان بودند به امام خیر مقدم بگویند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - رحیمیان، محمدحسن، حدیث رویش: خاطرات حجت الاسلام محمدحسن رحیمیان، تهران: مرکز اسناد، ۱۳۸۲، پاورقی ص ۲۳۹

<sup>۲</sup> - کردی، جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل گیری تا انشعاب، پیشین ص ۱۱۴

<sup>۳</sup> - ناطق نوری، پیشین، ص ۱۴۵

<sup>۴</sup> - ملکی، پیشین، صص ۲۶-۲۵

<sup>۵</sup> - ناطق نوری، پیشین، ص ۱۴۸

آیت الله مطهری بعد از مطرح شدن پیشنهاد واگذاری حفاظت از امام به مجاهدین خلق به پاریس تلفن کرد و با عصبانیت به فرزند امام گفت: «آنچه من می گویم را ضبط کن و به آقا بده، به امام بگو مطهری می گوید اگر فردا شما بیایید و تریون بهشت زهرا دست مجاهدین خلق باشد من دیگر با شما کاری نخواهم داشت» و بعد از این ماجرا امام و اطرافیانش گفته بودند که کار مردمی باشد و گروه خاصی در برنامه استقبال از آنها دخالت نکند.<sup>۱</sup>

پیشنهاد دیگر برای تیم حفاظت از امام را محسن رفیق دوست عنوان کرده بود که مورد قبول واقع شد و آن پیشنهاد این بود که محمد بروجردی را که مسئول گروه توحیدی صف بود و سال قبلش اقدام مسلحانه ای علیه رژیم انجام داده بودند را مسئول حفاظت از امام قرار دهند و بروجردی بعد از مشورت و مطرح کردن قضیه با دوستانش مسئولیت را پذیرفت.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی و اعضای جامعه روحانیت بعد از مشورتی که با هم داشتند تصمیم گرفته بودند وقتی امام وارد کشور می شود فردی را برای خیر مقدم و خوش آمد گویی به داخل هواپیمای حامل امام بفرستند بعد از نظرات مختلف از جمله اینکه یک نفر ناشناس به عنوان سرباز گمنام وارد هواپیما شود و چند کلمه ای برای امام بخواند یا اینکه فرد مورد نظر برای خیر مقدم گویی آیت الله پسندیده برادر امام باشد، همه نظرات مطرح شده رد شد تا اینکه بنا به پیشنهاد آیت الله بهشتی قرار شد آیت الله مطهری که شاگرد امام بود و قطعاً امام با دیدنش خوشحال می شود را داخل هواپیما بفرستند که این پیشنهاد مورد قبول جمع مشورت کننده واقع شد.<sup>۳</sup>

سرانجام امام بعد از ۱۵ سال دوری از وطن که نزدیک به یک سال آن را در ترکیه، ۱۴ سال آن را در عراق و ۱۰۷ روز آن را در نوفل لوشاتو دور از وطن سپری کرده بود در روز شنبه ۱۲ بهمن در ساعت ۹:۲۷ وارد ایران شدند.<sup>۴</sup>

## ۸- شورای انقلاب:

به منظور سازماندهی و هدایت اعتصابات و تظاهرات مردم که در اکثر شهرهای ایران در حال گسترش بود بحث شورای انقلاب در میان سران انقلاب مطرح شد و از آنجایی که امام از عراق به پاریس هجرت کرده بود فرصتی برای یاران و دوستان امام پیش آمد تا برای مشورت و نظرخواهی به نزد امام بروند و در ملاقاتی که آیت الله مطهری با امام در پاریس داشت پیشنهاد تشکیل شورای انقلاب را برای امام مطرح کرده بود.

<sup>۱</sup> - همان، ص ۴۱۸؛ کاظمی، پیشین، ص ۴۶۹

<sup>۲</sup> - ملکی، پیشین، ص ۲۶

<sup>۳</sup> - موسوی فرد، پیشین، ص ۱۲۹

<sup>۴</sup> - کردی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، پیشین، ص ۱۱۵

از آنجایی که خود امام نیز از قبل به فکر ایجاد تشکل و یا هیأتی برای مشورت کردن و تبادل نظر بود این پیشنهاد را پذیرفته بود و امام پنج نفر را انتخاب کرده بود که در واقع هسته اولیه شورای انقلاب بودند از جمله بهشتی، مطهری، دکتر باهنر، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی گروه ۵ نفره ای که همگی از اعضای مرکزی جامعه روحانیت بودند.<sup>۱</sup>

امام از این پنج نفر خواسته بود که افراد جدیدی با پیشنهاد و تصویب آنها به جمعشان اضافه شود و در طی مدتی که هسته اولیه شورا در حال بررسی نفرات بود امام در تاریخ ۱۴ آبان ۵۷ نامه به آیت الله بهشتی نوشته بود و از تأخیر در این کار گلگه کرده بود و خواسته بود هر چه زودتر این کار (بررسی نفرات) را انجام دهند و به اتمام برسانند.<sup>۲</sup>

بعد از اینکه طالقانی، خامنه ای و مهدوی کنی به اعضای اولیه اضافه شدند، تعداد نفرات روحانی شورا انقلاب هشت نفر شدند و علاوه بر روحانیون مهدی بازرگان، کتیرایی، سبحانی، احمدصدرحاج سیدجوادی نیز به شورا پیوستند. بعد از آمدن امام به ایران بنی صدر و ابراهیم یزدی و صادق قطب زاده که به همراه امام به ایران آمده بودند آنها نیز عضو شورا شدند. در آن موقع از آنجایی که مسایل نظامی و مبارزاتی مطرح بود شرایط ایجاد می کرد که دو نفر نظامی نیز در این شورا باشند که این دو نفر نظامی سرلشگر قرنی و تیمسار مسعودی که وکیل مهدی بازرگان در دادگاه او بود انتخاب شدند.

شورای انقلاب در ابتدای تأسیس خود، به این نام نبود بلکه هسته ای از روحانیون مورد اطمینان که قرار بود با امام همکاری داشته باشند که بعدها عنوان شورای انقلاب گرفت.<sup>۳</sup> این ترکیب شورا قبل از انقلاب بود و به دنبال پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت بازرگان، یدالله سبحانی و کتیرایی و حاج سیدجوادی و قرنی به دولت و ارتش پیوستند و جایگزین آنها حبیبی، عزت الله سبحانی، شبیانی، بنی صدر و قطب زاده شدند و پس از شهادت مطهری میرحسین موسوی، احمدجلالی و پیمان نیز به شورا اضافه شدند. مسعودی که جزء نفرات نظامی شورا بود به منظور کار اجرایی از شورا بیرون آمد. شورای انقلاب که به دستور امام مسؤلیت اجرایی داشته، پس از تسخیر سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت برای بار چهارم ترکیب اعضایش تغییر کرد، مهدی بازرگان و معین فربه شورا اضافه شدند. و پیمان، جلالی و موسوی از شورا بیرون آمدند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - ترک چی، فاطمه، شهید حجت الاسلام محمد جواد باهنر به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۶۳

<sup>۲</sup> - هاشمی رفسنجانی، (کارنامه و خاطرات سالهای ۵۷-۵۸)، پیشین، صص ۱۲۳-۱۲۲

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ج ۳، پیشین، صص ۶۶۳-۶۶۲

<sup>۴</sup> - هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج اول، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب چ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۶۱

درواقع شورای انقلاب ترکیب اعضایش ۴ بار بنا به شرایط موجود عوض شد، مهدی بازرگان در یادداشت های خود در مورد ترکیب شورای انقلاب چنین نوشته «ترکیب شورای انقلاب چهار بار عوض شد ولی همیشه اکثریت آن را معممین تشکیل میدادند که مقرب تر بودند، ترکیب اول این شورا در پیشنهاد اولین نخست وزیر و تصویب وزرای دولت موقت نقش داشتند.»<sup>۱</sup>

شورای انقلاب که در حدود سه ماه قبل از پیروزی انقلاب تشکیل شده بود، امام رسمیت یافتن تشکیل آن را یک ماه قبل از انقلاب اعلام کرد.<sup>۲</sup>

در واقع مخفیانه فعالیت کردن آنها و اعلام نکردن آن قبل از انقلاب به خاطر مسائل امنیتی بود. و اعضای شورای انقلاب برای اینکه توسط عوامل ساواک شناسایی نشوند از جلسات خود صورت جلسه تهیه نمی کردند و اثر قابل استناد به جا نمی گذاشتند.<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی در مورد مخفی بودن اعضای شورای قبل از انقلاب می گوید: «قبل از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ قرار بر این بود که هیچ اسمی از این افراد برده نشود و اسامی آنها پنهان بماند، برای اینکه قطعاً در معرض تهدید دشمن قرار می گرفتند و به آسانی دشمن می توانست آنها را از صفحه مبارزات بیرون ببرد... و پس از پیروزی انقلاب نیز اسامی آنها تا مدتی پنهان نگه داشته شد، دلیل این مسئله آن بود که کمیت و کیفیت مسئولیت های اداره کشور پس از ۲۲ بهمن آنقدر سنگین بود که واقعاً این افراد نمی بایست در معرض مراجعات اشخاص قرار بگیرند... نکته دیگر در پنهان نگه داشتن اسامی این بود که برخی از افراد در این شورا به خاطر تخصصشان دعوت شده بودند نه به خاطر هماهنگی فکری آنان با انقلاب.»<sup>۴</sup>

دریادار احمد مدنی وزیر دولت موقت در مورد پنهان نگه داشتن اعضای شورای انقلاب معتقد است از آنجایی که اکثر اعضای شورای انقلاب از روحانیون بودند، برای اینکه نوعی بدبینی از طرف مردم و غیر روحانیون پیش نیاید اعضای آن به طور آشکار اعلام نمی شد.<sup>۵</sup>

قبل از انتخاب رئیس شورای انقلاب و ریاست جمهوری بنی صدر شورای انقلاب برای خود دبیر داشت که تمام تصمیمات و صورت جلسه های شورای انقلاب در مورد مسائل مهم انقلاب به امضای او می رسید و دبیر این تشکیلات آیت الله بهشتی بود و در انتخاباتی که برای تعیین رئیس شورای انقلاب صورت گرفت آیت الله طالقانی رئیس این مجموعه شد و پس از استعفای دولت موقت وقتی اداره ی

۱- بازرگان، مهدی، **خاطرات بازرگان ( شصت سال خدمت و مقاومت )**، ج دوم، گفتگو با غلامرضا نجاتی، تهران، موسسه خدمات

فرهنگی رسا، ج اول، ۱۳۷۷، ص ۲۸۹

۲- حسینی بهشتی، ج ۳، **پیشین**، ص ۶۶۲

۳- هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، **پیشین**، ص ۳۶۲

۴- حسینی بهشتی، ج اول، **پیشین**، صص ۱۹۳-۱۹۲

۵- باقی، عماد الدین، **تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران**، قم، ۱۳۷۳، ص ۴۱۰

امور کشور به دست شورای انقلاب افتاده بود آیت الله بهشتی رئیس شورای انقلاب بود اودر مدت فعالیت خود با دادن طرح تشکیل سپاه پاسداران و تصویب اکثریت اعضای شورای انقلاب باعث به وجود آمدن سپاه پاسداران و جهاد سازندگی شد.<sup>۱</sup>

شورای انقلاب مانند تشکیلات دیگر که برای خوداساسنامه دارند و درآن تقسیم وظایف می شود اساسنامه نداشت و به همین دلیل در طی موجودیت و فعالیت خود فراز و نشیب های زیادی را از سر گذرانده بود<sup>۲</sup>

شورای انقلاب وظایف و مسئولیت هایی برای انجام فعالیت داشت و مهمترین وظیفه اش انتقال دادن قدرت از نظام سلطنتی به حکومت اسلامی بود و به گفته ی آیت الله بهشتی «شورای انقلاب می کوشد دولت منتخب را جانشین دولت بختیار کند.»<sup>۳</sup>

از دیگر وظایفی که شورای انقلاب با نظارت امام انجام می داد این بود که علاوه براینکه قوانین کشور را تصویب و اجرا میکرد سعی اش بر این بود با شخصیتها و سران رژیم مذاکره کند. از طرفی تا زمانیکه اولین دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل نشده بود شورای انقلاب وظیفه قوه مقننه را نیز انجام می داد.<sup>۴</sup> اولین اقدام شورای انقلاب این بود بازرگان را برای نخست وزیری به امام پیشنهاد کرد در واقع انتخاب بازرگان به نخست وزیری پیشنهاد شورای انقلاب بوده است.<sup>۵</sup>

پس از استعفای دولت موقت به ریاست بازرگان امام از شورای انقلاب خواست که شرایط همه پرسی را برای قانون اساسی مجلس و ریاست جمهوری فراهم کنند.<sup>۶</sup> دوران فعالیت شورای انقلاب یک سال و شش ماه بود یعنی از پیروزی انقلاب تا تشکیل اولین دوره مجلس شورای اسلامی طول کشید.<sup>۷</sup>

اما در مورد نقش وجایگاه شهید بهشتی در شورای انقلاب مهدوی کنی می گوید: «شهید مطهری و شهید بهشتی در پیشنهاد افراد برای عضویت شورای انقلاب خیلی موثر بودند، به وسیله ی این آقایان دستور امام می رسید دیگر افراد به صورت مخفی بودند ... تا زمانیکه شورای انقلاب به صورت رسمی در نیامده بود رئیس هم نداشت چه انتخابی و چه انتصابی ولی کسی که رهبری می کرد شهید بهشتی بود چون ایشان

<sup>۱</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۲۱۰-۲۰۷

<sup>۲</sup> - مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۹

<sup>۳</sup> - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیویی بی سی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۹

<sup>۴</sup> - ترک چی، پیشین، صص ۶۴-۶۳

<sup>۵</sup> - منصور، پیشین، ص ۳۵۶

<sup>۶</sup> - رضوی، پیشین، ص ۴۰۵

<sup>۷</sup> - دارابی، پیشین، ص ۱۴۷



یک فوق العادگی که داشت این بود که هر جا که بود زمام امور را قهراً به دست می گرفت نه به زور بلکه چون توانا و نظام مند بود می توانست جمع را اداره کند و در نتیجه همه رهبری او را می پذیرفتند.<sup>۱</sup>

## ۹- حزب جمهوری اسلامی:

با توجه به اینکه نشانه های سقوط رژیم شاه هر روز بیشتر آشکار می شد گروه ها و احزاب سیاسی و همچنین کشورهای خارجی به فکر بهره برداری از شرایط انقلابی ایران به نفع خود بودند امام آن زمان در پاریس به سر می برد و با توجه به این اوصاف به همراه یاران و روحانیون برجسته به این فکر افتادند که تشکیلاتی به وجود آورند تا این تشکیلات هدایت و مدیریت مناسب جریان انقلاب را برعهده بگیرد و از طرفی بتواند برای اداره حکومت آینده کادرهای سیاسی و مدیریتی تربیت کند و برای این کار آیت الله بهشتی از طرف امام انتخاب شد.<sup>۲</sup>

در خاطرات علی اکبر ناطق نوری آمده است که در آن زمان به شکل سنتی تشکیلات جامعه روحانیت مبارز در کل کشور فعالیت می کرد اما طبیعتاً این تشکیلات سنتی در اداره جامعه کارایی لازم را نداشته و آیت الله بهشتی به همراه دیگر دوستانش به فکر ایجاد تشکیلات جدیدی افتادند مخصوصاً پس از اینکه از پاریس بازگشت این تصمیم جدی تر شد.<sup>۳</sup> آیت الله خامنه ای در مصاحبه ای که در سال ۶۰ با روز نامه اطلاعات به مناسبت چهارمین سالگرد حزب جمهوری داشت در مورد سابقه تشکیل حزب و افراد تشکیل دهنده حزب و همچنین انگیزه ایجاد آن گفته بود: «مقدمات تشکیل حزب مقدمات نسبتاً طولانی داشت و حداقل یک سال و نیم پیش از آن که تشکیل حزب رسماً اعلام شود این مقدمات شروع شد اواسط سال ۵۶ یا اواخر سال ۵۷ اولین مذاکرات درباره تشکیل یک مجمع و یک سازمان متشکل به قصد فعالیت علیه دستگاه در مشهد به وسیله ی شش نفر شروع شد که غیر از من آن بقیه عبارت بودند از: مرحوم بهشتی، مرحوم باهنر، محمد جواد حجتی کرمانی، مهدی ربانی املشی و موحدی کرمانی. آن موقع تمام گله ها این بود که چرا یک تشکل صحیحی علیه دستگاه وجود ندارد آنچه بود تشکل های وابسته به افراد منحرف یا قابل انحراف بود یک تشکل قوی مردمی گسترده که همه این فعالیت های عظیمی را که در ایران جریان داشت جمع کند و در یک خط به راه بیندازد وجود نداشت و در طی جلسه ای که با دوستان داشتیم بعد از صحبت هایی که شد شروع به نوشتن اسامی افراد برای عضویت کردیم و برای این کار از همان افراد حاضر در جلسه شروع کردم وعده دیگری را هم نوشتیم قرار شد از آن ها دعوت کنیم و کار به این وسیله شروع شد. چند ماه کار ادامه داشت جلسات منظمی در تهران تشکیل می شد ... اواخر همان

<sup>۱</sup> - قاسمی، شناخت اندیشه های اجتماعی، پیشین، صص ۲۰-۱۹

<sup>۲</sup> - ترک چی، پیشین، صص ۶۷

<sup>۳</sup> - ناطق نوری، پیشین، صص ۲۰۲

سال با دستگیری و تبعید دوستان وقفه ای در کار ایجاد شد ... بعد از بازگشت از تبعید به قم رفتیم در جلسه ای که در قم داشتیم بعد از بحث هایی که صورت گرفت به این نتیجه رسیدیم که جمع ما دو بخش شود یک بخش بیاند تهران و حزب تشکیل دهند با همین نام و یک عده در قم بمانند و حکم مثلاً تئورسین ها یا پشتیبانان معنوی یا استوانه ها و وزنه های پشت پرده ی حزب را داشته باشند. که آن عده که قرار شد به تهران بیایند ما پنج نفر بودیم یعنی آقای بهشتی، موسوی اردبیلی، باهنر، هاشمی و من ... کارهای نفس گیر آن روزها واقعاً فرصتی برای این کار باقی نمی گذاشت و جلسات شورای انقلاب وقت ما را می گرفت اما با این وجود تا کید مان بر ادامه کار حزب بود ... بالاخره اساسنامه و مرامنامه ای برای حزب تهیه شد و بعد به نظر دوستان رسید و تصویب شد و من چاپ نشده اش را نزد امام بردم امام از وقتی که آمده بود به آقای هاشمی حداقل دوبار گفته بودند چرا حزب را اعلام نمی کنید من اساسنامه را خدمت امام بردم و در روز اول اسفند اساسنامه را منتشر کردیم البته امام از مدتها قبل در جریان این کار بود ما یک پیک به عراق فرستادیم موقعی که ایشان در عراق بودند نتوانسته بود با ایشان تماس بگیرد و بعد یک پیک به پاریس فرستادیم و مجدداً آقای بهشتی رفتند پاریس با امام صحبت کردند و امام موافقت کردند.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی در مورد اینکه از چه زمانی و با چه کسانی به فکر ایجاد حزب افتاده گفته بود: «خود من سالها در فکر ایجاد یک حزب و جمعیت سیاسی اسلام بودم به خصوص پس از سال ۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد و تجربه ای که از نهضت ملی ایران در سالهای ۲۹ تا ۳۲ به دست آوردم سخت به این معنا معتقد بودم که باید نیروهای ما به شکل یک تشکیلات سیاسی اسلامی فعال در بیایند و اخبار تشکیلات سیاسی اسلامی در جامعه های دیگر برایم جالب بود».

اوزمانی که نهضت آزادی تشکیل شده بود و آنها در اساسنامه خود از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی یاد نکرده بودند به بنیانگذاران آن انتقاد کرده بود اینکه چرا این حزب مکتبی نیست و با توجه به اسمی که برای آن گذاشته بودند یعنی نهضت آزادی، آیت الله بهشتی گفته بود که آزادی همه ی اسلام نیست، انتقاد اصلی او بر سر اسم تشکیلات آنها نبود بلکه بیشتر به خاطر اینکه اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عیار مطرح نکرده بودند به همین دلیل از عضویت در آن خودداری کرد و عضو آن نشد او در آن سال ها به این فکر بود که اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عیار معرفی کند، تا سال ۵۰ که گروه مجاهدین خلق شکل گرفت و وقتی معلوم شد که یک سازمان سیاسی نظامی اسلامی است از این موضوع با خوشحالی استقبال کرده بود ولی از آنجایی که فرد مطرح شده ای

<sup>۱</sup> - مجموعه مصاحبه های آیت الله خامنه ای در سال های ۶۰، تهران، سروش، ۱۳۶۶، صص ۱۴۱-۱۳۷

بود و پلیس به راحتی می توانست او را شناسایی کند به همین دلیل اورسماً در این مجموعه نتوانست شرکت کند.<sup>۱</sup>

اما زمانیکه آنها در سال ۵۴ با دادن بیانیه ای تغییر ایدئولوژی خود را اعلام کردند آیت الله بهشتی متوجه شد که آنها با کمبود ایدئولوژی روبه رو هستند تصمیم گرفت یک سازمان سیاسی اسلامی اصیل ایجاد کند تا اینکه در تابستان سال ۵۶ با چند تن از دوستانش به فکر ایجاد یک هسته روحانی افتادند و در نظر داشتند که این هسته ی روحانی مبارز شاخه سیاسی و اجتماعی به وجود بیاورد و آن شاخه بتواند یک حزب و تشکیلات نیرومند سیاسی تشکیل بدهد در اوایل سال ۵۷ بود که قدمهای اولیه آن به صورت جدی برداشته شد و جلساتی برای تهیه اساسنامه آن داشتند و تصمیم داشتند موجودیت آن را اعلام کنند اما از آنجایی که هنوز رژیم برای سرکوبی فعالیت مخالفین جدی بود در عین اینکه علنی بود حزب بودنش را مخفی نگه داشتند و با توجه به اینکه انقلاب در حال گسترش بود و فعالیت برای آن تمام وقت او و دوستانش را می گرفت تا موقع پیروزی نتوانستند در رابطه با حزب کاری بکنند پس از پیروزی انقلاب امام خواسته بود که موجودیت رسمی حزب را اعلام کنند تا اینکه در اول اسفند ۵۷ یعنی هفت الی هشت روز بعد از پیروزی انقلاب آن را اعلام کردند.<sup>۲</sup>

مؤسسين حزب از آنجا که دغدغه جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی داشتند و تمام تلاش خود را برای تحقق این خواسته ها به کار می بردند نام حزب خود را حزب جمهوری اسلامی گذاشتند.<sup>۳</sup> آیت الله بهشتی نیز در مورد نام حزب که چرا جمهوری اسلامی گذاشته شد گفته بود: «حزب از همان اول که به وجود آمد یعنی همان وقت که زیربنای ایجاد حزب از مدتها قبل از پیروزی در حال شکل گرفتن بود ما به ایجاد جمهوری اسلامی می اندیشیدیم اندیشه ما جمهوری اسلامی بود حتی اینکه شعار استقلال آزادی حکومت اسلامی بعداً تبدیل شد به استقلال آزادی جمهوری اسلامی در مطرح کردن این شعار همین بنیانگذاران حزب بودند که ابتکار به خرج دادند و این را مطرح کردند.»<sup>۴</sup>

آیت الله بهشتی در همان ماههایی که به همراه دوستانش برای تشکیل یک حزب اسلامی مشغول مطالعه بود افرادی چون محمد علی موحدی کرمانی، محمد جواد کرمانی، مشکینی، ربانی املشی، طاهری خرم آبادی، هاشمی نژاد، مهدوی کنی و موسوی خوئینی را در جریان تشکیل دادن یک حزب قرار داده بود او حتی تشکیل حزب را با بازرگان، یدالله سبحانی، عزت الله سبحانی، مهندس توسلی و دیگر دوستان تحصیل کرده خود در میان گذاشته بود اما ۵ نفری که در ماههای آخر روی تشکیل حزب بیشتر فعالیت

۱- از حزب چه می دانیم، مصاحبه با دکتر بهشتی، تهران، انتشارات دفتر مرکزی حزب جمهوری، بی تا، صص ۲۳-۱۹

۲- همان، صص ۲۳-۱۹

۳- ترک چی، پیشین، ص ۶۷

۴- از حزب چه می دانیم، پیشین، صص ۲۴-۲۳

می کردند یعنی بهشتی، خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی موجودیت حزب را اعلام کردند و به عنوان مؤسسين حزب مطرح شدند.<sup>۱</sup>

و اما اساس نامه حزب که توسط مؤسسين وهسته اصلی آن تهیه شده بود از این قرار بود: «اکنون انقلاب بزرگ اسلامی ایران که شرق و غرب ناباورانه بدان می نگرست در میان آتش و خون به نخستین پیروزی خود رسیده است ... ما اکنون در برابر دستاوردی وصف ناپذیر قرار داریم مهمترین و فوری ترین مسئله آن است که آن را چگونه پاسداری کنیم؟ گامهای نخستین را برداشته ایم حصار بزرگ را شکسته ایم اکنون نوبت آن فرا رسیده است که دومین و دشوارترین بخش مبارزه خود را آغاز کنیم مبارزه با ضد انقلاب، مبارزه با توطئه ها، حراست از پایگاههای گشوده شده و گشودن پایگاههای فتح نشده، زنده نگاه داشتن امید واطمینان در مردمی که پس از دورانی طولانی طعم پیروزی را می چشند ... در صد سال اخیر ملت مسلمان ایران قهرمانی هایی داشته است و پیروزی هاو نیز شکست ها و ناکامی هایی که این شکست ها به خاطر غفلت ها و آسان گیری ها بوده ه. این تجربه ایی است که ما باید از آن درس بیاموزیم ره آورد انقلاب کنونی ما این پیروزی بزرگ در معرض تهدید همان خطرهایی است که در گذشته محصول کوشش ها فداکاری ها خون ها و خشم های ما را به غارت برده است جنبش و پیروزی کنونی ایران پدیده ای کم نظیر و کم سابقه است ... لکن به همین نسبت به هدر رفتن دستاوردهای آن نیز خسارت آمیز خواهد بود ... تجربه ی جنبش های صدسال اخیر ایران باید همه را قانع کرده باشد که ما همواره ضربه ی بزرگ را از سوی فقدان یک تشکیلات نیرومند و همه گیر خورده ایم ... ایجاد تشکیلاتی نیرومند و سامان دادن به نیروهای فعال و ایجاد انسجام و انضباطی آهین است که می تواند حرکت انقلابی ملت را به درستی تداوم بخشد و جنبش را از خطر انهدام و دستاوردهای آن را از خطر غارت دشمن مصون بدارد روزی که گردونه ی همیشه پوینده ی مبارزه ی ملت در خط یک تشکیلات و سازماندهی درست بیفتد دیگر باید اطمینان داشت که جرثومه های ضد انقلاب نمی توانند به آن نزدیک شوند و آن را تهدید کنند ... با این تشخیص و این تحلیل تأسیس حزب جمهوری اسلامی را در جهت هدف های اعلام شده از سوی رهبر جنبش امام خمینی اعلام می کنیم و همه ی کسانی را که در این باور و این انگیزه و این هدفها با ما شریک اند به همکاری فرا می خوانیم.»<sup>۲</sup>

محل مورد نظر برای عضویت در حزب و ثبت نام در آن کانون توحید بود اما دفتر مرکزی حزب از همان ابتدا سرچشمه ی تهران بود ، جایی که بعدها آیت الله بهشتی و دیگر دوستانش در آنجا به شهادت رسیدند.<sup>۳</sup>

۱- همان ، صص ۲۶-۲۴

۲- اطلاعات ۸۰ سال ، ۵۷/۱۱/۳۰، ص ۳۲

۳- مصاحبه با حجت الاسلام مسیح مهاجری ، ۹۱/۸/۷

و اما شورای مرکزی حزب مسئول رهبری و برنامه ریزی حزب بود حداقل تعداد اعضای شورای مرکزی ۳۰ نفر بودند که به وسیله ی کنگره از میان شایسته ترین اعضای حزب که دست کم یک سال سابقه ی عضویت داشتند به مدت دو سال انتخاب می شدند.<sup>۱</sup> البته تعداد اعضای شورای مرکزی با تصویب و تأیید کنگره قابل افزایش بود. این ۳۰ نفر<sup>۲</sup> ترکیبی از روحانیون، دانشگاهیان، پیشه وران، دانشجویان، و کارگران بودند. در داخل حزب جناح بندی‌هایی صورت گرفته بود که مهمترین این جناح ها موتلفه، حزب تمدن اسلامی، بقایای حزب زحمت کشان، مؤسسين حزب و جناح مهندس موسوی که تعداد این جناح پنج نفر بودند که معروف به جناح مهندس موسوی بود.<sup>۳</sup> حزب جمهوری پس از اعلام موجودیتش عملکردهای موثری در جامعه داشته و از جمله فعالیت‌هایش این بود که در راهپیمایی ها و تظاهرات حضور پررنگی داشته همچنین در انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات نمایندگان مجلس، دیگر اینکه عده ای از اعضای حزب جمهوری در شورای انقلاب و وزارت خانه ها و دیگر نهادهای انقلاب حضور داشته اند و سعی در جلوگیری از انحرافات انقلاب داشته و یکی از دلایل دشمنی مخالفین حزب جمهوری با آن همین حضور فعال آن در انقلاب و حفظ خط راست انقلاب بوده است.

علی جنتی در خاطرات خود در مورد فعالیت حزب جمهوری می گوید: «یکی از کارهای حزب جمهوری راه اندازی تظاهرات و راهپیمایی هایی بود که به مناسبت های مختلف انجام می شد این راهپیمایی ها یا علیه بعضی از گروهک هایی بود که توطئه چینی می کردند یا برای حمایت از رهبری و امام انجام می شد بخشی دیگر از کار حزب ترغیب و تشویق مردم به شرکت در انتخابات بود مثل انتخابات جمهوری اسلامی، خبرگان و ...»<sup>۴</sup>

حزب جمهوری نسبت به احزاب و گروه های دیگر تفاوت هایی داشت و این تفاوت ها آن را در وضعیت مطلوبتری قرار می داد از جمله این تفاوت ها می توان به ایدئولوژی آن، پشتوانه رهبری و منابع مالی اشاره کرد که نسبت به احزاب دیگر در سطح بالاتری قرار می داد و با ارگان خود که روزنامه جمهوری بود خط مشی فکری و موضعگیری های سیاسی خود را به اطلاع عموم می رساند. یکی دیگر از برتری های حزب جمهوری نسبت به دیگر احزاب این بود که مؤسسين آن در نهادهای مهم انقلاب از جمله در شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری فعالیت

۱ - جاسبی، عبدالله، تشکیل فراگیر (مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی) ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۲

۲ - اسامی این ۳۰ نفر: آیت الله بهشتی، علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، باهنر، موسوی اردبیلی، حسن آیت، اسدالله بادامچیان، حبیب الله عسگر اولادی، مسیح مهاجری، مصطفی میر سلیم، میر حسین موسوی، جلال الدین فارسی، جواد مالکی، حسن عباسپور، حسن غفوری فرد، علی درخشان، عبد الله جاسبی، رضا زواره ای، ابوالقاسم سرحدی زاده، جواد منصور، محمد صادق اسلامی، کاظم بجنوردی، فرزاد رهبری، محمد حسین زورق، علیرضا محبوب، محمودکاشانی، محمد هاشمی رفسنجانی، مهدی عراقی، حسن حسینی، عباس شیبانی، همان ص ۳۹۵

۳ - مصاحبه با حجت الاسلام مسیح مهاجری، پیشین

۴ - جنتی، علی، خاطرات علی جنتی، تدوین: سعید فخر زاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۳

داشتند و این به موقعیت حزب و جبهه ی مثبتی می بخشید، این حزب با شرکت در انتخابات متعددی که در کشور انجام می شد بسیاری از اعضا و هواداران آن در نهادها و ارکان نظام سیاسی کشور مشغول به کار شدند و با نامزد کردن طرفداران خود در مجلس خبرگان نقش موثری در تصویب بسیاری از اصول قانون اساسی ایفا کرد.<sup>۱</sup>

حزب جمهوری از آنجایی که از گروههای اسلامی مختلفی تشکیل شده بود طبقه ی متوسط سنتی، بازاریان و طبقات پایین از آن حمایت می کردند. یکی از طرح هایی که این حزب مدافع آن بود ملی شدن صنایع بزرگ بود این حزب به دلیل شرایط و ویژگی هایی که داشت توانست به بزرگترین و قدرتمند ترین حزب ایران تبدیل شود و در شهرستان ها برای خود شعبه هایی ایجاد کند.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از برتری های موقعیت حزب جمهوری نسبت به سایر احزاب این بود که امام رهبر انقلاب به آن اطمینان و علاقه داشت به طوری که حتی یکبار به آیت الله بهشتی گفته بود «دولت موجود قوه مجریه توانایی همگامی سریع با آرمان انقلاب و خط انقلاب را ندارد و پیشنهاد کرده بود که آیا حزب می تواند دولت تشکیل دهد که آیت الله بهشتی در جواب امام گفته بود که حزب به این مرحله از رشد نرسیده که دولت کاملاً مستقل و دارای برنامه ی مشخص تشکیل دهد» امام مدام تأکید داشت بر اینکه حزب جمهوری در جامعه حضور فعال و گسترده ای داشته باشد و سعی کند نمایندگان بیشتری به مجلس بفرستد و در مجلس خبرگان با جامعه مدرسین همکاری و ائتلاف داشته باشد.<sup>۳</sup> حزب جمهوری بودجه خود را علاوه بر حق عضویت از طریق کمک افراد علاقمند تامین می کرد از طرفی از آنجایی که مؤسسين آن روحانیون مطرحی بودند با توجه به فعالیتشان و داشتن پایگاه مردمی توانستند بودجه هایی را تهیه کنند چون حزب، حزبی اسلامی بود و فعالیت اسلامی داشت از وجوهات شرعی نیز استفاده کرد و همچنین برای فعالیتهايش مقداری قرض و وام گرفته بود.<sup>۴</sup> و اما در مورد نقش آیت الله بهشتی و نقشی که او در سازماندهی حزب داشت هاشمی رفسنجانی می گوید: «انصافاً نقش آیت الله بهشتی این شهید بزرگوار در تشکیل حزب و همچنین روحیه ی اجتماعی دادن و رایج کردن کار دسته جمعی و تشکیلاتی در کشور زیاد بود این مربوط به زمانهای اخیر هم نیست چون از همان زمانیکه در قم مشغول تحصیل بودند معتقد به کارهای دسته جمعی و تشکل بودند قبل از انقلاب چنین موقعیتی فراهم نشد ایشان به آلمان رفتند و مدت ها در آن کشور بودند بعداً درست در دوران خفقان به ایران برگشتند مقدمات کار که فراهم شد یعنی زمینه

<sup>۱</sup> - نجف پور ، پیشین ، صص ۱۶۲-۱۵۸

<sup>۲</sup> - میلانی ، محسن ، شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی ، ترجمه مجتبی عطارزاده ، تهران ، ۱۳۸۶ ،

پیشین ، ص ۲۶۹

<sup>۳</sup> - از حزب چه می دانیم ، پیشین ، ص ۳۳

<sup>۴</sup> - همان ، ص ۳۵

های اجتماعی و کسب موافقت امام با همان اعتقاد اولیه در تشکیل حزب جمهوری حقیقتاً نقش اساسی داشتند حتی با اینکه خیلی گرفتار بودند مسئولیت دبیر کلی حزب را به عهده گرفتند رهبری حزب دسته جمعی بود چون ما شورای مرکزی داشتیم ولی دبیر حزب ایشان بودند و بیشتر از ما برای حزب وقت می گذاشت.»<sup>۱</sup>

همچنین آیت الله طاهری خرم آبادی در خاطرات خود در مورد آیت الله بهشتی و نقشی که او در تشکیلات داشتند می گوید: با وجود افراد دیگری چون مطهری، باهنر، و... کسی که برای سامان دهی تشکیلات تلاش بیشتری می کرد آیت الله بهشتی بود او دارای روحیه تشکیلاتی بود و در تمام دوران فعالیتش چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب مغز متفکر و سامان دهنده اصلی فعالیت ها بود.<sup>۲</sup> حزب جمهوری به دنبال شهادت آیت الله بهشتی و دیگر دوستانش در دفتر حزب در سال ۶۰ وقفه ای در کار خود احساس نکرد بلکه بلافاصله با تأیید اعضا دکتر باهنر را به عنوان دبیر کل حزب انتخاب کردند که او تا موقع شهادتش در این سمت بود و با این انتخاب، حزب سعی کرد که به فعالیت خود ادامه دهد.<sup>۳</sup>

سرانجام حزب جمهوری پس از ۹ سال فعالیت کردن که از سال ۵۷ فعالیت خود را با اعلام موجودیت رسمی آغاز کرده بود بنا به درخواستی که آیت الله خامنه ای و هاشمی به امام در طی نامه ای در مورد اینکه حزب را منحل اعلام کند در سال ۶۶ پس از موافقت امام به صورت غیر فعال در آمد.<sup>۴</sup> متن نامه بدین شرح بود: «... همان طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس حزب جمهوری از طرف هیأت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل دربرابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب..... به شدت احساس می شد. این حزب در طول سال های گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکرد،... اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده..... لذا احساس می شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته..... لذا همان طور که قبلاً کراراً عرض شد شورای مرکزی پس از بحث و بررسی به این که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که حزب تعطیل و فعالیت های آن به طور کلی متوقف گردد...»<sup>۵</sup> نظر امام در رابطه با درخواست هاشمی و خامنه ای این بود که حزب منحل نشود بلکه به صورت غیر فعال

<sup>۱</sup> - هاشمی رفسنجانی، (کارنامه و خاطرات سالهای ۵۸ و ۵۷)، پیشین، ص ۲۱۹

<sup>۲</sup> - طاهری خرم آبادی، **خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی**، تدوین: محمدرضا احمدی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷-۱۳۸۴، صص ۳۲۷-۳۲۶

<sup>۳</sup> - ترک چی، پیشین، ص ۶۹

<sup>۴</sup> - رضوی، پیشین، ص ۲۲۰

<sup>۵</sup> - هاشمی رفسنجانی، اکبر، کارنامه و خاطرات سال ۶۶: دفاع و سیاست، به اهتمام علیرضا هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹، پاورقی صص ۱۳۰-۱۳۱

در آید و فعالیتش متوقف شود. تا اگر روزی شرایط دوباره فراهم شد فعالیتش را از سر بگیرد.<sup>۱</sup> و اما پاسخ امام در مقابل این درخواست چنین بود: «... لازم است تذکر دهم که حضرات مؤسسين محترم حزب، مورد علاقه ی اینجانب می باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه ی اسلام و جمهوری اسلام کوشا باشید.....»<sup>۲</sup> محمد حسن اصغر نیا که در کمیته آموزش حزب فعالیت می کرد و جزء ۲۸ جانباز باقیمانده از حادثه انفجار دفتر حزب می باشد در مورد توقف فعالیت حزب و چرایی آن می گوید: «حزب هیچ گاه منحل نشد بعد از شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ نفر از اعضای حزب مشکلاتی پیش آمد که مهمترین آنها اختلافات داخلی و فرافکنی های خارجی بود از طرفی گروه های مختلف حزب با هم به مشکل خورده بودند و از سوی دیگر در خارج از حزب هر جا مشکلی پیش می آمد و هر مسئولی که کارایی نداشت حزب جمهوری را بهانه می کرد به همین دلیل آقایان خامنه ای و هاشمی خدمت امام رفتند و به تعبیر آقای هاشمی تقاضا شد فتیله حزب پایین کشیده شود.»<sup>۳</sup> علیرضا بهشتی در مورد غیر فعال شدن حزب جمهوری معتقد است که علاوه بر اختلافات داخلی حزب از آنجایی که علی خامنه ای رئیس جمهور و هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شده بودند دیگر وقتی برای فعالیت در حزب باقی نمی ماند در نتیجه با نوشتن نامه به امام آن را غیر فعال اعلام کردند.<sup>۴</sup>

## ۱۰- ماجرای کردستان :

پس از پیروزی انقلاب درگیری های قومی، ملیتی و مذهبی در برخی مناطق حساس کشور از جمله کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا بهانه ای به دست مخالفان انقلاب و نظام داد تا از این فرصت و شرایط نهایت استفاده را ببرند، و در صورتی که مسئولان نظام تدبیری برای حل این اختلافات قومی نمی کردند ممکن بود به جنگ داخلی تبدیل شود.<sup>۵</sup>

در ۲۳ بهمن سال ۵۷ اعضای حزب دمکرات به دستور قاسملو در شهر مهاباد به چند کلانتری و پاسگاه حمله کردند و با تصرف کردن پادگان مهاباد به سلاح های سبک و سنگین دست پیدا کردند این پادگان جزء مهمترین پادگان های منطقه بود، این حملات به مراکز نظامی در دیگر مناطق کردستان ادامه داشت

<sup>۱</sup> - گفتگو با هاشمی رفسنجانی : حقیقت ها و مصلحت ها ، به اهتمام مسعود سفیری ، تهران ، نی ، ۱۳۷۸، ص ۸۴

<sup>۲</sup> - خمینی ، روح الله ، صحیفه امام ، ج ۲۰ ، تهران ، فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۷۵

<sup>۳</sup> - روزنامه شرق ، سال نهم ، شماره ۱۵۵۹ ، ۹۱/۴/۳ ص ۱۵

<sup>۴</sup> - مصاحبه با علیرضا بهشتی ، جلسه دوم ، پیشین

<sup>۵</sup> - عزیززی ، حشمت الله ، زندگی و مبارزات آیت الله طالقانی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۴۳



حزب دمکرات کردستان در پی این غارت گری ها که به سلاحهای زیادی دست پیدا کرده بود، فعالیت مسلحانه خود را آغاز کردند آنها خواهان خودمختاری بودند.<sup>۱</sup>

هدایت افکار عمومی را در این ماجرا شیخ عزالدین حسینی، امام جمعه مهاباد و علامه مفتی زاده رهبر مذهبی سنندج بر عهده داشتند به طوری که عزالدین حسینی در اواسط اسفند طرح خود مختاری کردستان را اعلام کرد گروههای ضد انقلاب از جمله کومله و چریک های فدایی خلق وقتی اوضاع آشفته کردستان را دیدند سعی کردند با فعالیت در آنجا اهداف خود را از طریق این آشفتگی ها دنبال کنند و آتش تفرقه را شعله ور تر کنند.<sup>۲</sup>

در فروردین ۵۸ هیئتی به رهبری آیت الله طالقانی به همراه بهشتی، هاشمی رفسنجانی و بنی صدر که نماینده امام بودند و همچنین احمد صدر حاج سید جوادی به عنوان وزیر کشور و تعدادی از پاسداران انقلاب برای حل کردن بحران کردستان راهی آنجا شدند، هواپیمای هیئت در کرمانشاه که ستاد عملیات کردستان بود فرود آمد و بعد از کمی توقف در ساعت ۱۰ شب به سنندج رسیدند و در دانشگاه اقامت گزیدند.<sup>۳</sup>

صبح روز بعد در طی دو جلسه ی جداگانه در ابتدا صدر حاج سید جوادی به عنوان وزیر کشور در مقابل شیخ عزالدین حسینی و گروههای سیاسی کرد سخن گفت، جلسه ی دوم که در میدان آزادی تشکیل شد در ابتدا آیت الله طالقانی سخنرانی کرد و به سوالات مطرح شده جواب داد سپس آیت الله بهشتی و بنی صدر نیز به ترتیب سخنرانی داشتند، توافقی که هیئت اعزامی با رهبران کرد به آن رسیدند این بود که شورایی از مردم، شهر سنندج را اداره کند.<sup>۴</sup>

آیت الله بهشتی در مورد گروههایی که بر اختلاف این توطئه در کردستان دامن می زدند می گوید: «توطئه ی کردستان آب و رنگ شرق و غرب را داشت، در این توطئه گروههایی بودند که خود را دارای افکار مارکسیستی معرفی می کردند و سلاح آنها نیز سلاحهای روسی بود. همچنین در این توطئه کسانی بودند که خیلی صریح می گفتند ما طرفدار سرمایه داری جهانی هستیم.»<sup>۵</sup>

سران کرد برای خود خواسته هایی داشتند که آن را به اطلاع هیئت اعزامی رساندند «از جمله ۱- حق تعیین سرنوشت به معنی استقرار حاکمیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خلق ها بر سرزمین خودشان می

۱- فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر، حیدری، اصغر، (مقاله انقلاب اسلامی و گروههای تجزیه طلب)، شماره ۳۱ دوره سوم سال نهم بهار ۹۱ صص ۱۶۶-۱۶۲

۲- ملکی، پیشین، صص ۴۴-۴۳

۳- ملایی توانی، علیرضا، زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی، تهران، بنی، ۱۳۸۸، صص ۳۶۹-۳۶۸

۴- رضوی، پیشین، صص ۱۷۱-۱۷۰

۵- نظری، مرتضی، خاطرات ماندگار از آیت الله بهشتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۲۳۴

باشد و شناسایی این حق وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی را تضمین خواهد کرد.<sup>۲</sup> - از نظر سیاسی باید حکومت خودمختار کردستان توسط خود مردم کرد برگزیده شود و قدرت سیاسی و اداره سرزمین کردستان را به دست گیرد<sup>۳</sup> - به رسمیت شناختن زبان کردی به عنوان زبان رسمی در تمام موسسات اجتماعی و اداری و آموزشی سرزمین کردستان...<sup>۱</sup>

سرانجام هیئت اعزامی پس از اینکه از آرامش نسبی در کردستان مطمئن شد پس از سه روز اقامت به مرکز بازگشت.<sup>۲</sup>

### ۱۱- مجلس خبرگان قانون اساسی:

پس از اینکه ساختار سیاسی ایران که همان نظام جمهوری بود با رأی مردم تعیین شد امام در طی حکمی از دولت موقت به ریاست بازرگان خواستار این بود که هر چه زودتر مجلس مؤسسان را برای تصویب قانون اساسی تشکیل دهد، پیش نویس اولیه قانون اساسی زمانی که امام در پاریس بود تهیه شده بود و وقتی امام به ایران آمد این پیش نویس مورد مشورت و بررسی قرار گرفت، هیئت دولت موقت این پیش نویس را در تاریخ ۵۸/۱/۸ به تصویب رسانده بود و در آن تغییرات مختصری ایجاد کرده بود و بعد از آن به شورای انقلاب واگذار کرد.<sup>۳</sup>

آن موقع شرایط سیاسی کشور بحرانی بود و مسئله کردستان، خوزستان و آذربایجان مطرح بود که در این استانها گروه های سیاسی با دامن زدن به اختلافات قومی اوضاع کشور را نامناسب کرده بودند از طرفی گروه هایی چون فرقان و حزب جمهوری خلق مسلمان با اقدامات تروریستی خود اوضاع را آشفته تر کرده بودند با این وضعیت نظرهای مختلفی در مورد تصویب قانون اساسی مطرح بود.<sup>۴</sup>

در مورد چگونگی تصویب قانون اساسی بین شورای انقلاب و دولت موقت اختلاف نظر بود. بهشتی، خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، میر حسین موسوی، صادق قطب زاده جزء کسانی بودند که معتقد بودند نیازی به تشکیل مجلس مؤسسان نیست و قانون اساسی پیشنهادی به همه پرسى گذاشته شود و برای اثبات نظر خود دلایلی داشتند و آن دلایل عبارت بود از: مشکلات کشور، حالت خاصی که دوره انتقال داشت، زیاد بودن اعضاء مجلس مؤسسان که پیامدش تنوع و تعارض زیاد بود، افکار مختلف که طولانی شدن تصویب قانون اساسی را به دنبال داشت اینها دلایل این گروه بود و با این دلایل می خواستند که پیش

<sup>۱</sup> - فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی، پیشین، ص ۱۶۴

<sup>۲</sup> - ملایی توانی، پیشین، ص ۳۷۱

<sup>۳</sup> - اشرفی، اکبر، مبانی رهبری سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۲-۲۰۱

<sup>۴</sup> - کردی، جامعه روحانیت مبارز، پیشین، ص ۱۲۹

نویس تأیید شده شورای انقلاب و دولت موقت به فرزندوم گذاشته شود تا قانون اساسی زودتر به تصویب مردم برسد و با تأسیس کردن نهادهای جدید کشور حالت ثبات پیدا می کند.<sup>۱</sup>

و افرادی چون مهدی بازرگان، یدالله سحابی، بنی صدر، طالقانی، موسوی اردبیلی و ابراهیم یزدی طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی بودند چون آن را دموکراتیک تر می دانستند و از طرفی از آنجایی که امام وعده مجلس مؤسسان را داده بود در شأن یک مرجع دینی نمی دانستند که خلف وعده کند و هر دو گروه روی مواضع خود تأکید داشتند، سرانجام شورای انقلاب و دولت موقت تصمیم گرفتند برای وحدت نظر در نزد امام که در قم اقامت داشت برسند در جلسه ای که با حضور امام داشتند هر دو نظر مطرح شد نظر امام این بود که مجلس مؤسسان تشکیل نشود سرانجام آیت الله طالقانی با پیشنهاد خود به این اختلاف نظر خاتمه داد و پیشنهاد او این بود که مجلسی برای بررسی نهایی قانون اساسی تشکیل شود و نمایندگان محدودی داشته باشد تا مشکلات مجلس مؤسسان در این مجلس بررسی نهایی پیش نیاید و از طرفی با تشکیل این مجلس خلف وعده نمی شود و از آنجایی که نمایندگان از سوی مردم انتخاب می شوند شکل دموکراتیک نیز پیدا می کند امام نیز این پیشنهاد را قبول کرد.<sup>۲</sup>

بعد از به توافق رسیدن شورای انقلاب و دولت موقت امام در تاریخ چهار خرداد سال ۵۸ برای آنکه شرایط برای اظهار نظر درباره قانون اساسی توسط صاحب نظران فراهم شود و همچنین مردم از طرح قانون اساسی اطلاع پیدا کنند، در طی حکمی از دولت موقت خواست که طرح قانون اساسی را در مطبوعات منتشر کند و مقدمات انتخابات مجلس خبرگان را فراهم کند.

مجلس خبرگان برای این بود که با توجه به پیشنهادهایی که به مواد قانون اساسی داده می شود قانون اساسی را بررسی نهایی کند و امام خواستار این بود که این بررسی نهایی در مجلس خبرگان طبق موازین اسلامی باشد و سرانجام به فرزندوم گذاشته شود و دولت موقت پس از دریافت این حکم از طرف امام پیش نویس قانون اساسی را برای اینکه صاحب نظران در مورد آن نظر بدهند در ۲۶ خرداد ۵۸ در ۱۲ فصل و ۱۵۱ اصل منتشر کرد.<sup>۳</sup>

جامعه روحانیت مبارز با همکاری تشکل های اسلامی دیگر از جمله مدرسین حوزه علمیه قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران، حزب جمهوری اسلامی، انجمن اسلامی معلمان، گروه انقلابی ابوذر، سازمان فجر اسلام، اتحادیه انجمن های اسلامی شهر ری و جنبش مسلمانان پیشگام افرادی چون حسینعلی منتظری، محمود طالقانی، محمد بهشتی، موسوی اردبیلی، غفوری، بنی صدر، عباس شیبانی،

<sup>۱</sup> - علی بابایی، پیشین، صص ۲۲۹-۲۲۸

<sup>۲</sup> - همان، صص ۲۳۰-۲۲۹

<sup>۳</sup> - اشرفی، پیشین، صص ۲۰۴-۲۰۳

محمدعلی عرب، عزت الله سبحانی، منیره گرجی را برای تهران معرفی کردند در کل ۱۲۳ نفر برای مجلس خبرگان قانون اساسی در تهران کاندید شدند.<sup>۱</sup>

و سرانجام اولین انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در روز جمعه ۱۲ مرداد سال ۵۸ برگزار شد و به دنبال اعلام کردن نتایج انتخابات که دو روز بعد اتفاق افتاد از تهران همان نامزدهای جامعه روحانیت مبارز و نیروهای اسلامی انتخاب شدند یعنی منیره گرجی، عزت الله سبحانی، علی محمد عرب، ابوالحسن بنی صدر، گلزاده، عباس شیبانی، محمد بهشتی، حسین علی منتظری و موسوی اردبیلی.<sup>۲</sup>

سرانجام مجلس خبرگان قانون اساسی با پیام امام که توسط هاشمی رفسنجانی خوانده شد در تاریخ یکشنبه ۲۸ مرداد سال ۵۸ کار خود را شروع کرد، پس از خوانده شدن پیام امام نخست وزیر و وزیر وقت کشور یعنی بازرگان و صباغیان نیز سخنرانی کردند. در اولین جلسه مجلس خبرگان مسئولیت ریاست جلسه به حسن خادمی واگذار شد و پس از مراسم تحلیل مجلس کار خود را با ۷۳ نماینده شروع کرد.

هیئت رئیسه مجلس خبرگان توسط خود نمایندگان انتخاب شدند و حسینعلی منتظری با ۴۰ رأی رئیس مجلس و محمد بهشتی نیز با ۴۰ رأی به عنوان نایب رئیس مجلس انتخاب شدند و در همان روز آیت الله منتظری ریاست مجلس را به آیت الله بهشتی سپرد.<sup>۳</sup>

و در انتخاباتی که برای هیئت رئیسه صورت گرفت حسن آیت به عنوان دبیر مجلس و محمود روحانی و حسن عضدی به عنوان منشیان این مجموعه انتخاب شدند.<sup>۴</sup>

آیت الله حبیب الله طاهر گرگانی در مورد اداره و ریاست مجلس خبرگان می گوید: «آقای منتظری به شهید بهشتی اعتقاد داشت و شهید بهشتی می رفت سرجای او در مجلس خبرگان می نشست وقتی هم آقای منتظری به مجلس می آمد سرجای آن شهید می نشست، البته این آن موقع برای ابرقدرتهای دنیا جالب بود چون آنها مجلس خبرگان را زیر ذره بین های خود داشتند و از سیاستمدارهای با تجربه خود لحظه لحظه های مجلس را زیر نظر داشتند آنها این را می دیدند که یک کسی به عنوان رئیس مجلس انتخاب شده که از نظر مقام علمی بالاتر است ولی چون احساس می کند آقای بهشتی بهتر می تواند مجلس را اداره کند مدیریت مجلس را به واگذار می کند و خودش هم می آید کنار می نشیند».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - کردی، جامعه روحانیت مبارز، پیشین، ص ۱۳۰

<sup>۲</sup> - ملکی، پیشین، ص ۵۲

<sup>۳</sup> - همان، ص ۵۷

<sup>۴</sup> - اطلاعات ۸۰ سال، ۵۸/۵/۲۹، ص ۲۴۷

<sup>۵</sup> - طاهر گرگانی، حبیب الله، خاطرات آیت الله حبیب الله طاهر گرگانی، تدوین: غلامرضا خارکوهی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰

بر طبق آیین نامه ای که نمایندگان مجلس خبرگان برای برقراری نظم داخلی مجلس تنظیم کرده بودند مجلس باید در طی ۳۱ روز و هر روز ۱۰ ساعت به کار بررسی می پرداخت.<sup>۱</sup>

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی هفت گروه تشکیل شد و هر کدام از این گروه ها مسئول کاری شدند و آیت الله بهشتی به عنوان رئیس گروه اول بود و این گروه ده عضو داشت که علاوه بر بهشتی و نایب رئیس آن عبدالرحیم ربانی شیرازی افرادی چون علی اکبر مشکینی، عبدالله جوادی آملی، حسن آیت، علی اکبر قریشی، عبدالحسین دستغیب، سرگون بیت اوشانا (نماینده اقلیت مسیحی) عضو بودند و همچنین محمود روحانی و جلال الدین فارسی منشیان این گروه بودند. مسئولیت این گروه این بود که اصل های اول تا دوازده پیش نویس و مقدمه قانون اساسی را بررسی کنند.<sup>۲</sup>

سرانجام پس از سه ماه تلاش نمایندگان مجلس خبرگان کار تدوین قانون اساسی در آبان سال ۵۸ به پایان رسید و این قانون دارای ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و یک مؤخره بود و در تاریخ ۵۸/۹/۱۲ به همه بررسی گذاشته شد.<sup>۳</sup>

قانون اساسی ایران نیز مانند دیگر قوانین کشورها ماده های عامه پسند زیادی داشت از جمله ریشه کن کردن فقر، آموزش رایگان شهروندان تا دوره متوسطه، ممنوع بودن تفتیش عقاید، اشتغال دائم، اعطای وام بی بهره و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اقتصاد کشور، همچنین خط مشی سیاسی خود را در این قانون عدم سازش با قدرتهای سلطه گر اعلام کرد.<sup>۴</sup>

یکی از حساسترین و جنجال ترین اصلهای قانون اساسی مربوط به اصل ۵ بود که مربوط به انتخاب رهبر می باشد بحث رهبری و ولایت فقیه این طور نبود که پس از تصویب و تأییدش تمام شود بلکه با اتمام کار بررسی نهایی قانون اساسی نیز ادامه داشت.<sup>۵</sup>

و متن اصل پنج چنین بود «در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که یک فرد چنین اکثریتی را نداشته باشد

<sup>۱</sup> - ابراهیم زاده، پیشین، ص ۱۱۰

<sup>۲</sup> - راهنمای استفاده از صورت مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۵

<sup>۳</sup> - نقیب زاده، احمد، امانی زوارم، وحید، نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹

<sup>۴</sup> - میلانی، پیشین، ص ۲۸۴

<sup>۵</sup> - رضوی، پیشین، ص ۲۶۴

شورایی مرکب از فقهای واجد شرایط بالا عهده دار آن می گردند و طرز تشکیل این شورا و تعیین افراد آن را قانون معین می کند.<sup>۱</sup>

در قبال این اصل در بین نمایندگان مجلس به عنوان مخالف مقدم مراغه ای صحبت کرد و چنین گفت: «قانون اساسی را باید مبانی اسلام تحکیم کند اسلام با قدرتی که دارد نیازی به قانون اساسی ندارد... اگر اصول دین اسلام را در قانون اساسی بیاوریم خدمتی نکرده ایم چون اصول اسلام پشتوانه های مستحکمتری از قانون اساسی دارند... اصل سوم پیش نویس قانون اساسی می گوید آراء عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن (وشاورهم فی الامر) و (امرهم شوری بینهم) امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی ناشی از آن مشخص می شود حل و فصل می گردد... اصل سوم قانون پیشنهادی با اصل پنجم معارض هست... تغییر یکباره اصل سوم به صورت فعلی در مجلس خبرگان در شأن مجلس نیست... نباید اسلام را یک طبقه ی خاص در انحصار خود بگیرد آن وقت ممکن است اسلام ابزاری شود در دست قدرت طلبان... ما اگر بخواهیم با استفاده از نیروی اسلام حکومت را در اختیار یک طبقه خاص قرار دهیم برای جامعه قابل قبول نخواهد بود ما قانون برای امروز وضع نمی کنیم امام خمینی استثناء است از کجا می توانیم امیدوار باشیم که در آینده نیز رهبری این چنین داشته باشیم؟ اگر ما اصل مبنای حکومت را که آراء عمومی است به حکومت فقیه تبدیل کنیم در سایر اصول اثر می گذارد و آن وقت باید کلیه اصول تغییر کند که آن وقت مجلس خبرگان نخواهد بود بلکه مجلس مؤسسان می شود.....»<sup>۲</sup>

آیت الله مرتضی بنی فضل در خاطرات خود در خصوص اصل ولایت فقیه و تصویب آن در مجلس خبرگان آورده که مخالفین این اصل آن را دیکتاتوری آخوندها میدانستند و تمام تلاش خود را برای تصویب نکردن آن به کار بردند، شریعتمداری نیز جزء مخالفین این اصل بود و آن را مغایر با حق حاکمیت مردم که در اصل های ۶ و ۵۶ آمده می دانست و با همدستی مقدم مراغه ای در داخل مجلس خبرگان سعی کرد که این بند به تصویب نرسد ولی با مدیریت و استدلال و منطق آیت الله بهشتی در خصوص اصل ولایت فقیه و موافقت اکثریت نمایندگان این ماده به تصویب رسید.<sup>۳</sup> و اما توضیحات آیت الله بهشتی در قبال مخالفین اصل ولایت فقیه این بود «آیا اصل پنجم می خواهد بیاید نقش آراء عمومی را انکار کند؟ آیا

<sup>۱</sup> - اطلاعات ۸۰ سال، پیشین، ۵۸/۶/۲۲، ص ۲۵۲؛ حسینی بهشتی، محمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله بهشتی، تهران، بقیع، ۱۳۷۸، ص ۸۴

<sup>۲</sup> - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج اول، تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات، تهران، ۱۳۶۸، صص ۳۷۴-۳۷۶؛ روزنامه انقلاب اسلامی، پنجشنبه ۲۲ شهریور سال ۵۸ شماره ۶۹ صص ۴-۵

<sup>۳</sup> - بنی فضل، مرتضی، خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، تدوین: عبدالرحیم ابادری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، صص ۱۵۵-۱۵۴

اصل پنجم آزادیها را از بین می برد؟ آیا اصل پنجم می خواهد بیاید حکومت رادر اختیار قشر معینی و طبقه معینی قرار بدهد؟ ..... کجای این اصل این معنی را می دهد؟ منظور از فقیه یعنی اسلام شناس، متخصص، کسی که بتواند احکام و قوانین و تعالیم اسلام را از کتاب و سنت به صورت یک صاحب نظر بفهمد ... عادل یعنی اعمالش، رفتارش در همه شئون با عدل اسلامی که عبارت از عمل به تمام فرائض و واجبات و دوری از همه محرّمات باشد ... با تقوا یعنی همیشه یاد خدا در دلش زنده باشد آگاه به زمان، بفهمد در چه زمانی زندگی میکند و بداند نیازهای خودش و جامعه اسلامی اش و امت اسلامی اش در این زمان چیست، مدیر و اهل اداره کردن باشد مدبر و آینده نگری و دور نگری داشته باشد ... و کسی تحت عنوان این صفات نمی تواند خودش را بر مردم تحمیل کند این مردم هستند که باید او را با این صفات بپذیرند ... و اگر پیشنهاد کردیم که مرکزیت ثقل رهبری و اداره ی امور امت باید یک چنین فرد یا گروهی باشد برای این است که می خواهیم نظامی اجتماعی اسلامی در آینده داشته باشیم ...<sup>۱</sup>

سرانجام با تمام جنجال ها و حساسیتی که این اصل داشت در ۲۱ شهریور ۵۸ در جلسه پانزدهم مجلس خبرگان اصل ولایت فقیه با رأی گیری بین نمایندگان که ۵۳ نفر رأی موافق ۸ نفر رأی مخالف و ۴ نفر رأی ممتنع دادند به تصویب رسید.<sup>۲</sup> همچنین بنا به گفته محمد مهدی جعفری آیت الله بهشتی با توجه به تجربه ای که از اصل شورای سنج برای اداره شهر در ماجرای کردستان داشت خیلی تلاش کرد تا اصل شوراها را در مجلس خبرگان جا بیندازد.<sup>۳</sup>

آیت الله خزعلی در مورد نقش آیت الله بهشتی در مجلس خبرگان می گوید: «یکی از فصل های برجسته و جالب زندگی شهید بهشتی نقش مهم ایشان در خبرگان تدوین قانون اساسی بود گرچه ریاست جلسات خبرگان با فرد دیگری بود اما او اداره کننده ی واقعی آن بود، نجات دهنده و شکننده ی بن بست ها در جلسات بهشتی بود در خبرگان تدوین قانون اساسی مشکلات فراوان بود چون افراد و گروه های وابسته به احزاب معاند در آن فراوان بودند.»<sup>۴</sup> در واقع می توان گفت ارزشمند ترین خدمت آیت الله بهشتی به انقلاب اسلامی تلاش در تدوین قانون اساسی بود.

## ۱۲- شورای عالی قضایی :

به دنبال انقلاب اسلامی که تغییرات بنیادی و اساسی در نظام قبلی به وجود آورد با ایجاد نظام جدید جمهوری اسلامی، نهادهای جدیدی نیز جایگزین نهادهای قبلی شد، مسئولان نظام جدید معتقد بودند

<sup>۱</sup> - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج اول، پیشین، صص ۳۷۷-۳۷۸

<sup>۲</sup> - کردی، جامعه روحانیت مبارز، پیشین، ص ۱۳۴

<sup>۳</sup> - جعفری، محمدمهدی، همگام با آزادی: خاطرات شفاهی سید محمد مهدی جعفری، ج ۲، تدوین: قاسم یاحسینی، قم، صحیفه فرد، ۱۳۸۹، ص ۴۷۲

<sup>۴</sup> - خزعلی، ابوالقاسم، خاطرات آیت الله ابوالقاسم خزعلی، تدوین: حمید کرمی پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲

یکی از اشتباهات نظام قبلی وابستگی قوه قضائیه به قوه مجریه بود در حالیکه اسلام تأکیدش بر مستقل بودن قاضی و استقلال نظام قضایی است در نتیجه تصمیم گرفته شد که قوه قضائیه مستقل شود و بر اساس این طرح وزیر دادگستری که قبلاً عضوی از قوه مجریه بود به عنوان رابط سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و به عبارتی ارتباط برقرار کردن سه قوه را به عهده گرفت و وظایف سابق آن به شورای عالی قضایی واگذار شد. بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هشت قانون اساسی تعداد اعضای شورای عالی قضایی پنج نفر می باشد که این تعداد به مدت پنج سال انتخاب می شوند، ترکیب اعضای این شورا به این صورت می باشد رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور، در این ترکیب اعضا رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور را رهبر تعیین می کند و ولین اعضای شورای عالی قضایی آیت الله بهشتی به عنوان رئیس دیوان عالی، موسوی اردبیلی به عنوان دادستان کل کشور، جوادی آملی، قدوسی و ربانی املشی نیز سه قاضی مجتهد بودند که پس از انتخاب شورای عالی قضایی در ۲۱ تیر سال ۵۸ به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد.<sup>۱</sup>

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری ها، استخدام قضات عادل و تهیه قانون قضایی مناسب در شأن نظام جمهوری از وظایف شورای عالی قضایی بود.<sup>۲</sup>

پس از تشکیل شورای عالی قضایی امام از آنجایی که آیت الله بهشتی از شاگردانش بود و در مورد او شناخت کافی داشت پیشنهاد ریاست دیوان عالی را به او می کند اما او در ابتدا این مسئولیت را بنا به استدلالها و دلایل خودش قبول نمی کرد از جمله اینکه او از آنجایی که روحیه ی تشکیلاتی داشت معتقد بود باید حزب تشکیل شود تا اگر انحرافی در انقلاب صورت گرفت تشکیلات سالم با کادر سازی خود مانع از انحراف انقلاب شود و حزب می تواند به نظام و دولت کمک کند و از امام خواست که در حزب فعالیت کند و افرادی چون موسوی اردبیلی و ربانی املشی را برای ریاست دیوان عالی به امام پیشنهاد کرد اما امام در جواب آیت الله بهشتی گفته بود: الان از روند اوضاع دل نگران است چرا که بنی صدر رئیس جمهور شده و او باید رئیس دیوان عالی کشور شود تا بتواند اقدامات رئیس جمهور را زیر نظر بگیرد.<sup>۳</sup>

ریاست دیوان عالی کشور تنها مقامی است که می تواند رئیس جمهور را محاکمه کند و حتی اموال او را بررسی کند و بر طبق قانون حکم ریاست جمهوری نیز توسط ریاست دیوان عالی کشور خوانده می شود، همانطور که حکم ریاست بنی صدر توسط آیت الله بهشتی خوانده شد، ریاست دیوان عالی حتی

<sup>۱</sup> - زرینی، حسین، هژبریان، حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، ج دوم، به سفارش معاونت حقوقی و توسعه

قضایی قوه قضائیه مرکز مطالعات توسعه ی قضایی تهران، روزنامه رئیس جمهوری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳

<sup>۲</sup> - ملکی، پیشین، ص ۹۳

<sup>۳</sup> - پیشگاهی فرد، محمد، خاطرات محمد پیشگاهی فرد، تدوین: رضا مختاری اصفهانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶-۲۱۱-۲۱۳ صص



این اختیار را دارد که اموال رهبران نیز بررسی کند و سرانجام آیت الله بهشتی با دو شرط پیشنهاد امام راقبول کرد و آن دو شرط یکی اینکه نیمی از وقتش را در حزب فعالیت کند و دیگری اینکه موسوی اردبیلی در کارهای قضایی با او همکاری کند امام هر دو شرط را پذیرفت.<sup>۱</sup>

و در طی حکمی در چهارده اسفند سال ۵۸ آیت الله بهشتی رابه ریاست دیوان عالی منصوب کرد و متن حکم چنین بود. «جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسینی بهشتی دامت افاضاته نظر به اهمیت نقش قوه ی قضائیه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعلیم مقدس اسلام به ریاست دیوان عالی کشور منصوب می شوید تا با همکاری دادستان کل کشور، فقها، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوق دانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران پردازید، امیدوارم خداوند متعال شمارا در انجام این امر خیر یاری فرماید.»<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی در طی مدتی که مسئولیت دیوان عالی کشور را بر عهده داشت و در امور قضایی مشغول بود با پیشنهاد های خود موجب خدمات مهمی در امور قضایی شد، از جمله اینکه اجتهاد وفقه را که قبل از این در مسایل قضایی جایگاهی نداشت وارد مسایل قضایی کرد یا اینکه دفتر تنظیم لوایح را پیشنهاد کرد که این دفتر تنظیم تطبیق دادن لایحه ها با احکام شرع اسلام را بر عهده داشت همچنین لایحه قصاص و تشکیل پلیس قضایی از دیگر خدمات آیت الله بهشتی در سالهایی که مسئول دیوان عالی قضایی بود می باشد.<sup>۳</sup> قوه ی قضائیه لایحه ای در زمینه ی کشتن و قتل تنظیم کرد که عنوانش لایحه ی قصاص بود. این لایحه شامل دو قسم است که قسم اولش شامل پنج فصل به ترتیب با عناوین عمدی یا غیر عمدی بودن قتل، شرایط قصاص، شرایط دعوی قتل، راههای ثبوت قتل در دادگاه و کیفیت دریافت دیه قصاص می باشد و قسم دوم در مورد قصاص عضو، شرایط قصاص عضو، تساوی زن و مرد در قصاص عضو و کیفیت قصاص عضو را در بردارد این لایحه در ۱۹۹ ماده توسط شورای عالی قضایی تنظیم و توسط دولت به مجلس ارائه شد.<sup>۴</sup>

در مورد لایحه قصاص اعتراضات زیادی صورت گرفت از جمله معترضین این لایحه مجاهدین خلق بودند که در روزنامه مجاهد چنین نوشتند: « اکنون بیش از دو سال از اولین اعتراض مجاهدین خلق در باره مجازات های غیر انسانی و غیر اسلامی می گذرد..... لذا مجاهدین خلق ایران متذکر می گردند که اجرای

<sup>۱</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۲۱۹-۲۱۸

<sup>۲</sup> - خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۲، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۶۳

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۲۱۹

<sup>۴</sup> - برای اطلاعات بیشتر رک به لایحه قصاص که شورای عالی قضایی به ریاست آیت الله بهشتی آن را تنظیم کرده است.؛ روزنامه انقلاب اسلامی پنج شنبه ۱۶ بهمن سال ۵۹ شماره ۶۷ صص ۱۰-۹

این قبیل احکام آن هم در کمال قاطعیت صرفاً در باره ی عناصر خائن و جنایتکاری باید اعمال شود که واضعان و حافظان نظم طاغوتی شاه بوده اند.... لایحه ی قصاص که پس از قریب دو سال ارتکاب جنایت و رفتار ضد اسلامی حضرات از طرف حزب حاکم جمهوری تدوین و اسباب خوش آمد کارمندان این حزب در مجلس را فراهم آورده است چیزی جز وجهه ی قانونی بخشیدن به اعمال ضد اسلامی گذشته نیست.....»<sup>۱</sup> از دیگر مخالفین این طرح جبهه ملی ایران بود که در تاریخ ۲۵/۳/۶۰ با منتشر کردن اعلامیه ای آن را غیر انسانی جلوه دادند و با راه انداختن راهپیمایی قصد داشتن مجلس را از تصویب این لایحه منصرف کنند. اما در قبال این اقدام جبهه ی ملی ایران، آیت الله گلپایگانی و مرعشی نجفی با دادن این فتوا که هر کس که منکر حکم قصاص است مرتد محسوب می شود از این لایحه حمایت کردند امام نیز با تصویب این لایحه موافق بود.<sup>۲</sup>

شورای عالی قضایی وقتی عکس العمل مخالفین این طرح را دید با برگزار کردن جلسات بحث آزاد با حضور آیت الله بهشتی سعی کرد ابهامات به وجود آمده این لایحه را برطرف کند و سرانجام در سال ۶۱ لایحه قصاص تصویب شد.<sup>۳</sup>

لایحه قصاص که برگرفته از قرآن برای دفاع از مظلوم بود تا قبل از آن در قانون مدنی ایران سابقه طرح و اجرا نداشت.<sup>۴</sup>

آیت الله بهشتی در مورد لایحه قصاص می گوید: «مادر پی ایجاد نظام نوین پیشرفته اسلامی هستیم و به خوش آمد و بد آمد این و آن نباید توجه کنیم، اسلام به ما یاد داده که در پی رضای خدا و حمایت محرومان جهان باشیم و این قانون برای حمایت محرومان بر اساس تعالیم خدا سودمند است و کافر در یک کشور اسلامی باید سخت مراقب حفظ نظام اسلام باشد و تخطی نکند، اگر غیر مسلمانان که به ایران می آیند مصمم به حفظ قوانین اسلام باشند کسی را نکشند، تجاوز ناموس نکنند بر طبق این قانون مصونیت دارند و اگر مرتکب جنایتها شوند اسلام در باره ی آنها به شدت به مجازاتهایی معتقد است»<sup>۵</sup>

یکی دیگر از طرحهای پیشنهادی آیت الله بهشتی پلیس قضایی بود که در ۵ تیر سال ۵۹ شورای انقلاب آن را تصویب کرد و برای بهبود فعالیتهای قوه قضائیه چنین طرحی را داده بود و آن را یک ضرورت اجتماعی می دانست اجرا و ابلاغ احکام که توسط پلیس قضایی انجام می شد از افسران و افراد انتظامی و کارگزاران قضایی تشکیل شد. وظیفه ی اجرا و ابلاغ احکام کیفری و مدنی قبل از این توسط مأمورین

<sup>۱</sup> - روزنامه مجاهد سال ۶۰ شماره ۱۲۰ ص ۸

<sup>۲</sup> - کردی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، پیشین، ص ۱۴۲

<sup>۳</sup> - زرینی، حسین، پیشین، ص ۱۶۸

<sup>۴</sup> - ملکی، پیشین، ص ۱۱۷

<sup>۵</sup> - بهشتی اسطوره ای بر جاودانه تاریخ، دفتر سوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ص ۹۰۵؛ مصاحبه ها: جاودانه تاریخ، ج ۲)

آشنایی با افکار و اندیشه های شهید مظلوم آیت الله بهشتی، تهران، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸

شهربانی و ژاندارمری انجام می شد.<sup>۱</sup> مجاهدین خلق بار دیگر به عنوان مخالفین این طرح اعتراض خود را چنین بیان کردند: «بعد از انتصاب دبیر کل حزب حاکم به عنوان رئیس دیوان عالی کشور در ظرف مدت کوتاهی طرح ها و برنامه هایی در جهت دست اندازی و حاکمیت بر دادگستری تدوین شد. انحصار طلبی ، این ویژگی حزب حاکم که در اشغال تمامی مواضع قدرت خود را نشان داده است در این طرح ها و برنامه ها نیز کاملاً مشهود بود .... برای تأمین منظور فوق سردمداران حزبی دادگستری به طور کلی راه های گوناگونی را آزمایش می کنند شاهکار دیگرشان ایجاد پلیس قضایی است .... در حقیقت پلیس قضایی متشکل از افرادی دست چین شده به وسیله حزب می باشد که دوره های خاصی را گذرانده و به عنوان ضابط دادگستری و در واقع بازوی اجرایی حزب در جهت سلطه تمام عیار بر دستگاه قضایی عمل می کند....»<sup>۲</sup>

تشکیلات پلیس قضایی تا سال ۶۹ ادامه داشت و با تشکیل نیروی انتظامی، این تشکیلات منحل شد و وظایف آن به نیروی انتظامی سپرده شد.<sup>۳</sup> آیت الله بهشتی با وجود اینکه حکم ریاست دیوان عالی را از امام داشت و تمام وقت خود را صرف آن می کرد از قوه ی قضائیه هرگز حقوقی نگرفت و حقوق دریافتی او فقط از آموزش و پرورش بود.<sup>۴</sup>

### ۱۳- اشغال سفارت آمریکا :

یکی از وقایع تاریخی مهم در انقلاب ایران اشغال سفارت آمریکا بود که در ۱۳ آبان سال ۵۸ رخ داد. این واقعه که توسط دانشجویان صورت گرفته بود انعکاس خیلی وسیعی در سطح بین المللی به دنبال داشت درحمله به سفارت آمریکا در حدود شصت نفر از دیپلمات های آمریکایی و مراجعه کنندگان سفارت به گروگان گرفته شدند، دانشجویان که سفارت آمریکا را به تسخیر خود درآورده بودند گروه و نهادی را تشکیل داده و خود را دانشجویان پیرو خط امام نامیدند.<sup>۵</sup>

حادثه اشغال سفارت آمریکا در واقع واکنش شدید ایرانیان نسبت به اقدام آمریکا در خصوص اجازه دادن آنها به شاه بود که در آمریکا اقامت کرده بود، شاه پس از اینکه سفرهایی به مراکش، مصر ، پاناما و مکزیک کرده بود و آنها اجازه اقامت به او نداده بودند به آمریکا پناهنده شده بود ادعایی که مقامات آمریکایی برای اقامت شاه در آمریکا داشتند این بود که به خاطر رعایت قوانین حقوق بشر این اجازه را به

<sup>۱</sup> - هاشمی رفسنجانی ، علی اکبر ، **کارنامه و خاطرات سال ۵۹** ، زیر نظر محسن هاشمی با اهتمام عباس شبیری ، تهران دفتر معارف انقلاب

۱۳۸۴، ص ۱۳۰

<sup>۲</sup> - روزنامه مجاهد ، سال دوم ، پنج شنبه ۲۴ اردیبهشت ۶۰ ، شماره ۱۲۰ ، ص ۱۴

<sup>۳</sup> - ملکی ، **پیشین** ، ص ۱۱۸

<sup>۴</sup> - مظفری ، **پیشین** ، ص ۶۷

<sup>۵</sup> - بازرگان ، مهدی ، **انقلاب ایران در دو حرکت** ، تهران ، مهندس بازرگان ، چ ۵ ، ۱۳۶۳ ، ص ۹۴

شاه دادند چون شاه بیمار بود مقامات آمریکایی حتی وقتی نامه ای رسمی از سوی ایران در مورد بازگرداندن شاه به ایران دریافت کرده بودند در جواب مقامات ایرانی مبنی بر این که دو پزشک ایرانی شاه را معاینه کنند تلفنی به اطلاع آنها رسانده بودند که پزشکان ایرانی تنها میتوانند پرونده پزشکی شاه را ببینند.<sup>۱</sup>

با بهانه تراشی های آمریکا در مورد بازگرداندن شاه به ایران مقامات ایرانی قبلاً به دولت آمریکا هشدار داده بود که عواقب این کار به نفع آمریکا نباشد و از جمله زمانیکه علی اصغر آگاه که کاردار موقت ایران در واشنگتن بود و یا در اجلاس عمومی سازمان ملل در مهر سال ۵۸ وزیر امور خارجه ایران این هشدارها را به دولت آنها داده بود.<sup>۲</sup>

در مورد اقدام دانشجویان، امام اقدام آنها را تأیید کرده بود و از آن به عنوان انقلاب دوم یاد کرده بود شورای انقلاب در مورد این عمل دانشجویان موضع خاصی نداشت.<sup>۳</sup>

اشغال سفارت آمریکا اگر چه در ابتدای امر توسط دانشجویان صورت گرفت اما در ادامه مورد تأیید عموم نیز قرار گرفت و اما در مورد عکس العمل آیت الله بهشتی در مورد اقدام دانشجویان باید گفت او به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان در جایگاه مجلس این اقدام دانشجویان را تأیید کرده بود و تنها روزنامه ای هم که عمل دانشجویان را مورد تأیید قرار داد روزنامه جمهوری ارگان حزب جمهوری بود.<sup>۴</sup> از جمله مخالفین این عمل بنی صدر، که جزء شورای انقلاب بود و همچنین بازرگان که ریاست دولت موقت را بر عهده داشت بودند آیت الله بهشتی گفته بود: «من شخصاً کار دانشجویان پیرو خط امام را در لانه جاسوسی آمریکا ارج می نهم از آن نظر که آنها با این اقدام خود شان توانستند اصالت ضد استعماری و استقلال واقعی انقلاب ماراقوت و سرعت بخشند بنابراین هر گونه کاری در آینده در رابطه با این دانشجویان باید اولاً به صورتی باشد که هدف این اقدام آنها و اصالت کار آنها و نقش مؤثر کار آنها محفوظ بماند و ثانیاً باید نقش پر ارج این دانشجویان نیز در خدمت به هویت اسلامی انقلاب و جهت ضد استعماری کامل این انقلاب روز افزون باشد.»<sup>۵</sup>

او همچنین می گوید: «مسئول وزرات خارجه آمریکا وقتی تلفن کرد در خصوص گروگانهای آمریکایی گفتم: ماجلوتر به شما اخطار کرده بودیم و توجه کنید اینجا انقلاب شده، زبان آن صریح است به زبان

۱ - صدیقی، وحید الزمان، انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه سید مجید روئین تن، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸، صص ۱۸۴-۱۸۳

۲ - همان، ص ۱۸۴

۳ - بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، پیشین، ص ۹۴

۴ - خامنه ای، علی، خاطرات و حکایتها ویژه زندگینامه مقام معظم رهبری، ج ۲، گردآوری و تدوین: موسسه فرهنگی قدر ولایت،

تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۷۸، ص ۵۱

۵ - پاسخ به سوالات، گنتار شماره ۱۴ حزب جمهوری، تهران، حزب جمهوری، ۱۳۶۲، ص ۲۱

دیپلماسی صحبت نمی کنیم و اعتراض کردم به پذیرش شاه گفتم باید سعی کنید انقلاب ایران رادریک کنید»<sup>۱</sup>

دولت آمریکا تصمیم گرفت برای حل ماجرای گروگانهای خود در ایران اقدامی بکند به همین منظور با آیت الله بهشتی تماس برقرار کرد و اطلاع داد که قصد دارد فرستاده ای به ایران برای فیصله دادن به ماجرای گروگانها بفرستد، آنها برای این کار رمزی کلارک و ویلیام میلر را انتخاب کردند و این دو در تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۷۹ برابر با ۱۵ آبان سال ۵۷ به وزرات امور خارجه آمریکا دعوت شدند و دستورالعملهای لازم در اختیارشان قرار داده شد، دولت آمریکا تصور می کرد از آنجایی که کلارک و میلر در جریان انقلاب مخالف شاه بودند و به عنوان دوستان ایران شناخته شده اند، با اعزام آنها به ماجرای گروگانها فیصله داده می شود اما در ۱۶ آبان رادیوی تهران اعلام کرد که امام طی بیانیه ای اعلام کرده که هیچ کس حق مذاکره با آمریکا را ندارد.<sup>۲</sup>

به منظور پایان دادن این ماجرا در سال ۱۹۸۰ دبیرکل سازمان ملل وقت یعنی کورت والدهایم به تهران آمد تا با مقامات ایران مذاکره کند از جمله افرادی که والدهایم با آنها مذاکره کرد، صادق قطب زاده وزیر امور خارجه و آیت الله بهشتی بودند.<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی در ملاقاتی که با والدهایم دبیر کل سازمان ملل داشت، گفته بود: «تاکنون سازمان ملل هرگز درباره ی رفتار آمریکاییها، چپاول ثروتهای ایران توسط آمریکایی ها، جنایات ساواک و دزدی ثروت ملی ایران توسط شاه، ابراز تاسف نکرده حالا چون چند نفر آمریکایی توقیف شده اند، ناگهان افکار عمومی جهان را بر شورانده اند در حالیکه، در واقع این سیاست ایالات متحده است که باید مورد سؤال قرار بگیرد و این از وظایف کمیونی است که باید تشکیل شود».<sup>۴</sup>

«حرکت دانشجویان به طرف سفارت، قسمتی از حرکت ملت بود که در جهت منافع دولت یاشورای انقلاب و یاحتی امام صورت نگرفت و چون انقلاب ما، انقلاب مردمی است لذا من معتقدم که نباید با این دانشجویان مخالفت کرد بلکه باید به آنان فرصت داد تا مانند گروه های دیگر مردم نظر خود را ابراز دارند.»

<sup>۱</sup> - رضوی، پیشین، ص ۴۰۴

<sup>۲</sup> - خداوردی، حسن، روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب تا تسخیر لانه ی جاسوسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۷-۱۷۵

<sup>۳</sup> - نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ی ایران (از کودتا تا انقلاب) ج دوم، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، ص ۴۴۷

<sup>۴</sup> - والدهایم، کورت، کاخ شیشه ای سیاست، ترجمه دکتر عبدالرحمن صدریه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۲۰؛ سیک، گری، همه چیز فرو می ریزد، ترجمه علی بختیازاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۳۴۴-۳۳۳

«درانقلاب ماگروگان گیری یا اقداماتی نظیر آن پیش بینی نشده بود اما ایالات متحده آمریکا درقبال احساسات مردم تا بدان حد بی اعتنایی کرد که درجوانان مامیل گرفتن انتقام را زنده کردبه دولت آمریکا ازاین امر قبلاً اعلام خطرشده بود آنانی که به سفارت هجوم برده اند، دولت نیستند ما این عمل آنها را پسندیدیم زیرا این یک واکنش قابل درک علیه ابرقدرت از طرف جامعه ای است که مدت زمان طولانی زیر فشاربوده است ماهیچ گاه باکشور دیگری چنین برخوردی نداشته ایم.»<sup>۲</sup>

«اشغال لانه جاسوسی وجلوگیری از خروج ماموران آمریکایی که طبق اسناد موجود از مرز وظایف دیپلماسی خودشان خیلی تجاوز کرده اند، نقطه عطفی بود برانقلاب ما به این معنی که ضرورت این انقلاب ایجاب میکرد ملت به پا خاسته ما دشمن اصلی خود را بیش از هر چیزی دیگر هدف و مورد هجوم قرا بدهد... ما در پرتو این اقدام حتی سودهای اقتصادی هم بردیم، مقادیر زیادی نفت مان را مفت نفروختیم... مقدار زیادی کالا های مصرفی بی جا را کمتر به مملکتمان را دادیم... مسئله اشغال لانه جاسوسی از عوامل موثر در شتاب دادن به بازگشت به خویشتن بود.»<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی همچنین درسخنانش گفت که اقدامات دانشجویان اگر در خارج از کشور محکوم می شود در داخل ایران مورد حمایت مردم هستند و آمریکابارفشارش درقبال ایران ازقوانین بین المللی تجاوز کرده است.<sup>۴</sup> آیت الله بهشتی همچنین در مورد اشغال سفارت آمریکا و پیامدی که کار دانشجویان به دنبال داشت گفته بود: «مساله اشغال لانه جاسوسی آمریکا برای ملت ما وانقلاب از این نظر اهمیت فوق العاده داشت که موضعگیری های قاطع در جهت قطع وابستگی های اقتصادی و سیاسی ایران و آمریکا بتواند با شتاب بیشتری جلو برود... در حقیقت کار این جوانان قهرمان انقلابی این بود که به آمریکا ودنیا نشان دهد که یک ملت انقلابی بی اعتنایی به آرمانهای خودش را از جانب ابرقدرتها تحمل نمی کند...»<sup>۵</sup>

دبیرکل سازمان ملل همچنین قصد داشت با امام دیداری داشته باشد اما امام درخواست او را نپذیرفت. دانشجویان پیرو خط امام راضی به اینکه والدھایم باگروگانها دیداری داشته باشد، نشدند و او پس ازسه روز که درتهران بودبه نیویورک بازگشت.

آیت الله بهشتی معتقد بود که راه حل خاصی برای مسئله گروگانها وجود ندارد و آمریکا مجبور است که تن به خواسته های ایران بدهد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - علی بابایی، پیشین، ص ۱۴۰

<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی، ج اول، پیشین، ص ۳۱۲

<sup>۳</sup> - بهشتی، سید مظلوم امت، دفتر دوم، واحد فرهنگی بنیادشهادت، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۴۲

<sup>۴</sup> - همان، ص ۲۱

<sup>۵</sup> - روزنامه انقلاب اسلامی، پنج شنبه ۲ بهمن سال ۵۹، شماره ۴۵۶، ص ۱۲

<sup>۶</sup> - ستوده، امیررضا، حمید کاویانی، بحران ۴۴روز، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴

دانشجویان پیرو خط امام به اسنادی در سفارت آمریکا دست پیدا کرده بودند، آنها در طی برنامه های تلویزیونی سعی می کردند اسناد را به مردم ارائه بدهند، در میان اسناد افشاگری هایی در مورد برخی از شخصیت های مهم کشور که اسنادشان در سفارت موجود بود و خبر از ارتباط آنها با دولت آمریکا می داد وجود داشت. سفارت آمریکا در مورد بیشتر شخصیت های مهم و مطرح ایران اسنادی را جمع آوری کرده بود از جمله در مورد آیت الله بهشتی، از مطالب اسناد می توان به موضع آیت الله بهشتی در قبال آمریکا و دشمنان انقلاب دست پیدا کرد.

«در رابطه با موضوع سازمان خمینی در داخل ایران کاتم گفت: رهبر واقعی سازمان سید محمد بهشتی یکی از ملاهای قلهک است که جنبش را هدایت می کند و رابط اصلی با پاریس می باشد. آیت الله طالقانی، رفسنجانی و منتظری رهبران اصلی افتخاری هستند ولی قطعاً شکی وجود ندارد که بهشتی و گروه او متشکل از ملاهای جوانتر و همکاران غیر روحانی من جمله حسن نزیه رئیس کانون و کلا، کار اصلی را انجام می دهند.»

«حزب جمهوری اسلامی به وسیله شخص مورد اعتماد خمینی و عضو سرشناس شورای انقلاب دکتر محمد بهشتی اداره می شود در حال حاضر از بیشترین میزان حمایت مردمی در میان دیگر احزاب سیاسی ایران برخوردار است.»<sup>۱</sup>

«ونیو گرادف سفیر روسی در ایران معتقد است که بهشتی باهوش ترین و از نظر سیاسی متخصص ترین رهبر مذهبی ایران است.»<sup>۲</sup>

«به گفته ی تحلیلگران حزب جمهوری بهشتی بنابر گزارشها، حمایت خمینی و قدرتی را که او نماینده آن است، پشت سر خود دارد.»<sup>۳</sup>

پس از اینکه سفارت آمریکا به اشغال دانشجویان در آمد بازرگان رئیس دولت موقت که با این عمل دانشجویان مخالف بود استعفای خود را اعلام کرد و امام نیز با استعفای او موافقت کرد و با این استعفا تا تشکیل شدن کابینه دولت تصمیم گرفته شد که هر یک از اعضای شورای انقلاب مسئولیت یک یا چند وزارت خانه را به عهده بگیرند، آقایان هاشمی رفسنجانی، خامنه ای و باهنر به ترتیب مسئولیت وزارت کشور، وزارت دفاع، و آموزش و پرورش را به عهده گرفتند همچنین مسئولیت کمیته ی انقلاب اسلامی را مهدوی کنی بر عهده گرفت و بهشتی که آن موقع رئیس شورای عالی قضایی بود سرپرست جهاد

<sup>۱</sup> - اسناد لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان پیرو خط امام، کتاب سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش سیاسی، ۱۳۸۶، صص ۱۷۶-۱۲۹

<sup>۲</sup> - اسناد لانه جاسوسی، کتاب پنجم، صص ۶۸۶

<sup>۳</sup> - اسناد لانه جاسوسی، کتاب ششم، صص ۲۸۲

سازندگی شد. البته این آقایان ابتدا سرپرست این وزارت خانه ها بودند سپس معاونت آن را برعهده گرفتند.<sup>۱</sup>

گروگان گیری آمریکاییها باعث شده بود اختلاف نظر بین دولت و نهادهای انقلابی و روحانیون به وجود بیاید دولتیان با در نظر گرفتن عواقب کار خواهان حل مسالمت آمیز مساله بودند، در حالیکه امام و کسانی که خود را پیرو خط اومی دانستند اصرار داشتند که از این ماجرا نهایت استفاده را ببرند از جمله خواسته هایی که ایرانیان مطرح کرده بودند این بود که آمریکا شاه را به همراه اموالی که از کشور خارج کرده بود به ایران تحویل بدهد تا در ایران محاکمه شود، آمریکا از اقدامات گذشته خود پوزش بخواهد و ... همه ی این خواسته ها خوار و خفیف کردن آمریکا را به همراه داشت از طرفی فضای بین المللی خواستار این بود که هر چه زود تر این دو کشور به ماجرا خاتمه بدهند، مردم آمریکا با فشار قرار دادن دولت خود خواهان آزادی گروگان ها بودند مقامات ایرانی از آنجایی که ادامه پیدا کردن مساله گروگان ها عکس العمل های سیاسی، نظامی، اقتصادی نامناسبی را به دنبال داشت تصمیم به توافق با آمریکا را گرفتند سرانجام با وساطت کشور الجزایر آمریکا تعهد کرد که حسابهای بانکی ایران که در حدود یازده میلیارد بود و مسدود کرده بود را آزاد کند. وشکایتی بابت گروگان گرفتن علیه ایران نداشته باشند ایران هم تعهد کرد که در قبال مسدود کردن حساب خود از آمریکا شکایت نکند.<sup>۲</sup>

#### ۱۴- قانون اصلاحات ارضی :

به منظور حل معضل زمین دولت موقت در فروردین سال ۵۸ قانون جلوگیری از تصرف اراضی کشاورزی را به شورای انقلاب پیشنهاد کرد وقانون نحوه واگذاری واحیای زمین های کشاورزی در شهریور ۵۸ به تصویب رسید، اما از آنجایی که این قانون بیشتر در جهت تثبیت مالکیت و واگذاری زمینهای موات تنظیم شده بود توانایی حل معضل زمین را نداشت سرانجام شورای انقلاب قانون دیگری در فروردین سال ۵۹ در زمینه ی واگذاری زمینهای کشاورزی تصویب کرد و آن قانون اصلاحات ارضی بود. این لایحه با هدف حل معضل زمین، که گروههای مخالف انقلاب از جمله گروههای چپ گرا از آن به عنوان ابزاری برای اتحاد روستاییان علیه انقلاب و آرمان های آن استفاده می کردند مطرح شد از طرف شعار عدالتخواهانه انقلاب این توقع وانتظار را به وجود می آورد که در مورد تقسیم زمین طرح عادلانه ای مطرح و اجرا کند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - داریی ، پیشین ، ص ۱۵۱

<sup>۲</sup> - بازرگان ، انقلاب ایران در دو حرکت ، پیشین ، صص ۹۹-۹۶

<sup>۳</sup> - فوزی توسرکانی ، یحیی ، تحولات سیاسی واجتماعی بعد از انقلاب در ایران ، ج دوم ، تهران ، چاپ ونشر عروج ، ۱۳۸۴ ،



از آنجایی که پس از انقلاب زمین های زیادی از خوانین و عوامل رژیم باقی مانده بود خیلی از افراد بدون هیچ برنامه و قانونی، سعی کردند این زمین های باقی مانده را به تصرف خود در آورند با توجه به این آشفتگی، شورای عالی قضایی طرح قانون اصلاحات ارضی اسلامی را پیشنهاد کرد و از آنجایی که احکام ثانویه نیازمند حکم حکومتی ولی فقیه می باشد و این قانون نیز جزء احکام ثانویه بود به نزد امام فرستاده شد امام هیئت سه نفری را متشکل از آقایان بهشتی، منتظری و مشکینی را به منظور بررسی این طرح تشکیل داد.<sup>۱</sup>

این لایحه که بر پایه موازین فقهی تهیه شده بود و هدفش حق مالکیت کشاورزان و احیای اراضی موات بود بر اساس اصل ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی تنظیم شده بود اصل ۴۳ قانون اساسی ایران می گوید: «جمهوری اسلامی موظف است به کسانی که نیروی کار دارند امکانات و سرمایه لازم را بدهد تا خودشان به امر خودشان کار کنند به صورت فردی یا به شکل شرکت های تعاونی.» و اصل ۴۹: «دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود.»<sup>۲</sup>

بر اساس این لایحه اراضی به سه نوع تقسیم می شد. بند الف) زمین های منابع طبیعی ب) زمین زمیندارانی که دادگاه اسلامی از آنها با حکم خود زمین ها را پس می گیرد ج) زمینهایی که زمین داران مجوز قانونی آن را از رژیم قبلی دارند برای اجرای این لایحه نمایندگان وزارت کشاورزی، وزارت کشور، قوه قضائیه، جهادسازندگی و ولی فقیه یک ستاد پنج نفری در وزارت کشاورزی تشکیل دادند، این ستاد برای سهولت در اجرای طرح هیئت هفت نفره را که ترکیبش به صورت دونا نماینده از وزارت کشاورزی، یک نماینده از جهاد، یک نماینده از طرف حاکم شرع همچنین یک نماینده از طرف وزارت کشور و دو نفر از معتمدان محلی تشکیل دادند نتیجه ی کار این هیئت موفق آمیز بود.<sup>۳</sup> چرا که این هیئت ها در طی مدت هشت ماه و قبل از توقف بند ج توانستند چندین هزار هکتار زمین را به کشاورزان بی زمین یا کم زمین واگذار کنند زمانی که نوبت به اجرای بند ج شد یعنی در آذر سال ۵۹ مخالفین این بند شروع به آوردن دلایل و بهانه هایی برای متوقف ساختن آن کردند، آیت الله بهشتی تمام تلاش خود را به کار برد تا مانع توقف بند ج شود زیرا خدمت به محرومان عرصه ی کشاورزی را در گرو اجرای این بند می دانست و با دلایلی که مخالفین مطرح می کردند و همچنین فرمان امام مبنی بر توقف این بند آیت الله بهشتی نیز به

<sup>۱</sup> - ملکی، پیشین، ص ۱۱۵

<sup>۲</sup> - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، ج ۳، ص ۱۵۱۸

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۲۲۳

اجبار تن به رضایت برای توقف بند ج داد اگر چه قول داده بود با برطرف شدن موانع و به وجود آمدن شرایط مناسب این بند را اجرا خواهند کرد اما با پیش آمدن شهادت او این کار عملی نشد.<sup>۱</sup>

دلایلی که مخالفین برای توقف بند ج مطرح می کردند عبارت بود از شرایط جنگ تحمیلی، همچنین با آوردن استدلال های فقهی مبنی بر محدودیت نداشتن مالکیت و حرام بودن اجبار کردن افراد برای دست برداشتن از مالکیت خود معتقد بودند که این قانون موجب اغتشاش در بسیاری از مناطق روستایی شده و تولیدات کشاورزی آنها کاهش پیدا کرده است.<sup>۲</sup>

امام با دیدن دلایل مخالفین در تاریخ ۵۹/۸/۲۱ دستور داد که اجرای این بند متوقف شود.<sup>۳</sup>

## ۱۵- برآمدن بنی صدر :

به دنبال تدوین قانون اساسی شرایط انتخابات ریاست جمهوری مهیا شد احزاب و گروههای سیاسی مختلفی در انتخابات شرکت کردند یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری بنی صدر بود که برخی از اعضای جامعه روحانیت از جمله مهدوی کنی، نورمفیدی، محلاتی، طاهری اصفهانی، دستغیب، روحانیون مهم شهرها، بیت امام، فرزندو داماد امام (اشراقی) از او حمایت کردند. محمد جواد مظفر معتقد است اگر بیت امام و جامعه روحانیت مبارز از بنی صدر حمایت کردند به این دلیل بود که « قبل از انقلاب غیر از روحانیون، اندیشمندی که روی مبانی دینی کار کرده بود بنی صدر بود وی در یک خانواده روحانی بزرگ شده بود پدرش روحانی بود ارتباط صمیمی با نجف داشت و با نوشتن مقالات توانست خود را به مردم معرفی کند.» اما حزب جمهوری با توجه به شناختی که از بنی صدر داشت از وی حمایت نکرد، این حزب تصمیم گرفت برای کاندید ای ریاست جمهوری یک روحانی را معرفی کند نامزدهای پیشنهادی حزب، بهشتی، هاشمی رفسنجانی و باهنر بودند. امام زمانیکه از تصمیم حزب باخبر شد با این تصمیم مخالفت کرد و استدلالش این بود که روحانیون در کار اجرایی نباشند.<sup>۴</sup> حزب جمهوری پس از اینکه با مخالفت امام مبنی بر کاندید روحانی منصرف شد جلال الدین فارسی را برای کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرد.<sup>۵</sup> بنی صدر و مخالفین حزب، افغانی الاصل بودن جلال الدین فارسی را بهانه کردند و اعلام کردند طبق قانون اساسی شرط اصلی کاندید ریاست جمهوری ایرانی الاصل بودن می باشد پس در نتیجه او حق کاندید شدن برای ریاست جمهوری را ندارد حزب به همراه جامعه مدرسین قم

<sup>۱</sup> - همان، صص ۲۲۴-۲۲۵

<sup>۲</sup> - فوزی، پیشین، ص ۱۲۱

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، ص ۲۲۵

<sup>۴</sup> - مصاحبه با محمد جواد مظفر، ۹۱/۸/۱۸

<sup>۵</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۲۵۱-۲۵۰

بار دیگر از کاندید شدن حسن حبیبی حمایت کرد اما گرایش بیشتر در جامعه روحانیت مبارز تهران حمایت از بنی صدر بود. با برکنار شدن کاندید معرفی شده حزب میدان رقابت به نفع بنی صدر تمام شد و در روز جمعه ۵ بهمن ۱۳۵۸ مردم به پای صندوق های رأی رفتند تا اولین رئیس جمهور کشور خود را انتخاب کنند. او با ۱۰۷۰۹۳۳۰ رأی به سمت ریاست جمهوری راه پیدا کرد.<sup>۱</sup> حزب جمهوری و در رأس آن بهشتی، خامنه ای ورفسنجانی دید مثبتی به بنی صدر نداشتند اما به خاطر فرمان امام مبنی بر حمایت از بنی صدر فرمان امام را پذیرفتند، بعد از مدت کمی از ریاست جمهوری بنی صدر اختلافات او با حزب شروع شد از جمله اینکه او به دیوان عالی کشور در خصوص اموال و مقدار دارایش پاسخگو نبود و یا اختلافی که در مورد انتخاب نخست وزیر و اعضای کابینه داشتند و...<sup>۲</sup>

بنی صدر به گروههای مخالف حزب نزدیک شد او و هوادارانش به حزب جمهوری عنوان چماق به دستان و یا حزب انحصار طلب لقب می دادند و به دبیر کل آن که آیت الله بهشتی بود تهمت آمریکایی بودن زدند و او را راسپوتین<sup>۳</sup> انقلاب خواندند همه ی این جوسازی ها و تهمت زدن ها در روزنامه ی انقلاب اسلامی که متعلق به بنی صدر بود صورت می گرفت، اختلافاتی که بنی صدر با آیت الله بهشتی داشت علاوه بر جنگ بر سر قدرت دلایل دیگری هم داشت آیت الله بهشتی بنی صدر را از زمان فعالیت در اروپا می شناخت حتی بنی صدر زمانیکه نقش خود را در حرکت بخشی جنبش دانشجویان مقیم اروپا برجسته و پررنگ نشان می داد آیت الله بهشتی نقش آثار شریعتی، بازرگان و مطهری را از نقش او برجسته تر می دانست، به طوری که در این باره چنین گفته بود: «من اول سال ۴۴ به هامبورگ رفتم تا سال ۴۹ در آن موقع در فعالیت های مربوط به ایجاد انجمن های اسلامی دانشجویی فارسی زبان و ایجاد یک حرکت اسلامی در برابر حرکت کنفدراسیون و تشکل دادن و سازمان دهی و سخنرانی و شرکت در جلسات بحث با مارکسیست ها، من آقای بنی صدر را لااقل یک بار هم ندیدم. در اواخر شاید ۴۸ یا ۴۹ بود که آقای حبیبی و بنی صدر در میدان آمدند و بعد از سال ۵۰ به این طرف بود که این آقایان بیشتر آمدند. خوراک این انجمن ها کتابها و نوشته های بازرگان، آیت الله طالقانی، مطهری و شریعتی بود.» آیت الله بهشتی در نقد تفکرات و اندیشه های بنی صدر توانایی زیادی داشت.<sup>۴</sup>

اوج اختلافات بنی صدر با حزب جمهوری در ۱۴ اسفند سال ۵۹ بود. در روزهای اول اسفند دفتر ریاست جمهوری در سالروز درگذشت مصدق به غیر از رفتن بر سر مزار او در دانشگاه تهران سخنرانی داشت، گروه

۱ - مظفر، محمد جواد، اولین رئیس جمهور: پنج گفتگو درباره اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران دی ماه ۵۸، جلال الدین فارسی، بنی صدر، حسن حبیبی، عزت الله سبحانی، آیت الله بهشتی، تهران، کویر، ۱۳۷۸، صص ۱۶-۹

۲ - شعبانی، پیشین، صص ۲۷۱-۲۶۳

۳ - گریگوری ایمیویچ معروف به راسپوتین مشاور نیکلای دوم یکی از فاسدترین روحانیون مسیحی بود که نفوذ فوق العاده ای بر دربار تزار داشت که سرانجام شاهدگان دربار علاوه بر تسلط سیاسی وی بر تزار او را به دلیل انحرافات جنسی به قتل رساندند. مظفری، اکبر، جفای دوستان، قم، شاکر، ۱۳۸۵، صص ۱۰۷

۴ - شعبانی، پیشین، صص ۲۷۳؛ مظفر، صص ۱۳۰-۱۲۹

هاو دسته های مختلف مقابل دراصلی دانشگاه نشریه توزیع می کردند عکس هایی هم از مصدق در حال بوسیدن دست ثریا همسر شاه نیز بین جمعیت حاضر توزیع شد در ساعت سه بعد از ظهر بنی صدر با تشویق هواداران خود پشت سکوی کتابخانه مرکزی قرار گرفت کمی از سخنرانی بنی صدر گذشته بود که تعدادی از هواداران بنی صدر شروع به دادن شعارهایی از جمله: مرگ بر بهشتی، بنی صدر افشاکن، بهشتی رارسوا کن، چماق دارمرگت فرارسیده و... کردند بنی صدر حتی چندبرگه کارت شناسایی رانشان داد و آنها را متعلق به چند تن از افراد حزب دانست که در ادامه درگیری شدیدی بین طرفداران حزب و هواداران بنی صدر شکل گرفت. امام با شنیدن ماجرای دانشگاه از موسوی اردبیلی که دادستان کل کشور بود، خواست که موضوع را پیگیری کند<sup>۱</sup>. و طرفین دعوای هم به قوه ی قضاییه شکایت کردند.<sup>۲</sup>

بعد از این وقایع اختلاف گروه ها شدت گرفت و به دستور امام در طی جلسه ای در تاریخ ۲۵ اسفند سال ۵۹ کمیته حل اختلاف با حضور بنی صدر، بهشتی، خامنه ای، رجایی، هاشمی، بازرگان و موسوی اردبیلی تشکیل شد. در کمیته حل اختلاف مهدوی کنی نماینده امام، اشراقی نماینده بنی صدر و یزدی نماینده حزب جمهوری بود، که سرانجام این کمیته بنی صدر را در ۶۰/۳/۱۲ به عنوان متخلف از بیانیه ی امام که دستور پایان دادن مشاجرات و اختلافات را داده بود، اعلام کرد و در تاریخ ۶۰/۳/۲۰ بنی صدر از فرماندهی کل قوا عزل شد و سپس طرح عدم کفایت سیاسی او در دستور کار مجلس قرار گرفت که در نتیجه رأی نمایندگان مجلس که ۱۷۷ رأی موافق با عزل او و یک رأی مخالف، بی کفایتی او تأیید شد. و امام نیز در اول تیر سال ۶۰ او را از ریاست جمهوری عزل کرد.<sup>۳</sup> و سی و هفت روز پس از آن، روزنامه ها در روز چهارشنبه ۷ مرداد نوشتند: «بنی صدر با اخذ پناهندگی سیاسی به پاریس فرار کرد.»<sup>۴</sup>

پس از اینکه عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس به تصویب رسید و امام نیز او را از ریاست جمهوری عزل کرد بر طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی شورای موقت ریاست جمهوری تشکیل شد و تا زمان انتخاب رئیس جمهور جدید مسئولیت و وظایف ریاست جمهوری بر عهده این شورا بود ترکیب این شورا از نخست وزیر که رجایی بر عهده داشت رئیس دیوان عالی که آیت الله بهشتی بود و رئیس مجلس که هاشمی رفسنجانی سمت آن را به عهده داشت، تشکیل شده بود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> -ملکی، پیشین، صص ۱۲۴-۱۲۲

<sup>۲</sup> -کوشکی، محمدصادق، تبار ترور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۸۹

<sup>۳</sup> -کردی، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، پیشین، صص ۱۸۸-۱۸۲

<sup>۴</sup> - مظفر، پیشین، صص ۹

<sup>۵</sup> -راعی، سجاد، دولت های رجایی، باهنر و آیت الله مهدوی کنی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۳۷

## اندیشه های آیت الله بهشتی :

آیت الله بهشتی برای جامعه ی ما فرد ناشناخته ای نیست با این همه او بیشتر به عنوان فردی که در شورای انقلاب فعالیت داشته ، عضو هیئت مؤسس و اولین دبیر کل حزب جمهوری بوده و از طرف امام به ریاست دیوان عالی و شورای عالی قضایی منصوب گشته شناخته شده است در حالی او بیش از هر چیز به عنوان فردی اندیشمند بوده اما این بعد از شخصیت وی کم رنگ و کمتر شناخته شده است . بدون شک امکان بررسی همه جانبه و جامع دیدگاه ها و نظریات آیت الله بهشتی در این پایان نامه وجود ندارد در عین حال سعی شده است با مطالعه سخنرانی ها، بررسی مصاحبه ها در این راه گامی برداریم.

### ۱- جهان بینی و دینداری آیت الله بهشتی: در هر اندیشه و دیدگاهی جهان بینی

و دینداری پایه و اساس آن محسوب می شود و در این جهان بینی پرداختن به سه عنوان خط فکری آن اندیشه را تعیین می کند یعنی جهان ، خدا و انسان ، در واقع این سه عنوان شاکله ی هر جهان بینی به شمار می رود. آیت الله بهشتی نیز در جهان بینی خود دیدگاهش را در مورد انسان ، خدا و جهان بر اساس اسلام و تعالیم اسلامی بیان می کند.

### ۱-۱- شناخت جهان: جهان واقعی است که مستقل از ذهن انسان می باشد و انسان خود نیز بخشی از

این واقعیت جهان است . جهان واقعی است که عینیت دارد این دیدگاه را می توان در مقابل دیدگاه کسانی که جهان را پندار و توهم می دانند قرار داد وقتی می گوئیم جهان مستقل از ذهن انسان است منظور این است که بود و نبود ذهن انسان یا توجه و عدم توجه آن تاثیری در جهان ندارد و جهان بدون اینها هم موجود است و قبل از آفرینش انسان جهان وجود داشته است اگر جهان مستقل از ذهن انسان نباشد و وابستگی به ذهن انسان داشته باشد با نابودی انسان دیگر جهانی نخواهد بود و آن نیز نابود خواهد شد.<sup>۱</sup>

جهانی که واقعیت و عینیت دارد ساخته و پرداخته ی تصورات و افکار نیست بلکه می توان آن را لمس و مشاهده کرد . عالم هستی چه برای انسان مفید باشد چه برای آن سودی نداشته باشد واقعیت دارد و واقعیت داشتن را حتی عالم تجربی نیز رد نمی کند . بین عناصر و پدیده های جهان نوعی نظم وجود دارد به طوری که گویی از طرح حساب شده ایی تأثیر گرفته و تبعیت می کند.<sup>۲</sup>

انسان از طریق حواس خود نسبت به جهان آگاهی و به دنبال آن فکر و اندیشه او به حرکت در می آید و این آگاهی او زمانی که تجزیه و تحلیل و جمع بندی شود به انسان کمک می کند بر بخش های دیگری

۱ - حسینی بهشتی ، محمد ، حزب جمهوری مواضع تفصیلی ، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی ، تهران ، بقعه ، ۱۳۸۸ ، صص ۲۴-۲۲

۲ - حسینی بهشتی ، شناخت اسلام ، پیشین ، ص ۱۲

از این جهان که در محدوده ی حواس او نیست آگاه شود. ما در اطراف خود جهان را یکپارچه و هماهنگ می بینیم به دور از نا هماهنگی و از هم گسیختگی ، تمام چیزهایی که در جهان موجود است دارای نظم هستند از کهکشان ها و منظومه ها تا کوچکترین چیزهایی که در اطراف خود مشاهده می کنیم و در این نظم موجود رابطه ی دقیقی دیده می شود که قانون ثابتی بر آن حاکم است.<sup>۱</sup> یکی از نکاتی که قرآن بر آن تأکید دارد و از ما می خواهد که در اندیشه های خود مبنا قرار دهیم این است که جهان دارای هدف است و بیهوده آفریده نشده است.<sup>۲</sup>

**۲- اخداشناسی:** « همه ی قوانین ثابت و روابط به هم پیوسته ، اندیشه ما را به منیتی واحد و مطلق رهنمون می گرداند که این نظام به اراده ی لایزال خداست . ما با شناخت اصل جهان به وجود نظام دهنده ی حکیم آن و با شناسایی پیوستگی و هماهنگی کل پدیده ها در آن به وحدت اراده ی حاکم بر آن ها پی می بریم » کسی که قانونگذار و پدیدآورنده ی جهان است خداست رابطه ای که بین خالق با مخلوق ، مدبر با قلمرو و تدبیر دارد رابطه ی مبدأ با جهان را نیز نشان می دهد اگر جهان با پدیده های رنگارنگش ، با همه مجموعه اش و با تمام نظم و قانونمندی اش بر پا و در حال گردش است همه ی اینها به اراده و حکمت خداست . ما اگر به دنبال شناخت جهان باشیم مطمئناً در این شناخت به کسی که نظم دهنده حکیم این جهان است پی می بریم یعنی از اصل اینکه جهانی است به اصل وجود خدا می رسیم و از وحدت جهان به وحدت خدا پی می بریم .<sup>۳</sup>

پیدایش جهان و حاکمیت بر آن متعلق به خداست هیچ چیزی به خودی خود و هیچ امری بدون فرمان خدا به وقوع نمی پیوندد. « خدا آن هستی ازلی و ابدی و آن چشمه فیاض هستی است که جهان طبیعت و انسان و قانون حاکم بر انسان و طبیعت ، تجلی و جلوه ی اویند .<sup>۴</sup>»

یکتا پرستی را نباید فقط یک باور و مورد معنوی انگاشت بلکه چنین امری ریشه ی فکری زندگی انسان است فطرت انسانها مالکیت خدا را بر همه ی امور عالم قبول دارد به عبارتی مالکیت خدا با فطرت انسانها منطبق است شناخت خدا رامی توان از طریق دل نیز تجربه کرد البته این تجربه از نوع تجربه آزمایشگاه نیست منظور این است که انسان برای شناخت خدا باید عاشق او باشد تا او را پیدا کند و خدا آن واقعیت حقیقی است که ارزش ها در پرتو او برای انسان مطرح می شود.<sup>۵</sup>

۱ - حسینی بهشتی ، حزب جمهوری مواضع تفصیلی ، پیشین ، صص ۳۶۳-۳۶۱

۲ - حسینی بهشتی ، ارزشها در نگاه شهید بهشتی ، پیشین ، ص ۱

۳ - حسینی بهشتی ، حزب جمهوری مواضع تفصیلی ، پیشین ، صص ۳۶۴-۳۶۳

۴ - حسینی بهشتی ، ارزشها در نگاه شهید بهشتی ، پیشین ، صص ۴-۲

۵ - اردشیری لاجیمی ، پیشین ، ص ۸۲

« جهان بینی الهی ، خدایی حکیم ، توانا ، مدبر و بینا و شنوایی را بر روابط و عوامل طبیعی حاکم می شناسد و جهان را قلمرو فرمانی بیدار و آگاه و مهربان او می بیند ضمن آنکه به همه ی قوانین طبیعت اعتراف می کند و نظم جهان را می پذیرد اما برتر از عوامل و قوانین ، اراده ی خدا را حاکم می بیند و همه ی قوانین علمی و سنتها را طرح خلقت و آفریده ی خدا ، خدایی که در عین حال مبدأ فیض و رحمت و حکمت است.»<sup>۱</sup>

**۳-۱۱ انسان شناسی:** فطرت انسان ترکیبی از خاک و ملکوت است در درون او تمایلات و کششهایی است و اما انسان ماهیت خاصی را که به دنبالش است را باید در پرتو کوشش و تلاش شخصی خود به دست آورد. انسان موجودی است که با ویژگی اختیار و آزادی خلق شده این ویژگی ها را خداوند به انسان ارزانی داشته است. در انتخاب و آزادی انسان کششهای فطری و هدایت الهی و حتی شرایط محیط نیز تأثیر و نقش دارند البته اینکه گفته می شود انسان موجود مختاری است ، این مختار بودن به معنای به خود و انهداده شدن انسان نیست بلکه انسان مورد حمایت خداوند است کفایت انسان با خالق خود ارتباط بر قرار کند در این صورت دریچه های حکمت و رحمت بر روی او گشوده می شود . اگر انسان خلق شده هدف از خلقتش این است که در همه ی ابعاد وجودی سیر تکاملی داشته باشد تا در این مسیر در عین شکوفاشدن به کمال مطلق برسد . انسان مسئول آفریده شده است و این مسئول بودن او در قبال خود و محیطش است .

انسان تکامل یافته با وجود اینکه جزئی از طبیعت است و خواص مادی و طبیعی دارد موجودی است که تکامل پیدا کرده و این تکامل بدان حد رسیده که انسان از روح الهی و ارزش فوق طبیعی برخوردار شده و این فیوضات به انسان کمک کرده تا او به اراده آزاد و قدرت آگاهی و مسئولیت دست پیدا کند. و این نعمت ها باعث شده تا انسان اسیر ماده و پدیده های مادی نشود و قدرت و تسلط بر طبیعت را به دست آورد.<sup>۲</sup> یکی از امتیازهایی که انسان دارد این است که یک واقعیت عینی است و در عین اینکه خود آگاه است این توانایی را دارد که بر اشیای دیگر نیز آگاهی پیدا کند انسان با این ویژگیها در این هستی در رأس این جهان قرار دارد.<sup>۳</sup> اگر در زندگی انسان سیر به سوی خداوند نباشد زندگی اش پوچ و بی معنا خواهد بود. انسان در طی کردن مسیر کمال مبهوت و حیران نیست بلکه هدایت الهی و انبیا را به همراه دارد انسان تنها موجودی است که می تواند تفکر کند و آگاهانه جهت حرکت خود را انتخاب کند. دلیل تمایز انسان از دیگر موجودات جهان این است که انسان علاوه بر جنبه مادی دارای جنبه دیگری نیز می باشد و

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، شناخت اسلام، پیشین ، ص ۱۰۳

<sup>۲</sup> - همان ، صص ۱۶۸-۱۷۵

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی ، حزب جمهوری مواضع تفصیلی ، پیشین ، ص ۲۵

آن جنبه، برخورداریش از روح خدایی است و این چیزی که دیگر جانداران از آن بی بهره اند و ویژگیهای شناخت خیر و شر، زیبا و زشت، دور اندیشی، اختیار، مسئولیت و قدرت ابتکار و خلاقیت به همین ویژگی الهی او مربوط می شود و این ویژگیها زمینه های پیشرفت انسان را فراهم می کنند و انسان با دارا بودن این ویژگیها سازنده خود، جهان و تاریخ است و مسیر کمال را طی می کند.<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی معتقد بود اسلام در مورد انسان نظرات خاصی دارد و دیدگاهش را در مورد انسان و انسان شناسی از اسلام گرفته بود اینکه انسان موجودی است در عین اینکه از محیط اثر می گیرد در آن نیز اثر می گذارد. انسان موجودی است که پویایی و تحرک دارد و واقعیتی است که در حال شدن می باشد. نقطه ی قوت آفرینش انسان آزادی اوست او به خاطر اینکه دارای آزادی هست گوهر تابناک هستی محسوب می شود به همین دلیل است که می گویند اگر آزادی را از انسان سلب کنیم موجودی قالبی می شود این سلب آزادی، سلب انسانیت و اصالت از انسان را به دنبال دارد. بسیاری از مکتب های امروز انسان را فقط یک حیوان اقتصادی می دانند در حالیکه انسان موجودی است هم خودساز و هم محیط ساز، انسان با توجه به استعداد و آمادگی های گوناگونی که دارد با تلاش و اراده خود هم می تواند سرنوشت سعادت مندی داشته باشد و هم سرنوشت شقاوت مندی داشته باشد در واقع این سرنوشت بستگی به تلاش خود فرد دارد.<sup>۲</sup>

هر انسانی مانند یک کتاب سر بسته است و همانطور که اوراق های یک کتاب با اوراق کتاب دیگر فرق دارد انسانها نیز با هم تفاوت دارند. مثل هر انسانی مثل کتابت است که از آن فقط یک نسخه تهیه شده است و مطالعه یک نسخه ما را از مطالعه انسان دیگر که نسخه دیگری است بی نیاز نمی کند انسان موجودی است که به دنبال میدان مسابقه و رقابت است و اگر این میدان مسابقه نبود خیلی از چیزهای دیگر نیز نبود به عبارتی دیگر وجود چیزهای دیگر معطوف به وجود چنین مسابقه ای است آیت الله بهشتی می گوید: « هر انسانی اگر بپرسد برای چه به دنیا آمده ام می گویم برای تلاش پر نبرد و پرنج در راه تکامل خویشتن و انسانیت » انسان موجودی نیست ثابت باشد بلکه شخصیت انسان در معرض دگرگونی و تغییر است.<sup>۳</sup>

در اندیشه ی آیت الله بهشتی قلمرو فردی انسان با قلمرو اجتماعی اش ارتباط تنگاتنگی دارد او اگر چنین دیدگاهی در مورد انسان دارد ریشه ی این دیدگاه را باید در قرآن مشاهده کرد. وی در تفسیری که در سوره آل عمران در آیه ۸۵ دارد به این موضوع می پردازد که وقتی فساد و تباهی انسان ها را می بینیم، این مشاهدات ما را به این نتیجه می رساند که انسان خمیر مایه اش حق جو نیست اما قرآن خلاف آن را

۱ - همان، صص ۳۶۶-۳۵۹

۲ - اردشیری لاجیمی، پیشین، صص ۹۵-۹۲

۳ حسینی بهشتی، ارزشها در نگاه شهید بهشتی، پیشین، صص ۹۹-۹۷



بیان می کند اینکه سرشت انسان با حق گره خورده است. او معتقد است « انسان فطرتش نه تاریخ تاریک است و نه روشن روشن بلکه بستگی به اختیار و انتخابش دارد.»<sup>۱</sup> انسان برای افزایش معرفت و آگاهی خود در مورد جهان توسعه طلب بوده و در این راه از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نکرده این تجربه تاریخ است که در مورد انسان چنین نشان می دهد.<sup>۲</sup>

« جهان بینی الهی در عین اعتراف به نیازهای طبیعی و ضرورت تأمین آن به ابعاد معنوی انسان نیز می پردازد ، این جهان بینی تنها معنویت و عرفان و نیازهای اخلاقی نیست بلکه توجهی است همه جانبه به انسان ، در جهان بینی الهی زندگی انسان گسترده و پایدار است و محدود به همین چند سال این جهان نمی شود و به انسان تعلیم می شود که تو موجودی جاودانه هستی و با مرگ نابود نمی شوی بلکه زندگی را در جهانی دیگر از سر می گیری ، در جهان بینی الهی انسان در محدوده ی خود اسیر نیست بلکه خدا و خلق خدا هدف او هستند و تنها به نیازهای مادی خود نمی اندیشد بلکه هم به کششهای مادی و هم به نیازهای معنوی خود فکر می کنند.»<sup>۳</sup>

**۲- اندیشه های اجتماعی آیت الله بهشتی :** آیت الله بهشتی در دیدگاه های خود توجه زیادی به قشر آگاه و روشنفکر جامعه یعنی روحانی و دانشجو داشته ، از طرفی قدرت هر دولتی را برخاسته از مردم آن می دانست. و در جنگ با استعمار به نیروی مردم یقین داشت و به اینکه مردم و دولت رابطه متقابلی باهم داشته باشند تأکید می کرد.

**۱-۲ روحانی:** روحانی کسی است که مردم را به تزکیه و تعلیم و تلاوت آیات خدا تشویق می کند و خود نیز مسئولیت آموزش اسلامی به مردم و نشان دادن زندگی سالم به آنها را بر اساس تعالیم قرآنی برعهده گرفته و برای پذیرفتن چنین مسئولیتی خود در ابتدا باید اهل علم باشد او کسی است که زندگی و کارش با مردم گره خورده و مثل او با مردم مثل ماهی و آب است که روحانی با مردم و در میان مردم حیات دارد و بدون مردم نمی تواند رسالت خود را انجام دهد.<sup>۴</sup> او باید دائماً در تماس مستقیم با مردم باشد و سخنرانش مربوط به قشر خاصی نباشد بلکه مخاطبش همه اقشار جامعه باشند خدمت او به مردم باید بی منت باشد مردم از روحانیت توقع و انتظار دارند انتظار گره گشایی.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - بازشناسی یک اندیشه ، پیشین ، صص ۱۱۲-۱۱۰

<sup>۲</sup> - اردشیری لاجیمی ، پیشین ، ص ۸۳

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی ، شناخت اسلام ، پیشین ، ص ۱۰۴

<sup>۴</sup> - او به تنهایی یک امت بود ، پیشین ، صص ۲۹۹-۲۹۸ ؛ روزنامه میزان ، شنبه ۱ آذر سال ۵۹ شماره ۵۸ ص ۱۰

<sup>۵</sup> - ویژه نامه کیهان سال ۶۰-۶۱ ، پیشین ، ص ۷

دشمن در صدد است با جوسازی های مسموم وانمود کند که روحانی انحصار طلب است در حالی که قشر روحانی انحصار طلب نیست بلکه نقش سازنده ای دارد.<sup>۱</sup>

روحانیت باید در هر کجا که باشد مردمی و بی توقع باشد این قشر یک نماد دیرینه و دیرپایی است و باید همیشه مستقل باشد و بتواند استقلال خود را حفظ کند.<sup>۲</sup> نقش ویژه روحانیت ایران در گذشته، در حال و آینده حضور در میان توده مردم جامعه، رابطه مستقیم با اندیشه و احساس مردم و خدمت به مردم می باشد.<sup>۳</sup> یکی از خصلتهای اساسی روحانی این است که همیشه برای مردم قابل دسترس باشد و روحانی برای کامل بودن باید همیشه پیشگام مبارزات سیاسی باشد و نباید بر طبق پسند مردم حرف بزند بلکه باید همیشه در مورد حق سخن بگوید.<sup>۴</sup>

**۲-۱۵۲ دانشجو:** دانشجو قشر آگاهی است که در خلاقیت‌های انقلابی جامعه پیشگام و پیشتاز می باشد و باید سعی کند به عنوان حامل پیام انقلاب به دنبال پویایی و تحرک انقلاب باشد و برای اینکه خلاق انقلاب باشد باید در میان مردم و در ارتباط با مردم باشد و خود را جدا از مردم نداند و در برابر درد جامعه حساس باشد و به عنوان گروه ممتاز جامعه بی تفاوت و بی درک نباشد و گرنه جامعه به سمت انحطاط کشیده می شود.<sup>۵</sup> او باید به دنبال خودسازی باشد خودسازی که او را برای برطرف کردن نیاز جامعه آماده کند و زمانی می تواند نتیجه انقلابی بودن و پیشتاز بودنش را بگیرد که حرکتش در جهت رفع نیاز و خواست جامعه باشد.<sup>۶</sup>

و رسالت دانشگاه در این است که «تواند انسان هایی بسازد دارای آگاهی هر چه بیشتر قدرت گزینش انتخاب هر چه آزادتر، آزاد از هر چیز که روی گزینش آنها اثر بد می گذارد و آزادی گزینش آنها را محدود می کند آزاد از تاثیر همه غارت های زشت و ناپسند کمبودهای اجتماعی و اقتصادی آزاد از هر چیزی که به انسان جهت کاذب می دهد. دانشگاه با اهمیت دادن هر چه بیشتر به بعد انسان به بعد معنوی و اخلاقی انسان با شناخت هر چه وسیعتر و دقیق تر نیازهای آینده جامعه ما همچنین با شناخت هر چه دقیق تر و کامل تر نظام ارزشی نوینی که باید بر جامعه و روابط اجتماعی حاکم باشد و نیز با تلاش بیشتر برای

<sup>۱</sup> - بهشتی، سید مظلوم امت، پیشین، ص ۶۶۳

<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۳، پیشین، ص ۲۴۶

<sup>۳</sup> - بهشتی اسطوره ای بر جاودانه تاریخ، پیشین، ص ۸۹۸

<sup>۴</sup> - اردشیری لاجیمی، حسن، گزیده ای از دیدگاههای شهید بهشتی، تهیه مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما، قم، بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ۱۳۸۷، صص ۷۹-۸۳

<sup>۵</sup> - همان، صص ۸۵-۸۶

<sup>۶</sup> - شب زنده دار، محمد، گذری بر اندیشه های شهید مظلوم، بی جا، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۰، صص ۲۴-۲۰

جوشان کردن زمینه های بسیار قابل استعداد های سرشار موجود در جامعه، جامعه ما را در خط تحقیق و گسترش علم و معرفت بشری سوق داد تا بتواند نقش سازنده ای را برای آینده ما داشته باشد.»<sup>۱</sup>

**۲-۳ مردم :** دولت به صورت غیر مستقیم برخاسته از امت است یکی از طریق رئیس جمهور که توسط مردم انتخاب می شود و دیگری مجلس شورای اسلامی که در اینجا هم نمایندگان مردم در مجلس حضور دارند مردم با حضور آگاهی و تعهد خود در جامعه می توانند جلوی نفوذ انحراف را در جامعه بگیرند و به کمک نیروی همین مردم است که می توان به جنگ با استعمار سلطه گران رفت. باید مسئولان با مردم روراست باشند و چیزی را از آنها پنهان نکنند خط مشی سیاسی مملکت را مردم تعیین می کنند نه نیروی خارجی و هیچ طرح و کاری بدون حمایت و پشتیبانی مردم به نتیجه نمی رسد و مردم باید در صحنه حضور داشته باشند برای ایجاد رابطه اعتماد بین مردم و مسئولان کشور باید مردم را در جریان مسائل کشور قرار دهند دولت باید در متن و بطن ملت باشد و بین این دو نباید جدایی و دوگانگی باشد این مردم با حضور خود در جامعه حافظین انقلاب هستند و تداوم انقلاب به حضور مردم در صحنه بستگی دارد.<sup>۲</sup> اداره سیاسی کشور و سیاست داخلی آن زمانی از لحاظ کیفیت بهتر خواهد شد که مردم هر چه بیشتر در اداره کشور سهیم باشند.<sup>۳</sup>

### ۳- اندیشه های سیاسی

**۱-۳ انقلاب اسلامی :** انقلابی که ایران تجربه کرد انقلاب ایرانی نبود بلکه یک انقلاب اسلامی بود و تبلیغات جهانی تمام تلاش خود را به کار برد تا بگوید انقلاب ایران مختص این کشور بوده و ربطی به مسلمانان و کشورهای دیگر ندارد انقلاب ما از آنجایی که مسلمانان دیگر نقاط جهان را بیدار و هوشیار کرده مستکبرین از گسترش آن می ترسند.<sup>۴</sup>

انقلاب اسلامی تجربه جدیدی در تاریخ بود و ایران با این انقلاب در پایان قرن چهاردهم هجری و آغاز قرن پانزدهم هجری تجدید کننده انقلابی انسانی و الهی بود و از آنجایی که اسلام دین جهانی است وحدت و مرز جغرافیایی مشخصی ندارد این انقلاب هم به خاطر اسلامی بودنش جهانی است. به نتایج این انقلاب

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۳، پیشین، ص ۳۲۵

<sup>۲</sup> - اردشیری لاجیمی، پیشین، صص ۷۷-۷۳

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، پیشین، ص ۲۴۸

<sup>۴</sup> - بهشتی، سید مظلوم امت، دفتر دوم، پیشین، ص ۴۶۷

علاوه بر ملت ایران دیگر مردمانی که تجربه سلطه استکبار را داشته اند نیز امید بسته اند تا از تجربه و موفقیت های این انقلاب استفاده کنند.<sup>۱</sup>

این انقلاب فکری، ایدئولوژیکی و آرمانی بود به همین دلیل به خارج از مرزهای ایران گسترش پیدا کرد.<sup>۲</sup> این انقلاب وارداتی نیست و هیچ گروه و جریانی آن را به ما تحمیل نکرده و این از بزرگترین امتیازات انقلاب ایران است انقلابی است که در زیر تلاش و فداکاری مردم رشد کرده و به مرحله پیروزی رسیده این انقلاب خودسازی بزرگی برای جامعه ما به ارمغان آورد.<sup>۳</sup>

**۲-۳ استقلال:** «حفظ واقعی استقلال کشور از طریق حفظ عدالت و آزادی در کشور است. وقتی در یک جامعه و کشوری عدل و آزادی درست پاسداری شود خود به خود راه برای نفوذ بیگانه همراه می شود و بالعکس آنچه می تواند به آزادی یک ملت معنی بدهد استقلال آن ملت است ملتی که اگر از یکی از جهات مثلاً از جهت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی به دیگران وابسته باشد آزادی خود را از دست داده است.»<sup>۴</sup>

عزت و پیروزی واقعی در طول تاریخ تنها برای ملت هایی است که تمام تلاش خود را برای رهایی از وابستگی های بردگی آور به کار برده اند. برای دفاع از خود در مقابل هر مهاجمی روی پای خود ایستادن یکی از اصول مهم سیاست خارجی ایران است و این همان استقلال است که به هیچ قیمتی و شرایطی نباید از دست داد و نباید گذاشت دیگران ما را یاری کنند و جامعه جمهوری اسلامی باید یک جامعه به تمام معنی مستقل باشد این گفته ی خط قرآن و اسلام است و تمام عصبانیت آمریکا در منطقه نیز به خاطر این است که ایرانیان خود تصمیم می گیرند و قصد مستقل شدن دارند و برای این مستقل شدن ملت ایران می خواهد خود بکارد، خود بخورد و در زمین خود بنشینند و رشوه ای به هیچ ابر قدرت جهانی ندهد و هر قرار دادی هم که استقلال آن را خدشه دار کند آن را لغو می کند وزیر بار سلطه نمی رود.<sup>۵</sup>

استقلال واقعی ایران در گرو استقلال اقتصادی آن است استقلال داشتن ایران به این معنا نیست که این کشور هیچ ارتباطی با دیگر کشورها نداشته باشد امروزه تمام کشورها در ارتباط باهم دیگر هستند و ایران نیز نباید در انزوا باشد و به همین منظور در قانون اساسی ایران در زمینه سیاست خارجی اصل های ۱۵۲ و ۱۵۳ به استقلال ایران اشاره کرده اند اینکه هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری را نفی می کند، مدافع

<sup>۱</sup> - **نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت**، ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر، تهران، دفتر مرکزی حزب جمهوری، ۱۳۶۲، صص ۷۴-۷۵

<sup>۲</sup> - **همان**، ص ۲۱۸

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ج اول، **پیشین**، ص ۱۸۲

<sup>۴</sup> - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، **پیشین**، ص ۴۲۱

<sup>۵</sup> - حسینی بهشتی، محمد، **ارزشها در نگاه شهید بهشتی**، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری، ۱۳۷۸، ص ۶۲

حقوق همه مسلمانان است، تعهدی در برابر قدرتهای سلطه گر ندارد و به دنبال روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب است، همچنین در اصل ۱۵۳ قانون اساسی هر قراردادی را که سطره بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی و ... ایران را به دنبال داشته باشد را ممنوع کرده اند و آرمان خود را در سعادت جامعه بشریت دانسته و استقلال آزادی و حکومت عدل را حق همه مردم دنیا می دانند.<sup>۱</sup>

### ۳-۳ تشکیلات :

وجود تشکیلات در جامعه یک امر ضروری است اما با این وجود این تشکیلات احتمال خطراتی نیز دارد که به وحدت جامعه لطمه می زند و نباید این خطر را نادیده گرفت و برای مقابله با این خطر باید از این تشویق قرآنی که در آن مومنان را به سبقت گرفتن در نیکی و خیر دعوت می کند کمک گرفت تا مانع خطر حزب که وحدت شکن است شد و برای این کار در ابتدا گروهها باید با مردم صادق باشند و مواضع عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را به صراحت بیان کنند. دوم اینکه ارزشها توسط تشکیلات پاسداری شود نه اینکه تشکیلات پاسدار خود باشد در غیر این صورت ارزشها به ضد ارزش تبدیل می شود سعی کنیم که تشکل خود خواه نباشد. سوم اینکه تشکل باید شرایطی را برای خودسازی کسانی که در آن عضو می شوند فراهم کند. چهارم اینکه تأمین مالی تشکیلات زحمتی برای مردم ایجاد نکند.<sup>۲</sup> روزی که مبارزه ملت در شکل یک تشکیلات سازماندهی شده باشد دیگر باید مطمئن شد که ضد انقلاب نمی تواند کاری بکند، باید نیروها را متشکل و سازماندهی کرد در این صورت است که بهتر می توان رهبری و هدایت کرد و برای اینکه از عهده حوادث بریائیم نیازمند متشکل شدن هستیم در تشکیلات باید شرایط طوری باشد که زمینه ی یافتن استعدادها و شکوفایی و رشد آن فراهم شود و نباید این تشکل ما را چنان مشغول و سرگرم خود کند که از یاد خدا غافل شویم باید آنجا معبد و عبادتگاه باشد و گره از کار مردم و جمهوری اسلامی بردارد وقتی چند گروه در خود خط مشترکی دیدند با هم ادغام شوند و رهبری واحد و مورد قبول برای خود انتخاب کنند تا بتوانند کارهای بزرگتر و مفیدی برای جامعه انجام دهند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج اول، پیشین، صص ۲۹۴-۲۸۸

<sup>۲</sup> - **بازشناسی یک اندیشه : یادنامه بیستمین سالگرد شهادت آیت الله دکتر بهشتی**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله بهشتی با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، تهران/ اصفهان، بقعه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان، ۱۳۸۰،

صص ۱۴۱-۱۴۲؛ حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۳، پیشین، صص ۳۵۰-۳۴۹

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ارزشهای نگاه شهید بهشتی، پیشین، صص ۶۶-۶۵

## ۴-۳ عدالت :

جامعه اسلامی جامعه ای است که در آن باید عدل و عدالت بر پا شود اما نه فقط در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و این عدل محور و اساس آن جامعه می باشد. از آنجایی که اصل عدل، عدل در اخلاق و معنویت است وزیر بنای همه ی عدلها، عدل اخلاقی است و نوعی ارتباط و همبستگی بین عدل اخلاقی و ابعاد دیگر عدل از جمله اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد و بر همدیگر اثر می گذارند با این وجود چیزی که بر آن باید تأکید شود و برای تحقق آن تمام سعی و تلاش به کار برده شود عدل اخلاقی است و چون این عدل کامل و جامع است برای برپایی آن باید بر اساس تعالیم انبیاء عمل و حرکت کنیم.<sup>۱</sup> آفرینش انسان و جهان بر پایه عدل می باشد. حتی قانون تکوینی خداوند نیز بر پایه قانون عدل است و انسان در جهان مسئولیت بر پای عدل را دارد پس نباید در جامعه عوامل ضد عدل وجود داشته باشد.<sup>۲</sup> ریشه ی تمام فسادها در هر جامعه ای در نبود یک نظام مقتدر و عادل است. پس در ابتدا باید این عدم عدالت را حل کرد و جامعه ای بر اساس قسط و عدالت بسازیم به طوریکه عدالت در روابط اجتماعی افراد تجلی پیدا کند. آیت الله بهشتی معتقد بود «تا مسئله ی تقسیم عادلانه برادرانه امکانات زندگی در این کشور بر همه ی مردم و امکانات کار برای همه ی آن ها حل نشود سایر مسائل انقلاب حل شدنی نیست.» یعنی حل مسائل انقلاب در گرو حل مشکلات عدل و عدالت است.<sup>۳</sup>

**۵-۳ آزادی:** اسلام آزاد خلق شدن انسان را از امتیازات بزرگ او می داند پدید آمدن یک موجود آگاه و آزاد و خودساز نقطه عطف آفرینش می باشد خداوند انسان را به گونه ای خلق کرده است که می تواند در طبیعت خداگونه عمل کند و خود را از اسارت و بردگی طبیعت به صورت نسبی آزاد کند یعنی آزادی او مطلق نیست بلکه نسبی است. قوانین طبیعت را خداوند آفریده است و این قوانین بر موجودات دیگر حاکمیت مطلق و یا نزدیک به حاکمیت مطلق دارد اما انسان به لطف خدا این توانایی را دارد که طبیعت را رام و مهار کند و سعی کند آن قوانین را بشناسد تا محکوم آن نشود هر چند که به خاطر الهی بودن قوانین طبیعت نمی تواند آن را عوض کند اما می تواند اسیر و برده آن نیز نباشد و انسان به کمک نعمت آزادی می تواند خود و محیط زندگی را از قلمرو این قوانین بیرون ببرد در واقع انسان نه تنها در برابر جبر طبیعت بلکه در برابر جبر اجتماعی نیز آزاد است. یعنی همانطور که قوانین طبیعت نمی تواند بر انسان حاکمیت کند و انسان آن را رام خود می کند قوانینی هم که به نام قوانین اجتماعی و مکانیزم اجتماع و سنتهای اجتماعی، جبر تاریخ و اجتماع و اقتصاد وجود دارد نمی تواند انسان را محکوم خود کند و انسان

<sup>۱</sup> - ویژه نامه کیهان ۶۰-۶۱، ش ۱۱۹۰۲، ص ۶

<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های، آیت الله بهشتی، ج اول، پیشین، ص ۶۰۰؛ بازشناسی یک اندیشه، پیشین، ص ۱۷۶

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، ارزشها در نگاه شهید بهشتی، پیشین، صص ۱۹-۱۷

این قدرت را دارد که مخالف آن حرکت کند. با این وجود این روابط و مناسبات در انتخابات آگاهانه انسان اثر می‌گذارد و انتخاب را برای انسان دشوار یا آسان می‌کنند.<sup>۱</sup>

آزادی و انتخابی که در پرتو این آزادی صورت می‌گیرد زندگی و شخصیت افراد را انسانی می‌کند و به آنها رنگ و بوی انسانیت می‌دهد و به خاطر نقش مهمی که آزادی در زندگی انسانها دارد اسلام تمام تدبیر خود را به کار می‌برد تا عواملی را که مانع رشد آزادی می‌شوند را از بین ببرد.<sup>۲</sup>

گوهر تابناک هستی بودن انسان بدان دلیل است که آزاد و آگاه آفریده و این خود نقطه قوت آفرینش انسان است البته این آزادی انسان در چهار چوب حدود و قوانین الهی است.<sup>۳</sup>

آیت الله بهشتی انسانیت انسان را در گرو آزاد بودنش می‌داند و اینکه این آزادی بزرگترین شعار اسلام است ویژگی برجسته انسان در این است که قدرت انتخابگری در فرمانبرداری و نافرمانی دارد و این به کارهایش ارزش می‌بخشد انسان با انتخابگری سرنوشت خود را می‌سازد. از نظر آیت الله بهشتی آزادی جزء ذات انسان و بخشی از هویت اوست و اگر این آزادی از انسان سلب شود به مسخ شدن او می‌انجامد و او معتقد است برداشت ثابت و واحدی از مفهوم آزادی وجود ندارد و شرایط اجتماعی، ضرورت زمانی، افکار و اعتقادات موجود در جامعه باعث می‌شود برداشت‌های متفاوتی از آزادی شود و مفهوم آزادی را در تسلط انسان بر خودسازی خود و محیطش معنی می‌کند.<sup>۴</sup>

و اما آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت الله بهشتی این است که او مردم را در تمام امور حکومت سهیم می‌داند و نظام اسلامی بر پایه‌ی رأی آزاد ملت است و حکومت با رأی مردم انتخاب شود و این حکومت در جهت بر آورده کردن خواسته‌های مشروع آنان باشد و حکومت نباید بر مردم تحمیل شود و باید رابطه‌ی متقابلی بین مردم و حکومت باشد، مردم با حکومت همکاری کنند و اگر این همکاری ملت نباشد حکومت پشتوانه‌ی قدرت خود و مشروعیتش را از دست می‌دهد آیت الله بهشتی می‌گوید: «حکومت باید متکی به مردم باشد تمام درجات و سطوح مختلف مدیریت باید مورد قبول و پذیرش و متکی به رأی مردم باشد». توجه کردن به نظر مردم باعث می‌شود مردم نیز در قبال حکومت احساس مسئولیت کنند پس حکومت موفق، حکومتی است که برای رأی مردم ارزش قائل شود و نقش و تأثیر آنان را در تعیین سرنوشت سیاسی کشورشان مهم بداند و روابط متقابل مناسبی با مردم داشته باشد.<sup>۵</sup>

۱- آزادی، هرج و مرج، زور مداری، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت الله بهشتی، تهران، بقیه، ۱۳۸۱، صص ۴۴-۲۴

۲- حسینی بهشتی، ارزشها در نگاه شهید بهشتی، پیشین، ص ۵۱

۳- اوبه تنهایی یک امت بود، دفتر اول، واحد فرهنگی بنیاد شهید، تهران، ۱۳۶۱، صص ۳۱۸-۳۱۹؛ بازشناسی یک اندیشه، پیشین، صص ۱۲۴-۱۲۵

۴- لک زایی، شریف، آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله مطهری و بهشتی، تهیه: موسسه آموزش عالی باقر العلوم، قم، بوستان کتاب،

۱۳۸۲، صص ۱۲۳-۱۲۲

۵- همان، صص ۶۷-۶۲

آیت الله بهشتی همچنین در مورد آزادی در عقیده و اندیشه معتقد است که هیچ دین و اعتقاد دینی تحمیلی و به زور نیست و هر کس مختار است در انتخاب عقیده و اندیشه و اجباری برای تحمیل عقیده و اندیشه خاص وجود ندارد «در جمهوری اسلامی باید همه آزاد بیاندیشند و آزاد جستجو کنند و نسبت به هر چیزی آزادانه آنچه را حق می یابند بپذیرند و دنبالش بروند.»<sup>۱</sup>

باید محیط و شرایطی فراهم شود تا به خاطر زد و خورد فکری، افکار رشد کنند اما بیان افکار و اندیشه ها در شرایطی آزاد است که در چهار چوب اسلام باشد و نباید افکار و عقاید مردم را متزلزل کند و طبق اصلی که در قانون اساسی کشورمان آمده باید آزادی های لازم در جامعه تا حد اکثر ممکن تامین شود و یکی از این آزادی ها، آزادی احزاب، اجتماعات و نشریات و بیان و قلم است اینها تا جایی آزاد هستند که به اصول اسلامی ضربه نزنند و سلامت محیط جامعه را از نظر عفت و اخلاق خدشه دار نکنند.<sup>۲</sup>

و اینکه هر انسانی با رعایت کردن دو شرط می تواند نسبت به مسئولان کشور در هر مقامی که باشند انتقاد و اظهار نظر کند و این دو شرط این است که اظهار نظرشان درباره مسئولان دور از شایعه، تهمت و دروغ باشد یعنی مطلبی که می گویند راست باشد و دیگر اینکه با زبان بی غرض و دلسوزانه انتقاد کند نه اینکه انتقادش مغرضانه و با کینه همراه باشد.<sup>۳</sup>

**۶-۳ نظام امت و امامت:** نامی که برای نظام سیاسی ایران در قانون اساسی در نظر گرفته شد نظام امت و امامت بود یعنی نظام سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی نظام امت و امامت بود. و به گفته ی آیت الله بهشتی « حقیقت این است که با هیچ یک از عناوینی که توی کتابهای حقوق سیاسی یا حقوق اساسی آمده قابل تطبیق نیست. انقلابیون ایران این تجربه را کردند و پای چشمشان خورد آنها برای رهایی از استبداد انقلاب کردند و به دنبال جایگزین پیدا کردن بودند که مشروطه را انتخاب کردند و از آنجایی که عاریه ای بود و به فرهنگ اسلامی مربوط نبود حتی آن تاثیری را که در صاحبان اصلی این فکر عاریتی می توانست داشته باشد برای ما نداشت.»<sup>۴</sup> در این نظامی که به امت و امامت معروف است رهبر و مردم نسبت به یکدیگر مسئولیت و تعهد دارند تعهد و مسئولیتی که متقابل است. در اسلام برای مدیریت جامعه شکل خاصی پیشنهاد نشده است در هر زمان و مکانی و متناسب با شرایط جامعه می تواند اشکال مختلف داشته باشد فقط نباید در آن تعیین و تحمیل باشد. نظام امت و امامت نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار خود

<sup>۱</sup> - اوبه تنهایی یک امت بود، دفتر اول، پیشین، ص ۲۶۰

<sup>۲</sup> - افتخار زاده، محمود، بهشتی اینگونه بود، بهشتی اینگونه گفت، اینگونه خواست، قم، موسسه قدس، ۱۳۵۸، صص ۵۸-۵۲

<sup>۳</sup> - همان، ص ۵۲؛ اوبه تنهایی یک امت بود، دفتر اول، پیشین، صص ۲۶۱-۲۶۰

<sup>۴</sup> - حسینی بهشتی، محمد، گفتارها ( جاودانه تاریخ ) آشنایی با افکار و اندیشه های بهشتی، تهران، روزنامه جمهوری، ۱۳۸۰، صص ۸۶-۸۵



آن را انتخاب کرده اند و این نظام قصد خدمت به مردم را دارد و در واقع نظامی، مردمی است این نظام برای خود ایدئولوژی دارد و در برابر اسلام تعهد دارد و بیشتر به صورت اومانستی است تا ملی و ناسیونالیستی. این نظام مایه و قدرتش را از مردم دارد.<sup>۱</sup>

#### ۴- اندیشه های اقتصادی آیت الله بهشتی :

آیت الله بهشتی با توجه به مطالعاتی که در مورد مکتب های اقتصادی در کشورهای شرقی و غربی داشت، معتقد بود که اقتصاد جهان بر پایه ی دو نوع نظام اقتصادی شکل گرفته، نظام اقتصادی سرمایه داری و نظام اقتصادی سوسیالیسم هر کدام از اینها ویژگی خاص خود را دارد. نظام سرمایه داری این است که طبقه ی خاصی به رفاه می رسند و در نظام سوسیالیسم این است که سعی می شود رفاه و لذت برای اکثر مردم جامعه تامین شود. او برای هیچ کدام از این دو نظام، ارزش قائل نبود، چون که معتقد بود این دو نظام هدفشان در لذت چند روزه ی دنیاست و به دنبال نظامی بود که ضعف نظام های اقتصادی رایج جهان رانداشته باشند و ویژگی مثبت آنها در این نظام جمع شده باشد او این نظام سوم را، نظام اقتصادی اسلام می دانست.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی در نظام اقتصادی اسلام به دنبال مباحثی بود که در جامعه کاربرد دارد از جمله بانک و فعالیت های مشروع آن، انفاق، ربا، مالیات، پول و ... که در مورد هر کدام از آنها تفکر خاص خود را داشت.

۱- **۴بانک** : او معتقد بود فعالیت های بانک را می توان به دو دسته تقسیم کرد فعالیت های دسته اول که شامل حواله، برات، حساب جاری، چک، حساب پس انداز بدون بهره و مبادلات ارزی می باشد که معمولاً اینها بهره ندارند. و فعالیت های دسته دوم بانک ها شامل اعتبار یا وام تجاری، صنعتی، کشاورزی، صنفی، خانه سازی، و کارگشایی است که این فعالیتها بهره دارند و سودی عاید بانک ها می شود. در فعالیت نوع اول بانک ها ضرر و زیانی برای فرد و جامعه ندارد و در تسهیل تجارت و دادوستد نیز موثرند و اگر ربا در جامعه تحریم شود به این نوع فعالیت ها لطمه وارد نمی شود و جلوی آن گرفته نمی شود بانک ها به جای انجام دادن رایگان معاملات حساب های جاری و پس انداز کارمزد در یافت کنند و از

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، محمد، مبانی نظری قانون اساسی، پیشین، صص ۴۳-۲۰

<sup>۲</sup> حسینی بهشتی سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج اول، پیشین، صص ۷۵-۷۴

طریق این کارمزد می توانند هزینه تشکیلات و سود صاحبان بانک را تامین کنند بدون اینکه کار بانک به ربا آلوده شود.<sup>۱</sup>

و اما فعالیت‌های دسته دوم، ربا خواری را به دنبال دارد ربایی که توأم با قدرت و نظم و تشکیلات ظاهری است این فعالیتها اگر دنبال بهبود اقتصادی و ترقی علم و صنعت هستند این هدف اصلی آنها نیست و به صورت کم رنگ و فرع می باشد و هدف اصلی در این گونه فعالیتها ربا می باشد چنین بانک هایی تمام تلاش خود را به کار می برند تا بهترین راه حل و شرایط را برای به کار انداختن سرمایه خود در راه ربا خواری پیدا کنند و برای اینکه زمینه سود یایشان برای همیشه فراهم شود و به صورت دائم در آید. وام یا اعتبار بانکی خود را در راه تثبیت و تقویت اقتصاد یک موسسه یا ملت به کار می اندازند در واقع آنها دلسوز مردم یا آن موسسه نیستند و بیشتر به فکر خودشان هستند و با این کار زمینه سود یابی خود را فراهم می کنند و اسلام با این گونه فعالیت‌های بانکی مخالف است.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی در جواب این سوال که فعالیت های بزرگ سرمایه های بزرگ می خواهد و قسمتی از این سرمایه ها از طریق وام های بانک تهیه می شود، اگر وام های با بهره تحریم شود تکلیف چیست و چه باید کرد؟ گفته بود: «برای انجام دادن کارهای وسیع صنعتی و کشاورزی بدون شک سرمایه های بزرگ لازم است ولی سرمایه های بزرگ لازم نیست همیشه متعلق به شخص یا اشخاص معین و محدود باشد و راه ایجاد سرمایه بزرگ منحصر به همین راه معمول کشورهای سرمایه داری و گرفتن وام های با بهره از بانک ها نیست. راه های گوناگون دیگری هست که مدت هاست مورد توجه کارشناسان اقتصاد دنیا قرار گرفته است با تشکیل شرکت های بزرگ سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف و ... می توان سرمایه های بزرگ متعلق به سرمایه دارهای کوچک به وجود آورد و در راه توسعه فعالیت های اقتصادی به کار انداخت بی آنکه پای سرمایه داران و ربا خواران به میان آید. و این راهی است برای جلوگیری از به وجود آمدن سرمایه داران بزرگ در جامعه بنابراین تحریم ربا جلوی پیدایش سرمایه بزرگ را نمی گیرد جلوی پیدایش سرمایه دار بزرگ را می گیرد این همان است که اسلام خواسته است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، محمد، **بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، تهران، بقیه، چ اول،

۱۳۸۶ صص ۱۶-۱۳

<sup>۲</sup> - همان ص ۱۶

<sup>۳</sup> - همان، صص ۱۸-۱۷؛ حسینی بهشتی، محمد، باهنر، محمد جواد، گلزاده غفوری، علی، **شناخت اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۵۹، ص ۴۹۳

## ۲-۴ مالیات:

فقها به منظور تامین نیازهای ضروری جامعه اجازه وضع مالیات های نو و اضافی را به دولت می دهند که اگر خمس و زکات و کمکهای داوطلبانه کفاف تامین هزینه برنامه های عمومی را نداد مالیات جدید وضع کنند مالیاتی که در روایات و اسلام نامی از آنها برده نشده این مالیاتهای جدید باید مطابق با اصول وقواعد کلی وزیر بنا های موجود در نظام اسلامی باشد که برای برنامه ضروری جمهوری اسلامی وضع می شود و اداره جامعه بدون این نظام مالیاتهای جدید ممکن نیست.<sup>۱</sup>

## ۳-۴ انفاق:

یکی دیگر از دیدگاههای اقتصادی آیت الله بهشتی مسئله انفاق است. مسئله ای که می تواند به عنوان راهکار کلیدی مهم در تأمین حقوق افراد جامعه فراتر از حقوق شهروندی موثر باشد. و این به خاطر تقویت پیوندهای اجتماعی است. از نظر او فقط خمس و زکات راه حل اقتصادی برای صاحبان پولهای حلال نیست. انفاق نیز یکی دیگر از این راه حل هاست که به عنوان تکلیفی اجتماعی است که به سبب آن بخشی از اموال مومنان به محرومان که حقشان است، داده می شود. آیت الله بهشتی انفاق را تکلیف و واجب می داند. چون که براساس آیات قرآن حق محرومان در اموال مومنان است و باید به نیازمندان بازگردانده شود. از نظر او در صورتیکه جامعه به انفاق نیاز داشت این اتفاق یک تکلیف دینی است. چرا که فاصله طبقاتی و وجود فقر در جامعه را مغایر با شأن حکومت اسلامی می داند. البته موضوع انفاق واجب نیست ولی او معتقد است به خاطر اقتضای شرایط خاص اجتماعی می توان آن را واجب اجتماعی اعلام کرد.<sup>۲</sup>

## ۴-۴ پول:

سرمایه داران بزرگ با به کار انداختن و چرخش پولهای انباشته شده در جهان اقتصادی، شرایطی را از لحاظ در دست گرفتن کنترل قیمت ها و ایجاد بازارهای مصرف به وجود آورده اند که منجر به شکل گیری دو قطب فقیر و غنی، مسلط و زیر سلطه و ثروتمند و گرسنه شده که از آن می توان به بردگی نامحسوس جهان یاد کرد. در اسلام از اینکه پول وسیله ی بدست آوردن بهره شود و به صورت رباخواری از آن استفاده شود و عامل ایجاد شکاف اقتصادی شود، منع شده است. همچنین از اینکه به صورت راکد بماند و جریان نداشته باشد نهی شده و توصیه به این شده که نباید پول به صورت راکد و معطل بماند. بلکه

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، محمد، اقتصاد اسلامی، ج اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶، ۱۳۷۴، صص ۱۱۵-۱۱۱

<sup>۲</sup> - قاسمی، صدیقه، اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۵، صص ۶۴-۶۳

باید شرایط تولید و ایجاد شغل برای افراد را فراهم کند. در اقتصاد اسلام اگر پول در مدت یک سال به صورت راكد بماند بعد از مدتی اگر به حد قابل نصابی رسید مالیات بر سرمایه به آن تعلق می گیرد و یک چهلیم آن به عنوان مالیات باید به دولت پرداخته شود تا دولت در راه مصالح عمومی استفاده کند.<sup>۱</sup> پول در نظام اقتصادی نباید به عنوان کالا در آید و زمانیکه این شرایط به وجود بیاید یعنی پول به عنوان کالا استفاده شود نخستین قدم برای انحراف در مسیر اقتصادی می شود.<sup>۲</sup>

۵- **عربا:** آیت الله بهشتی جامعه ای را که در آن ربا انجام می شود جامعه ای می داند که در آن عدالت اجرا نمی شود و معتقد به مبارزه جهانی با رباست و آن را در هر شرایطی حرام می داند به گفته خودش «ربا به هر شکل که باشد حرام است و ربا مثل سنگ است که هر چه آب بکشی، پاک نمی شود».<sup>۳</sup> او بین ربا و بیع تفاوت قائل است و این دو را از هم تفکیک می کند. بیع (خرید و فروش) توزیع محسوب می شود و این توزیع در سیستم های اقتصادی نوعی کار است در خرید و فروش سالم آن چیزی که ما سود بردن فروشنده می دانیم پول و سرمایه نیست بلکه سود اصلی او در کاری است که می کند یعنی جابه جا کردن کالا که از دست تولید کننده به مصرف کننده می رساند. پس یکی از تفاوت های ربا و بیع این است که در خرید و فروش میزان سود و نفعی که برای فروشنده در نظر گرفته می شود در حد پولی است که کالا را خریده و به دست مصرف کننده می رساند یعنی به مقدار خرج کردن سرمایه اش در خرید و فروش برای رساندن کالا از تولید کننده به مصرف کننده حتی اگر برای مصرف آن کالا در تمام دنیا نمایندگی فروش داشته باشد باز هم سود دهی اش محدود است یعنی این او جگیری حد مشخص دارد. اما در ربا این سود دهی حدش بی انتهاست.<sup>۴</sup>

پس در بیع اصل بر سود بردن سرمایه نیست. اصل آن حق الزحمی است که در ازای کار توزیع به دست می آورد. اصل بیع (خرید و فروش) انحراف اقتصادی ندارد و اگر هم داشته باشد در نسبت درصدها انحراف دارد. ریشه ی بیشتر نابه سامانی های اقتصادی در رباست و اگر ربا را از دنیای اقتصاد حذف کنیم بیشتر مشکلات اقتصادی حل می شود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، شناخت اسلام، پیشین، ص ۴۸۵

<sup>۲</sup> - حسین بهشتی، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، پیشین، ص ۱۱۶

<sup>۳</sup> - قاسمی، اسلام و مقتضیات زمان، پیشین، صص ۳۱-۳۲

<sup>۴</sup> - حسینی بهشتی، محمد، ربا در اسلام، تهران، چاپ و نشر فرهنگ اسلامی، ج اول، ۱۳۶۹، صص ۲۹-۲۱

<sup>۵</sup> - همان، صص ۲۹-۳۱

بهشتی زیر بنای انحرافات اقتصادی را در دو چیز می داند. ۱- ربا: که سیاست دنیا با آن می چرخد ۲- روابط غیر عادلانه که با مختل کردن قیمت گذاری صحیح، آن را به قیمت گذاری غلط تبدیل می کند.<sup>۱</sup> تحریم ربا فقط مختص دین اسلام نیست بلکه در ادیان آسمانی دیگر نیز به حرام بودن ربا اشاره کرده اند.<sup>۲</sup>

او تأمین شدن تمام حقوق افراد در عصر کنونی و در آینده را در گرو این می داند که برنامه های اقتصادی براساس آموزه های دینی و آیات قرآن تنظیم شوند او در شناختی که از مشکلات اقتصادی داشت و راه حل هایی که برای آن در نظر گرفت مخاطبش فقط کشورهای مسلمان نبوده بلکه همه انسانها را در بر می گرفت و با توجه به راهکارهای ارائه شده از سوی او می توان به این نتیجه رسید که او با مطالعات مسایل اقتصادی و مکاتب اقتصادی جهان در این علم صاحب نظر بوده به طوری که حتی در تدوین قانون اساسی مجلس خبرگان نیز ریاست کمیسیون اقتصادی برعهده او بوده است.<sup>۳</sup>

موضع اقتصادی آیت الله بهشتی این بود که برای مبارزه با استعمار طی یک برنامه چند ساله به هر انسانی که دارای نیروی کار است سرمایه و ابزار کار بدهند تا به خاطر اینکه خود فرد سرمایه و ابزار کار ندارد اجیر دیگران نشود در واقع تز اقتصادی او نفی استعمار و استثمار بوده است.<sup>۴</sup> و اینکه آزادی انسان از نظر اقتصادی محترم شمرده شود و مالکیت مشروع شخصی در حد مشروعش در جامعه باشد.<sup>۵</sup>

اودر جواب سوالی که از او پرسیده بودند که طرح اقتصادی شورای انقلاب و رهبری انقلاب چیست؟ گفته بود: «تز اقتصادی مادر بیرون بردن جامعه مان از بن بست فقر و محرومیت خلاصه می شود و اینکه دولت اسلامی جمهوری ما در برابر هر انسانی که می خواهد کار مولد انجام دهد چه کار کشاورزی باشد چه کار صنعتی باشد و چه خدماتی، وظیفه دارد برای هر کس که می خواهد کار کند سرمایه و ابزار کاری را فراهم کند که در اختیار خود او باشد. دولت وظیفه دارد از بیت المال عمومی، از در آمد نفت، از مالیاتهایی که می گیرد و درآمدهای دیگر برای هر کس که تابع این جمهوری اسلامی است آن را تهیه کند تا هیچ فردی مجبور نباشد کار خودش را به مزد ناچیزی که دیگران به او می دهند بفروشد.»<sup>۶</sup>

۱ - حسینی بهشتی، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، پیشین، ص ۶۴

۲ - حسینی بهشتی، ربا در اسلام، پیشین، ص ۹۵

۳ - قاسمی، اسلام و مقتضیات زمان، پیشین، صص ۳۳-۳۱

۴ - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج اول، پیشین، ص ۵۸۶

۵ - نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت، پیشین، ص ۸۳

۶ - حسینی بهشتی، محمد، ولایت، رهبری و روحانیت، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، تهران، بقعه، چ سوم، ۱۳۸۳،

## بهشتی و امام خمینی:

سابقه ی آشنایی آیت الله بهشتی با امام خمینی به سال ۱۳۲۵ بر می گردد، یعنی زمانیکه آیت الله بهشتی برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود به قم آمد و علاوه بر استفاده از محضر اساتید دیگر در کلاس درس امام حضور پیدا می کرد اودر آن سال ۱۸ سال داشت<sup>۱</sup>. به دنبال قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ که منجر به دستگیری امام شد. در آن زمان مرجعیت امام صورت رسمی و آشکار پیدا نکرده بود و بیشتر او را به عنوان استاد برجسته ی حوزه می شناختند تا مرجع تقلید. آیت الله بهشتی بعد از تماس گرفتن با آیت الله میلانی در مشهد، آیت الله خوانساری در تهران علمای نجف و علما و محققین قم و گرفتن تایید آنها در مورد مرجع تقلید بودن امام نامه ای تنظیم کرد مبنی بر اینکه امام خمینی نیز یکی از مراجع طراز اول حوزه ی علمیه می باشد وزیر نامه را چهارصد نفر افرادی چون بهشتی، یزدی، حسین نوری، فاضل لنکرانی، مکارم، بهجت، گلپایگانی، نجفی مرعشی، میلانی، خوانساری و علمای مشهد و تهران امضاء کردند و با این نامه و تأیید مرجعیت امام به اثبات رسید<sup>۲</sup>.

آیت الله بهشتی به خاطر فعالیت هایی که در حمایت از نهضت امام از جمله: سخنرانیهای آتشین او علیه رژیم، تأسیس مدرسه ی دین و دانش، شرکت در قیام ۱۵ خرداد، تلاش برای ایجاد کانون دانش آموزان در جهت وحدت دو قشر جامعه یعنی دانشجو و روحانی و... داشت، باعث شد رژیم او را از قم به تهران منتقل کند. و وقتی هم به تهران منتقل شد در تشکیلات هیأت های موقوفه اسلامی به پیشنهاد اعضای موقوفه و تأیید امام عضو شورای فقهی شد. او در سالهایی که به عنوان تبلیغ کننده ی دینی از سوی مراجع به هامبورگ رفت، در این مدت (۴۹-۴۳) در سال ۴۸ به قصد دیدار امام به نجف رفت تا ضمن دیدار استاد خود از رهنمود و مشورت های امام استفاده کند. آن دیدار به خاطر رعایت کردن نکات امنیتی توسط آیت الله بهشتی از چشم مامورین ساواک دور ماند. او حتی در سالهایی هم که امام از عراق به نوفل لوشاتورفت، سفری به پاریس داشت تا امام را در جریان امور ایران قرار دهد و در این سفر بود که مقدمات تشکیل شورای انقلاب فراهم شد و او نیز جزء اعضای اولیه شورای انقلاب بود<sup>۳</sup>.

بعد از پیروزی وقتی شورای انقلاب در سال ۵۸ به پایان کار خود رسید و بعد از اینکه نتایج انتخابات ریاست جمهوری مشخص شده بود امام با وجود عارضه قلبی، بر طبق قانون اساسی وظایف رهبری خود را ادامه داد قوه ی مجریه و مقننه (مجلس) شکل گرفته بود و فقط قوه ی قضائیه هنوز وضعیتش معلوم

<sup>۱</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، پیشین، ج اول، ص ۱۶۴

<sup>۲</sup> - موسوی فرد، پیشین، صص ۳۸-۳۹

<sup>۳</sup> - کردی، زندگی و مبارزات آیت بهشتی، پیشین، ص ۲۱۷

نمود وقتی آیت الله بهشتی برای عیادت امام رفته بود، امام اصرار داشت که وضعیت باید سرو سامان داده شود. و وقتی موضوع قوه ی قضائیه مطرح می شود، امام از آیت الله بهشتی می خواهد که سمت رئیس قوه ی قضائیه را بپذیرد. آقای بهشتی در ابتدا به خاطر برنامه هایی که داشته از قبول این پیشنهاد خودداری می کند امام خطاب به او گفته بود اگر شما باشید خیالم آسوده تر است و بر پیشنهاد خود اصرار داشت. آیت الله بهشتی با این شرط که نیمی از وقت خود را در حزب باشند، ریاست قوه ی قضائیه را قبول می کند.<sup>۱</sup>

در سال ۵۹ در اصلاحات ارضی که طرح آن را خود آیت الله بهشتی داده بود از طرف امام برای بررسی آن و واگذاری زمین هیئت ۳ نفره ای تعیین شد که این هیئت را آقایان منتظری، مشکینی و بهشتی از طرف امام تشکیل داده بودند.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی بارها از امام به عنوان مرشد خود یاد می کرد بطوری که او را الگو و راهنمای بزرگ و کسی که می توان پشت سر او حرکت کرد، می دانست. اما با تمام علاقه و ارادتی که آیت الله بهشتی نسبت به امام داشت در مواردی که با امام اختلاف نظر داشت آن را مطرح می کرد، و رابطه استاد و شاگردی و مرید و مرادی مانع از ابراز نظر او نمی شد. از جمله بحث موسیقی. امام میخواستند اطلاعیه ای مبنی بر حرام بودن هر گونه موسیقی و پخش آن از صداوسیما رامنشر کند. بعد از اینکه هاشمی رفسنجانی از این اطلاعیه با خبر می شوند به فرزند امام توصیه می کند که با آیت الله بهشتی تماس بگیرند. آیت الله بهشتی بدلیل اینکه در این زمینه کار فقهی انجام داده بود، نتایج مطالعات خود را به امام ارائه می دهد. مورد دیگر اختلاف نظر آنها در مباحث فقهی بحث طلاق بود که آیت الله بهشتی حق طلاق را مشروط به شرایطی به زن واگذار می کرد یعنی همانطور که مرد می تواند طلاق بدهد، زن نیز بتواند حق طلاق بگیرد که امام موافق این قضیه نبود.<sup>۳</sup>

بعد از پیروزی انقلاب تبلیغات و شایعات زیادی علیه آیت الله بهشتی شروع شد با توجه به تهمت های ناروا امام در طی یک سخنرانی در سال ۵۸ که آن موقع آیت الله بهشتی رئیس دیوان عالی بود، فرمود: «یک نفر آدمی را که من بیست و چند سال است از نزدیک می شناسم، او پیش من درس خوانده، بامن معاصر بوده، من همه چیزش را می دانم حالا افتادند به جان آقای بهشتی. اینها از آقای بهشتی می ترسند. بر اینکه او یک فرد لایقی است و اینها نمی خواهند اینطور افراد باشند، می خواهند یکی یکی هتک کنند.

<sup>۱</sup> - رنجبران، پیشین، صص ۸۸-۸۷

<sup>۲</sup> - کردی، مبارزات وزندگی آیت الله بهشتی، پیشین، صص ۲۱۷

<sup>۳</sup> - رنجبران، پیشین، صص ۸۷-۸۵

اینها خیال کردند اینها (بهشتی) از خارج آمدند و حالا من تازه اینها را دیدم و نمی دانم اینها کی هستند من اینها را می شناسم، اینها مردمی هستند که برای اسلام از آنها کار برمی آید»<sup>۱</sup> در اینجا چند خاطره از زبان اطرفیان و آشنایان آیت الله بهشتی نقل می کنیم تا ارتباطی را که بین امام و وی بود بیشتر آشکار شود.<sup>۲</sup>

محمدرضا امامی شوهر خواهر آیت الله بهشتی می گوید: «قبل از انقلاب که برای زیارت عتبات به عراق رفته بودم، به دیدن امام رفتم امام بعد از صحبت موقع خدا حافظی به من گفت: سلام مرابه آقای بهشتی برسانید و از قول من به ایشان بگوئید من به علم و اصالت و خانواده و شخصیت و ایمان و فضیلت شما اعتقاد دارم، مسائل ایران را هر جور صلاح می دانید خودتان سرپرستی کنید.»<sup>۳</sup>

عزت الشریعه مدرس مطلق همسر آیت الله بهشتی می گوید: «نیمه شعبان که می خواستیم برای دیدن مادر آقای بهشتی به اصفهان برویم آن روز ایشان به دیدن امام رفت. در بازگشت از ملاقات با امام بسیار ناراحت بود، علت ناراحتیشان را پرسیدم گفت: امام توصیه کرده که به این مسافرت نروم و از خود بیشتر محافظت کنم. بعد ادامه داد که امام خوابی برای من دیده من هر چه از او پرسیدم خواب امام چه بوده، جوابی به من نداد. تا اینکه روز ختم ایشان که خانم امام به منزلمان آمده بودند، از ایشان در مورد خواب امام سوال کردم؟! گفتند: امام خواب دیده عبایشان سوخته به همین دلیل به آقای بهشتی توصیه کرده مواظب خود باشند و گفته بودند شما عباى من هستيد که در خواب سوخته بودید.»

امام خمینی بعد از شهادت آیت الله بهشتی و یارانش در پی انفجار دفتر حزب جمهوری در سال ۶۰ در سخنرانی ایی که داشت فرمود: «آقای بهشتی که یک نفر آدمی بود که مجاهد برای اسلام بود و به درد می خورد، فعال بود، دانشمند بود، مدیر بود، مدبر بود، در صحنه ی کشور چه فضاحتها به وجود آوردند و مردم را از او منحرف کردند، مردم یک وقت بیدار شدند که بهشتی ایی در کار نبود.»<sup>۴</sup>

«بنای دشمن بر این است کسانی که لیاقتشان بیشتر است، بیشتر مورد حمله قرار گیرند آنها افرادی را هدف قرار می دهند که از آنها خوف دارند که مبادا یک وقتی به آنها صدمه بزنند من مکرر این را گفته ام که مرحوم آقای بهشتی در این مملکت مظلوم زیست، تمام مخالفین اسلام و مخالفین این کشور حمله مستقیمشان را به ایشان و بعضی از دوستان ایشان کردند، کسی که من بیشتر از بیست سال می شناختم

۱ - خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۰، تهران، چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶

۲ - رجایی، پیشین، ص ۴۲۳

۳ - همان، ص ۴۲۷

۴ - خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۵، تهران، چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۷



روحیاتش را مطلع بودم و می دانستم چه جور مرد صالحی و مرد به درد بخوری برای این کشور است، مخالفین او را در کوچه و بازار و محله و صحبت‌هایی که همه می کردند آنطور جلوه دادند.<sup>۱</sup>

«مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود و آنچه که من راجع به ایشان متاثر هستم شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود. مخالفین انقلاب افرادی که بیشتر متعهدند، موثرند در انقلاب آنها را بیشتر مورد هدف قرار داده اند، ایشان مورد هدف اجانب و وابستگان به آنها در طول زندگی بود. تهمتهای ناگوار به ایشان می زدند، اینها می خواستند آقای بهشتی را موجود ستمکار دیکتاتور معرفی کنند. و برخلاف آنچه این بی انصافها در سرتاسر کشور تبلیغ می کردند من او را فرد متعهد، مجتهد، متدین، علاقمند به ملت، اسلام و به درد بخور برای جامعه می دانستم.»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۱۵

<sup>۲</sup> - همان، صص ۵۱۹-۵۱۸

## بهشتی از نگاه دیگران :

### ۱- دیدگاه اطرافیان:

۱- **حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی:** سابقه ی آشنایی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با آیت الله بهشتی به سالهای ۱۳۳۵-۳۶ می رسد، زمانیکه او به اتفاق محمد جواد باهنرو دیگر دوستانش نشریه ی مکتب تشیع را تأسیس کرده بودند و از آیت الله بهشتی خواستند که برای نشریه ی آنها مقالاتی در مورد حکومت اسلامی بنویسد، اما همکاری همه جانبه آنها با هم از سال ۴۹ و در مدرسه ی رفاه بود.<sup>۱</sup> هاشمی رفسنجانی چه در سالهای قبل از انقلاب و چه بعد از آن برای حمایت از نهضت امام و مبارزات انقلابی در جامعه روحانیت مبارز، کمیته استقبال، شورای انقلاب، مجلس خبرگان، حزب جمهوری، شورای موقت ریاست جمهوری و ماجرای کردستان در کنار آیت الله بهشتی بوده و با او همکاری داشته و با توجه به این سابقه ی همکاری و آشنایی در مورد شخصیت آیت الله بهشتی می گوید: «آقای بهشتی از شخصیت‌هایی است که در تاریخ اسلام با ویژگی ایشان خیلی کم پیدا می شود. در واقع به واسطه روشن بینی، اطلاعات قوی و مطالعات وسیع، مجتهدی مسلم به شمار می رفته... از لحاظ کارهای اجرایی، ایشان اهل کار بود، ایشان اهل تدبیر و مدیریت بود، ما در بین رفقایمان از ایشان مدیرتر نداشتیم. در کنار همه ی اینها ایشان اهل تشکیلات بود، او جامعه شناس بسیار خوبی بود و جامعه را خیلی خوب می شناخت، اطلاعات عمومی وسیعی داشته، اهل سخنرانی و فصاحت و بلاغت بود، ایشان ذخیره ی بزرگی برای اسلام و انقلاب بود، دشمن هم متوجه این ذخیره شده بود و همه ی تلاش و توان خود را به کار گرفته تا ایشان را از میان بردارد»<sup>۲</sup>

۲- **آیت الله خامنه ای:** آیت الله خامنه ای نیز مانند دیگر یاران نزدیک امام در حوادث و نهضت امام حضور فعال داشته و بنا به گفته ی خودش از سالهای ۱۳۳۸-۳۹ با آیت الله بهشتی بوده و با هم آشنایی و همکاری داشته اند و سالها در پیشبرد اهداف نهضت امام دوشادوش هم فعالیت داشته اند. از جمله در شورای انقلاب و حزب جمهوری و...<sup>۳</sup>

وی در مورد آیت الله بهشتی می گوید: «او دارای فکر بلندی بود، مغز قوی و فعال داشت... از جمله خصوصیات آقای بهشتی این بود که کارها را از بنیان شروع می کرد. با رژیم هم که مبارزه می کرد، مبارزه ای بنیانی بود. بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد به خاطر اینکه در دوران زندگی اش کسی به عمق

<sup>۱</sup> - هاشمی رفسنجانی، **مصاحبه های سال ۶۰** زیر نظر محسن هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب ۱۳۷۸، صص ۸۶-۸۷

<sup>۲</sup> - همان، صص ۹۰-۸۸

<sup>۳</sup> - پیشگامی فرد، محمد، رضا، **خاطرات محمد پیشگاهی فرد** تدوین: رضامختاری اصفهانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۵

ص ۲۱۱،

والایی شخصیت این مرد پی نبرد. او یک انسان برجسته ای بود، در همه ی ابعاد. اما اینکه خارچشم دشمنان بود به خاطر اینکه با وجودی که این مظلومیت در او وجود داشت بر اثر خونسردی و بردباری که در او مشاهده می شد هرگز دچار حالت عکس العمل انفعالی نمی شد و موضعگیریهایش بسیار دقیق و عاقلانه بود و همین موجب می شد که دشمن بیشتر از ناحیه او ضربه بخورد... شهید بهشتی بزرگترین تاثیر را داشت، یعنی از شخص امام که بگذریم و در میان مردم دیگری که در کار مبارزه و رهبری این مبارزه و اداره این انقلاب نقش داشتند از همه مهمتر و موثرتر مرحوم شهید بهشتی بود، طبیعی بود که او را بیشتر مورد تهاجم قرار دهند.»<sup>۱</sup>

آیت الله خامنه ای در کتاب خاطرات و حکایت ها نیز از ابعاد دیگر شخصیت آیت الله بهشتی سخن می گوید:

«مرحوم بهشتی اهل کار تحقیقی بود منتها جهت کار تحقیقی اش یک جهت انقلابی بود... او یک آدم عجیب سنت شکن مستقلی بود که با کارهای نا آشنا همیشه آشنای می شد... او ساخته ی یک چیزهای دیگری غیر از محیط بود از جمله: خصوصیاتش، فکرش، قدرت در کش و یک سری خصلت هایی که در او وجود داشت و خصلت ذاتی اش به شمار می آمد و خلاصه کلام اینکه آقای بهشتی آدم با اراده ای بود که هوشیارانه شخصیت خودش را کامل کرده بود و لذا من نمی توانم مشخص کنم که طلبه ها چگونه حرکت کنند تا مثل آقای بهشتی بشوند.»<sup>۲</sup>

### ۳- آیت الله موسوی اردبیلی :

آیت الله موسوی اردبیلی بنا به گفته ی وی سابقه آشنایی اش با آیت الله بهشتی به سالهای ۲۵ یعنی از سالهایی که آیت الله بهشتی برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم آمده بود، می رسید و با او هم درس و هم بحث بوده و در طی سالهای انقلاب با او هم کار بوده مخصوصاً در شورای عالی قضایی که هر دوی آنها از طرف امام به سمت رئیس دیوان عالی (بهشتی) و دادستان کشور (موسوی اردبیلی) منصوب شده بودند و این همکاری تا روزی که آیت الله بهشتی به شهادت رسید، ادامه داشت.<sup>۳</sup>

او نیز مانند دیگر همزمان و دوستان آیت الله بهشتی در مورد شخصیت او می گوید «اوقفیه و اصولی و فیلسوف بود و در فقه و اصول و فلسفه زحمات زیادی کشیده بود هر گاه در میان اهل نظر و در محافل علمی قرار می گرفت در بین امثال اقرانش نامدار و نظر دیگران را به خود جلب می کرد، در مسایل علمی اطلاعات و آگاهی وسیعی داشت، نوآوری هایی داشت که مخصوص خود او و نتیجه تفکر و تحقیق او

<sup>۱</sup> - علیزاده، علی، عقل ملکوتی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۱۳۰-۱۲۷

<sup>۲</sup> - خاطرات و حکایت ها، ویژه زندگینامه مقام رهبری، پیشین، صص ۱۳۱-۱۲۳

<sup>۳</sup> - بررسی مبانی فکری آیت الله بهشتی (گزیده ی گفتار و نوشتارهای سمینار اندیشه های آیت الله

بهشتی) تهران، نشر بقیع ۱۳۷۷، ص ۱۲

بود، بیان صریح و قاطع و منطق نیرومند داشت، کمتر اشخاص بودند که تحت تاثیر بیان و منطق او قرار نگیرند. انسان را، اسلام را، جهان غرب و شرق را دشمنان اسلام و نقشه های آنان را خوب شناخته بود و در این باره فکر و طرح داشت، برنامه ریز و تشکیلاتی و مدیر لایقی بود.<sup>۱</sup>

#### ۴- احمد قدیریان:

احمد قدیریان از کسبه و بازاریان تهران بود و سابقه ی عضویت در تشکیلات هیاتهای موقوفه ی اسلامی را داشت این تشکیلات دارای یک شورای فقهی بوده، متشکل از افرادی چون آیت الله بهشتی، مطهری، انواری و مولایی.

از آنهایی که وظیفه این شورای فقهی این بود که کلاس هایی برای اعضا برگزار کنند و یا جزوه هایی برای آنها تهیه کنند تا اهداف تشکیلات هماهنگ با نهضت امام و در راستای قرآن و اسلام باشد و پاسخگوی سئوالات فقهی و شرعی اعضای موقوفه باشند. پس طبیعتاً احمد قدیریان نیز با توجه به برخوردها و تماس هایی که با آیت الله بهشتی داشته، حرفهایی برای گفتن دارد.

او میگوید: «شهید بهشتی روحیه ی بسیار بالایی داشت و در جذب نوجوانان و جوانان نوآوری داشته... در جواب دادن به قدری مهارت داشت که جواب منفی خیلی کم می داد، این روحیه باعث شده بود که در بیشتر محله های تهران از ایشان دعوت کنند. او راهنمایی های دینی و سیاسی و اجتماعی خوبی می کرد، با بیشتر گروه ها و جمعیت ها ارتباط نزدیکی داشت و آنها را هدایت می کرد... او در ساماندهی گروه ها نقش بسزایی داشت، ارتباط گروه ها و تغذیه مبارزاتی و تسلیحاتی همه آنها با هدایت ایشان انجام می گرفت. بعد از شهید مطهری کسی که در جامعه مورد وثوق مردم و حزب الله بود و هدایت سیاسی، اجتماعی و فقهی او برای همه کارساز بود، شهید بهشتی بود.»<sup>۲</sup>

۵- محمد علی رجایی: آیت الله بهشتی پس از منتقل شدن از قم به تهران به دلیل تجربیاتی که در تدریس و مدیریت مدرسه ی دین و دانش داشت از سوی محمد علی رجایی که مدیر مدرسه ی کمال بود، دعوت به همکاری شد. همچنین آنها در کنار باهنر و هاشمی رفسنجانی به عنوان هیئت امنای مدرسه ی رفاه که برای دختران بود، اقدام به تاسیس مدرسه کردند و این همکاری و آشنایی سالها ادامه داشت.<sup>۳</sup> رجایی در جواب یکی از دوستانش که از او پرسیده بود که اگر انقلاب شود چه کسانی عهده دار کار می شوند و مسئولیت به چه کسانی سپرده می شود؟ گفته بود «این طور نیست که شما فکر کنید تنهامن و شما

<sup>۱</sup>- همان، صص ۱۳-۱۲

<sup>۲</sup>- قدیریان، احمد، خاطرات حاج احمد قدیریان، تدوین: نبوی، حسین، سرابندی، محمد رضا، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳-

صص ۱۲۲-۱۲۱

<sup>۳</sup>- شعبانی، پیشین، صص ۹۳-۹۲

و چهار و پنج نفر دیگر که در زندانیم مبارز هستیم، آقای بهشتی مدیریت بسیار قوی و خوبی دارد و با وجود امثال آقای بهشتی ما نگران آینده نیستیم».

او همچنین گفته بود: «شایعه شده بود که رجایی آلت دست بهشتی است و من گفتم: من افتخار می کنم که امثال بهشتی بر روی فکر من تاثیر بگذارند چون ایشان شخصیت بزرگی است، اگر قبر از بودن با امام علی ناراحت بود و احساس شرمندگی می کرد رجایی هم از اینکه آلت دست بهشتی بوده ناراحت می شود» شهید رجایی احترام زیادی برای آیت الله بهشتی قائل بود و حتی زمانی هم که در زندان بود از نظم آیت الله بهشتی برای دوستان زندانی اش تعریف می کرد.<sup>۱</sup>

۶ - **حجت الاسلام محسن دعاگو**: حجت الاسلام محسن دعاگو که در سالهای ۱۳۵۲-۵۳ با آیت الله بهشتی آشنا شده و بعد از آمدن از مشهد به تهران این آشنایی و ارتباط صورت گرفته بود و در آن موقع با مجاهدین خلق که هنوز تغییر ایدئولوژی نداده بودند، ارتباط داشت. از نظر او «دکتر بهشتی شخصی باهوش و ذهن منظمی داشت و یکی از هنرهای مهم ایشان سخنرانی هایش بود... او خیلی شیک پوش بود، عمامه ی بزرگ بر سرش نمی گذاشت، در جمع حوزوی ها کسی منکر فضل ایشان نبود، در جمع دانشگاهیان مراتب علمی او محفوظ بود. بیان، قلم، اخلاق و رفتارش الگو بود».<sup>۲</sup>

۷- **حجت الاسلام حسن روحانی**: او در سال ۱۳۴۰ وقتی وارد مدرسه ی گلپایگانی (علوی) شد با آیت الله بهشتی آشنا شد این مدرسه با مدیریت آیت الله بهشتی و دیگر اساتید حوزه با برنامه درسی جدیدی اداره می شد. حسن روحانی کسی است که وقتی فرزند امام، مصطفی خمینی در سال ۵۶ فوت کرد و جمعی از علما و شخصیت های مبارز به منظور گرامیداشت او مجلسی بر پا کردند در مسجد ارک تهران موقع سخنرانی برای اولین بار آیت الله خمینی را امام خطاب کرد.<sup>۳</sup>

حسن روحانی وقتی برای نخستین بار با آیت الله بهشتی برخورد کرده بود چهره و رفتار و سبک برخورد آیت الله بهشتی برایش جذابیت داشت چون ایشان برخلاف دیگر علمای حوزه بسیار شیک پوش و با ابهت بود و به جای نعلین، کفش می پوشید. او با داشتن ویژگی های چون ابهت، تن صدای تاثیر گذار، مدیریت بسیار قوی، بیان سنجیده و آشنا به علوم روز از دیگر علمای حوزه متمایز بود.<sup>۴</sup>

۸- **حجت الاسلام فلسفی**: او در مورد آیت الله بهشتی می گوید: «من در میان نزدیکان امام، آیت الله بهشتی را شایسته ترین فرد برای قرار گرفتن در رأس مسئولیت اجرایی می دانم. از نظر من شخصی لایق تر و قابل تر از او برای تشکیل حکومت نبود. ایشان عنصر لایق و قابل بود کتابهایی که از ایشان مانده،

۱- رجایی، غلامعلی، **سیره ی شهید رجایی**، تهران، نشر شاهد، ۱۳۷۷، صص ۷۴۰-۷۳۹

۲- دعاگو، پیشین، صص ۱۰۴-۱۰۳

۳- روحانی، حسن، **خاطرات حسن روحانی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۵

۴- همان، ص ۱۰۴

ارزش ایشان رانشان می دهد. آیت الله بهشتی در علمیت و آمادگی برای جواب به مسائل مختلف علمی و دینی بسیار قوی بود، او و شهید مطهری در هدایت نسل جوان به اسلام و زمینه سازی برای پیروزی انقلاب فوق العاده موثر بودند و اثر بسیار خوبی روی نسل جوان گذاشتند. او از استوانه های مهم انقلاب اسلامی و برای امام یاری لایق بود و برای احراز پست های مهم و حساس شایستگی داشت. او از نظر علمی در معقول و منقول بسیار قوی بوده ولی مظلومیت او در این بود که به علمیت شهرت نیافت، مردی باهوش و دقیق و متوجه دقایق علمی و اخلاقی و روحی و معنوی بود.<sup>۱</sup>

۹- **کریم سنجابی**: کریم سنجابی از رهبران و مؤسسين جبهه ی ملی بود او کسی بود که وقتی انگلیس از ایران به منظور ماجرای نفت به دادگاه بین المللی لاهه شکایت کرده بود قاضی ایران در این دادگاه بود، از طرفی در زمان نخست وزیری مصدق وزیر فرهنگ بود و همچنین در دوره ی دولت بازرگان سمت وزیر امور خارجه را برعهده داشت.<sup>۲</sup>

او در مورد آیت الله بهشتی می گوید: « بهشتی از شخصیت های روحانی و سیاسی بسیار باهوش، زیرک، نظم دهنده، تشکیلاتی و بنیانگذار حقیقی حزب جمهوری بود و در شخص آقای خمینی بیش از هر فرد دیگری مؤثر بود و در جریان انقلاب هم بیش از هر فرد دیگری مورد مخالفت و نفرت افراد و سازمان های ضد دستگاه قرار گرفت..... گرداننده ی اصلی شورای انقلاب، مجلس خبرگان، حزب جمهوری و حتی مجلس بود.... او بود که پایه های حکومت بازرگان را متزلزل ساخت..... با آنکه مقام رسمیش تنها ریاست دیوان کشور بود ولی در عمل نقطه مرکزی حکومت و سیاست داخلی و خارجی محسوب می شد، سفر با وی ملاقات می کردند و مصاحبه های هفتگی همه مسائل را شامل می شد..... او مردی بود باهوش، زیرک و خویشان دار..... اگر باقی مانده بود به احتمال قوی در جریان های بعد از عزل بنی صدر رئیس واقعی حکومت اسلامی می شد.<sup>۳</sup>

۱۰- **محمد جواد باهنر**: در مورد سابقه ی آشنایی شهید باهنر و آیت الله بهشتی باید گفت از زمانیکه محمد جواد باهنر در سال ۱۳۳۲ برای تحصیلات حوزوی به قم می رفت با آیت الله بهشتی آشنایی دوری داشته و به دلیل اینکه دوره ی آیت الله بهشتی زودتر از تحصیلات او بود تماس نزدیکی با هم نداشتند تا اینکه باهنر فصلنامه ی مکتب تشیع را که با همکاری هاشمی رفسنجانی و دیگر دوستانش در سال ۳۶ تاسیس کردند از آیت الله بهشتی دعوت به همکاری برای نوشتن مقالاتی کرده بودند و این شروع تماس نزدیک و همکاری علمی آن دو بوده که به مرور هم زمان با گسترش نهضت امام این همکاری ادامه

۱- فلسفی، محمدتقی، **خاطرات و مبارزات حجت اسلام فلسفی**، تهیه و تنظیم مرکز اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۴۴۴-۴۲۴

۲- سنجابی، کریم، **خاطرات سیاسی کریم سنجابی**، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۴۳۷

۳- همان، صص ۴۰۴-۴۰۳

داشت، از جمله در تدوین کتب درس دینی برای دانش آموزان که بعد از انتقال آیت الله بهشتی از قم به تهران صورت گرفت. آن دو همچنین در جمعیت هیات های موفته نیز باهم همکاری داشته اند چون مسئولیت شاخه آموزش با شهید باهنر بوده و این همکاری تا آخرین روزهای عمر بهشتی ادامه داشت.<sup>۱</sup>

باهنر در مورد آیت الله بهشتی می گوید: « من بیش از بیست و پنج، بیست و شش سال از آشنائیم با آن شهید مظلوم می گذرد و از اولین برخورد هایم با ایشان تا همیشه به عنوان کسی که می تواند خوب فکر کند، خوب سازمان دهی کند، ..... کسی که از همان روزها به امید استقرار حکومت اسلامی بود و در این راه قلم می زد... من ایشان را به عنوان یک فیلسوف، یک نویسنده و یک متفکر می شناسم، من ایشان را به عنوان کسی که برای حوزه ی علمیه دل می سوزاند و اینکه طلاب در خط مسائل اجتماعی، انقلابی، فکری و تحقیقی بیفتند می شناسم، کسی که برای جهان می اندیشید و از مرزهای داخلی پا فراتر می نهد و به قلب اروپا می رود و آنجا هم صدای اسلام سر می دهد ... در موضعگیریها، در خط دادن، در جهت دادن نقش اساسی و مثبت برای نظام و برای استقرار نظام داشت مایه ی امیدی بود و پشت و پناهی و نوری بود در شبهای تاریک در بحر آنها».<sup>۲</sup>

۱۱- **آیت الله ابوالقاسم خزعلی:** در مورد شخصیت آیت الله بهشتی با توجه به برخوردهایی که با ایشان داشته می گوید: «من از مرحوم بهشتی، وزانت، سعه صدر، هوش فوق العاده و ذهن وقاد دیدم در کارها انضباط عجیبی داشت در مقابل هیجان ها و آشوب ها اختیار خود را از دست نمی داد بعضی مواقع دوستان از خونسردی ایشان در برابر پیشامدها عصبانی می شدند».<sup>۳</sup>

## ۲- بهشتی از زبان بیگانگان :

روزنامه اکونومیست چاپ انگلستان در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۸۱ در مورد فاجعه هفت تیر می نویسد: «... فقدان بهشتی می تواند وضع ایران را سریعتر به خود ویرانگری بکشاند، چهار وزیر کابینه و بیست و هفت نفر عضو مجلس در انفجار بمب کشته شدند ولی فقدان آنها برای حکومت روحانیان کمتر از فقدان بهشتی که رئیس دیوان عالی کشور و مهمتر از آن رهبر حزب جمهوری بود ...»<sup>۴</sup>

رادوی بی بی سی انگلیس در جام جهان نمای در برنامه شبانگهی در تاریخ ۶۰/۴/۸ در مورد آیت الله بهشتی چنین نوشته: «او مردی خوش لباس با چهره ای گیرا و پیر ابهت بود در میان روحانیت ایران جزء معدود افرادی بود که به نظم و سازمان معتقد بود ... قدرت سازماندهی او در ایجاد حزب جمهوری، تسلط بر قدرت از طریق مجلس و سازمان دادن سپاه پاسداران و جهاد سازندگی به خوبی آشکار شد ... مرگ او

<sup>۱</sup> - اوبه تنهایی یک امت بود ، دفتر اول ، پیشین ، صص ۱۲ - ۱۱

<sup>۲</sup> - ویژه نامه کیهان ، سال ۶۰-۶۱ ، شماره ۱۱۹۰۲ ص ۱۸

<sup>۳</sup> - خزعلی ، پیشین ، ص ۱۵۱

<sup>۴</sup> - ویژه نامه کیهان ، پیشین ، شماره ۱۱۳۵۱ ص ۱۸

خلاء قدرتی در تمام دستگاہهایی که تحت کنترل او بود به وجود آورد و مشکل است بتوان در میان روحانیت حاکم کسی را یافت که بتواند تمام نقشهای او را عهده دار شود...»<sup>۱</sup>

روزنامه آمریکایی کریسچن سانیس مانیٹورمی نویسد: «اوشخص واقع بینی به نظر می رسد که ممکن بود با مانورهای سیاسی ثباتی در وضع درهم و برهم و هرج و مرج فعلی به وجود بیاورد، مساله ای که اینک پیش می آید این است که خلایق که در اثر کشته شدن او به وجود آمده از طرف چه کسی پر خواهد شد؟».

روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «آیت الله بهشتی کسی بود که از پشت صحنه به قدرت رسیدن روحانیون و سلطه سیاسی آنان را بر ایران کارگردانی کرده بود.».

روزنامه واشنگتن استارمی نویسد: «با مرگ بهشتی، حزب حاکم ایران یکی از مقتدرترین طراحان و مردان سیاست خود را از دست داد. اودر سازماندهی بصیرتی داشت، او با قاطعیت آتشفشان توفنده انقلاب را در جهتی که امام می خواست رهنمون کرد...»<sup>۲</sup>

مجله (المجله) که از طرف دولت عربستان حمایت مالی می شد می نویسد: «اویکی از مهمترین طراحان انقلاب اسلامی بود که منجر به سقوط شاه شد.».

مجله الدستور که حمایت مالی کشور عراق را داشت می نویسد: خونسردی و تیزهوشی از مشخصه های دکتر بهشتی بود و به طور کلی بر اثر انفجار انقلاب ایران، مردانی قاطع و سازش ناپذیر را از دست داد.<sup>۳</sup>

سولیوان در خاطرات خود می گوید: «روحانیون مخالف شاه با امام که در پاریس به سر می برد از طریق آیت الله بهشتی و طالقانی ارتباط برقرار می کردند و این دو از باسوادترین و جالبترین رهبران مذهبی ایران بودند و از اوضاع جهان نیز آگاهی داشتند.»<sup>۴</sup> اسکاچپول استاد جامعه شناسی انقلاب در دانشگاه هاروارد آیت الله بهشتی را فردی دولت ساز و سازمان دهنده می دانست که توانست شرایط وامکانات مناسب را برای پیروزی انقلاب فراهم کند.<sup>۵</sup>

جلال الدین فارسی که در حزب جمهوری فعالیت داشت و کاندید شدنش از سوی حزب برای ریاست جمهوری به دلیل اینکه افغانی الاصل بود بهانه ای بود برای مخالفین و کاندید شدن وی منتفی شد زمانی که در الجزیره بود با چند تن از اساتید دانشگاه گفتگوهای داشت از جمله با بن عیسی، این فرد پس از پیروزی انقلاب بارها به ایران سفر کرده بود و پیشرفت انقلاب ایران او را به وجد آورده بود اودر

<sup>۱</sup> - عزیزاده، پیشین صص ۱۵۶-۱۵۵؛ شعبانی، پیشین، صص ۳۰۳-۳۰۲

<sup>۲</sup> - همان، صص ۱۵۶-۱۵۵؛ صص ۳۰۳-۳۰۲

<sup>۳</sup> - اوبه تنهایی یک امت بود، دفتر اول، پیشین، ص ۱۳۱

<sup>۴</sup> - سولیوان، پیشین، ص ۱۸۴

<sup>۵</sup> - رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲



گفتگوش با جلال الدین فارسی گفته بود « چند سال پیش در مسجد هامبورگ پای سخنرانی یک روحانی دانشمند ایرانی به نام دکتر بهشتی نشستم دریایی از علم بود وقتی غرق اندیشه در گفتار فلسفی او شدم احساس کردم بوعلی از خاک برخاسته و به ایراد کنفرانس ایستاده اویزرگترین دانشمند اسلامی است که دیده ام.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - فارسی ، جلال الدین ، **زوایای تاریک** ، تهران ، حدیث ، ۱۳۷۳ ، صص ۳۴۵-۳۴۶

## شایعات و شبهات:

آیت الله بهشتی در مصاحبه ای که با روزنامه کیهان داشت در مورد تهمت هایی که در موردش شایع کرده بودند گفته بود: «خداوند نعمتی را به من ارزانی داشته و آن این است که در سطح دنیا دشمنان و حتی در سطح ایران دشمنان فریب خورده و یا مزدوران آگاه به هر چه دلشان می خواسته گفته اند آنقدر در باره من در تلویزیون ها و رادیوهای اروپا و آمریکا در مجلات و نشریات بد می گویند و بد می نویسند و آنقدر در داخل ایران روزنامه ها و شب نامه ها و بلند گوها در باره من سمپاشی می کنند که الی ماشاء الله ولی من به هر گوشه ای از ایران می روم چه در تهران و چه در شهرستان ها با مهر و عطف و لطف مردم روبه رو می شوم تجربه به من نشان داده است که اگر ما صمیمانه و مخلصانه به این مردم خدمت کنیم نه به خاطر تشکر مردم بلکه به خاطر رضای خدا خدمت بکنیم خداوند اینقدر سپاهیان دارد که چشم شمانمی بیند و آنها را می فرستد و کید شیطان را باطل می کند.»<sup>۱</sup>

یکی از شایعاتی که در مورد آیت الله بهشتی در بین مردم شایع کرده بودند این بود که او از طرف رژیم به آلمان فرستاده شده و فعالیت های او در سالهایی که در هامبورگ بوده همگی به نفع رژیم و خدمت به رژیم بوده است یعنی در واقع او مأمور رژیم در آلمان بوده که او در جواب گفته بود: «این یک دروغ است و همه کسانی که در جریان این برنامه بوده اند در داخل و خارج دروغ بودن این را می دانند من در آن موقع حتی برای اینکه بتوانم گذرنامه بگیرم با دشواری های زیاد روبه روشدم و بلاخره با اقدام مراجع من توانستم گذر نامه بگیرم مسافرت من به آلمان از طرف مراجع دینی صورت گرفته و هیچ گونه رابطه با رژیم نداشته است»<sup>۲</sup>

حتی اگر گفته های آیت الله بهشتی را تبرئه خود و دروغ فرض کنیم و اینکه او مأمور بودن خود را به نفع رژیم کتمان می کرده باز هم در اسناد ساواک که سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوره رژیم پهلوی بوده و هیچ فعالیتی از سوی مخالفین رژیم از چشم ساواک دور نمی مانده را نمی توان نادیده گرفت. ساواک در اسنادی که جمع آوری کرده نشان می دهد که آیت الله بهشتی بنا به پیشنهاد مراجع تقلید جهت اداره امور مرکز اسلامی هامبورگ عازم آلمان شده بود.<sup>۳</sup> و بیشتر کمکهایی که به این مرکز اسلامی می شد از طرف تجار بازار و مراجع مذهبی بود و هیچ کمکی از طرف اداره اوقاف و وزارت امور خارجه و وزارت آموزش و پرورش به آنجا نشده بود پس اگر او مأمور رژیم بود ساواک در اسنادش اشاره می کرد و از طرفی مراجع و تجار متدین بازاری وقتی متوجه می شدند که او مأمور رژیم است مطمئناً چنین

۱ - افتخارزاده، پیشین، ص ۲۰

۲ - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، پیشین، ج ۲ ص ۲۶۶؛ مظفری، اکبر، جفای دوستان، قم، شاکر، ۱۳۸۵، ص

۱۲۰

۳ - آرشیو اسناد انقلاب اسلامی با شماره بازتابی ۰۰۶۰۹۰۱۲، ۰۰۴۱۰۰۰۴

حمایت مالی را به آن مرکز اسلامی نمی کردند. از طرفی خاطره ایی که مسیح مهاجری از زبان آیت الله بهشتی تعریف می کند و آن ماجرای رفتن شاه به آلمان و قصد بازدید او از مسجد و مخالفت بهشتی با این دیدار نشان از مخالفت او با شاه و عوامل رژیم و مأمور نبودن او می باشد و گرنه او تمام تشریفات و شرایط را برای آمدن شاه برای بازدید از مسجد به کار می برد.

یکی دیگر از شایعاتی که در میان مردم مطرح شده بود همکاری آیت الله بهشتی با رژیم بود و منظور از این همکاری فعالیت او در تدوین کتب دینی بود که آیت الله بهشتی در جواب گفته بود: «پس از آن که من از آلمان بازگشته ام شرکت مرا در تنظیم و تهیه برنامه ها و کتاب های تعلیمات دینی را مطرح کرده اند و آن را به عنوان همکاری با رژیم به خورد مردم داده اند. این هم از آن دروغ های شاخدار است برای اینکه تهیه و تنظیم برنامه برای کتاب های تعلیمات دینی و درس های قرآن که در این سال های اخیر تهیه شد به عنوان یک اقدام موثر در جهت آشنا کردن نسل جوان و نوجوان با اسلام انقلابی شناخته می شود و هر کس این کتاب ها را بخواند نقش این کتاب هارا می داند من با آقای دکتر غفوری و دکتر با هنر یک گروه شدیم و توانستیم این کتاب ها و برنامه ها را طوری تهیه کنیم که از این گروه دیگری بیرون سرایت نکند و نتواند دستگاه از آن باخبر شود و جلوگیری کند و این یک طرح مبارزه ای بود و بیک نوع طرز کار مخفی کاری و پنهان کاری علیه رژیم بود که خوشبختانه به یاری خدا ما تا تهیه کتاب سال ۱۲ را با موفقیت جلو بردیم و درست در آن سال بود که کارمان را تمام کرده بودیم دشمن با خبر شد و با تأسیس اداره ملی و میهنی به جنگ این کار آمده و همان سال تصمیم گرفتند که همه ی این کتاب ها را از دور خارج کنند و کتاب هایی که اینها بر روی آن مطالعه کردند وزیر قسمت عظیمی از آیات مبارزه و جهاد و روایات خط کشیدند و خوشبختانه موقعی دشمن متوجه شد که انقلاب به سمت شکوفایی پیش می رفت و فرصت این کار به دستشان نیامد.»<sup>۱</sup>

آیت الله بهشتی و دوستانش برای اینکه تدوین کتب دینی در محدوده ی فعالیت خودشان باشد هر کدام مسئولیت بخشی از کار را برعهده گرفتند و تمام کارهای مربوط به برنامه ریزی، تالیف و نظارت با خود آنها بود اگر این شایع واقعیت داشته باشد آنها برای اینکه فعالیتشان از دایره ی افراد خود خارج نشود به این روش متوسل نمی شدند برای اینکه کتاب ها به مرحله نهایی شورای عالی آموزش و پرورش نرسد با هر بهانه ای سعی می کردند در آخرین فرصت تحویل چاپ بدهند که فرصتی برای اظهار نظر پیدا نشود و گرنه اگر واقعاً قصد همکاری داشتند و همسو با رژیم بودند نیازی به این روش و ترفند نبود. همچنین محمد جواد باهنر در جواب این سوال که کار شما نوعی همکاری با رژیم محسوب می شود گفته بود که در کل متن کتاب ها جمله ای پیدا نمی شود که حتی غیرمستقیم رژیم را تأیید کند چه برسد مستقیم از

<sup>۱</sup> - مظفری، پیشین، صص ۱۲۴-۱۲۳

طرفی آیت الله بهشتی به خاطر اینکه عکس شاه در این کتاب ها چاپ می شد موافقت نکرده که اسمش در پشت این کتابها نوشته شود همچنین اگر این کار آنها همکاری محسوب می شد رژیم اداره ملی ومیهنی را برای مبارزه با کار آنها تأسیس نمی کرد.

بعضی از مقامات آمریکایی وقتی در ماههای آخر حکومت پهلوی شاهد این بودند که قدرت شاه روبه زوال وسقوط می رود برای جلوگیری از سرنگونی آن سعی کردند به کمک افرادی که مخالف جدی سلطنت وحکومت شاه نبودند با رهبران وسران انقلاب ارتباط داشته باشند ومذاکراتی با آنها انجام دهند. کسانی که رابط بین امام ومردم بودند وپیام وفرمان امام را به گوش مردم می رساندند از جمله این افراد می توان به کسانی چون مطهری، بهشتی، خامنه ای، هاشمی رفسنجانی و... اشاره کرد.<sup>۱</sup>

به همین دلیل در این خصوص شایعاتی در بین مردم به وجود آمد که آیت الله بهشتی با بیگانگان ارتباط داشته از جمله با هایزر وسولیوان اودر جواب خبرنگاری که از او پرسید با ژنرال هایزر آمریکایی تماس داشته یانه؟ گفت: «من با هایزر هیچ برخوردی نداشتم دیدار وقراری با او برایم گذاشته نشده بود تا دیداری داشته باشم قبل از اینکه من عضو شورای انقلاب شوم خط سیاسی مبارزاتی ام خطی بود که تماس با بیگانگان جزو آن نمی آمد بنابراین حاجتی به هیچ گونه تماس با هیچ گروهی از داخل وخارج از آنهايي که خارج از این خط بودند نمی دیدم ... چون چه مقامات داخلی وچه مقامات خارجی فهمیده بودند که یک عده ای با امام طرف مشورت هستند ... برای افرادی از شورای انقلاب پیغام هایی می دادند تماس هایی می خواستند بگیرند این گونه تماسها هم از طرف نمایندگی های سیاسی خارجی پیشنهاد می شد وهم از طرف مقامات داخلی اگر مسایل برای ما خیلی روشن بود خود شورای انقلاب تصمیم می گرفت واگر ابهامی داشت با وسایلی که داشتیم به امام خبر می دادیم وكسب تکلیف می کردیم ... در آن دوره ی پیش از پیروزی انقلاب وبعد از پیروزی انقلاب کسانی از سفارت آمریکا آمده اند من یادم نیست که دیداری با هایزر داشته باشم اگر هایزر بود در همین فرمول بود.»<sup>۲</sup>

اومعتقد بود اصل تماس با دشمن عیب ندارد مهم این است که در این تماس چه موضعی داشته باشیم. چون شرایط مبارزه گاهی تماس با دشمن را به وجود می آورد پس باید سعی کرد اگر تماسی هم صورت می گیرد به نفع خود وكشورمان تمام شود.<sup>۳</sup> به همین دلیل بود وقتی در ۱۸ بهمن سال ۵۸ مهندس بازرگان تماس خود ویکي از اعضای شورای انقلاب را با مقامات خارجی عنوان می کرد آیت الله بهشتی در جواب خبرنگاران گفته بود «من دوستانی را که با مأموریت از طرف شورای انقلاب با هایزر وهر فرد خارجی دیگر ملاقات کرده باشند را محکوم نمی کنم برای اینکه این طبیعی است که در اداره یک

<sup>۱</sup> - خاکساران ، پیشین ، ص ۱۲۲

<sup>۲</sup> - حسینی بهشتی ، سخنرانی ومصاحبه های آیت الله بهشتی ، ج ۲ ، پیشین ، صص ۲۹۸-۲۹۹

<sup>۳</sup> - اوبه تنهایی یک امت بود ، دفتر اول ، پیشین ، ص ۲۷

انقلاب و اداره یک جامعه ما باید با نمایندگان دشمن هم صحبت بکنیم. مهم موضع افراد است.»<sup>۱</sup> ارگان مجاهد که برای سازمان مجاهدین خلق بود زمانیکه امیر عباس انتظام به جرم ارتباط با آمریکایی ها دستگیر شده بود چنین نوشتند: «... مسئله تعجب آور و در عین حال اجتناب ناپذیر این است که چرا در این دادگاه از متهمین و مجرمین رده ی اول اینگونه ارتباطات با سردمداران سیا و پنتاگون خبری نیست؟ آخر بر چه کسی پوشیده است که جناب بهشتی ... که قبل از آقای امیر انتظام و پیش از اوبا سردمداران سیا بده و بستان داشته است؟ آن هم نه فقط در زمانی که مقدرات این مردم ستم دیده به دست امثال ایشان افتاد ..... اگر قرار بود واقعاً دادگاهی برای رسیدگی به پرونده ی کسانی که با آمریکا ارتباط داشته اند تشکیل شود به هیچ وجه جای آقای بهشتی خالی نمی ماند .....»<sup>۲</sup>

و اما در رابطه با مذاکره و ملاقاتی که آیت الله بهشتی با ارتشیان داشته می توان گفت: این مذاکره و ارتباط داشتن سران ارتش با شورای انقلاب خواسته آمریکاییان نیز بود به طوری که عباس امیر انتظام در خاطرات خود چنین می گوید: «جان استمپل که نماینده کمیسیون حقوق بشر آمریکا و دبیر سیاسی سفارت آمریکا بود در ملاقاتهایی که با ارتشیان و سران آن داشت مایل بود که بین فرماندهان ارتش و مهندس بازرگان و دکتر بهشتی تماس برقرار شود و باهم ملاقات کنند و شورای انقلاب در جریان این تماس ها بود بختیار بازرگان را به ناهار دعوت کرد تا مسائل موجود را با مشورت یکدیگر حل و فصل کند ... ملاقاتی نیز بین ارتشبد قره باغی و سپهبد ناصر مقدم و بازرگان انجام گرفت در این ملاقات بازرگان سعی داشت تا فرماندهان نظامی و امنیتی را قانع کند تا از برادر کشتی جلوگیری کنند. او برای ملاقات بین قره باغی و بهشتی تلاش های فراوانی به عمل آورد.»<sup>۳</sup>

وقتی دولت بختیار روی کار آمد ارتش به فرماندهی قره باغی اعلام بی طرفی کرد در حالی که قبل از آن از نظام شاهنشاهی طرفداری می کردند قره باغی هم از آنجایی که جزء سران ارتش بود سعی کرد با اعضاء و سران انقلاب ارتباط برقرار کند و در طی دیداری که سران ارتش با اعضاء شورای انقلاب داشتند آیت الله بهشتی در آن دیدار حضور نداشته اگرچه دوستانش تأکید داشتند که او در این دیدار شرکت کند به خاطر اینکه او یکی از تاکتیک هایی که به کار می برد این بود که اگر آنها خواهان ملاقات هستند و حرفی برای گفتن دارند منزل اعضاء شورای انقلاب یا منزل او بیایند و ارتشیان در جواب او اظهار ناامنی کرده بودند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - بازرگان ، خاطرات بازرگان ، پیشین ، ص ۲۹۳

<sup>۲</sup> - روزنامه مجاهد سال دوم پنج شنبه ۲۰ فروردین سال ۶۰ شماره ۱۱۵ ص ۳

<sup>۳</sup> - امیر انتظام ، عباس ، آن سوی اتهام ، ( خاطرات عباس امیر انتظام شهریور ۵۷ تا خرداد ۶۰ ) تهران ، نشر نی ، چ دوم ، ۱۳۸۱ ، صص ۱۸-۱۹

<sup>۴</sup> - حسینی بهشتی ، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی ، ج ۲ ، پیشین ، صص ۲۹۹-۲۹۱

وقتی شورای انقلاب وارد مذاکره با نظامیان و ارتشیان شد این مذاکره و ملاقات خواسته هردو طرف بود و شورای انقلاب در این رابطه اجازه امام را دریافت کرده بود و آیت الله بهشتی خواستار مذاکره ارتشیان را به اطلاع امام رسانده بود و امام مخالف این کار نبود.<sup>۱</sup> آیت الله بهشتی این خواسته ارتشیان را در اواخر دی سال ۵۷ زمانی که امام در پاریس بود در طی مکالمه تلفنی به اطلاع امام رساند و امام در عین موافقت گفته بود: «با ارتشیان تماس بگیرید دلگرم کنید اطمینان بدهید که حال ارتشی ها بهتر خواهد شد قولی ندهید که نشود عمل کرد.»<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی در مورد این همه دشمنی و شایعات گفته بود «یکی از علل و عوامل این همه حمله و هجوم به من و امثال من این است که ما همواره در برخوردها اعتماد به نفس و خوش بینی به آینده و امید به جامعه می داده ایم ... به خیال خودشان می کوشند ما را که پیک امید برای جامعه بودیم به صورت انسان های ناامید در آورند تا به راحتی موج یأس را در جامعه افزایش دهند روش من در برخورد با شایعات خونسردی و بی اعتنا بودن نسبت به شایعات است چون می دانم که شایعه سازی یکی از نقشه های شوم دشمنان انقلاب است و مسلم است که افرادی که مسئولیت های موثری در انقلاب دارند هر قدر منصفانه تر کار کنند و هر قدر مصالح این ملت را بیشتر رعایت کنند و هر قدر با دشمنان اسلام و کشور بیشتر درگیر شوند در معرض این توطئه<sup>۳</sup> قرار می گیرند.»

اخیراً در خارج از کشور کتابی به نام دامگه حادثه به چاپ رسیده که خاطرات پرویز ثابتی است که به شکل مصاحبه با عرفان قانعی فرد تنظیم شده است در این کتاب فردی به نام پرویز ثابتی به عنوان مدیر امنیت داخلی ساواک مطالبی را عنوان کرده که بخشی از این مطالب مربوط به آیت الله بهشتی می باشد از جمله ارتباط منوچهر آزمون با آیت الله بهشتی، همکاری آیت الله بهشتی با ساواک زمانیکه مسئول مرکز اسلامی هامبورگ بوده، ارتباط و رفاقت با سرتیب اکبر دادستان که پسر خاله ی شاه نیز بوده و ارتباط با ساواک زمانیکه در سازمان تدوین کتب دینی فعالیت می کرد. این کتاب به طور مفصل جریان انقلاب ۱۳۵۷ را از زبان پرویز ثابتی به عنوان مدیر امنیت داخلی ساواک بیان می کند بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی در رابطه با ادعاهای ثابتی پاسخ هایی را ارائه داده است. از جمله اینکه «اگر ادعای ثابتی در رفاقت گرمابه و گلستان اکبر دادستان با شهید بهشتی اندک بهره ای از واقعیت داشت علی القاعده اعضای خانواده و دوستان همیشه همراهش می بایست حداقل نامی از او شنیده باشند در حالی که در پرس و جو از اعضای خانواده و معاشران شهید در آلمان مشخص شد که این نخستین بار است که از وجود چنین

<sup>۱</sup> - طباطبایی، صادق، **خاطرات سیاسی اجتماعی صادق طباطبایی**، ج ۳، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵

<sup>۲</sup> - یزدی، ابراهیم، **آخرین تلاشها در آخرین روزها**، بی جا، قلم، ۱۳۶۳، صص ۱۳۹-۱۳۸

<sup>۳</sup> - حسینی بهشتی، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی، ج ۲، پیشین، صص ۲۸۵-۲۷۴؛ مصاحبه ها: جاودانه تاریخ ج ۲، پیشین، ص

شخصی با خبر می شوند. از این گذشته اگر چنین رابطه ای میان رژیم شاه وبه ویژه ساواک با شهید بهشتی وجود داشته وجود ده ها سند منتشر شده ساواک که حاکی از فعالیت های سیاسی ضد رژیم اودر آلمان و اروپاست را چگونه می توان توضیح داد جالب این است که ممنوع الخروج شدن شهید بهشتی در سال ۴۹ و نیز دستگیری او توسط کمیته مشترک ضد خرابکاری به بهانه ی ارتباط او با اتحادیه انجمن های اسلامی در اروپا انجام گرفت چگونه کسی که به تعبیر رایج آن زمان با دستگاه مرتبط بوده می توانسته با مهم ترین تشکل دانشجویی همسوبا نهضت اسلامی همکاری تنگاتنگ داشته باشد؟»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی

## بهشتی و گروه های مسلح:

۱- فدائیان اسلام: در مورد نحوه ی تشکیل جمعیت فدائیان اسلام باید گفت که زمانیکه نواب صفوی متوجه شد که جریان ضد دینی کسروی با سرعت در حال پیشروی است جریانی که با اسلام و ارزش های اسلامی در تضاد بود تصمیم جدی برای مقابله با این جریان فکری گرفت و برای چنین مقابله ای نیاز به تشکیلات منسجم نظامی و سیاسی در قالب آموزش های اسلامی داشت او معتقد بود که این تشکیلات مقابله با جریانات ضد اسلامی باید متشکل از افرادی باشد که دارای روحیه ی ایثار و از خود گذشتگی باشند و باید همه گونه فداکاری را در راه مبارزه به کار ببرند، با این دیدگاه نواب صفوی در سال ۱۳۲۴ جمعیت فدائیان اسلام را تشکیل داد و با انتشار اعلامیه ای موجودیت و تاسیس جمعیت خود را اعلام کرد. فدائیان اسلام پس از دوره ای مبارزه ی فرهنگی و تبلیغی علیه رژیم به این قطعیت رسیده بودند که برای مبارزه، فعالیت فرهنگی به تنهایی جوابگو نیست بلکه در کنار فعالیت فرهنگی باید از روش مسلحانه نیز استفاده کرد.<sup>۱</sup>

خاتمه دادن فدائیان اسلام به جریان فکری احمد کسروی که هدف ضدیت با اسلام را دنبال می کرد باعث شهرت و مطرح شدن آنها شد. این جمعیت در سال های فعالیت خود در حوادثی که منافع ملی اقتضا می کرد همگام با مردم با رهبران نهضت ملی یعنی آیت الله کاشانی و مصدق همکاری کردند تا ملت ایران به حقوق خود برسد و جلوی غارت سرمایه ی ملی را بگیرند.<sup>۲</sup>

جمعیت فدائیان اسلام با رهبری نواب صفوی هدفی را که دنبال می کردند این بود که بتوانند حکومت اسلامی تشکیل دهند و معتقد بودند برای برپایی این حکومت اسلامی باید از روش مسلحانه استفاده کرد آنها این روش را برای اسلام و دفاع از آن بسیار مناسب می دانستند و به قدری این روش از نظر آنها قابل قبول و مناسب بود که عقیده به این داشتن که نباید از کشته شدن دشمنان اسلام هراسی به دل راه داد. آنها با همین عقیده در کارنامه ی عملکردشان ترور افرادی چون کسروی را در سال ۲۰ اسفند ۱۳۲۴، هژیر در ۱۳ آبان ۳۸، و رزم آرا در شانزده اسفند ۲۹ را به ثبت رساندند. و عمل کشتن این افراد را ترور قلمداد نمی کردند و در توجیه کارشان آن را در دفاع از اسلام عنوان می کردند این جمعیت در تاریخ معاصر کشورمان سردمدار مبارزه مسلحانه بودند و نخستین بار مبارزه مسلحانه توسط اینها مطرح شد. فدائیان اسلام با توجه به فضای خاصی از جمله برخورد با جریان ضد دینی که در حال گسترش بود به وجود آمده بود و متشکل از افرادی بودند که به دلیل روحیه از خود گذشتگی و ایثار در راه اسلام و دفاع از آن تأسیس شده بود و افراد این جمعیت جزء تحصیل کردگان و یا قشر خاصی نبودند و برای تشکیل خود مرانامه

<sup>۱</sup> - امینی ، پیشین ، صص ۶۹-۶۸

<sup>۲</sup> - همان ، صص ۴۹-۴۸



واساسنامه ی تدوین شده ای نداشتند حتی تشکیلاتشان به صورت منسجم نیز نبود پس در نتیجه نمی توان آنها را در دایره ی احزاب سیاسی که تشکیلات منسجم و سازماندهی شده ای دارند قرار داد.<sup>۱</sup>

فدائیان اسلام در کارنامه روش مسلحانه خود همیشه موفق نبوده اند بلکه در یکی دومورد با نا کامی روبه رو شدند از جمله در ترور حسین فاطمی که در ۲۵ بهمن سال ۳۰ توسط محمد مهدی عبد خدایی صورت گرفته بود این حادثه زمانی که فاطمی در مراسمی بر سر قبر محمد مسعود که روز نامه نویس بود اتفاق افتاد آنها فاطمی را یکی از عاملین جدایی خط اسلامی نواب از دولت ملی می دانستند.<sup>۲</sup>

درما جرای ترور حسین علاء نیز با نا کامی روبه رو شدند زمانی که دولت زاهدی سقوط کرد و دولت علاء روی کار آمد در زمان دولت او ایران به پیمان نظامی بغداد که کشورهای ایران، عراق، ترکیه و پاکستان عضو آن بودند و با آمریکا و انگلیس در مقابل شوروی متحد شدند فدائیان اسلام پس از با خبر شدن از این ماجرا تصمیم به ترور حسین علاء گرفتند که در انجام ترور با شکست مواجه شدند که پس از این ترور بود که سران اصلی جمعیت فدائیان اسلام در سال ۳۴ دستگیر و اعدام شدند و پس از این ضربه یعنی اعدام نواب و یارانش فدائیان اسلام فعالیت علنی و آشکار نداشتند و به صورت مخفیانه فعالیت خود را ادامه دادند با اوج گرفتن نهضت امام به خصوص پس از ۱۵ خرداد سال ۴۲ تعدادی از اعضای فدائیان از جمله حاج صادق امانی، مهدی عراقی به مولفه پیوستند.<sup>۳</sup>

سیاست مسلحانه که اولین بار توسط فدائیان اسلام به کار برده شد اگر چه موقتاً نتایجی به همراه داشت اما در دراز مدت نتوانست کاری از پیش ببرد.<sup>۴</sup>

**۲- هیأت های مولفه :** هیأت های مولفه که در سال ۴۲ بنا به پیشنهاد امام خمینی از ائتلاف سه جمعیت در قم با هم آشنا و ترکیب شدند و مولفه را به وجود آوردند برای خود شورای مرکزی داشت با عضویت حاج مهدی شفیق، عسگر اولادی، لاجوردی، عراقی و... تشکیل شده بود و همگی این اعضا جزء تجار و بازاریان بودند اعدام حسنعلی منصور توسط شاخه ی نظامی ضربه مهلکی بر مولفه وارد ساخت چرا که بعد از ترور نخست وزیر رژیم اقدام به دستگیری و اعدام عاملین ترور و اعضای مولفه کرد پس از این ماجرا فعالیت مولفه روبه رکود رفت.<sup>۵</sup>

عملکرد مولفه در ترور حسنعلی منصور نشانگر این است که آنها متاثر از روش فدائیان بودند.<sup>۶</sup> یک ابهامی که در رابطه با شورای فقهی و فتوای ترور حسنعلی منصور وجود دارد این است که شورای فقهی که با پیشنهاد شورای مرکزی مولفه و تأیید امام تشکیل شده بود عبارت بود از بهشتی، انواری، مطهری

۱ - همان ، صص ۱۱۷-۱۱۴

۲ - همان ، صص ۲۷۰-۲۶۹

۳ - همان ، صص ۳۴۵-۳۲۲

۴ - جعفریان ، پیشین ، ص ۱۱۸

۵ - شعبانی ، پیشین ، پاورقی ص ۱۰۹

۶ - جعفریان ، پیشین ، ص ۱۰۹

ومولایی رابطه ای که شورای فقهی با اعضای موتلفه داشت این بود که آنها در امور ایدئولوژیکی به هیأت های موتلفه کمک می کردند و رابطه آنها به صورت رابطه منسجم تشکیلاتی نبود این اعضای شورای فقهی در بعضی از جلسات شورای مرکزی شرکت می کردند.<sup>۱</sup>

به گفته شهید بهشتی «شورای فقهی مسئول این بود که مسائل مبارزاتی آن تشکیلات را چه از نظر انطباق و موازین با اسلام و چه از نظر اعمال ولایت فقیه برعهده داشته باشد.<sup>۲</sup>» و اما در باره ی ترور نخست وزیر حسنعلی منصور اعضای شاخه نظامی موتلفه فتوا را از این ۴ تن شورای فقهی نگرفتند از طرفی نحوه ی فتوا گرفتن به این صورت بود که اعضای شاخه نظامی به صورت کلی و مبهم سوال می پرسند که اگر فردی با این مشخصات چنین کاری کرده باشد تکلیف چیست در جواب مهذور الدم بودن فرد را شنیده بودند. مهدی شفیق که از اعضای شورای مرکزی موتلفه بود اظهار داشته که آیت الله بهشتی در جریان ترور منصور نبود.<sup>۳</sup>

هر چند فعالیت موتلفه تا سال ۴۹ ادامه پیدا کرد اما این فعالیت در همکاری با مجاهدین خلق صورت گرفت و به نام موتلفه فعالیت خاصی انجام ندادند و پس از این که مجاهدین خلق در سال ۵۴ تغییر ایدئولوژی دادند از آنها فاصله گرفتند و به مخالفت با آنها پرداختند و پس از پیروزی انقلاب در حزب جمهوری مشغول به فعالیت شدند.<sup>۴</sup> هیأت های موتلفه، هیأت های مذهبی فعال در بازار بودند که بیشتر به فعالیت های دینی و اجتماعی و خیریه مشغول بودند و نسبت به فدائیان اسلام کمتر به دنبال یک ایدئولوژی سیاسی و مذهبی بودند. در واقع آنها در دهه ی ۴۰ با تبعیت از رهبری امام مشغول به فعالیت سیاسی شدند و پس از مدتی فعالیت، فعالیت سیاسی آنها به دنبال تبعید امام و دستگیری افراد شاخص آن خیلی کم شد از اعضای این جمعیت اثر مکتوبی که بیانگر تلاش آنها برای بارور شدن اندیشه های دینی باشد وجود ندارد.<sup>۵</sup>

**۳- سازمان مجاهدین خلق :** واقعه پانزده خرداد نقطه عطفی بود برای مبارزان سیاسی، آنها با وجود اینکه در مبارزه خود علیه رژیم تردیدی نداشتند اما در طریقه مبارزه و چگونگی آن دچار تردید شده بودند. بسیاری از احزاب و گروه ها از جمله موتلفه و مجاهدین تنها راه مبارزه را مبارزه مسلحانه می دانستند در واقع اگر چنین گروههایی سر بر آوردند به دلیل برخوردهای استبدادی حکومت شاه با

۱ - رنجبران ، پیشین ، ص ۹۲

۲ - حسینی بهشتی ، سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی ، ج ۲ ، پیشین ، ص ۱۰۰

۳ - رنجبران ، پیشین ، ص ۹۳

۴ - قدیریان ، پیشین ، پاورقی ص ۷۸

۵ - مقصودی ، پیشین ، ص ۲۰۳

مخالفانش بود.<sup>۱</sup> از طرفی پیروزی گروه های چریکی در جهان از جمله در الجزایر، کوبا، ویتنام، چین، و فلسطین در تصمیم مبارزان ایرانی و اتخاذ روش مسلحانه نیز مؤثر بود.<sup>۲</sup>

سازمان مجاهدین خلق توسط تعدادی از جوانانی که عضو نهضت آزادی بودند در سال ۱۳۴۴ تشکیل شد بنیانگذاران این سازمان محمد حنیف نژاد، سعید محسن، و علی اصغر بدیع زادگان که هر سه دانشجوی دانشگاه تهران بودند این سه به همراه نه تن دیگر از دوستانشان کمیته مرکزی این سازمان را به وجود آوردند آنها پس از سه سال مطالعه تئوری در سال ۴۷ سعی کردند در ساختار سازمان خود تغییراتی ایجاد کنند وزمینه را برای ورود به مرحله نبرد مسلحانه آماده کنند در این سالها افراد سازمان مجاهدین مورد حمایت نیروهای ملی و مذهبی بودند در سال ۱۳۵۰ زمانی که مجاهدین قصد داشتن در جشن ۲۵۰۰ ساله رژیم عملیاتی انجام دهند توسط عوامل نفوذی ساواک در سازمان، عملیاتشان برملا شد به دنبال آن ساواک بیشتر سران و افراد اصلی سازمان را دستگیر کرد و این ضربه سنگینی بر پیکره ی سازمان مجاهدین وارد ساخت. از سال ۵۲ ایدئولوژی سازمان به سمت اندیشه های مارکسیستی گرایش پیدا کرد و رهبری این گرایش مارکسیستی را تقی شهرام و بهرام آرام برعهده داشتند اینها برای قبولاندن ایدئولوژی مارکسیستی به جای اسلام در سازمان با نیروهای مذهبی خود درگیر شدند به طوری که افرادی چون شریف واقفی و مرتضی صمدیه در درگیری و مخالفت با آنها کشته شدند این گرایش به قدری جدی شده بود که آیه فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً از آرم سازمان حذف شد تا آنکه سرانجام در سال ۵۴ با انتشار بیانیه ای به صورت رسمی و علنی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق اعلام شد. و تا سال ۵۷ با همین گرایش مارکسیستی به حیات خود ادامه داد در بین سال های ۵۴ تا ۵۷ گروههای زیادی از مجاهدین مارکسیست انشعاب پیدا کردند از جمله سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بود.<sup>۳</sup> چیزی که سازمان مجاهدین خلق را از بقیه گروه های مسلح مخالف رژیم متمایز می کرد این بود که از تشکیلات منسجمی برخوردار بود و این به دلیل مطالعه عمیق و وسیع رهبران و ایدئولوگ های این سازمان بود.<sup>۴</sup>

و اما نظر آیت الله بهشتی در مورد نبرد و روش مسلحانه این بود اگر مبارزه اشکال مختلفی دارد چه به صورت پرخاشگری و چه به صورت ساماندهی بنیان فکری و یا غیره خود او تأکیدش بر بنیان فکری بود و سعی می کرد در این زمینه بیشتر فعالیت کند.<sup>۵</sup>

۱ - جعفریان، پیشین، ص ۲۲۴

۲ - مقصودی، پیشین، ص ۲۱۷

۳ - همان، صص ۲۲۶-۲۲۳

۴ - شعبانی، پیشین، ص ۱۷۳

۵ - علیزاده، پیشین، ص ۱۳۱

علیرضا بهشتی فرزند آیت الله بهشتی معتقد است «اصولاً در جریان مبارزه آیت الله بهشتی به کار زیر بنایی بیشتر اهمیت می داد تا به پرخاشگری سیاسی ایشان در صدد بود که کارهای زیر بنایی که در دراز مدت ممکن بود جواب دهد انجام دهد مثل شناسایی و تربیت انسانی و سازماندهی آنها هر قدر در جریان مبارزه جلوتر می آمد جهت گیری او به این سمت بود مهمترین دلیلش برای انتخاب این روش تجربیات تاریخی بود مثلاً می دید که در جریان ملی شدن صنعت نفت یکی از علل شکست نبود یک ایدئولوژی است که نهضت بخواهد بر اساس آن عمل کند در نتیجه به سمت فعالیت های ایدئولوژیک می رود ... او طرفدار کار فکری و تربیت نیرو بر اساس آن کار فکری بود ... هدف ایشان ارائه یک منظومه فکری از اسلام بود تا بر اساس آن نیرو تربیت شود او پرخاشگری سیاسی نداشت وقتی او به شیوه ی پرخاشگری سیاسی اعتقادی نداشت قاعدتاً به عملیات نظامی هم نمی تواند اعتقاد داشته باشد.»<sup>۱</sup>

در طی مصاحبه ای که بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی با هاشمی رفسنجانی داشت به روش مبارزه ی آیت الله بهشتی نیز اشاره شده یکی از سوالاتی که این بنیاد از او پرسیده این بود که او با توجه به اینکه در مصاحبه های قبلی خود اظهار کرده که آیت الله بهشتی تمایلی به پرخاشگری در امور مبارزه و نهضت نداشت و به جای آن به نیروسازی تاکید داشت حتی به نیروسازی قبل از مبارزه نیز توجه داشته اما او آیت الله خامنه ای به نیروسازی در عین مبارزه تفاوت این دو دیدگاه در چیست؟ او در جواب گفته بود: روش آیت الله بهشتی به گونه ای بود که معتقد بود دیگر تهاجم و حمله اصالت و اهمیت ندارد و باید در مبارزه اولویت را به نیروسازی داد.<sup>۲</sup>

آیت الله بهشتی معتقد بود «پیروزی مبارزات مکتبی ملت ما در خط رهبری امام یک تجربه مثبت انقلابی است که نشان داد بازوی مسلح تنها در حد ضربه وارد آوردن به دشمن به کار رفت اما آنچه دشمن را از پای در آورد حرکت گسترده انقلابی، اجتماعی، سیاسی اسلامی مردم ما بود که به صورت یک سیل خروشان و یک طوفان عمومی کاخ بیداد رژیم را از بیخ و بن برکند و نابود کرد.»<sup>۳</sup>

فعالیت و عملکرد هایی که آیت الله بهشتی در سالهای قبل و بعد از انقلاب داشت نشان از این است که او به ساماندهی فکر و تربیت نیروی انسانی و کادر اهمیت بیشتری می داده و برای این نظر می توان به تأسیس مدارس و برنامه هایی که او در حوزه و مدارس پیاده می کرد و همچنین فعالیت او در سازمان تدوین کتب دینی پس از بازگشت از آلمان با وجود موقعیت کاری بهتر اشاره کرد.

<sup>۱</sup> - رنجبران، پیشین، صص ۹۴-۹۰

<sup>۲</sup> - روزنامه شرق، سال نهم، شماره ۱۵۵۹، ۳/۴/۹۱، صص ۸

<sup>۳</sup> - نیمه پنهان: رهایی از توهم / خاطرات عضو سابق سازمان مجاهدین خلق، تهران، کیهان، ۱۳۸۷، صص ۲۳۰

## فاجعه ی ۷ تیر سال ۶۰ و شهادت آیت الله بهشتی:

در سالهای ۵۹-۶۰ دشمن تمام تلاش خود را برای تبلیغات سوء علیه آیت الله بهشتی به کار برد و این تبلیغات به قدری شدید بود که علاوه بر اینکه افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده بود برخی از دوستان و اطرافیان آیت الله بهشتی را نیز دچار تردید کرده بود و در اواخر عمر او این تبلیغات سوء کار را به آنجا رسانده بود که امام با آن نفوذ کلامش نمی توانست با صراحت از ایشان دفاع کند و یاری را به سخنرانی و اقامه نماز جمعه بفرستد.<sup>۱</sup>

به دنبال برکناری بنی صدر، طرفداران وی به حمایت از او به نبرد مسلحانه روی آوردند از جمله این طرفداران مجاهدین خلق بودند آنها حذف مقامات جمهوری اسلامی و به ویژه رقبای بنی صدر را در حزب جمهوری از طریق ترور و انفجار در سر لوحه ی کار خود قرار دادند در ابتدا روز ۶ تیر سال ۶۰ زمانی که تنها پنج روز از عزل بنی صدر گذشته بود آیت الله خامنه ای را زمانی که در مسجد اباذر امام جماعت بود مورد سوء قصد قرار دادند، در این سوء قصد با وجود جراحت شدید ترور آنها با ناکامی روبه روشد چون آیت الله خامنه ای با وجود جراحت شدید نجات پیدا کرد.<sup>۲</sup>

هدف بعدی مخالفین نظام در ۷ تیر به مرحله ی اجرا در آمد یعنی یک روز پس از سوء قصد به جان آیت الله خامنه ای، این اتفاق در روز یکشنبه ۷ تیر زمانیکه شورای مرکزی حزب جمهوری جلسه ای را در دفتر خود یعنی در سرچشمه ی تهران برگزار کرده بود به وقوع پیوست در این جلسه آیت الله بهشتی قبل از اینکه سخنرانی خود را شروع کند پیشنهاد کرده بود وقت سخنرانی را به دو قسمت تقسیم کند در بخش اول در مورد ریاست جمهوری و ریاست آن و بخش دوم به بحث تورم اختصاص پیدا کند. که این پیشنهاد با موافقت اکثریت جمع حاضر روبه روشد، چند دقیقه ای از شروع سخنرانی نگذشته بود که ساختمان حزب بر اثر انفجار بمب فرو ریخت.<sup>۳</sup>

در انفجار دفتر حزب جمهوری علاوه بر آیت الله بهشتی دوستان دیگرش که در آنجا بودند نیز به شهادت رسیدند، شمار کشته شدگان این حادثه ۷۲ تن بود این تعداد ترکیبی از چهار وزیر به نامهای حسن عباسپور (وزیر نیرو)، علی اکبر فیاض بخش (مشاور بهزیستی)، محمود قندی (وزیر پست و تلگراف و تلفن) کلانتری (وزیر راه و ترابری) و ۲۷ تن از نمایندگان مجلس به نامهای رحمان استکی (نماینده ی شهرکرد) سید رضا پاک نژاد (نماینده ی یزد) علیرضا چراغزاده ی دزفولی (رامهرمز) محمد تقی حسینی طباطبایی (زابل) محمد باقر حسینی لواسانی (تهران) شمس الدین نائینی (نائین) غلامحسین حقانی

<sup>۱</sup> - بنایی، عبدالمجید، خاطرات حجت الاسلام شیخ عبدالمجید بنایی، باکوشش مصطفی قلی زاده علیار، تهران، مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، صص ۲۱۱-۲۱۲

<sup>۲</sup> - نعمتی زرگران، پیشین، ص ۲۰۹

<sup>۳</sup> - شعبانی، پیشین، صص ۲۸۸-۲۹۱

(بندر عباس) محمد علی حیدری (نهادند) عباس حیدری (بوشهر) غلامرضا دانش آشتیانی (تفرش و آشتیان) محمد کاظم دانش (شوش و اندیمشک) علی اکبر دهقان (تربت جام) عبد الحمید دیالمه (مشهد) فخرالدین رحیمی (ملاوی لرستان) محمد جواد شرافت (شوشتر) میر بهزاد شهریاری (رود باران) محمد حسین صادقی (درودوازا) قاسم صادقی (مشهد) نورالدین طباطبایی نژاد (اردلان) محمد حسین طیبی (اسفراین) سیف الله عبدالکریمی (لنگرود) عبد الوهاب قاسمی (ساری) عماد الدین کریمی بیژنی نژاد (نوشهر) محمد منتظری (تهران) عباسعلی ناطق نوری (نور) مهدی نصیری (لارستان) علی هاشمی سنجابی (اراک) و دیگر مسئولان و اعضای حزب جمهوری بودند.<sup>۱</sup>

عمق فاجعه ی ۷ تیر به قدری وسیع بود که آیات عظام از جمله گلپایگانی، نجفی مرعشی، خادمی و سید عبدالله شیرازی برای تسلی خاطر امام و امت پیام جداگانه ای دادند.<sup>۲</sup>

آیت الله خلخالی در خاطرات خود در مورد این حادثه می گوید: «عمق فاجعه ی ۷ تیر سال ۶۰ خیلی بیشتر از آن بود که در فکر بگنجد مخالفین نه تنها قصد توطئه، بلکه قصد براندازی جمهوری اسلامی و اسلام را داشتند احتمالاً دول غربی در این توطئه با آن ها همکاری می کردند چنان که دیدیم پس از وقوع حادثه نه سازمان ملل و نه دبیر کل آن کورت والدهایم و نه عضو بین الملل و نه آمریکا و انگلستان و فرانسه و هیچ یک این بمب گذاری را محکوم نکردند رسانه های گروهی وابسته ی به غرب و صهیونیسم بین المللی همه از این جریان خوشحال بوده و از آن استقبال می کردند.»<sup>۳</sup>

و اما در مورد انفجار دفتر حزب باید گفت بسیاری از اسناد و نوشته ها نشان از این دارد که این حادثه توسط سازمان مجاهدین خلق طراحی شده بود به طوری که یکی از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق که محمد جواد قدیری نام داشت و عامل ترور آیت الله خامنه ای در ۶ تیر بود گفته بود که روز ۷ تیر عمر نظام اسلامی به سر خواهد آمد. مسعود رجوی و موسی خیابانی که از سران اصلی سازمان بودند نیز هر دو به ضربه اصلی و مهم پس از سی خرداد و روی آوردن آنها به روش مسلحانه اشاره کرده اند و با کنایه و غیر مستقیم آن را به خود نسبت می دادند. به طوری که موسی خیابانی با تشبیه کردن سازمان به جوان، انفجار ۷ تیر را سیلی محکم آن جوان به رژیم جمهوری اسلامی توصیف کرده بود و این حادثه را ضربه جبران ناپذیری دانسته بود که کمر نظام اسلامی را خواهد شکست و قادر به راست کردن کمر خود نخواهد بود و این عمل خود را مرحله جدید مبارزه ی سازمان معرفی کرده بود.<sup>۴</sup>

۱ - سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴-۱۳۸۴) پیشین، صص ۶۰۶-۶۰۵

۲ - ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، قم، مکتب الحسین، ۱۴۰۲ ق، صص ۵۰۵-۵۰۳

۳ - خلخالی، پیشین، ص ۳۱۷

۴ - سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، پیشین، صص ۵۹۵-۵۹۳

مسعود رجوی نیز با اشاراتی که کرده بود نشان می دهد که این حادثه را سازمان مرتکب شده بود . او گفته بود « در مرحله ی اول نوبت سران سیاسی بود قبل از هر چیز شاه مهره ها هدف بودند ، ما در فاز نخستین تهاجمان با عمل بزرگ شروع کردیم و در رأس همه ، عملیات تاریخی الله اکبر که این اسم هم پیشاپیش برایش گذاشته شده بود ..... یک مرحله را پیش بردیم کدام مرحله ؟ بی آینده کردن رژیم و سلب ثبات از آن .... خلاصه در یک کلام کار کسی جز مجاهدین نبود ..... که در مجموع حساب شده و برنامه ریزی شده بود...»<sup>۱</sup>

مسعود رجوی در مصاحبه ای که با نشریه الوطن العربی در سال ۶۱ داشت گفته بود که مبارزه مسلحانه سازمان در سالهای نخستین نتایج خوبی را برای سازمان به ارمغان آورد تا جایی که توانست پایه های رژیم را به طور اساسی متزلزل کند و شخصیتهایی که گمان می رفت پس از امام خمینی مقام رهبری به آنها سپرده می شود را نا بود کند. که ترجمه این مصاحبه توسط نشریه مجاهد که ارگان سازمان بود منتشر شد. این نشریه در مورد حادثه ی ۷ تیر چنین نوشته بود: « از بین رفتن ۷۰ درصد کادر رهبری و ارکان حکومتی اش در نقاط مختلف کشور و بی آینده شدن مطلق رژیم دقیقاً محصول مقاومت انقلابی مسلحانه و به خصوص مرحله ی اول استراتژیک آن بوده است ..... بهشتی تنها شاه مهره ای بود که می توانست آینده رژیم را تضمین کند و در همین جاست که عظمت انقلابی و سرنوشت ساز مرحله اول استراتژی مقاومت روشن می شود...»<sup>۲</sup>

وزارت خارجه آمریکا نیز در طی گزارشی که در سال ۱۹۹۴م (۱۳۷۳)ش منتشر کرد مسئول انفجار هفتم تیر را سازمان مجاهدین خلق معرفی کرده است اینکه مجاهدین اقدام به ترور و بمب گذاری علیه رژیم کردند و برجسته ترین ترور آنها در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۱م (۷ تیر ۱۳۶۰) بود که در این حادثه ۷۴ تن از رهبران رژیم را به کشتن داد. و اما در مورد کسی که مسئول انفجار دفتر حزب بود ، پس از یک هفته از وقوع حادثه ۷ تیر سپاه پاسداران عامل انفجار را محمد رضا کلاهی معرفی کرد سپاه پاسداران مشخصات او را چنین گزارش داده که او فرزند حسن متولد ۱۳۳۸ دارنده شماره شناسنامه ۱۲۵۱ دانشجوی سال اول رشته برق دانشگاه علم و صنعت و از مردم خواست که در پیدا کردن و دستگیری او آنها را یاری کنند.<sup>۳</sup>

حجت الاسلام دعاگو در مورد اینکه محمد رضا کلاهی چگونه با وجود اینکه از اعضای مجاهدین خلق بود در دفتر حزب جمهوری نفوذ پیدا کرد و موفق به انجام ترور شد می گوید: « یکی از دوستان بزرگوار ما کلاهی را به حزب جمهوری معرفی کرده بود در باره ی او تحقیق بنیادی نشده بود و دقت کافی به

۱ - همان ، صص ۵۹۵-۵۹۳

۲ - همان ، ص ۵۹۶

۳ - همان ، صص ۶۰۲-۵۹۷

عمل نیامده بود اودر اوایل ۵۸ وارد حزب جمهوری شد و حدود یک سال ونیم فعالیت کرد سازمان مجاهدین برنامه ریزی کردند واز طریق تظاهر به دینداری ، حضور در مسجد ، برگزاری نماز جماعت وفعالیت در جمع حزب الهی ها اورا موجه کردند تا مقبول یک روحانی قرار بگیردوبدین وسیله وارد حزب جمهوری شود»

اوهمچنین گفته : «در طی جلسه ای که بین اعضاء و سران حزب جمهوری برگزار شده بود کلاهی اطلاعیه ای از مجاهدین خلق راکه در آن سران حزب وروحانیت تهدید به قتل شده بودند را به افراد حاضر در جلسه نشان داد ووقتی چگونگی رسیدن این اطلاعیه به دست اورا پرسیده بودند گفته بود از طریق دوستان آن را گرفته است. کلاهی در حزب مسئول آوردن وسایل صوتی ، تهیه مواد مورد نیاز وجزوه ها بود به همین دلیل وقتی بمب را در داخل کارتن به دفتر حزب آورده بود از آنجایی که قابل اطمینان بود همه با این تصور که کتاب وجزوه است کسی به او شک نکرده بود»<sup>۱</sup>

فردی به نام سعید شاهسوندی که قبلاً عضو سازمان مجاهدین خلق بود ودر عملیات مرصاد(فروغ جاویدان) مردادسال ۶۷ شرکت داشت که در این عملیات خودرا به نیروهای جمهوری اسلامی تسلیم کرد ومدتی زندانی شد وبعد با نظر آیت الله خامنه ای از زندان آزاد شد وبه آلمان رفت ودر همان جا از سال ۶۸ تاکنون علیه رجوی وسازمان افشاگری می کند. وی در خصوص انفجار دفتر حزب جمهوری در ۷ تیر سال ۶۰ در طی مصاحبه ای که با یکی از روزنامه ها داشت مطالب ناگفته ای را عنوان کرد<sup>۲</sup>. وی اظهارداشته که کلاهی طرفدار مجاهدین بود وباتغییر موضع دادن خود را طرفدار حزب جمهوری نشان داد وبا پاسدار شدن در کمیته انقلاب اسلامی ولیعصر که در خیابان پاستور واقع بود مشغول به کار شد وسپس رفته رفته پس از مورد اعتماد واطمینان واقع شدن به دفتر مرکزی راه پیدا کرد کلاهی از آنجایی که دانشجوی رشته ی مهندسی برق بود در کارهای فنی تخصص داشت واین خود مزیتی بود برای او که روز به روز مورد توجه قرار می گرفت<sup>۳</sup>.

کلاهی مسئول جلسات وکنفرانس هایی بود که در حزب برگزار می شد ، حفاظت از سالن را هم به دلیل اعتماد ، به او سپرده بودند این موقعیت در حزب این امکان را به وی می داد که اطلاعات حزب را به سازمان برساند و کسی به اوشک نمی کرد . کلاهی برای جاسازی بمب دو محل را انتخاب کرده بود یکی سبد کنار تریبون و دیگری کنار ستون اصلی ، این عملیات ونتیجه ی آن به قدری برای سازمان مهم بود که قبل از طرح واجرای عملیات موسی خیابانی برای اینکه مطمئن شود چاشنی ها درست عمل می

<sup>۱</sup> - دعاگو، پیشین ، صص ۲۴۳-۲۴۰

<sup>۲</sup> - مصاحبه با محمد جواد مظفر ، پیشین

<sup>۳</sup> - پایگاه تحلیلی خبری هراز نیوز HarazNews.ir.com ، ۹۱/۴/۱۱



کنند آنها را از قبل کنترل کرده بود این عملیات که در ساعت ۹ قرار بود اجرا شود نام رمزش الله اکبر بود . شاهشوندی همچنین می گوید: « طبق برنامه ی از قبل آماده شده و در پی موافقت با عبدالرحمن قاسملو دبیر کل وقت حزب منحل دموکرات کردستان من و سه نفر دیگر به عنوان مؤسس رادیو مجاهد عازم مهاباد و کردستان شدیم یکی دو ماه بعد سازمان فردی را برای حفاظت به کردستان آورد که او کلاهی بود ..... بعد ها چند بار او را در بغداد دیدم آخرین شنیده های من در مورد او این است که در روند تحولات ایدئولوژیکی درون سازمان مجاهدین اوهم به لحاظ اعتقادی مساله دار شده.....»<sup>۱</sup>. مسعود خدابنده که قبلاً عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق بوده در طی مصاحبه ای که با شبکه دولتی صدای آمریکاداشته در مورد حادثه ی ۷ تیر و عامل آن یعنی محمدرضا کلاهی اظهاراتی داشته از جمله اینکه « محمدرضا کلاهی و مسعود کشمیری که واقعه بعد را پدید آورد هر دو هم اکنون در کمپ اشرف هستند حتی نقشه عملیاتی این کار همچنان در کمپ اشرف وجود دارد » وی در مورد عدم پذیرش مسئولیت واقعه ۷ تیر از سوی منافقین معتقد است که از آنجایی که بار این واقعه بسیار سنگین بوده و ۱۷۰ الی ۸۰ نفر از سران یک مملکت را به یکباره از بین بردند مسئولیت آن را قبول نکردند وی همچنین در مورد علت ترور گفت: « مجاهدین خلق آیت الله بهشتی را در رأس دولت ایران می دانستند و معتقد بودند گرچه آیت الله خمینی رهبر است ولی تحت تأثیر آیت الله بهشتی است و در تمامی راهپیمایی های پس

۳۰ خرداد که بنی صدر عزل شد شعارها بر علیه بهشتی تنظیم شده بود.»<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - همان

<sup>۲</sup> - ساپیت GERDAB.ir ، ۹/۴/۹۰

## نتیجه گیری:

در طی سال هایی که امام خمینی در خارج از کشور در تبعید به سر می برد نهضتی که ایشان رهبر آن بود توسط پیروان و یارانش در حال پیشروی بود. نهضتی که پایه های رژیم را متزلزل ساخت، یاران امام برای رسیدن به پیروزی از هیچ تلاشی دریغ نکردند و در این راه بارها گرفتار شکنجه، تبعید و زندان شدند. ولی با این وجود هیچ کدام از این موارد آنها را در عزمشان دچار ضعف و ناامیدی نکرد. یکی از این افراد آیت الله بهشتی بود. زندگی آیت الله بهشتی در دو مرحله قابل بررسی است مرحله قبل از انقلاب و پس از انقلاب، وی در هر دو مرحله فعالیت و اقدامات موثری در جهت خدمت به نهضت امام انجام داد. او در دهه های ۳۰ و ۴۰ با تأسیس مدرسه دین و دانش و مدرسه حقانی به ساختار حوزه نظم و سازماندهی بخشید. و در دهه ی ۴۰ پس از اینکه از قم به تهران منتقل شد در کنار فعالیت در شورای فقهی هیات مولفه از سوی مراجع به هامبورگ رفت و به مدت ۶ سال در آنجا خدمات ارزنده ای در معرفی اسلام برای غربیان انجام داد و پس از بازگشت با وجود اینکه پیشنهاد های کاری زیادی از جمله تدریس در حوزه و دانشگاه داشت در سازمان تدوین کتب دینی مشغول شد تا به گفته خودش «جهاد و اسلام را به مدارس ببرد». در سال های ۵۶ و ۵۷ زمانی که از فضای خفقان حاکم بر ایران از سوی رژیم کاسته شد و به دنبال درگذشت فرزند امام و علنی شدن مبارزات مردم علیه رژیم وی نیز به فعالیت خود شکل تازه ای بخشید و با تأسیس جامعه روحانیت مبارز به کمک دیگر روحانیون سعی کرد که مبارزات مردم را جهت داده و آن را هدایت نمایند. آیت الله بهشتی پس از اینکه انقلاب به پیروزی رسید و امام به وطن بازگشت شورای انقلاب را به کمک دیگر دوستانش تشکیل داده و حتی اعضای جدید شورای انقلاب با تأیید و پیشنهاد وی و آیت الله مطهری به امام معرفی می شدند. او پس از فوت آیت الله طالقانی دبیر کل شورای انقلاب بود و پس از چند روز از پیروزی انقلاب از آنجایی که از سالها قبل به فکر تشکیل حزب بود با موافقت امام آن را به همراه چهار مؤسس دیگر حزب تأسیس کردند. در حل ماجرای توطئه کردستان به همراه هیئت اعزامی در ۱ فروردین سال ۵۸ به عنوان نماینده امام عازم کردستان شد. در مجلس خبرگان با وجود اینکه نایب رئیس بود و رئیس مجلس آیت الله منتظری بود. ریاست مجلس به وی سپرده می شد و وی در اداره و مدیریت مجلس توانایی بالایی داشت و شاهد این ادعا صورت مذاکرات مجلس می باشد. همچنین در تصویب اصل ۵ که مربوط به ولایت فقیه می باشد تلاش زیادی کرد. و در مجلس به عنوان مدافع این اصل استدلال و دلایل زیادی را عنوان نمود. امام با توجه به اینکه از آیت الله بهشتی شناخت کافی داشت در طی حکمی وی را به ریاست دیوان عالی منصوب نمود. او با طرح ها و پیشنهاد های خود از جمله پلیس قضایی و طرح لایحه قصاص منشأ تحولاتی در قوه قضائیه شد. همچنین در قانون اصلاحات ارضی که هدفش حق مالکیت کشاورزان و احیای اراضی موات بود تلاش زیادی برای حل مشکل کشاورزان به کار برد. به دلیل

حضور فعال آیت الله بهشتی و نقشی که وی داشت دشمنان او حضورش را برنتافته و برای نابودی وی از هیچ تلاشی دریغ نکردند. در ابتدا با ترور شخصیت وی، سعی کردند او را در اذهان عموم ملکوک ساخته اگرچه توفیقی به دست نیاوردند و سرانجام با انفجار بمب مهیب در دفتر مرکزی حزب او را به شهادت رساندند

## کتابنامه:

### اسناد :

الف) : اسناد منتشر نشده : ۱- آرشیو اسناد انقلاب اسلامی باشماره باز یابی های (۰۰۶۰۹۰۱۲، ۰۰۴۱۰۰۴۷، ۰۰۴۱۰۰۰۴، ۰۰۴۱۰۰۱۱)

### ب): اسناد منتشر شده

- ۱- اسناد انقلاب اسلامی ، ج سوم ، تهیه و تنظیم : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۴ .
- ۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا ، دانشجویان پیرو خط امام ، کتاب سوم ، پنجم ، ششم ، تهران ، مؤسسه مطالعات و پژوهش سیاسی ، ۱۳۸۶ .
- ۳- یاران امام به روایت ساواک ، شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، مرکز بررسی های اسناد تاریخی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۴- یاران امام به روایت اسناد ساواک ، ج سوم (آیت الله بهشتی) تهران ، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، چ اول ، ۱۳۷۷ .

### منابع دست اول :

- ۱- آزادی ، هرج و مرج ، زور مداری ، میزگرد آیت الله بهشتی ، حبیب الله پیمان ، مهدی فتح پور ، نورالدین کیانوری، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله بهشتی ، تهران ، بقعه ، ۱۳۸۱ .
- ۲- از حزب چه میدانیم، مصاحبه با دکتر بهشتی، تهران، انتشارات دفتر مرکزی، حزب جمهوری، بی تا.
- ۳- استادی ، رضا ، خاطرات حاج شیخ رضا استادی ، تدوین: عبدالرحیم اباذری ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۸ .
- ۴- استمپل ، جان ، درون انقلاب ایران ، ترجمه منوچهر شجاعی ، تهران ، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸ .

- ۵- امیر انتظام، عباس، **آن سوی اتهام** ( خاطرات عباس امیر انتظام از شهریور ۵۷ تا خرداد ۶۰ )، تهران، نی، چاپ دوم ۱۳۸۱.
- ۶- انصاریان، حسین، **خاطرات حجت الاسلام حاج شیخ حسین انصاریان**، تدوین: رحیم نیکبخت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۷- **انقلاب اسلامی به روایت خاطره ( از دوران زعامت آیت بروجردی تا قیام ۱۵ خرداد)** تدوین خاطرات و تاریخ شفاهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۸- **اوبه تنهایی یک امت بود**، دفتر اول، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
- ۹- **بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت**، تهران، مهندس بازرگان، چ پنجم، ۱۳۶۳.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، **خاطرات بازرگان ( شصت سال خدمت و مقاومت)** ج دوم، گفتگو با غلامرضا نجاتی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۱- **بنابی، عبدالمجید، خاطرات حجت الاسلام شیخ عبدالمجید بنابی**، تدوین: مصطفی قلی زاده علیار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۱۲- **بنی فضل، مرتضی، خاطرات آیت الله مرتضی بنی فضل**، تدوین: عبدالرحیم اباذری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۱۳- **بهشتی اسطوره ای بر جاودانه تاریخ**، دفتر سوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
- ۱۴- **بهشتی سید مظلوم امت**، دفتر دوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
- ۱۵- **پاسخ به سوالات**، گفتار شماره ۱۴ حزب جمهوری، تهران، حزب جمهوری، ۱۳۶۲.
- ۱۶- **پیشگاهی فرد، محمد، خاطرات محمد پیشگاهی فرد**، تدوین: رضامختاری اصفهانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۷- **توکل‌ی بینا، ابوالفضل، دیدار در نوفل لوشاتو ( خاطرات سیاسی - اجتماعی ابوالفضل توکل‌ی بینا)** تدوین: فرامرز شعاع حسینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.

- ۱۸- جاسبی، عبدالله، **تشکل فراگیر (مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی)** ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۹- جعفری، محمد مهدی، **همگام با آزادی** : خاطرات شفاهی سید محمد مهدی جعفری تدوین: قاسم یاحسینی، ج ۲، قم، صحیفه فرد، ۱۳۸۹.
- ۲۰- جنتی، علی، **خاطرات علی جنتی** تدوین: سعید فخرزاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۲۱- حسینی بهشتی، محمد، باهنر، محمد جواد، گلزاده غفوری، علی، **شناخت اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۲۲- \_\_\_\_\_، **ارزشها در نگاه شهید بهشتی**، تهران، انتشارات روزنامه جمهوری، ۱۳۷۸.
- ۲۳- \_\_\_\_\_، **اقتصاد اسلامی**، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
- ۲۴- \_\_\_\_\_، **بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های بهشتی، تهران، بقعه، چ اول، ۱۳۸۶.
- ۲۵- \_\_\_\_\_، **حزب جمهوری مواضع تفصیلی**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۸.
- ۲۶- \_\_\_\_\_، **ربا در اسلام**، تهران، چاپ و نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۲۷- \_\_\_\_\_، **سخنرانی و مصاحبه های آیت الله بهشتی ج ۳، ۱۲، تدوین: محمدرضا سارابندی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۲۸- \_\_\_\_\_، **مبانی نظری قانون اساسی**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۷۸.
- ۲۹- \_\_\_\_\_، **نقش انبیاء و پیامبران در هدایت و عدالت**، ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر، تهران، دفتر مرکزی حزب جمهوری، چ اول، ۱۳۶۲.
- ۳۰- \_\_\_\_\_، **ولایت، رهبری و روحانیت**، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، تهران، بقعه، چاپ سوم، ۱۳۸۳.

- ۳۱- خاکساران ، محمد حسین ، **خاطرات محمد حسین خاکساران** ، تدوین : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۳۲- خامنه ای ، علی ، **خاطرات و حکایت ها** ، ج ۲، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸.
- ۳۳- خزعلی، ابوالقاسم، **خاطرات آیت الله ابوالقاسم خزعلی**، تدوین: حمید کرمی پور، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲.
- ۳۴- خلخالی، صادق، **خاطرات آیت الله صادق خلخالی**، تهران، سایه، ۱۳۷۹.
- ۳۵- خمینی ، روح الله ، **صحیفه امام** ، ج ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۲۰، تهران ، چاپ وانتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۸.
- ۳۶- دستغیب ، علی اصغر، **خاطرات حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب** ، تهیه و تنظیم : مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران ، چ اول ، ۱۳۷۸.
- ۳۷- دعاگو ، محسن ، **خاطرات حجت الاسلام محسن دعاگو**، تدوین: زهره کلاچیان ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲.
- ۳۸- دوانی ، علی ، **نقد عمر : زندگانی و خاطرات علی دوانی** ، تهران ، رهنمون ، ۱۳۸۱.
- ۳۹- **راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی** ، تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات ، تهران ، ۱۳۶۸.
- ۴۰- رحیمیان ، محمد حسن ، **حدیث رویش : خاطرات حجت الاسلام رحیمیان** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲.
- ۴۱- روحانی، حسن، **خاطرات حسن روحانی**، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۴۲- سبحانی ، عزت الله ، **نیم قرن خاطره و تجربه** ، تهران ، فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.
- ۴۳- سنجابی، کریم، **خاطرات سیاسی کریم سنجابی**، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱.
- ۴۴- سولیوان ، ویلیام ، **سر آنتونی پارسونز ، خاطرات دوسفیر** ، ترجمه محمود طلوعی ، تهران ، نشر علم ، ۱۳۷۳.

- ۴۵- سیک ، گری ، همه چیز فرو می ریزد ، ترجمه علی بختیار زاده ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴.
- ۴۶- شریف امامی ، جعفر ، **خاطرات جعفر شریف امامی** ، تهران ، سخن ، ۱۳۸۰.
- ۴۷- شعبانی ، امامعلی ، **تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۷.
- ۴۸- شورای عالی قضایی به ریاست آیت الله بهشتی، **طرح لایحه قصاص**، کانون انتشارات ناصر، ۱۳۶۰.
- ۴۹- **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**، ج اول، تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات ، تهران ، ۱۳۶۸.
- ۵۰- طاهر گرگانی، حبیب الله ، **خاطرات آیت الله حبیب الله طاهر گرگانی** ، تدوین: غلامرضا خارکوهی ، تهران ، سوره مهر ، ۱۳۸۸.
- ۵۱- طاهری خرم آبادی، **خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی** ، تدوین: محمد رضا احمدی، ج ۲، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۷-۱۳۸۴.
- ۵۲- طباطبایی، صادق، **خاطرات سیاسی اجتماعی صادق طباطبایی**، ج ۱، ج ۳، موسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۸۷.
- ۵۳- عزت شاهی ، **خاطرات عزت شاهی به کوشش محسن کاظمی** ، تهران ، سوره مهر ، ۱۳۸۵.
- ۵۴- فارسی، جلال الدین ، **زوایای تاریک** ، تهران ، حدیث ، ۱۳۷۳.
- ۵۵- فلسفی ، محمد تقی ، **خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی**، تهیه و تنظیم مرکز اسناد، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵۶- قدیریان، احمد، **خاطرات احمد قدیریان**، به کوشش سید حسین نبوی ، محمد رضا سرابندی ، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.



- ۵۷- کشمیری ، محمدجواد ، **خاطرات حجت الاسلام محمد جواد کشمیری** ، تدوین: مصطفی سید صادقی، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۷.
- ۵۸- **گذشته چراغ راه آینده است** ، پژوهش گروه جامی ، تهران، انتشارات نیلوفر ، چ دوم ، ۱۳۶۲.
- ۵۹- **گفتگوبهاشمی رفسنجانی : حقیقت ها ومصلحت ها** ، به اهتمام مسعود سفیری ، تهران ، نی ، ۱۳۷۸.
- ۶۰- **مجموعه مصاحبه های آیت الله خامنه ای در سال ۶۰** ، تهران ، سروش ، ۱۳۶۶.
- ۶۱- محلاتی ، فضل الله، **خاطرات ومبارزات شهید محلاتی** ، تهیه وتنظیم : مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۸.
- ۶۲- مظفر ، محمد جواد ، اولین رئیس جمهور : پنج گفتگو درباره اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران دی ماه ۵۸ ، جلال الدین فارسی ، بنی صدر ، حسن حبیبی ، عزت الله سبحانی ، آیت الله بهشتی ، تهران ، کویر ، ۱۳۷۸.
- ۶۳- معادی خواه ، عبدالمجید، **جام شکسته : خاطرات حجت الاسلام عبدالمجید معادی خواه** ، ج ۲، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲-۱۳۸۴.
- ۶۴- موسوی فرد ، محسن ، **خاطرات سید محسن موسوی فرد (کاشانی)** تدوین: مهدی قیصری ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۶۵- مهاجری، مسیح، **بهشتی وانقلاب**، تهران، اوج ، ۱۳۶۱.
- ۶۶- میثمی ، لطف الله ، **خاطرات لطف الله میثمی** ، ج ۲، تهران ، صمدیه ، ۱۳۸۱.
- ۶۷- ناطق نوری ، علی اکبر ، **خاطرات حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری**، تدوین: مرتضی میردار ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲.
- ۶۸- نجف پور ، مجید ، **تاریخ شفاهی جامعه روحانیت مبارز تهران** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۷.
- ۶۹- نیکبخت ، رحیم ، **زندگی ومبارزات آیت الله مفتاح** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۴.

۷۰- نیمه پنهان ، رهایی از توهم ، خاطرات عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ، تهران ، کیهان، ۱۳۸۷.

۷۱- والدهایم ، کورت ، کاخ شیشه ای سیاست ، ترجمه عبدالرحمان صدریه ، تهران ، اطلاعات، ۱۳۶۶.

۷۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر ، دوران مبارزه ، ج اول ، تهران ، دفتر نشر معارف انقلاب ، چ اول ، ۱۳۷۶.

۷۳- \_\_\_\_\_ ، کارنامه و خاطرات سالهای ۵۷ و ۵۸ : انقلاب و پیروزی زیر نظر محسن هاشمی به اهتمام عباس شبیری ، تهران ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۳.

۷۴- \_\_\_\_\_ ، کارنامه و خاطرات سال ۵۹ زیر نظر محسن هاشمی ، با اهتمام عباس شبیری، تهران ، دفتر معارف انقلاب، ۱۳۸۴.

۷۵- \_\_\_\_\_ ، کارنامه و خاطرات سال ۶۶: دفاع و سیاست ، به اهتمام علیرضا هاشمی ، تهران ، دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۹.

۷۶- \_\_\_\_\_ ، مصاحبه های سال ۶۰ زیر نظر محسن هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۸.

۷۷- یزدی، ابراهیم، آخرین تلاش در آخرین روزها ، بی جا، قلم، ۱۳۶۳.

### منابع مطالعاتی و تحقیقات :

۷۸- آبراهامیان ، یرواند ، ایران بین دو انقلاب ، ترجمه احمد گل محمدی ، محمد ابراهیم فتاحی ، تهران، نی ، ۱۳۷۷.

۷۹- ابراهیم زاده ، حسن ، بهشتی در زمین ، تهران ، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.

۸۰- اردشیری لاجیمی ، حسن ، گزیده ای از دیدگاه های شهید بهشتی ؛ تهیه مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما ، قم : بوستان کتاب ( مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ) ۱۳۸۷.

۸۱- اشرفی ، اکبر ، مبانی سیاسی امام خمینی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۷.

۸۲- افتخار زاده ، محمود ، بهشتی اینگونه بود ، بهشتی اینگونه گفت ، اینگونه خواست ، قم ، مؤسسه قدس ، ۱۳۵۷.

۸۳- امینی ، داود ، جمعیت فدائیان اسلام ونقش آن در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۱.

۸۴- بازشناسی یک اندیشه : یادنامه بیستمین سالگرد شهادت آیت الله دکتر بهشتی ، تهیه وتنظیم بنیاد نشر آثار وانديشه های آیت الله بهشتی با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان ، تهران، اصفهان ، بقعه ، انجمن آثار ومفاخر فرهنگی استان اصفهان ، ۱۳۸۰.

۸۵- باقی ، عمادالدین ، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران ، قم ، ۱۳۷۳.

۸۶- \_\_\_\_\_ ، تولد یک انقلاب ، تهران ، سرایی ، ۱۳۸۱.

۸۷- پاشا زاده ، غلامعلی ، زندگی ومبارزات اسدالله لاجوردی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

۸۸- ترک چی ، فاطمه ، شهید حجت الاسلام محمد جواد باهنر به روایت اسناد ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۱.

۸۹- جعفریان ، رسول ، جریان ها وجنبش های مذهبی - سیاسی (۱۳۲۰-۵۷) تهران ، مؤسسه فرهنگی دانش وانديشه ی معاصر ، ۱۳۸۱.

۹۰- جوانمرد ، احسان ، رفتار سیاسی شهید مطهری وانقلاب اسلامی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۵.

۹۱- حسینیان ، روح الله ، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۴۳-۵۶) ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۳.

۹۲- خداوردی ، حسن ، روابط ایران وآمریکا از پیروزی انقلاب تا تسخیر لانه جاسوسی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۸.

۹۳- خلیلی ، اکبر ، گام به گام با انقلاب ، ج اول ، تهران ، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ، چ اول ، ۱۳۷۵.

۹۴- دارابی ، علی ، سیاستمداران اهل فیضیه ، تهران ، سیاست ، ۱۳۷۹ .

۹۵- دوانی ، علی ، نهضت روحانیون ایران ، ج ۹ و ۱۰ ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۷.

۹۶- راعی ، سجاد ، دولت های رجایی ، باهنر ، آیت الله مهدوی کنی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۷.

۹۷- ربانی خلخالی ، علی ، شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر ، قم ، مکتب الحسین ، ۱۴۰۲ ق .

۹۸- رجایی ، غلامعلی ، سیره آیت الله بهشتی ، به سفارش اداره کل تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی ، تهران : بنیاد شهید انقلاب اسلامی نشر شاهد ، ۱۳۸۱.

۹۹- \_\_\_\_\_ ، سیره شهید رجایی ، تهران ، نشر شاهد ، ۱۳۷۷.

۱۰۰- رضوی ، مسعود ، هاشمی و انقلاب ، تهران ، همشهری ، ۱۳۷۶.

۱۰۱- رفیع پور ، فرامرز ، توسعه و تضاد ، تهران ، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۷۶.

۱۰۲- رنجبران ، بهار ، بهشتی در قاب ، تهران ، پیام آزادی ، ۱۳۸۷.

۱۰۳- روحانی ، حمید ، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ، تهران ، دار الفکر ، ۱۳۵۶.

۱۰۴- زرینی ، حسین ، حسین هژیریان ، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن ، ج دوم ، به سفارش معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضایی مرکز مطالعات توسعه قضایی تهران ، روزنامه رئیس جمهوری ، ۱۳۸۸.

۱۰۵- زیباکلام ، صادق ، مقدمه ای بر انقلاب اسلامی ، تهران ، روزنه ، ۱۳۷۵.

- ۱۰۶- سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (۴۴-۸۴) به کوشش جمعی از پژوهشگران، ج اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۵-۱۳۸۴.
- ۱۰۷- ستوده، امیر رضا، حمید کاویانی، بحران ۴۴۴ روز، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۹.
- ۱۰۸- شب زنده دار، محمد، گذری بر اندیشه های شهید مظلوم، بی جا، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۰.
- ۱۰۹- شیخ فرشی، فرهاد، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۱۰- صدیقی، وحید الزمان، انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه سید مجید روئین تن، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۱۱۱- عزیزی، حشمت الله، زندگی و مبارزات آیت الله طالقانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۱۱۲- علی بابایی، داود، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت، ج اول، تهران، امید فردا، ۱۳۸۱.
- ۱۱۳- علیزاده، علی، عقل ملکوتی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۱۴- فوزی توپسرکانی، یحیی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب در ایران، ج ۲، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴.
- ۱۱۵- قاسمی، صدیقه، اسلام و مقتضیات زمان از دیدگاه شهید سید محمد حسینی بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۵.
- ۱۱۶- \_\_\_\_\_، شناخت اندیشه های اجتماعی آیت الله بهشتی، تهران، بقعه، ۱۳۸۴.

۱۱۷- کردی، علی، جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل گیری تا انشعاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۱۸- \_\_\_\_\_، زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۱۹- کوشکی، محمد صادق، تبار ترور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۲۰- لک زایی، شریف، آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله مطهری و بهشتی، تهیه: مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۱۲۱- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج دوم، قم، دفتر نشر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۲۲- مظفری، اکبر، جفای دوستان، قم، شاکر، ۱۳۸۵.

۱۲۳- مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تهران، روزنه، ۱۳۸۰.

۱۲۴- ملایی توانی، علیرضا، زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی، تهران، نی، ۱۳۸۸.

۱۲۵- ملکی، هدی، تصویر ماندگار، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷.

۱۲۶- منصوری، جواد، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

۱۲۷- میلانی، محسن، شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطار زاده، تهران، گام نو، ۱۳۸۱.

۱۲۸- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله (از کودتا تا انقلاب)، ج ۲، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.

۱۲۹- نظری ، مرتضی ، **خاطرات ماندگار از آیت الله بهشتی** ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ،

۱۳۷۸

۱۳۰- نعمتی زرگران ، مرتضی ، **شهید دکتر باهنر**، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۳.

۱۳۱- نقیب زاده ، احمد ، وحید امانی زوارم ، **نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲.

۱۳۲- **هفت هزار روز** ، ج اول ، پدیدآورنده : بخش خاطرات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ، زیر نظر غلامرضا کرباسچی ، تهران ، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۱.

۱۳۳- هوشنگ مهدوی ، عبدالرضا ، **انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی** ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۸.

## مقالات:

۱- **فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر** ، صاحب امتیاز و مدیر مسئول : حمید روحانی ، بخش ویژه : گفتگو با محمد کیارشی ، دوره ی سوم ، سال هفتم ، شماره ۲۳ ، سال ۱۳۸۹.

۲- **فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر** ، حیدری ، اصغر ، (انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه طلب) دوره ی سوم ، سال نهم ، شماره ۳۱ ، ۱۳۹۱ ،

## روزنامه:

۱- اطلاعات ۸۰ سال ، ۵۷/۱۱/۳۰ ،

۲- روزنامه شرق ، سال نهم ، شماره ۱۵۵۹ ، ۹۱/۴/۳ ،

۳- ویژه نامه کیهان ، سال ۶۰-۶۱ شماره ۱۱۹۰۲

۴- روزنامه میزان ، شنبه ۱ آذر سال ۵۹ ، شماره ۵۸

- ۵- روزنامه انقلاب اسلامی، پنج شنبه ۲۲ شهریور سال ۵۸، شماره ۶۹
- ۶- روزنامه انقلاب اسلامی، پنج شنبه، ۲ بهمن سال ۵۹، شماره ۴۵۶
- ۷- روزنامه انقلاب اسلامی، پنج شنبه، ۱۶ بهمن سال ۵۹، شماره ۴۶۷
- ۸- روزنامه مجاهد سال دوم، پنج شنبه ۲۰ فروردین سال ۶۰، شماره ۱۱۵
- ۹- روزنامه مجاهد، سال دوم، پنج شنبه ۲۴ اردیبهشت سال ۶۰، شماره ۱۲۰

#### سایت :

۱- Haraz News .ir.com ، ۹۱/۴/۱۱

۲- GERDAB .ir.com ، ۹۰/۴/۹

#### مصاحبه:

مصاحبه نگارنده با علیرضا حسینی بهشتی در بنیاد نشر آثار آیت الله بهشتی جلسه اول در ۹۱/۴/۲۰ جلسه دوم ۹۱/۸/۳

مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام مسیح مهاجری ( سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی ) ، در دانشگاه مذاهب اسلامی ، ۹۱/۸/۷

مصاحبه نگارنده با محمد جواد مظفر مدیر انتشارات کویر ، در دفتر انتشارات ، ۹۱/۸/۱۸